

## جهاد با نفس

### شیخ حر عاملی قدس سره مترجم : علی افراصیابی

-فهرست-

#### ★ مقدمه

- (\*) ابواب جهاد النفس و ما يناسبه )
- (\*) بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است .
- 1 - باب وجوبه
- 1 - باب وجوب با نفس
- 2 - باب الفروض على الجوارح وجوب القيام بها
- 2 - باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادای آن واجبات
- 3 - باب جمله مما ينبغي القيام به من الحقوق الواجبة والمندوبة
- 3 - باب حقوق واجب و مستحبی که قیام به آنها سزاوار است
- 4 - باب استحباب ملازمہ الصفات الحمیدہ و استغمالها و ذکر نبذه منها
- 4 - باب استحباب کسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذکر تعدادی از آنها
- 5 - باب استحباب التفکر فيما يوجب الاعتبار والعمل
- 5 - باب استحباب تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است
- 6 - باب استحباب التخلق بمكارم الاخلاق و ذکر جمله منها
- 6 - باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو
- 7 - باب وجوب اليقين بالله في الرزق و العمر و النفع و الضر
- 7 - باب وجوب یقین داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر
- 8 - باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل
- 8 - باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن با جهل و نادانی
- 9 - باب وجوب غلبه العقل على الشهوة و تخريم العكس
- 9 - باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

- 10- باب وجوب الاعتصام بالله
- 10- باب وجوب چنگ زدن به ریسمان الهی
- 11- باب وجوب التوکل علی الله و التفویض الیه
- 11- باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او
- 12- باب عدم جواز تعلق الرجاء و الاامل بغیر الله
- 12- باب عدم جواز امید و آرزو داشتن به غیر خدا
- 13- باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما یزجو و یخاف
- 13- باب وجوب جمع بین خوف و رجا و عمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد
- 14- باب وجوب الخوف من الله
- 14- باب وجوب ترس از خدا
- 15- باب استحباب کثره البکا من خشیه الله
- 15- باب استحباب زیاد گریستن از خوف خدا
- 16- باب وجوب حسن الظن بالله و تحريم سوء الظن به
- 16- باب وجوب حسن ظن به خداوند و تحريم بدگمانی نسبت به خدا
- 17- باب استحباب دم النفس و تادیبها و مقتتها
- 17- باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس
- 18- باب وجوب طاعه الله
- 18- باب وجوب فرمانبرداری از خداوند
- 19- باب وجوب الصبر علی طاعه الله و الصبر عن معصیه
- 19- باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت خداوند
- 20- باب وجوب تقوی الله
- 20- باب وجوب رعایت تقوای الهی
- 21- باب وجوب الورع
- 21- باب وجوب پارسایی
- 22- باب وجوب العفة
- 22- باب وجوب پاکدامنی
- 23- باب وجوب اجتناب المحارم
- 23- باب وجوب خودداری از حرامها
- 24- باب وجوب اداء الفرائض

- 24 باب وجوب ادائی واجبات
- 25 باب استحباب الصبر فی جميع الامور
- 25 باب استحباب صبر در تمامی کارها
- 26 باب استحباب الحلم
- 26 باب استحباب بردباری
- 27 باب استحباب الرفق فی الامور
- 27 باب استحباب مدارا نمودن در کارها
- 28 باب استحباب التواضع
- 28 باب استحباب فروتنی نمودن
- 29 باب استحباب التواضع عند تجدد النعمة
- 29 باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدم حاصل می شود
- 30 باب تاکد استحباب التواضع للعالم و المتعلم
- 30 باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز
- 31 باب استحباب التواضع فی الماکل و المشرب و نخوهما
- 31 باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها
- 32 باب وجوب ایثار رضا الله علی هی النفیس و تحريم العکس
- 32 باب وجوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحريم پیروی از هوای
- نفس
- 33 باب وجوب تدبر العاقبہ قبل العمل
- 33 باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل
- 34 باب وجوب انصاف الناس ولو من النفس
- 34 باب وجوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد
- 35 باب انه يجب على المؤمن ان يحب للمؤمنين ما يحب لنفسه و ويكره لهم ما يكره لها
- 35 باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومنین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد
- 36 باب استحباب اشتغال الانسان بعیب نفسه عن عیب الناس
- 36 باب استحباب اینکه آدمی به جای اینکه به عیبجویی از دیگران بپردازد به عیب خود مشغول باشد
- 37 باب وجوب العدل

37 - باب وجوب عدالت

38 - باب انه لايجوز لمن وصف عدلا ان يخالفه الى غيره

38 - باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل کند

39 - باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر

39 - باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند

40 - باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنب

40 - باب وجوب دوری نمودن از لغزشها و گناهان

41 - باب وجوب اجتناب المعا�ى

41 - باب وجوب خودداری نمودن از گناهان

42 - باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمه

42 - باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهاي حرام

43 - باب وجوب اجتناب المحرقات من الذنب

43 - باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند

44 - باب تحريم كفران نعمه الله

44 - باب تحريم ناسپاسی در برابر نعمت خداوند

45 - باب وجوب اجتناب الكبائر

45 - باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره

46 - باب تعین الكبائر التي يجب اجتنابها

46 - باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است

47 - باب صحة التوبه من الكبائر

47 - باب صحيح بودن توبه از گناهان کبیره

48 - باب تحريم الاصرار على الذنب و وجوب المبادره بالتوبه و الاستغفار

48 - باب تحريم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار

49 - باب جمله مما ينبغي تزکه من الخصال المحرمه و المكروهه

49 - باب تعدادی از خصلتهاي حرام و مکروه که سزاوار است ترك شوند

50 - باب تحريم طلب الرئاسه مع عدم الوثوق بالعدل

50 - باب تحريم رياست طلبي زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی

51 - باب استحباب لزوم المنزلي غالبا مع التيان بحقوق الاخوان لمن يشق عليه

اجتناب مفاسد العشره

- 51 باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالبا در خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند
- 52 باب تحريم اختتال الدنيا بالدين
- 52 باب حرام بودن فریفتون (مردمان) دنيا به وسیله دین
- 53 باب وجوب تسکین الغضب عن فعل الحرام و ما يسكن به
- 53 باب وجوب آرام نمودن قوه غضب از اینکه موجب ارتکاب حرام شود و بیان آنچه که غضب را بر طرف می کند
- 54 باب وجوب ذكر الله عند الغضب
- 54 باب وجوب یاد کردن خداوند در هنگام خشم
- 55 باب تحريم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغبطة
- 55 باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطة
- 56 باب جمله مما عفى عنه
- 56 باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند
- 57 باب تحريم التعصب على غير الحق
- 57 باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق
- 58 باب تحريم التكبر
- 58 باب تحريم خود بزرگ بينی
- 59 باب تحريم التجبر و التیه و الاختیال
- 59 باب حرام بودن تکبر و لاف زدن و بزرگ منشی
- 60 باب حد التکبر و التجبر المحرمين
- 60 باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام
- 61 باب تحريم حب الدنيا المحرمه و وجوب بعضها
- 61 باب تحريم دوستی دنيا و وجوب دشمن داشتن دنيا
- 62 باب استحباب الزهد فى الدنيا و حد الزهد
- 62 باب استحباب زاهدانه زندگی کردن در دنيا و حد زهد
- 63 باب استحباب ترك ما زاد عن قدر الضروره من الدنيا
- 63 باب استحباب ترك نمودن آنچه از دنيا که بیش از اندازه ضرورت است
- 65 باب كراهة حب المال و الشرف
- 65 باب كراحت دوستی دارایی و ارجمندی
- 66 باب كراهة الصجر و الكسل

- 66 باب کراحت بی قراری نمودن و سستی کردن
- 67 باب کراهه الطمع
- 67 باب کراحت طمع ورزیدن
- 68 باب کراهه الخرق
- 68 باب کراحت درشتی کردن (ناسازگاری )
- 69 باب تحريم اساءه الخلق
- 69 باب تحريم بد اخلاقی
- 70 باب تحريم السفة و کون الانسان ممن یتقى شره
- 70 باب تحريم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می شود
- 71 باب تحريم الفحش و وجوب حفظ الانسان
- 71 باب تحريم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان
- 72 باب تحريم البداء و عدم المبالغ بالقول
- 72 باب تحريم هرزه گویی و بدون مبالغات سخن گفتن
- 73 باب تحريم القذف حتی للمشرک مع عدم الاطلاع
- 73 باب تحريم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتی به مشرک
- 74 باب تحريم البغى
- 74 باب تحريم تعدی و تجاوز
- 75 باب کراهه الافتخار
- 75 باب کراحت به خود بالیدن و مبارفات کردن
- 76 باب تحريم قسوه القلب
- 76 باب تحريم قساوت قلب
- 77 باب تحريم الظلم
- 77 باب تحريم ظلم
- 78 باب وجوب رد المظلوم الى اهلها و اشتراط ذلك فى التوبه منها فان عجز  
الستغفر الله للمظلوم
- 78 باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و  
اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز  
بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند
- 79 باب اشتراط توبه من اضل الناس برده لهم الى الحق

- 79 باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراه نموده به اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند
- 80 باب تحريم الرضا بالظلم و المعونه للظالم و اقامه عذرہ
- 80 باب تحريم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او
- 81 باب تحريم اتباع الهوى الذى يخالف الشرع
- 81 باب تحريم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است
- 82 باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنوب و استحقاق العقاب
- باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و به اینکه مستحق کیفر است
- 83 باب وجوب الندم على الذنوب
- 83 باب وجوب پشمیمانی بر گناهان
- 84 باب وجوب ستر الذنوب و تحريم التظاهر بها
- 84 باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحريم آشکارا گناه کردن
- 86 باب وجوب التوبه من جميع الذنوب و العزم على ترك العود ابدا
- 86 باب وجوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد
- 87 باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها
- 87 باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن
- 88 باب استحباب صوم الاربعاء والخميس والجمعة للتوبه واستحباب الغسل و الصلاه لها
- 88 باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه
- 89 باب جواز تجدید التوبه و صحتها مع الاتيان بشرطها و ان تكرر نقضها
- 89 باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر چه شکستن آن توبه تکرار گردد
- 90 باب استحباب تذکر الذنب والاستغفار منه كلما ذكره
- 90 باب استحباب يادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به ياد آورد
- 91 باب استحباب انتهاز فرص الخير والمبادرة به عند الامكان
- 91 باب استحباب غنيمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود

- 92 باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و لیله من غیر ذنب و وجوبه مع الذنب
- 92 باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد
- 93 باب صحه التوبه فی آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعاينه و کذا الاسلام
- 93 باب صحيح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که جان به گلو رسیده باشد پیش از اینکه مرگ را به چشم ببیند و همچنین است اسلام آوردن
- 94 باب استحباب الاستغفار فی السحر
- 94 باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر
- 95 باب انه يجب على الانسان ان يتلافى في يومه ما فرط في امسه ولا يخر ذلك الى غده
- 95 باب اینکه بر انسان واجب است که در روز آنچه را که در روز گذشته درباره آن کوتاهی کرده است تلافی کند و این کار را به فردا موكول نکند
- 96 باب وجوب محاسبه النفس کل یوم و ملاحظتها و حمد الله على الحسنات و تدارك السيئات
- 96 باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکیها و جبران نمودن بدیها
- 97 باب وجوب زیاده التحفظ عند زیاده العمر خصوصا ابنا، الأربعين فصاعدا
- 97 باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصا کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند
- 98 باب وجوب عمل الحسنة بعد السينة
- 98 باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه
- ترجمه :
- 99 باب صحه التوبه من المرتد
- 99 باب صحيح بودن توبه شخص مرتد
- 100 باب وجوب الاستغفال بصالح الاعمال عنالاھل و المال
- 100 باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال بپردازد
- 101 باب وجوب الحذر من عرض العمل على الله و رسوله و الائمه عليه السلام

101 - باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه  
عليه السلام

## مقدمه

### به نام خدا

کتاب) جهاد النفس ( مجموعه گرانسنگ حدیثی ) وسائل الشیعه ( در نزد عالمان اخلاق از اهمیت ویژه ای برخوردار بوده است و آن پاک نهادان همواره تشنه کامان اخلاق اسلامی و سالکان طریق را به خواندن و عمل کردن به این کتاب شریف سفارش می نموده اند، این امر ما را بر آن داشت تا به ترجمه این کتاب که به حق زنده کننده دلها (و) شناساننده راه نیکبختی ( است همت گماریم.

### ویژگیهای این اثر

- 1از آنجا که این ترجمه برای استفاده عموم است از ذکر سلسله سند احادیث که مورد اعتنا و توجه خواص است ، خودداری گردیده است.
- 2احادیث با دقت فراوان اعراب گذاری و به صورت مسلسل شماره گذاری شده است.
- 3احادیث در یک طرف و در طرف مقابل دقیقا ترجمه هر یک آورده شده به گونه ای که به ندرت ترجمه کلمه ای از حدیثی در صفحه بعد جای گرفته است.
- 4هیچ یک از احادیث کتاب حذف یا تقطیع نگردیده است و تنها در یک مورد از ذکر حدیثی که در همان باب از یک معصوم دوبار تکرار گردیده است خودداری شده است.
- 5آیاتی که در ضمن احادیث آورده شده با قلمی متمایز مشخص گردیده و نشانی هر آیه در زیر صفحه ذکر شده است.

به امید آنکه این ترجمه مایه روشنی چشم دوستداران اهل بیت علیه السلام و شناخت بیشتر راه و تصحیح اعمال گردد، پدر و مادر مترجم را از دعای خیر فراموش نفرمایید.

غرض نقشی است که کز ما جای ماند

که هستی را نمی بینم بقایی

مگر صاحبدلی روزی ز رحمت

کند در حق درویشان دعایی

قم ، بهار ۱۳۸۰  
علی افراصیابی

(ابواب جهاد النفس و ما بیناسبه )

(بابهای جهاد با نفس و آنچه مناسب با این موضوع است . )

- 1باب وجوبه

- 1 باب وجوب با نفس

حديث:

- 1 عن ابی عبد الله علیه السلام : ان النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ : بعث سریہ فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاکبر. فقيل يا رسول الله : ما الجهاد الاکبر؟ قال : جهاد النفس .

ترجمه:

- 1 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ عده ای را به جنگ فرستاد، چون از جنگ بازگشتند فرمود: آفرین به گروهی که پیکار کوچکتر را سپری کردند و پیکار بزرگتر بر عهده آنان به جای مانده است، گفته شد: ای فرستاده خدا پیکار بزرگتر چیست؟ فرمود پیکار با نفس.

حديث:

- 2 قال ابو عبدالله علیه السلام : احمل نفسك لنفسك فان لم تفعل لم يحملك غيرك .

ترجمه:

- 2 امام صادق علیه السلام فرمود: نفست را به خاطر خودت به زحمت و مشقت بیانداز زیرا اگر چنین نکنی دیگری خودش را برای تو به زحمت نمی افکند.

حديث:

- 3 قال ابو عبدالله علیه السلام لرجل : انك قد جعلت طبيب نفسك و بين لك الداء و عرفت آيه الصحة و دللت على الداء فانظر كيف قيامك على نفسك .

ترجمه:

- 3 امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: تو طبیب خود هستی و بیماری برای تو روشن و آشکار گردیده است و نشانه تندرسنی و سلامت را دانسته ای و بر داروی دردت نیز راهنمایی شده ای، پس بنگر که چگونه به کار نفس خوبیش می پردازی.

حديث:

- 4 قال ابو عبدالله علیه السلام لرجل : اجعل قلبك قرينا برا و ولدا و اصلا و اجعل علمك و الدا تتبعه و اجعل نفسك عدوا تجاهده و اجعل مالك عاريه تردها .

ترجمه:

- 4 امام صادق علیه السلام به مردی فرمود: قلب را (برای خودت) (به مثابه همدمنی مهریان و به منزله فرزندی که با تو دوستی خالصانه دارد قرار ده و دانشت را همچون پدری که از او پیروی می کنی و نفس را همانند دشمنی که با او به پیکار برخاسته ای و مال و دارایی ات را امانت و عاریتی بدان که آن را (باید به صاحبیش) برگردانی.

حديث:

- 5 قال و من الفاظ رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ : الشدید من غالب نفسه .

ترجمه:

- 5 از سخنان رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: توانمند کسی است که بر نفس خویش چیره شده باشد.

حديث:

- 6 قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : من لم يكن له واعظ من قلبه و زاجر من نفسه . ولم يكن له قرين مرشد استمکن عدوه من عنقه.

ترجمه:

- 6 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که اندرز دهنده ای از درون قلب خود و باز دارنده ای از درون جان خود نداشته باشد و همدمنی ارشادگر با او نباشد دشمنش (که همان هوای نفس و شیطان است) برگردان او چیره می گردد.

حديث:

- 7 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصيي النبي صلی الله علیه و آله لعلی قال : يا علی افضل الجهاد من اصبح لا ی لهم بظلم احد.

ترجمه:

- 7 از امام صادق عليه السلام و از پدرانش - که بر همگی درود باد - روایت است که فرمود: در سفارش پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی آمده است که فرمود: ای علی ! برترین جهاد آن است که کسی صبح کند در حالی که تصمیم ستم نمودن به احده را نداشته باشد.

حديث:

- 8 عن الصادق عليه السلام قال : من ملك نفسه اذا رغب و اذا رهب و اذا اشتھى و اذا غضب و اذا رضى حرم الله جسده على النار.

ترجمه:

- 8 از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: کسی که در هنگام فریفته شدن به چیزی و هنگام ترس و زمانی که میل به چیزی پیدا می کند و یا خشمگین و یا خوشنود می گردد مالک نفس خویش باشد (خورا نگاه دارد) خداوند بدن او را بر آتش حرام می گرداند.

حديث:

- 9 عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله بعث سریه فلما رجعوا قال مرحبا بقوم قضاوا الجهاد الاصغر و بقى عليهم الجهاد الاکبر قيل يا رسول الله و ما الجهاد الاکبر؟ فقال جهاد النفس . وقال صلی الله علیه و آله : ان افضل الجهاد من جاهد نفسه التي بين جنبيه.

ترجمه:

- 9 در روایت دیگری از امیرالمؤمنین عليه السلام پس از نقل روایتی شبیه به روایت اول این باب آمده است که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: برترین جهاد، جهاد کسی است

که با نفس درون خویش مجاهده می کند.

حدیث:

- 10 و عنہ علیہ السلام انه قال : المجاھد من جاھد نفسه .

ترجمه:

- 10 و از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: مجاهد کسی است که با نفس خویش مجاهده و مبارزه کند.

- باب الفروض على الجوارح وجوب القيام بها

- باب آنچه که بر هر عضوی از اعضای آدمی واجب گشته و وجوب قیام نمودن برای ادائی آن واجبات

حدیث:

- 11 عن ابی عبداللہ علیه السلام (فی حدیث طویل ) قال : ان الله فرض الايمان على جوارح ابن آدم و قسمه عليها و فرقه فيها فليس من جوارحه جارحة الا و قد وكلت من الايمان بغير ما وكلت به اختها - الى ان قال - فاما ما فرض على القلب من الايمان فالا قرار و المعرفة و العقد و الرضا و التسلیم بان لا اله الا الله وحده لا شريك له الها و احدا لم يتخذ صاحبه و لا ولدا و ان محمدا عبده و رسوله صلی الله علیه و آله الاقرار بما جاء من عند الله من نبی او كتاب فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو قول الله عزوجل (الا من اكره و قلبه مطمئن بالايمان ) و قال الا بذكر الله تطمئن القلوب و قال الذين قالوا امنا بافواههم و لم تومن قلوبهم و قال و ان بتدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء و يعذب من يشاء فذلك ما فرض الله على القلب من الاقرار و المعرفة و هو عمله و هو راس الايمان و فرض الله على اللسان القول و التعبير عن القلب بما عقد عليه و اقربه قال الله تبارك و تعالى اسمه . و قولوا للناس حسنا و قال قولوا آمنا بالذى انزل علينا و انزل اليکم و الہنا و الہکم واحد و نحن له مسلمون فهذا ما فرض الله على اللسان و هو عمله و فرض على السمع ان يتنهز عن الاستماع الى ما حرم الله و ان يعرض عما لا يحل له مما نهى الله عزوجل عنه و الاصغاء الى ما اسخط الله عزوجل في ذلك و قد نزل عليکم في الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفر بها و يستهزأ بها فلا تقعدهم حتى يخوضوا في حدیث غيره ثم استثنى موضع النسيان فقال و اما ينسينك الشيطان فلا تقععد بعد الذکر مع القوم الظالمین و قال فيبشر عباد الذين يستمعون القول فيتبعون احسنه اولئک الذين هذا هم الله و اولئک هم اولوا الالباب و قال تعالى قد افلح المؤمنون الذين هم في صلاتهم خاشعون و الذين هم عن اللغو معرضون و الذين هم للزکاه فاعلون و قال و اذا سمعوا اللغو اعرضوا عنه و قال و اذا مروا باللغو مروا كراما فهذا ما فرض الله على السمع من الايمان ان لا يصغي الى ما لا يحل له و هو عمله و هو من الايمان و فرض على البصر ان لا ينظر الى ما حرم الله عليه و ان يعرض عما نهى الله عنه مما

لايحل له و هو عمله و هو من الايمان فقال تبارك و تعالى : (قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ) ان ينظروا الى عوارتهم و ان ينظر المرأة الى فرج اخيه و يحفظ فرجه ان ينشر اليه و قال : (قل للمؤمنات يغضبن من ابصارهن و يحفظن فروجهن ) من ان تنظر احدا هن الى فرج اختها و تحفظ فرجهما من ان ينظر اليها و قال : كل شئ في القرآن من حفظ الفرج فهو من الزنا الا هذه الآية فانها من النظر ثم نظم ما فرض على القلب و البصر و اللسان في آية اخرى فقال : (و ما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم و لا ابصاركم و لاجلودكم ) يعني بالجلود الفروج و الافخاذ و قال : (و لا تقف ما ليس لك به علم ان السمع و البصر و الفواد كل اولئك كان عنه مسؤولا) فهذا ما فرض الله على العينين من غض البصر و هو عملهما و هو من الايمان و فرض على اليدين ان لا يبطنش بهما الى ما امر الله عزوجل و فرض عليهم من الصدقه و صله الرحم و الجهاد في السبيل الله و الطهور للصلوات فقال تعالى : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المرافق و امسحوا برسومكم و ارجلكم الى الكعبتين ) و قال : (فاما لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب حتى اذا اثخنتمهم فشدوا الوثاق فاما منا بعد و اما فداء حتى تضع الحرب اورا نها) فهذا ما فرض الله على اليدين لان الضرب من علاجهما و فرض على الرجلين ان لا يمشي بهما اليه شيء من معاصي الله و فرض عليهم الممشي الى ما يرضى الله عزوجل فقال : (و لا تمش في الارض مرحبا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا) و قال : (و اقصد في مشيك و اعوض من صوتك ان انكر الاصوات لصوت الحمير (و قال فيما شهدت به اليدي و الارجل على انفسها و على اربابها من تضيعها لما امر الله به و فرضه عليها: (اليوم نختم على افواههم و تكلمنا ايديهم و تشهد ارجلهم بما كانوا يكسبون ) فهذا ايضا مما فرض الله على اليدين و على الرجلين و هو عملها و هو من الايمان و فرض على الوجه الجسدود له بالليل و النهار في مواقيت الصلاه فقال : (يا ايها الذين آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلا الخير لعلكم تفلحون ) فهذا فريضه جامعه على الوجه و اليدين و الرجلين و قال في موضع آخر: (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) الى ان قال : فمن لقي الله حافظا لجوارحه موفيا كل جارحه من جوارحه ما فرض الله عليها لقى الله عزوجل مستكملا لايمانه و هو من اهل الجنه و من خان في شيء منها او تعدى مما امر الله عزوجل فيها لقى الله ناقص الايمان - الى ان قال : - و بتمام الايمان دخل المؤمنون الجنه و بالنقصان دخل المفترطون النار.

ترجمه:

- 11از امام صادق عليه السلام در حدیثی طولانی روایت است که فرمود: خداوند ایمان را بر تمامی اعضای فرزند آدم واجب ساخت و آن را بر اعضای او تقسیم و در تمامی آنها پخش نمود. پس هیچ عضوی از اعضای او نیست جز اینکه ایمانی بر عهده او نهاده شده که آن ایمان غیر از ایمانی است که بر عهده عضو دیگر قرار داده شده است . - سخن امام عليه السلام ادامه دارد تا آنجا که می فرماید: اما آن ایمانی که بر قلب واجب گشته ، اقرا نمودن و

معرفت یافتن و پیمان بستن و خوشنودی و تسلیم در برابر اینکه هیچ معبودی جز الله نیست او یگانه است و شریکی ندارد معبودی یکتا که مصاحب و فرزندی ندارد و اینکه محمد صلی الله علیه و آله بندۀ و فرستاده اوست ، و اقرار نمودن به هر پیامبری با کتابی از جانب خداوند آمده است و این همان اقرار و معرفتی است که خداوند بر قلب واجب ساخته است و عمل قلب همین است و گفتار خداوند عزوجل که کافران را کاذب می شمرد) مگر کسی که به زور و اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است<sup>(۱)</sup> ( ناظر به همین معنا است.

و فرمود) :هان آگاه باشید که دلها با یاد خدا آرام می گیرد<sup>(۲)</sup> (و فرمود) :ای پیامبر !ندوهناک مباش از آنانی که دهانهاشان اظهار ایمان می کند ولی دلهاشان ایمان نیاورده است<sup>(۳)</sup> ( و فرمود) :اگر آنچه را که در درونتان است آشکار یا پنهان کنید می بخاید و هر که را بخواهد عذاب می کند<sup>(۴)</sup> (پس این همان اعتراف و معرفتی به منزله سر ایمان است . و خداوند بر زبان ، گفتن و اقرار نمودن به ایمانی را که قلب نیکی را بر آن پیمان بسته است را واجب نمود، خداوند تبارک و تعالی گوید) :و به مردمان نیکی را بگویید<sup>(۵)</sup> (و فرمود) :بگویید ایمان آوردیم به آنکه بر ما و شما فرستاده شد و معبود ما و شما یکی است و ما مطیع فرمانبر او هستیم<sup>(۶)</sup> ( پس این گفتن و اقرار نمودن همان چیزی است که خداوند بر زبان واجب ساخته است و عمل زبان همین است . و خداوند بر گوش واجب ساخت که از گوش فرا دادن به چیزی که خداوند آن را حرام نموده است دوری کند و از شنیدن آنچه که شنیدنش بر او حلال نیست و مورد نهی خداوند عزوجل است خودداری نماید و به آنچه که شنیدنش خدای را خشمگین می کند گوش مسپارد خدای عزوجل در این باره فرموده است) : و به تحقیق در کتاب بر شما چنین فرستاد که هرگاه شنیدید که به آیات خدا کفر ورزیده می شود و آیات الهی به استهزا گرفته می شود پس با آن کافران منشینید تا اینکه به سخن دیگری پیردازند<sup>(۷)</sup> (سپس موردی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استشنا نموده و فرمود) :و اگر شیطان فرامشت ساخت ، پس از یاد آمدنت با چنین گروه ستمکاری منشین<sup>(۸)</sup> ( و فرمود) :پس بشارت ده بندگان مرا آنانی که به سخن گوش فرا می دهند و از سخن نیکوتر پیروی می کنند، اینان کسانی هستند که خداوند آنان را هدایت فرموده و اینان همان خردمندانند<sup>(۹)</sup> ( و فرمود) :به حقیقت که مومنان رستگارند همانها که در ننمایشان فروتن و همواره از گفتار و کردار بیهوده گریزانند و زکات مال خویش را می پردازند<sup>(۱۰)</sup> ( و فرمود) :آنان هرگاه بیهوده ای را بشنوند از آن دوری می گزینند<sup>(۱۱)</sup> ( و فرمود) :و هرگاه بر بیهوده ای گذر کنند از کنار آن کریمانه می گذرند<sup>(۱۲)</sup> (پس این همان ایمانی است که خداوند بر گوش واجب ساخته است که به آنچه که بر او حلال نیست گوش ندهد و عمل گوش همین است و این از ایمان است . و بر چشم واجب ساخت که به آنچه که خداوند بر او حرام نموده نظر نکند و از دیدن آنچه که

دیدنش مورد نهی الهی است خودداری کند و عمل چشم این است و این از ایمان است. خداوند تبارک و تعالی فرمود) : ای پیامبر! به مومنین بگو که دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورتها یشان را حفظ کنند<sup>(13)</sup> (یعنی دیدگان خود را از دیدن عورتهای دیگران حفظ کند و به عورت برادر خود نظر نکند و عورت خود را نیز از دید دیگران محفوظ دارد. و فرمود) : به زنان مومن بگو دیدگان خود را از دیدن حرام بر بندند و عورتها یشان را حفظ کنند<sup>(14)</sup> (یعنی دیدگان خود را نگه دارند از اینکه یکی به عورت دیگری نظر کند و عورت خود را از تیررس دید دیگران دور نگه دارد.

راوی گوید: حضرت فرمود: هر جایی که در قرآن کریم سخن از حفظ نمودن عورت آمده است مراد حفظ نمودن عورت از زنا است مگر این آیه که مراد حفظ نمودن از نظر است ، سپس آنچه را که خداوند بر قلب و دیده و زبان واجب نموده در آیه دیگری به رشته کشیده است و فرموده ) نمی توانید نهان دارید شهادتی را که گوشها یتان و دیدگان یتان و پوستهایتان بر علیه شما می دهند<sup>(15)</sup> (مراد از جلود (پوستها) در این آیه ، عورتها و رانهاست . و فرمود) : از آنچه که به آن علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از هر یک از گوش و دیده و دل پرسیده می شود<sup>(16)</sup> ( این آن چیزی است که خداوند بر چشممان واجب ساخته که این فرو بستن چشم از حرام ، عمل چشم است و این از ایمان است . و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آدمی با دو دست خود به سوی حرام روی نیاورد و به وسیله آن دو در به جای آوردن دستور الهی بکوشد که خداوند بر آن دو اموری را واجب ساخته است از قبیل پرداخت صدقه و ارتباط با خویشاوندان و جهاد در راه خدا و تهیه و استعمال طهور برای نمازها، پس فرمود) : ای ایمان آورندگان هرگاه برای نماز پیاخاستید رویها و دستهایتان را تا مرفقها بشویید و مسح بر سر بکشید و پایهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید<sup>(17)</sup> (و فرمود) : پس هرگاه در میدان کار زار با کافران روبرو شدید گردنها یشان را بزنید تا آنگاه که زمین گیرشان سازید آنگاه بندهای اسیرانشان را محکم بیندید پس در برابر آزادی آنان یا منتهی بر آنان می نهید و یا فدیه از ایشان می ستانید تا زمانی که جنگ بارهای خود را بر زمین نهد<sup>(18)</sup> (این آن چیزی است که خداوند بر دو دست واجب نموده زیرا زدن کار دستهای است . و خداوند بر دو پا واجب ساخت که به وسیله آن دو به سوی هیچ یک از معاصی نشتابی و واجب کرد که به سوی آنچه که مورد رضایت الهی است گام برداری پس فرمود) : بر روی زمین خرامان و با تکبر گام برندار زیرا تو هرگز نمی توانی زمین را بشکافی و در بلندی به کوهها نخواهی رسید<sup>(19)</sup> (و فرمود) : و در راه رفتن میانه رو باش و آواز را فروکش که ناخوش ترین آوازها آواز خران است<sup>(20)</sup> ( و درباره شهادت دادن دستها و پاهای بر علیه خود و صاحب خود که چگونه دستور الهی و واجبات او را ضایع کرده اند فرمود) : امروز بر دهانهاشان مهر می نهیم و دستان آنها با ما سخن گویند و پایهایشان به آنچه که کسب کرده اند گواهی دهند<sup>(21)</sup> (پس آنچه که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر دستها و پاهایها واجب ساخته و عمل دست و پا همین است و آن از ایمان

است . و خداوند بر چهره واجب ساخت که در شب و روز در هنگامه نماز برای او به خاک افتاد پس فرمود) : ای ایمان آورندگان رکوع کنید و سجده کنید و پروردگارتان را عبادت کنید و کار خیر انجام دهید باشد که به رستگاری برسید<sup>(22)</sup> (

اینها که گفته شد واجبات چهره و دستان و پاهاست و خداوند در جای دیگری فرموده است که) : سجده گاهها از آن خداست پس با او کسی دیگری را نخوانید<sup>(23)</sup> (

راوی می گوید: حضرت در ادامه فرمود: پس کسی که خداوند را در حالتی ملاقات کند که اعضای خود را حفظ نموده و به واجبات الهی در مورد هر عضوی از اعضاش وفا کرده خداوند عزوجل را با ایمان کامل ملاقات کرده است و او اهل بهشت است اما کسی که در مورد واجبی از واجبات خیانت کرده یا از دستور الهی سرباز زده خداوند را با ایمان ناقص دیدار خواهد کرد. و بدانید که مومنان ، با ایمان کامل به بهشت داخل می شوند و کسانی که در انجام واجبات کوتاهی نموده اند با ایمان ناقص به دوزخ وارد می گردند.

حدیث:

- 12 عن الحسن بن هارون قال قال لى ابو عبدالله عليه السلام : ان السمع و البصر و الفواد كل اولئك كان عنه مسؤولا قال يسأل السمع عما سمع و البصر عما نظر اليه و الفواد عما عقد عليه.

ترجمه:

- 12 حسن به هارون گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: اینکه خداوند فرموده است) : همانا از گوش و چشم و دل سوال می شود<sup>(24)</sup> (یعنی از گوش درباره آنچه که شنیده است و از چشم درباره آنچه که دیده است و از دل در مورد ایمانی که بر آن پیمان بسته است پرسیده می شود.

حدیث:

- 13 عن ابى عبد الله عليه السلام فى حدیث قال : الايمان لا يكون الا بعمل و العمل منه ولا يثبت الايمان الا بعمل.

ترجمه:

- 13 امام صادق عليه السلام فرمود: ایمان نمی باشد مگر همراه با عمل و عمل نیز برخاسته از ایمان است و ایمان فقط با عمل ثابت می شود.

حدیث:

- 14 عن ابى عبد الله عليه السلام فى حدیث قال : من اقر بدين الله فهو مسلم و من عمل بما امر الله به فهو مومن.

ترجمه:

- 14 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که به دین خداوند اقرار و اعتراف کند مسلمان است و کسی که به آنچه که خداوند به آن امر نموده است عمل کند مومن است .

حدیث:

- 15ابی بصیر، عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث انه قال له : ان خیثمه اخربنا انه سالك عن الایمان فقلت : الایمان بالله و التصدیق بکتاب الله و ان لا یعصی الله فقال : صدق خیثمه.

ترجمه:

- 15ابی بصیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : خیثمه به ما خبر داد که از شما درباره ایمان پرسیده است و شما پاسخ داده اید که : ایمان عبارت است از: اعتقاد به خدا و تصدیق نمودن به کتاب خدا و نافرمانی نکردن خدا، حضرت فرمود: آری خیثمه درست گفته است.

حدیث:

- 16عن جمیل بن دراج قال : سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الایمان فقال : شهاده ان لا اله الا الله و ان محمدا رسول الله صلی الله علیه و آله . قال : قلت : اليس هذا عمل قال : بلی قلت : فالعمل من الایمان قال : لا یثبت له الایمان الا بالعمل و العمل منه.

ترجمه:

- 16جمیل بن دراج گوید: از امام صادق علیه السلام درباره ایمان پرسیدم حضرت فرمود: ایمان عبارت است از گواهی داده به اینکه هیچ معبدی جز خدا نیست و اینکه محمد صلی الله علیه و آله فرستاده اوست . جمیل گوید: عرض کردم : آیا این گواهی دادن ، عمل شمرده می شود؟ حضرت فرمود: آری ، دوباره عرض کردم : پس عمل از ایمان است ؟ حضرت فرمود: ایمان جز به وسیله عمل برای شخص ثابت نمی گردد و عمل نیز برخاسته از ایمان است .

حدیث:

- 17محمد بن علی بن الحسین باسناده الى وصیه امیرالمؤمنین علیه السلام لولده محمد به الحنفیه انه قال : يا بنی لاتقل ما لا تعلم بل لا تقل كل ما تعلم فان الله قد فرض على جوارحك كلها فرائض يتحج بها عليك يوم القيامه و يسالك عنها و ذكرها و عظتها و حذرها و ادبها و لم تبركها سدى فقال الله عزوجل : (و لا تقف ما ليس لك به علم ان السمع و البصر و الفواد كل اولئك كان عنه مسؤولا) و قال عزوجل ) : اذ تلقونه بالستكم و تقولون بافواهكم ما ليس لكم به علم و تحسبونه هينا و هو عند الله عظيم ) ثم استعبدتها بطاعته فقال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اركعوا و اسجدوا و اعبدوا ربكم و افعلاوا الخير لعلكم تفلحون ) فهذا فريضه جامعه واجبه على الجوارح و قال : (و ان المساجد لله فلا تدعوا مع الله احدا) يعني بالمساجد الوجه واليدين والركبتين والابها مبين و قال عزوجل : (و ما كنتم تستترون ان يشهد عليكم سمعكم و لا ابصاركم و لا جلوسكم ) يعني بالجلود الفروج ثم حض كل جارحة من جوارحك بفرض و نص عليها ففرض على السمع ان لا يصغي الى المعااصي فقال عزوجل : (و قد نزل عليكم في الكتاب ان اذا سمعتم آيات الله يكفر بها و يستهزأ بها فلا تقعدوا معهم حتى يخوضوا في حدیث غيره انکم اذا مثلهم ) و قال عزوجل : (و اذا رأيت الذين يخوضون في آياتنا فاعرض

عنهم حتى يخوضوا في حديث غيره ) ثم استثنى عزوجل موضع النسيان فقال) : و اما ينسينك الشيطان فلا تقع بعد الذكرى مع القوم الظالمين ) و قال عزوجل) : فبشير عباد الذين يستعمون القول فيتبعون احسنه اولئك الذين هداهم الله و اولئك هم اولوا الالباب ) و قال عزوجل : (و اذا مرروا باللغو مرروا كراما) و قال عزوجل على السمع و هو عمله و فرض على البصر ان لاينظر به الى ما حرم الله عليه فقال عزوجل) : قل للمؤمنين يغضوا من ابصارهم و يحفظوا فروجهم ) فحرم آن ينظر احد الى فرج غيره و فرض على اللسان الاقرار و التعبير عن القلب ما عقد عليه فقال عزوجل : (و قولوا آمنا بذى انزل علينا) الآية و قال عزوجل : (و قولوا الناس حسنا) و فرض على القلب و هو امير الجوارح الذى به يعقل و يفهم و يصدر عن امره و رايه فقال عزوجل : (الا من اكره و قلبه مطمئن بالایمان ) الآية و قال عزوجل حين اخبر عن قوم اعطوا الایمان بافواههم و لم تومن قلوبهم فقال : (الذين قالوا آمنا بافواههم و لم تومن قلوبهم ) و قال عزوجل : (الا بذكر الله تطمئن القلوب ) و قال عزوجل : (و ان تبدوا ما في انفسكم او تخفوه يحاسبكم به الله فيغفر لمن يشاء) و يعذب من يشاء و فرض على البددين ان لا تمدهما الى ما حرم الله عزوجل عليك و ان تستعملها بطاعته فقال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اذا قمتم الى الصلاه فاغسلوا وجوهكم و ايديكم الى المراافق و امسحوا برسومكم و ارجلكم الى الكعبين ) و قال عزوجل : (فإذا لقيتم الذين كفروا فضرب الرقاب ) و فرض على ارجلين ان تفقلهما في طاعته و ان لا تمشي بهما مشيه عاص ف قال عزوجل) : و لا تمش في الارض مرحبا انك لن تخرق الارض و لن تبلغ الجبال طولا كل ذلك كان سينه عند ربك مكروها) و قال عزوجل : (اليوم نختم على صاحبها يوم القيامه فهذا ما فرض الله على جوارحك فاتق الله يا بنى الله عنها انها تشهد على صاحبها يوم القيامه فهذا ما فرض الله على جوارحك فاتق الله يا بنى و استعملها بطاعته و رضوانه و ايak ان يراك الله تعالى ذكره عند معصيته او بفقدك عنه طاعته فتكون من الخاسرين و عليك بقراءه القرآن و العمل بما فيه و لزوم فرائضه و شرائعه خلاله و حرامه و امره و نهيه و التهجد به و تلاوته في ليلك و نهارك فانه عهد من الله تبارك و تعالى الى خلقه فهو واجب على كل مسلم ان ينظر كل يوم في عهده و لو خمسين آية و العم ان درجات الجنه على عدد آيات القرآن فاذا كان يوم القيامه يقال لقاري القرآن اقرأ و ارق فلا يكون في الجنه بعد النبيين و الصديقين ارفع درجه منه . ( و اوصيه طويله احدنا منها موضع الحاجه )

ترجمه:

- 17 در وصيت اميرالمؤمنين عليه السلام به فرزندش محمد بن حنفيه آمده است حضرت فرمود: اى پسر دلبندم ! چيزی را که نمی دانی مگو بلکه هر چيزی را هم که می دانی بر زبان میاور زیرا خداوند بر تمامی اعضای تو اموری را واجب ساخته که بوسیله آنها در روز قیامت بر عليه تو حجت و دلیلی می آورد و از تو درباره آنها می پرسد و آنها را بند و نصیحت نموده و بیم داده و ادب آموخته و رها و نگذارد پس فرموده است) : از آنچه که به علم و آگاهی نداری پیروی مکن زیرا از گوش و چشم و دل سوال می شود<sup>(25)</sup>(و فرمود) : هنگامی

که آن را با زبانهای خود فرا می گرفتید و آنچه را که به آن علم و آگاهی نداشتید یا دهانهاتان می گفتید و این را سهل می شمردید در حالی که در نزد خدا بسی بزرگ است<sup>(26)</sup> ( سپس اعضاء و جوارح را به عبادت و فرمانبرداری خود فرا خوانده و فرموده) : ای ایمان آورندگان رکوع و سجده کنید و پروردگارتان را پرسنستید و عمل خیر انجام دهید امید است که به رستگاری بررسید<sup>(27)</sup> (این پرسنتش خداوند و انجام خیر فرضه ای است که بر تمامی اعضا واجب گشته است . و فرمود) : سجده گاهها از آن خداست پس همراه با خدا، هیچ کس دیگری از نخوانید<sup>(28)</sup> (مراد از سجده گاهها، صورت و دو دست و زانوها و دو انگشت بزرگ پا است و فرمود) : و نمی توانید شهادتی را که گوشهاتان و دیدگانهاتان و پوستهایتان بر علیه شما می دهند را پنهان سازید<sup>(29)</sup> (مراد از پوستها (در این آیه عورتها است . سپس خداوند بر هر عضوی از اعضای تو واجبی را اختصاص داده و بر آن تصریح نموده است پس بر گوش واجب ساخت که به معاصی گوش فرا ندهد پس فرمود) : و محققا خداوند در کتاب بر شما چنین فرستاد که هر گاه بشنوید که به آیات الهی کفر ورزیده می شود و آیات خدا به مسخره گرفته می شود در اینگونه مجلسی با کافران منشینید تا در سخن دیگری وارد شوند اگر چنین نکنید همانند آنان می باشید<sup>(30)</sup> (و فرمود) : هرگاه دیدی کسانی در مورد آیات ما (به انکار و استهزا) غرق در گفتگو شده اند از آنان دوری کن تا درباره سخنی دیگر به گفتگو بشنینند ( سپس خداوند عزو حمل جایی را که مومن از روی فراموشی در چنین مجلسی نشسته است را استثنای نموده و فرموده است) : و اگر شیطان فراموشت ساخت پس بعد از یادآوری با چنین گروه ستمکاری منشین<sup>(32)</sup> ( و فرمود) : پس بشارت دهد بندگان مرا، همان بندگانی که سخن را می شنوند و از نیکوترين سخن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان کرد و آنان خردمندانند<sup>(33)</sup> (و فرمود) : مومنان هر گاه به امری بیهوده برخورد کنند کریمانه از کنار آن می گذرند<sup>(34)</sup> ( و فرمود) : و هرگاه سخنی بیهوده بشنوند از آن دوری می گزینند<sup>(35)</sup> .

پس این همان چیزی است که خداوند بر گوش واجب ساخته و عمل گوش همین است و خداوند بر چشم نیز واجب نموده که به چیزی که بر او حرام ساخته نظر نیفکند پس فرمود : ( به مومنان بگو دیدگانشان را از دیدن حرام فرو بندند و عورتهایشان را حفظ کنند<sup>(36)</sup> (پس حرام نمود که کسی به عورت دیگری نگاه کند. و بر زبان واجب نمود که به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود) : و بگویید ایمان آوردیم به آنچه که قلب بر آن پیمان بسته اقرار و تعبیر کند پس فرمود) : و بگویید ایمان آوردیم به آنچه که بر ما فرو فرستاده شد ( و فرمود) : و به مردم نیکویی را بگویید<sup>(38)</sup> ( و بر قلب که امیر اعضا است و عضوی است که به وسیله آن تعقل و فهم صورت می گیرد و از امر و رای او نتیجه گیری حاصل می گردد نیز واجب ساخت و فرمود) : کافران دروغگویند مگر کسی که به اجبار اظهار کفر نموده در حالی که دلش به ایمان آرمیده است<sup>(39)</sup> ( و در آنجا که خبر از گروهی می دهد که ایمان زبانی

دارند نه قلبی فرمود) : آنانکه گفتند ایمان آوردیم در حالی که دلهایشان ایمان نیاورده بود<sup>(40)</sup> ( و فرمود) : آگاه باشید که دلها با یاد خدا آرام می گیرد<sup>(41)</sup> ( و فرمود) : اگر آنچه را که در درون دارید آشکار یا پنهان کنید خداوند به سبب آن از شما حساب می کشد پس هر که را بخواهد می بخشاید و هر که را بخواهد عذاب می کند<sup>(42)</sup> ( و خداوند بر دو دست واجب ساخت که آن دو را به سوی آنچه که خداوند بر تو حرام نموده دراز نکنی و دو دست را در راه اطاعت خدا به کارگیری پس فرمود) : ای ایمان آورندگان هر گاه برای نماز بر می خیزید رویهایتان و دستهایتان را تا آرنج ها بشویید و به سرهاتان مسح بکشید و پایهایتان را تا برآمدگی روی پا مسح کنید<sup>(43)</sup> ( و فرمود) : هرگاه در میدان کارزار با کافران روبرو شدید گردنهاشان را بزنید<sup>(44)</sup> ( و خداوند بر پاها واجب ساخت که آن دو را در راه طاعتش به حرکت درآوری و به وسیله آن دو همچون گام زدن شخص عصیانکار گام بر نداری پس فرمود) : با تکبر و خرامان بر روی زمین گام بر ندار زیرا هرگز زمین را نمی توانی بشکافی و در بلندی به کوهها نخواهی رسید همه اینها رشتنش در نزد پروردگارت ناپسند است<sup>(45)</sup> ( و فرمود) : امروز بر دهانهاشان مهر می نهیم و دستانشان با ما سخن می گویند و پایهایشان به آنچه که کسب کرده اند گواهی خواهند داد<sup>(46)</sup> ( پس خداوند خبر داده است که پایها در روز قیامت بر علیه صاحب خود گواهی خواهند داد. پس اینها که گفته شد چیزهایی است که خداوند بر اعضای تو واجب ساخته است پس از خدا بترس ای فرزندم و اعضای خود را در راه اطاعت و خوشنودی او به کارگیر و بر حذر باش از اینکه خدای تعالی تو را در حال انجام معصیتیش ببیند یا تو را در طاعت خویش نیابد پس در نتیجه از زیانکاران باشی و بر تو باد که به خواندن قرآن بپردازی و به آنچه در قرآن است عمل کنی و واجبات و قوانین و حلال و حرام و امر و نهی آن را لازم شمری و با قرآن به شب زنده داری بپردازی و در شب و روزت آن را تلاوت کنی زیرا قرآن عهد و پیمانی است از جانب خدای تبارک و تعالی با بندگانش پس بر هر مسلمانی واجب است که در هر روز نظر به این پیمان الهی بیفکند اگر چه به پنجاه آیه آن و بدان که درجات بهشت به عدد آیات قرآن است پس زمانی که روز قیامت شود به قاری قرآن گفته خواهد شد که بخوان و بالا رو پس در بهشت بعد از پیامبران و صدیقان کسی درجه اش بالاتر از درجه قاری قرآن نیست . (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: این وصیتname طولانی است که ما موضع حاجت از آن را انتخاب نمودیم ).

**حدیث:**

- 18 عن علی بن الحسین عليه السلام : قال ليس لك ان تتكلم بما شئت لان الله يقول : (و لا تقف ما ليس لك به علم ) وليس لك ان تسمع ما شئت لان الله عزوجل يقول : (ان السمع و البصر و الفواد كل اولئك كان عنده مسؤولا)

**ترجمه:**

- 18 از امام سجاد عليه السلام روایت است که فرمود: بر تو روا نیست که هر آنچه خواهی

بگویی زیرا خداوند می فرماید) : از آنچه که به آن علم نداری پیروی مکن<sup>(47)</sup> ( و بر ترروا نیست که هر آنچه خواهی بشنوی زیرا خدای عزوجل می فرماید) : همانا گوش و چشم و دل همه مورد پرسش واقع خواهند شد<sup>(48)</sup> (

- 3باب جمله مما ينبغي القيام به من الحقوق الواجبة والمندوبة
- 3باب حقوق واجب و مستحبى كه قيام به آنها سزاوار است

حديث:

- 19عن سيد العابدين على بن الحسين بن على بن ابي طالب عليه السلام قال : حق الله الاكبر عليك ان تعبده و لاتشرك به شيئا فاذا فعلت ذلك باخلاص جعل لك على نفسه ان يكفيك امر الدنيا و الآخرة و حق نفسك عليك ان تستعملها بطاعه الله عزوجل و حق اللسان اكرامه عن الخنا و تعويده الخير و ترك الفضول التي لافائدته لها و الر بالناس و حسن القول فيهم و حق السمع تنزيهه عن سماع الغبه و سماع ما لا يحل سماعه و حق البصر ان تغضه عما لا يحل لك و تعتبر بالنظر به و حق يديك ان لا تبسطهما الى ما لا يحل لك و حق رجليك ان لاتمشي بهما الى ما لا يحل لك فبهما تقف على الصراط فانظر ان لا تزل بك فتردى في النار و حق بطنك ان لا تجعله و عاء للحرام و با تزيد على الشبع و حق فرجك عليك ان تحصنه من الزنا و تحفظه من ان ينظر اليه و حق الصلاه ان تعلم انها و فاده الى الله عزوجل و انت فيها قائم بين يدي الله فاذا علمت ذلك قمت مقام العبد الذليل الحقير الراغب الراهب الراجح الخائف المستكين المتضرع المعظم لمن كان بين يديه بالسكون و الوقار و تقبل عليها بقلبك و تقييمها بحدوده ها و حقوقها و حق الجح ان تعلم انه وفاده الى ربك و فرار اليه من ذنبك و فيه قبول توبيتك و قضاء الفرض الذي اوجبه الله عليك و حق الصوم ان تعلم انه حجاب ضربه الله عزوجل على لسانك و سمعك و بصرك و بطنك و فرجك يسترك به من النار فان تركت الصوم خرقت ستر الله عليك و حق الصدقه ان تعلم انها ذخرك عند ربک و ديعتك التي لاتحتاج الى الاشهاد عليها و كنت بما تستودعه سرا اوثق منك بما تستودعه علانیه و تعلم انها تدفع عنك البلايا و الاسقام في الدنيا و تدفع عنك النار في الآخرة و حق الهدى ان تريده به الله عزوجل و لا تريده خلقه و لا تريده به الا التعرض لرحمته و نجاه روحك يوم تلاقاه و حق السلطان ان تعلم انك جعلت له فتنه و انه مبتلى فيك بما جعل الله له عليك من السلطان و ان عليك ان لات تعرض لسخطه فتلقى بيديك الى التهلكه و تكون شريكا له فيما ياتي اليك من سوء و حق سائسك بالعلم التعظيم له و التوقير لمجلسه و حسن الاستماع اليه و الاقبال عليه و ان لا ترفع عليه صوتك و لا تجيز احدا يساله عن شيء حتى يكون هو الذي يجيب و لاتحدث في مجلسه احدا و لا تغتاب عنده احدا و ان تدفع عنه اذا ذكر عندك بسوء و ان تستر عيوبه و تظهر مناقبه و لا تجالس له عدوا و لاتتعادى له ولها فاذا فعلت ذلك شهد لك ملائكة الله بانك قصدته و تعلمـت علمـه للـله جـل اسمـه لا للـناس و اما حق سائسك بالـملك فـان تـطـيعـه و لا تـعـصـيه الا فيـما يـسـخطـ

الله عزوجل فانه لا طاعه لمخلوق في معصيه الخالق و اما حق رعيتك بالسلطان فان تعلم انهم صاروا رعيتك لضعفهم و قوتك فيجب ان تعدل فيهم و تكون لهم كالوالد الرحيم و تغفر لهم جهولهم و لاتعاملهم بالعقوبه و تشكر الله عزوجل على ما آتاك من القوه عليهم و اما حق رعيتك بالعلم فان تعلم ان الله عزوجل انما جعلك قيما عليهم فيما آتاك من العلم و فتح لك من خزانته فان احسنت في تعليم الناس و لم تخرق بهم لم تضرر عليهم زادك الله من فضله و ان انت منعت الناس علمك او خرقت بهم عند طلبهم العلم منك كان حقا على الله عزوجل ان يسلبك العلم و بعاهه و يسقط من القلوب محلك و اما حق الزوجه فان تعلم ان الله عزوجل جعلنا لك سكنا و انسا فتعلم ان ذلك نعمه من الله عزوجل عليك فتكرمتها و ترقق بها و ان كان حقك عليها اوجب فان لها عليك ان ترحمها لانها اسيرك و تطعمها و تكسوها و اذا جهلت عفوت عنها و اما حق مملو لك فان تعلم انه خلق ربك و ابن ابيك و امك و لحمك و دمك لم تملكه لانك صنعته دون الله و لا خلقت شيئا من جوارحه و لا اخرجت له رزقا و لكن الله عزوجل كفال ذكل ثم سخره لك و اثمنتك عليه و استودعك اياه ليحفظ لك ما تاتيه من خير اليه فاحسن اليه كما احسن الله اليك و ان كرهته استبدلته به ولم تعذب خلق الله عزوجل و لا قوه الا بالله و اما حق امك ان تعلم انها حملتك حيث لا يحمل احد احدا و اعطيتك من ثمره قلبها ما لا يعطى احد احذا و وقتك بجميع جوارحها و لم تبال ان تجوع و تطعمك و تعطش و تسقيك و تعرى و تكسوك و تضحى و تظللك و تهجر النوم لاجلك و وفتک الحر و البرد لتكون لها و انك لاتطيق شكرها الا بعون الله و توفيقه و اما حق ابيك فان تعلم انه اصلك فانه لولاه لم تكن فمهما رأيت من نفسك ما يعجبك فاعلم ان اباك اصل النعمه عليك فيه فاحمد الله و اشكره على قدر ذلك و لا قوه الا بالله و اما حق ولدك فان تعلم انه منك و مضاف اليك في عاجل الدنيا بخيره و شره و انك مسئول عما وليته من حسن الاذب و الدلاله على ربه عزوجل و المعونه على طاعته فاعمل في امره عمل من يعلم انه مثال على الاحسان اليه معاقب على الاساءه اليه و اما حق اخيك فان تعلم انه يدك و عزك و قوتك فلا تتخذه سلاحا على معصيه الله و ال عده للظلم لخلق الله و لا تدع نصرته على عدوه و النصيحه له فان اطاع الله و الا فليكن الله اكرم عليك منه و لا قوه الا بالله و اما حق مولاك المنعم عليك فان تعلم انه انفق فيك ماله و اخرجك من ذل الرق و وحشته الى عزالحربيه و انسها فاطلتك من اسر الملكه و فك عنك قيد العبوديه و اخرجك من السجن و ملكك نفسك و فرغك لعباده ربك و تعلم انه اولى الخلق يك في حياتك و موتك و ان نصرته عليك واجبه بنفسك و ما احتاج اليه منك و لا قوه الا بالله و اما حق مولاك الذي انعمت عليه فان تعلم ان الله عزوجل جعل عتقك له و سيله اليه و حجابا لك من النار و ان ثوابك في العاجل ميراثه اذا لم يكن له رحم مكافاه لما انفقت من مالك و في الاجل الجنه و اما حق ذى المعروف عليك فان تشكره و تذكر معروفة و تكسبه المقاله الحسنة و تخلص له الدعاء فيما بينك و بين الله عزوجل فإذا فعلت ذلك كنت قد شكرته سرا و علانيه ثم ان قدرت على مكافاته يوما كافاته و اما حق المؤذن ان تعلم انه مذكر لك ربك عزوجل و داع لك الى

خطك و عونك على قضاء فرض الله عزوجل عليك فاشكره على ذلك شكر المحسن اليك و اما حق امامك في صلاتك فان تعلم انه تقلد السفاره فيما بينك و بين ربك عزوجل و تكلم عنك و لم تتكلم عنه و دعا لك و لم تدع له و كفاك هول المقام بين يدي الله عزوجل فان كان نقص كان به دونك و ان كان تماما كنت شريكه و لم يكن له عليك فضل فوقى نفسك بنفسه و صلاتك بصلاته فتشكر له على قدر ذلك و اما حق جليسك فان تلين له جانبك و تنصفه في مغاراه اللفظ و لاتقوم من مجلسك الا باذنه و من يجلس اليك يجوز له القيام عنك بغیر اذنك و تنسى زلاته و تحفظ خيراته و لا تسمعه الا خيرا و اما حق جارك حفظه غائبا و اكرامه شاهدا و نصرته اذا كان مظلوما و لاتتبع له عوره فان علمت عليه سوءا سترته عليه و ان علمت انه يقبل نصيحتك نصحته فيما بينك و بينه و لا تسلمه عند شديده و تقيل عنترته و تغفر ذنبه و تعاشره معاشره كريمه و لا قوه الا بالله و اما حق الصاحب فان تصحبه بالتفضيل و الانصاف و تكرمه كما يكرملك و لا تدعه يسبق الى مكرمه فان سبق كافاته و توده كما يودك و تزجره عما يهم به من معصيه الله و كن عليه رحمه و لاتكن عليه عذابا و لا قوه الا بالله و اما حق الشريك فان غاب كافيته و ان حضر رعيته و لاتحكم دون حكمه و لاتعمل برايك دون مناظرته و تحفظ عليه ماله و لاتخنه فيما عز او هان من امره فان يدار الله تبارك و تعالى على الشرفيكين ما لم يتاخوانا و لا قوه الا بالله و اما حق مالك فان لا تأخذ الا من حلها و لاتنفقه الا في وجهه و لاتوثر على نفسك من لا يحمدك فاعمل به بطاعه ربك و لا تبخلا به فتبوء بالحسنه و الندامه مع التبعه و لاقوه الا بالله و اما حق غريمك الذي يطالبك فان كنت موسرا اعطيته و ان كنت معسرا ارضيته بحسن القول و ردته عن نفسك ردا لطيفا و حق الخليط ان لاتغره و لاتغشه و لاتخدعه و تتقوى الله في امره و اما حق الخصم المدعى عليك فان كان ما يدعيه عليك حقا كنت شاهده على نفسك و لم تظلمه و اوفيته حقه و ان كان ما يدعى باطلأ رفقت به ولم تأت في امره غير الرفق و لم تسخط ربك في امره و لاقوه الا بالله و حق خصمك الذي تدعى عليه ان كنت محقا في دعواك اجملت مقاولته و لم تجحد حقه و ان كنت مبطلا في دعواك اتيت الله عزوجل و تبت اليه و تركت ادعوي و حق المستشير ان من يعلم و حق المشير عليك ان لاتتهمه فيما لا يوافقك من رايته و ان وافقك حمدت الله عزوجل و حق المستنصر ان تؤدى اليه النصيحة و ليكن مذهبك الرحمة له و الرفق و حق الناصح ان تلين له جناحك و تصغي اليه بسمعك فان اتي بالصواب حمدك الله عزوجل و ان لم يوافق رحمته و لم تتهمه و علمت انه اخطأ و لم تواخذه بذلك الا ان يكون مستحقا للتهمه فلا تعبا بشيء من امره على حال و لاقوه الا بالله و حق الكبير توقيره لسنها و اجلاله اتقده في الاسلام قبلك و ترك مقابلته عند الخصم و لاتسبقه الى طريق و لاتتقدمه و لاستجهله و ان جهل عليك احتملته و اكرمتها لحق الاسلام و حرمته و حق الصغير رحمته (من نوى) تعليمه و العفو عنه و الستر عليه و الرفت به و المعونه له و حق السائل اعطاؤه على قدر حاجته و حق المسئول ان اعطي فا قبل منه بالشكر و المعرفه بفضلها و ان منع فا قبل عذرها و حق من سرك الله تعالى ان تحمد الله عزوجل

اولا ثم تشکره و حق من اسأء إليك ان تعفو عنه و ان علمت ان العفو يضر انتصرت قال الله تعالى : (و لمن انتصر بعد ظلمه فاولئك ما عليهم من سبيل ) و حق اهل ملتك اضمamar السلامه و الرحمة لهم و الرفق بمسيئهم و تالفهم و استصلاحهم و شكر محسنهم و كف الاذى عن مسيئهم و تحب لهم ما تحب لنفسك و تكره لهم ما تكره لنفسك و ان تكون شيوخهم بمنزله ابيك و شبابهم بمنزله اخوتك و عجائزهم بمنزل امك و الصغار منهم بمنزله اولادك و حق الذمه ان تقبل منهم ما قبل الله عزوجل منهم و لاتظلمهم ما وفوا الله عزوجل بعهده .

ترجمه:

- 19 از امام سجاد عليه السلام روایت است که فرمود: حق خدای بزرگ بر تو این است که تنها او را پرستش کنی و چیزی را شریک او به شمار نیاوری پس هرگاه از روی اخلاص و صفاتی باطن چنین کنی خدای سبحان بر خود لازم می داند که امر دنیا و آخرت را کفایت کند. و حق نفست بر تو این است که آن را در راه فرمابندراری از خدای عزوجل به کار واداری . و حق زبان این است که او را بزرگتر و شریف تر از آن بدانی که ناسزا گوید و او را به خیر و ترك سخنان زائد و بی فائد و نیکی به مردم و گفتار نیک درباره مردم عادت دهی و حق گوش آن است که او را از شنیدن غیبت و هر آنچه شنیدنش جایز نیست ، پاک سازی . و حق چشم آن است که آن را از دیدن هر آنچه دیدنش بر تو حرام است بر بندی و از راه نظر با دیدگانت عبرت گیری . و حق دستانت این است که آنها را به سوی چیزی که بر تو حلال نیست نگشایی . و حق پایهایت آن است که به وسیله آنها به سوی چیزی که بر تو روا نیست گام بر نداری پس تو با این دو پا (بن) صراط (می ایستی پس بنگر تا نلغزی و در آتش فرو نیفتی . و حق شکم بر تو این است که آن را ظرف و جایگاه حرام قرار ندهی و اضافه بر سیری نخوری . و حق عورت تو بر تو این است که آن را از زنا نگه داری و از اینکه کسی به آن نظر افکند آن را حفظ کنی و حق نماز این است که بدانی نماز ورود بر خدای عزوجل است و تو در نماز در پیشگاه او ایستاده ای پس اگر این را (از صمیم حان) دربایی ایستادن در برار او ایستادن بنده ای خوار و کوچک و آرزومند و ترسان و امیدوار و بیمناک و بی چیز و زار خواهد بود و (در این حال) خداوندی را که در برابر ش با آرامش و وقار ایستاده ای بزرگ می شمری و با (تمامی) قلبت به نماز روی می آوری و حقوق و حدود آن را به پای می داری . و حق حج این است که بدانی حج واردشدگان بر پروردگار و گریختن از گناهانت به سوی خدایت است و در حج توبه ات پذیرفته است.

و با به جای آوردن حج یکی از واجباتی را که خداوند بر تو واجب ساخته است ادا نموده ای . و حق روزه آن است که بدانی روزه حجابی است که خداوند عزوجل بر زبان و گوش و چشم و شکم و فرج تو نهاده است که با این حجاب تو را از گزند آتش دوزخ می پوشاند پس اگر روزه را ترك کنی گویی پوششی را که خدا بر تو گذارده است پاره کرده ای . و حق صدقه این است که بدانی که صدقه ذخیره توست که در نزد پروردگارت می نهی و ودیعه و امانتی است که به

او سپرده ای . امانتی که نیازی به شاهد طلبیدن برای آن نداری و در ودیعه گذاردن آن در پنهانی اعتماد و اطمینان بیشتری داری تا اینکه آن را آشکارا به ودیعت گذاری و باید بدانی که صدقه بلاها و دردها را در دنیا و آتش دوزخ را در آخرت از تو دفع می کند . و حق قربانی آن است که در قربانی نمودن آن تنها رضای خدای عزوجل را قصد کنی نه مردمان را و از آن جز در مسیر رحمت الهی قرار گرفتن و رهایی روحت را در روز ملاقات پروردگار قصد نکنی . و حق سلطان این است که بدانی که تو مایه آزمایش و امتحان او قرار داده شده ای و او نیز به خاطر سلطنتی که بر تو یافته گرفتار توست و نباید در معرض خشم او قرارگیری و با دست خود به هلاکت بیفتی و در نتیجه با او در بدی رساندن به خودت شریک شوی . و حق آن کس که در علم تو را راهبری نموده این است که او را بزرگ شماری و جایگاه نشستنش را نیک سامان دهی و خوب به سخنانش گوش فرا دهی و رو به او داشته باشی و صدایت را بلندتر از صدای او نکنی و به کسی که از او پرسیش می کنی پاسخ نگویی تا خود او پاسخش را دهد، در مجلس درس او با کسی سخن نگویی و در نزد او غیبت هیچ کس را نکنی ، اگر در نزد تو از بدی اش گویند از او دفاع کنی و عیبها یش را بپوشانی و فضیلت هایش را آشکار سازی و با دشمن او نشست و برخاست نداشته باشی و با دوستدار او دشمنی نکنی پس اگر چنین کنی فرشتگان الهی به نفع تو گواهی دهند که تو خواهان دانشی و علم را به خاطر خدا آموخته ای نه به خاطر مردم . و اما حق کسی که مالک توست این است که دستورهایش را اطاعت کنی و نافرمانیش نکنی مگر در مواردی که باعث خشم خدای عزوجل است زیرا فرمانبرداری از مخلوق در نافرمانی خالق سزاوار نیست . و اما حق زیردستان تو این است که بدانی آنها به خاطر ناتوانی خود و توانایی تو رعیت تو گشته اند پس واجب است که در بین آنان به عدل رفتار کنی و برای آنان چون پدری مهریان باشی و نادانی آنان را ببخشای و در کیفر نمودن آنان شتاب نکنی و خدای عزوجل را بر قدرت و تسلطی که بر ایشان به تو داده است سپاسگزار باشی . و اما حق آنانکه سرپرستی علمی ایشان را به عهده داری این است که بدانی خدای عزوجل تو را در آموختن دانشی که به تو عطا فرموده متولی و سرپرست آنان قرار داده و از خزانه علم دری بر تو گشوده پس اگر در تعلیم و آموزش آنان نیک بکوشی و برای آنان دروغ نبافی و از (قدرت ناشناسی) آنان ملول و دلتیگ نگردی خداوند از فضل خود بر تو زیادتی (از علم و ایمان (را عطا می فرماید و اما اگر دانشت را از مردمان دریغ داشتی یا آنگاه که خواهان دانش تو هستند با دروغ بافی آنان را متحیر و سرگردان سازی بر خدای عزوجل سزاوار است که دانش و درخشندگی آن را از تو بگیرد و جایگاهت را در دلها بی اعتبار سازد. و اما حق همسرت این است که بدانی خداوند عزوجل او را مایه آسایش و آرامش تو قرار داده و او نعمتی از جانب خدای عزوجل برای توست پس او را گرامی بداری و با او مدارا کنی اگر چه حقی که تو بر او داری بسی لازم تر است پس بر توست که با او به مهریانی رفتار کنی زیرا او اسیر توست و باید او را اطعم نموده و حامه بپوشانی و هرگاه

نادانی نمود مورد بخشش قرارش دهی . و اما حق مملوک تو این است که بدانی او نیز آفریده پروردگار توست و فرزند پدر و مادر تو (یعنی فرزند حضرت آدم و حوا است ) و گوشت و خون تو است تو مالکش نیستی به این دلیل که تو او را آفریده باشی نه خدا، و تو هیچ یک از اعضای او را نیافریده ای و روزی او را از دل طبیعت تو بیرون نیاورده ای ولی خداوند عزوجل کار او را به تو واگذاشت سپس او را مسخر تو گرداند و تو را بر او امین قرار داد و او را به امانت نزد تو نهاد تا او آنچه از مال و دارایی که تو به او می دهی برایت نگهداری کند، پس تو نیز به او نیکی کن چنانچه خداوند به تو نیکی نموده است و اگر در نظر تو ناپسند است به جای او مملوک دیگری بگیر و مخلوق خدای عزوجل را عذاب مده و هیچ نیرویی نیست مگر به یاری خدا. و اما حق مادرت این است که بدانی او زمانی تو را حمل کرد که با آن وضعیت کسی دیگری را حمل نمی کند و به تو از میوه قلب خود چیزی را که هیچ کس به کسی دیگر نمی بخشد عطا کرد و با تمامی اعضای خود تو را نگهداری نمود و باکی نداشت از اینکه تو گرسنه شوی و غذایت دهد و تشنیه نشوی و سیرآبت کند و عربان باشی و تو را بپوشاند و آفتاب بر تو بتابد و او سایه بر تو افکند، و به خاطر تو از خواب کناره گرفت . و تو را از گرما و سرما نگاهداشت تا برای او باشی و تو توانایی سپاسگزاری از او را نداری مگر به کمک و توفیق الهی . و اما حق پدرت این است که بدانی او اصل و ریشه توست زیرا اگر او نبود تو نیز نبودی پس هرگاه در خود چیزی دیدی که مایه خود پسندی تو شد بدان که پدرت در آن صفت اصل و ریشه توست پس خدای را سپاس گو و شکرش را به جای آور که هیچ نیرو و جنبشی نیست مگر به اراده الهی . و اما حق فرزندت این است که بدانی او از توست و در این دنیا خیر و شرš منسوب به توست و تو در برابر ادب نیکوی او و راهنمایی او و سوی خدای عزوجل و یاری او بر اطاعت پروردگار مسول هستی ، پس در مورد او همانند کسی که می داند بر احسان به فرزند ثواب خواهد برد و بر بدی نمودن به او کیفر خواهد دید عمل کن . و اما حق برادرت این است که بدانی او به منزله دست تو و مایه عزت و قدرت توست بنابراین از او به عنوان اسلحه و وسیله ای برای معصیت خداوند و همچنین (پشتیبان و) ساز و برگ برای ستم به خلق خدا استفاده مکن ، در مقابل دشمنش او را تنها مگذار و از نصیحت نمودن و خیر خواهی او کوتاهی مکن ، و اینها در صورتی است که او مطیع خداوند باشد و گرنه باید خداوند در نزد تو ارجمندتر از او باشد و هیچ جنبش و قدرتی نیست مگر به کمک خداوند، و اما حق آقایی که تو را آزاد کرده این است که بدانی او مالش را در راه تو خرج کرده و تو را از ذلت و وحشت بندگی به عزت و آرامش آزادی رسانده است و از اسیری ملکیت تو را رها نموده و بند بندگی را از تو گشوده و تو را از زندان بیرون آورده و تو را مالک خودت نموده و به تو برای عبادت پروردگارت فراغت بخشیده و باید بدانی که او در زندگی و مرگت سزاوارترین و نزدیکترین مردمان به توست و یاری رساندن به او بر تو واجب است حال چه خودت به یاریش بشتابی و چه آنچه را که از تو احتیاج دارد در اختیارش قرار دهی و هیچ قدرتی نیست مگر به کمک

خداوند. و اما حق بنده ای که تو بر او انعام نموده و آزادش ساخته ای این است که بدانی خداوند عزوجل آزادی او را به دست تو وسیله ای به سوی خودش قرار داده و آن را برای تو مایه حجاب گشتن از آتش دوزخ نموده و ثواب این کار تو در دنیا این است که اگر او خویشاوند نداشته باشد ارث او به خاطر انفاقی که بر او نموده ای به تو می رسد و در آخرت نیز بهشت نصیب خواهد شد. و اما حق کسی که به تو احسان و نیکی نموده این است که او را سپاس گویی و نیکی اش را یاد کنی و گفتار نیکو را در مورد او به گوش دیگران برسانی و بین خود و خدای عزوجل و جلیل برای او خالصانه دعا کنی اگر چنین کنی از او در نهان و آشکار قدردانی کرده ای.

سپس اگر روزی توان عوض دادن و جبران خوبی اش را یافته چنین کن . و اما حق اذان گو این است که بدانی او پرورده گار عزیز و جلیل را به یاد تو می آورد و تو را به سوی بهره ات دعوت می کند و تو را بر انجام فریضه ای که خدای عزوجل بر تو واجب ساخته یاری می کند پس بر این کار از او همانند کسی که به تو نیکی روا داشته قدردانی کن . و اما حق کسی که پیشینماز توسیت این است که بدانی او سفیر بودن بین تو و پرورده گارت را به عهده گرفته و سخنگوی توسیت و تو از جانب او سخن نمی گویی و دعاگوی توسیت و تو دعاایش نمی کنی و تو را از هول و هراس ایستادن در پیشگاه پرورده گارت کفایت کرده است ، اگر نقصی باشد به گردن اوست نه تو و اگر نماش کامل و تمام باشد تو نیز با او شریک هستی و بر تو برتری ندارد با سپر خود تو را نگاه داشته و با نماز خود نماز را حافظ گشته پس باید به اندازه خوبی و خدمتی که به تو دارد قدردان و سپاسگوی وی باشی . و اما حق همنشینت این است که با نرمی پذیرای او باشی و در گفتگو با وی انصاف را رعایت کنی و جز با اجازه او از جایت بر نخیزی و او می تواند بدون اجازه تو برخیزد، لغزشها یا شرک را به فراموشی سپار و خوبیها یا شرک را حفظ کن و جز خوبی را به گوش او مرسان . و اما حق همسایه ات این است که در نبود او حفظش کنی و در هنگام حضور اکرامش نمایی و زمانی که مورد ستم قرار می گیرد به یاری اش بشتابی ، عیب او را پیگیری مکن و اگر دانستی که بدی ای دارد بدی اش را بپوشان و اگر دانستی که نصیحت را می پذیرد بین خود و او نصیحتش کن و هنگام سختی او را وا مگذار و از لغزش درگذر و گناهش را ببخش و با او به بزرگواری معاشرت کن و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق همدم و همصحبت این است که با او به مهربانی و انصاف مصحابت کنی و چنانکه گرامی ات می دارد گرامی اش داری و او را وا مگذار که در کرم نمودن بر تو پیشی گیرد و اگر پیشی گرفت پاداشش را ده و دوستیش بدار چنانکه دوستی دارد و اگر همت به ارتکاب معصیت خدا گماشت بازش دار و برای او مایه رحمت باش نه عذاب و هیچ نیرو و قدرتی نیست جز به کمک خدا. و اما حق شریک این است که اگر غایب شد کارش را تو انجام ده و اگر حاضر باشد رعایت حالش را کن و بدون نظر او تصمیم مگیر (یا در مقابل حکم او، حکم مده ) و بدون مشورت او به رای خود عمل مکن و مالش را نگهداری کن و در کار

او چه با ارزش باشد و چه بی ارزش خیانت روا مدار زیرا دست خداوند تبارک و تعالی تا زمانی که دو شریک به یکدیگر خیانت نکرده اند بر سر آنان است و هیچ نیرویی نیست جز به کمک خدا. و اما حق مال و دارایی ات این است که آن را جز از راه حلال به دست نیاوری و جز در جای صحیح خرج نکنی و به کسی که از تو قدردانی نمی کند در صورتی که خود نیاز به مالت داری ندهی و او را بر خوبیشتن مقدم نداری پس به وسیله دارائی ات به طاعت پروردگارت بپرداز و درباره مالت بخل نورز که اگر چنین کنی با حسرت و پشمیمانی قرین شوی بعلاوه اینکه عقوبت آن بر گردن تو می ماند و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی الهی . و اما حق بستانکار تو این است که اگر داری به او پرداخت کنی و اگر در سختی هستی او را با سخن خوش راضی کنی و با لطافت و نرمی از پیش خود برگردانی . و حق شریک در حقوق ملک آن است اکه او را فریب ندهی و خلاف آنچه در دل داری اب او ظاهر نسازی و به او خیانت روا نداری و در مورد او از خدا بترسی . و اما حق طرفی که بر علیه تو ادعایی نموده است این است که اگر ادعای او حق است تو خود نیز باید به نفع او و بر علیه خودت شاهد او باشی و به او ستم نکنی و حق او را به طور کامل به او بدهی و اگر ادعای او باطل است با او مدارا کنی و در مورد او جز مدارا کار دیگری نکنی و پروردگارت را به خشم نیاوری و هیچ نیرویی جز به نیروی الهی نیست . و حق طرفی که ادعایی بر او داری این است که اگر در ادعایت حق با تو باشد در گفتگو با وی آرامش را رعایت کن و حق او را انکار مکن و اگر در ادعایت بر حق نیستی ، از خدای عزوجل بترس و به سوی او توبه کن و دعوا را ترك کن . و حق کسی که با تو مشورت می کند این است که اگر دانستی که او رای نیکویی دارد او را به صواب رهنمون باش و اگر نظر او را نیک ندانستی او را به سوی آنچه که می دانی ارشاد کن . و حق کسی که در مشورت تو را راهنمایی می کند این است که او را در نظری که موافق نظر تو نیست متهم نسازی و اگر هم رای تو بود خدای عزوجل را سپاس گویی . و حق کسی که از تو طلب نصیحت کند این است که اندرزش دهی و باید روش تو مهربانی و مدارای با او باشد. و حق نصیحت کننده تو این است که در برابر او متواضع و نرم باشی و به سخشن گوش فرا دهی اگر سخن صوابی با تو گفت ، خدای عزوجل را سپاس گوی و اگر سخشن موافق صواب نبود با او مهربان باش و او را متهم نساز و او را بر خطایش موافذه نکن مگر اینکه مستحق تهمت باشد به هر حال به سخشن اعتنا مکن و هیچ نیرویی نیست جز به نیروی خدا. و حق آنکه بزرگتر است این است که او را به خاطر سنش احترام کنی و او را به خاطر اینکه بر تو در مسلمانی پیشی داشته بزرگ شمری و در هنگام مرافعه و مجادله ، مقابله نمودن با او را ترک نمایی و در راه ، در راه رفتن بر او پیشی نگیری و جلو نیفتی و با او نادانی نکنی و اگر با تو نادانی کرد تحملش کنی و او را به خاطر حق مسلمانیش و حرمتیش اکرام نمایی . و حق خردسال این است که آن کس که می خواهد آموزشی دهد با او مهر ورزد و از خطایش در گذرد و چشم پوشی کند و با او مدارا کند و یاری اش سازد. و حق سائل این است که به قدر

نیازش به او عطا کنی و حق کسی که از او چیزی درخواست نموده ای این است که اگر عطا کرد از او با سپاس و قدردانی بپذیر و اگر خودداری کرد عذرش را پذیرا باش . و حق کسی که به خاطر خدای تعالی تو را شادمان نموده این است که اولا خدای عزوجل را سپاس گویی و سپس از او تشکر کنی . و حق کسی که به تو بدی نموده این است که از او درگذری و اگر دانستی که عفو نمودن او ضرر دارد از او انتقام بگیر خدای تعالی فرموده) : و کسی که انتقام گیرد بعد از ستمی که بر او شده مسئولیتی ندارد .<sup>(49)</sup> (و حق همکیشان تو به طور عموم این است که نسبت به آنان حسن نیت و مهربانی داشته باشی و با خطا کارشان مدارا کنی و او را با مهربانی به خویش متمایل سازی و به راه اصلاح در آوری و از نیکو کارشان قدردانی کنی و گه کارشان را آزار ندهی و آنچه را که برای خود دوست داردی برای آنان دوست بداری و آنچه را که برای خود ناپسند می شمری برای آنان نیز ناپسند بشمری و پیرمردانشان به منزله پدر تو و جوانانشان به منزله برادرت و پیرزنانشان به منزله مادرت و کودکانشان به منزله فرزندانش باشند. و حق اهل ذمه این است که آنچه را که خدای عزوجل از آنان پذیرفته تو نیز از آنان بپذیری و تا زمانی که به عهد و پیمان خود وفا دارند به خاطر خدای عزوجل به آنان ستم روا مداری .

- 4باب استحباب ملازمه الصفات الحميدة و استغمالها و ذكر نبذة منها
  - 4باب استحباب كسب صفات پسندیده و به کاربردن آنها و ذكر تعدادی از آنها
- حدیث:**

- 20عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : ان الله خص رسوله صلی الله علیه و آلہ بمکارم الاخلاق فامتحنوا انفسکم فان كانت فيکم فاحمدو الله و ارغبووا اليه فيه الزیادة منها فذکرها عشره : اليقین و القناعه و الصبر و الشکر و الحلم و حسن الخلق و السخاء و الغیره و الشجاعه و المروءه.

**ترجمه:**

- 20امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بزرگواری های اخلاقی را به رسول خود اختصاص داد پس خو را بیازمایید اگر آن مکارم در وجود شما باشد خدای را سپاس گویید و در طلب زیادی آنها به سوی خدا زاری کنید. پس عدد آنها را ده عدد ذکر کرده است : یقین و قناعت و صبر و شکر و بردباری و خوش خلقی و سخاوت و غیرت و شجاعت و مردانگی .

**حدیث:**

- 21عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آلہ لعلی علیه السلام يا على اوصيك في نفسك بخصال فاحفظها ثم قال : اللهم اعنـه . اما الاولى فالصدق لا يخرجـن من فيكـ كذـه ابداـ و الثانية الورع لا تجترـن على خـيانـه ابداـ و الثالثـ الخـوف من اللهـ كانـكـ تراـهـ و الرابـعـهـ كـثـرهـ البـكـاءـ من خـشـيـهـ اللهـ عـزـوجـلـ يـبـنـیـ لـكـ بـكـلـ دـمـعـهـ بـیـتـ فـیـ الجـنـهـ وـ الخامـسـهـ بـذـلـ مـالـكـ وـ دـمـكـ دونـ دـینـکـ وـ السـادـسـهـ الاـخـذـ بـسـنـتـیـ فـیـ صـلـاتـیـ وـ صـیـامـیـ وـ

صدقی اما الصلاه فالخمسون رکعه و اما الصوم فثلاثه ایام فی کل شهر خمیس فی اوله و اربعاء فی وسطه و خمیس فی آخره و اما الصدقه فجهدك حتی یقال اسرفت و لم تصرف و علیک بصلاحه و اللیل و علیک بصلاحه اللیل و علیک بصلاحه اللیل و علیک بصلاحه اللیل و علیک بقراءه القرآن علی کل حال و علیک برفع یدیک فی الصلاه و تقلیلهمما علیک بالسوالک عند کل صلاه علیک بمحاسن الاخلاق فارکیها علیک بمساوی الاخلاق فاجتنبها فان لم تفعل فلا تلومن الانفسك.

ترجمه:

- 21 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام فرمود: ای علی! تو را درباره خودت به داشتن چند خصلت سفارش می کنم اینها را حفظ کن، سپس فرمود: خداوندا او را یاری کن. اما خصلت اول راستگویی است مبادا هرگز دروغی از دهان تو بیرون آید، دوم پارسایی است مبادا هرگز بر خیانت نمودن دلیر گردی، سوم ترس از خداست گوئیا تو او را می بینی، چهارم زیاد گریستن از خوف خدای عزوجل که به خاطر هر قطره اشکی خانه ای در بهشت برایت ساخته می شود، پنجم مال و جانت را در مقابل دینت عطا کنی، ششم در نماز و روزه و صدقه به سنت من رفتار کنی اما نماز پنجاه رکعت در هر شبانه روز و اما روزه سه روز در ماه، پنجمینه اول هر ماه و چهارشنبه وسط هر ماه و پنجمینه آخر هر ماه، و اما صدقه تا می توانی در پرداخت آن بکوش تا جایی که گفته شود زیاده روی می کنی و تو زیاده روی مکن. بر تو باد به نماز شب، نماز شب و بر تو باد به نماز ظهر اول وقت و بر تو باد به قرائت قرآن در هر حال و بر تو باد به بالا بردن دستان در نماز و برگرداندن دو کف به طریقه دعا و بر تو باد به مسوالک زدن در هنگام هر نماز و بر تو باد به کسب اخلاق نیک و بر تو باد به دوری از اخلاق ناپسند، اگر این اموری را که بر تو شمردم به جای نیاوری پس جز خودت کسی دیگر را سرزنش مکن.

حدیث:

- 22 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام انه قال : یا علی ثلث من مکارم الاخلاق فی الدنيا و الآخرة ان تعفو عنمن ظلمک و تصل من قطعک و تحلم عنمن جهل علیک.

ترجمه:

- 22 امام صادق علیه السلام از پدرانش علیه السلام روایت کند که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام چنین آمده است : ای علی! سه خصلت است که در دنیا و آخرت از بزرگواری های اخلاقی شمرده می شود: اینکه از کسی که به تو ستم نموده در گذری و با کسی که از تو بریده بیوند برقرار کنی و در برابر کسی که با تو نادانی نموده بردبازی به خرج دهی .

حدیث:

- 23 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : المکارم عشر فان استطعت ان تكون فيك فلتکن فانها تكون في الرجل و لاتكون في ولده و تكون في ولده و لاتكون في ابیه و تكون في العبد و لاتكون في الحر صدق الناس و صدق اللسان و اداء الامانه و صله الرحم و اقراء الضيف و اطعم السائل و المكافاه على الصنائع و التذمم للجار و التذمم للصاحب و راسهن الحیاء .

ترجمه:

- 23 امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگواری های اخلاقی ده چیز است ، پس اگر توانایی آن داری که این اخلاق در تو باشد پس اقدام کن زیرا این مکارم گاه باشد که در مرد هست ولی در فرزندش نیست و گاه در فرزند هست و در پدرش نیست و گاه در بندۀ هست و در آزاد نیست و آنها عبارتند از: راستی با مردمان و راستگویی زبان و امانتداری و پیوند با خویشان و مهمان دوستی و نیکویی نمودن با او و طعام دادن به سائل و پاداش دادن به خاطر انجام کارها و خودداری از سرزنش همسایه و همتشین ، و سر همه این بزرگواری ها حیا است .

حدیث:

- 24 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لانسبن الاسلام نسبه لم ینسبه احد قبلی و لاینسبة احد بعدی الا بمثل ذکل ان الاسلام هو التسلیم و التسلیم هو اليقین و اليقین هو التصدیق و التصدیق هو الاقرار و الاقرار هو العمل و العمل هو الاداء ان المؤمن لم یاخذ دینه عن رایه و لكن اتاه من ربہ فاخذبه.

ترجمه:

- 24 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: جوهره و اصل اسلام را چنان ترسیم و بیان می کنم و که کسی پیش از من چنین بیان ننموده و پس از من نیز جز به همین گونه ای که می گویم کسی (بهتران) آن را بیان نخواهد کرد: همانا اسلام همان تصدق نمودن است و تصدیق ، اقرار و اعتراف آوردن (به عبودیت و حقانیت رسول ) است و اقرار همان عمل و کردار است و عمل همان به جای آوردن (و به ظهور رسانیدن ) است . به راستی که مومن دین خود را از رای و اندیشه خود بر نمی گیرد بلکه به آنچه که از پروردگارش به او رسیده است تمسک جوید .

حدیث:

- 25 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الاسلام : عربان فلباسه الحیاء و زینته الوفاء و مروءته العمل الصالح و عماده الورع و لكل شیء اساس و اساس الاسلام حبنا اهل البيت.

ترجمه:

- 25 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اسلام برهنه است و لباس و پوشش آن حیاست و زیور آن وفا و مردانگی آن کار شایسته نمودن و پایه و ستون آن پارسایی است و هر چیز بنیاد و ریشه ای دارد و ریشه اسلام دوستی ما اهل بیت

است.

حديث:

- 26 عن ابی جعفر الثانی علیه السلام عن ابیه عن جده قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام  
قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله خلق الاسلام فجعل له عرصه و جعل له نورا و  
جعل له حصنا و جعل له ناصرا فاما عرضته فالقرآن و اما نوره فالجکمه و اما حصنه فالمعروف و  
اما انصاره فانا و اهل بيتي و شيعتنا.

ترجمه:

- 26 امام جواد علیه السلام از پدر بزرگوارشان و ایشان از جدش روایت کند که امیرالمؤمنین  
علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله : همانا خداوند اسلام را آفرید و برای آن  
میدان و روشنایی و قلعه استوار و یاری کنندگانی قرار داد اما میدان آن قرآن و روشنایی آن  
حکمت و قلعه آن احسان است و یاری کنندگان اسلام ، من و اهل بیتم و شیعیان ما می  
باشیم.

حديث:

- 27 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انکم لاتكونون صالحین حتی تعرفوا و لاتعرفون حتی  
تصدوا و لاتصدقون حتی تسلموا ابوابا اربعه لا يصلح اولها الا باخرها.

ترجمه:

- 27 امام صادق علیه السلام فرمود: شما نیکوکار نمی باشید مگر اینکه شناخت پیدا کنید و  
شناخت پیدا نمی کنید مگر اینکه تصدیق کنید و تصدیق نمی کنید مگر اینکه تسلیم شوید و  
اینها چهار باب است (صلاح ، عرفان ، تصدیق و تسلیم ) که اولین آنها به سامان نمی آید مگر  
به سبب آخرين آنها.

حديث:

- 28 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ينبغي للمؤمن ان يكون فيه ثمان خصال : و قورا عند  
الهزاهز ، صبورا عند البلاء ، شكورا عند الرخاء ، قانعا بما رزقه الله ، لا يظلم الاعدا ، ولا يتحامل  
للاصدقاء ، بدنه منه في تغب و الناس منه في راحه ، ان العلم خليل المؤمن و الحلم و زيره و  
العقل امير جنوده و الرفق اخوه و البر والده.

ترجمه:

- 28 امام صادق علیه السلام فرمود: بر مومن سزاوار است که دارای هشت خصلت باشد، در  
هنگام فتنه ها با وقار و بردباز باشد، هنگام نزول بلا شکیبا باشد، در هنگام فراخی و ناز و  
نعمت شکرگزار باشد، به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد، به دشمنان ستم  
نکند و به دوستان جفا نکند، بدنش از او در سختی و مردم از او در آرامش باشند، همانا  
دانش دوست مومن و بردبازی وزیر اوست و عقل فرمانده لشکریان او و مدارا برادر او و نیکی  
پدر اوست .

**حدیث:**

- 29قال امیرالمؤمنین علیه السلام الاسلام له ار کان اربعه ، التوکل علی الله و تفویض الامر علی الله و الرضا بقضاء الله و التسلیم لامر الله عزوجل.

**ترجمه:**

- 29امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اسلام دارای چهار رکن است : توکل بر خدا و واگذاری کار به خداوند و راضی بودن به قضای الهی و تسليیم بودن در مقابل امر خدای عزوجل.

**حدیث:**

- 30عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل امیرالمؤمنین علیه السلام عن الایمان فقال : ان الله عزوجل جعل الایمان علی اربع دعائم : علی الصبر و اليقین و العدل و الجهاد فالصبر من ذلك علی اربع شعب : علی الشوق و الاشفاق و الزهد و الترقیب - الى ان قال - و اليقین علی اربع شعب : تبصره الفطنه و تاویل الحكمه و معرفه العبره و سنه الاولین و العدل علی اربع شعب : علی غامض الفهم و غمر العلم و زهره الحكم و روضه الحلم - الى ان قال : - و الجهاد علی اربع شعب : علی الامر بالمعروف و النهي عن المنكر و الصدق فی المواطن و شنآن الفاسقین.

**ترجمه:**

- 30امام باقر علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره ایمان سوال شد و حضرت پاسخ دادند: همانا خداوند عزوجل ایمان را بر چهار پایه نهاد: بر صبر و یقین و عدل و جهاد. اما صبر خود بر چهار شاخه است : بر شوق (به بهشت) و ترس (از جهنم) و بی رغبتی به دنیا و انتظار کشیدن (مرگ) - تا آنجا که فرمود: - و یقین نیز بر چهار شاخه است : بر بینا شن در زیرکی و بازگردانیدن) امور به سوی ) حکمت و شناختن عبرت و روش پیشینیان . و عدل نیز بر چهار شاخه است : بر فهم دشوار و فرو رفتن در علم و حکم نیکو و (وارد شدن در) سبیله زار بردباري<sup>(50)</sup> - تا آنجا که فرمود: - و جهاد نیز بر چهار شاخه است : بر امر به معروف و نهی از منکر و صداقت و راستی در مواضع و دشمنی با نابکاران .

**حدیث:**

- 31عن علی به الحسین علیه السلام قال : المؤمن من ينصرت ليس مل و ينطق ليغم  
لا يحدث امانته الا صدقاء ولا يكتتم شهادته من البعداء ولا يعمل شيئاً من الخير زياء ولا يتركه حياء، ان زکی خاف ما يقولون و يستغفر الله لما لا يعلمون ، لا يغره قول من جهله و يخاف احصاء ما عمله.

**ترجمه:**

- 31امام سجاد علیه السلام فرمود: مومن سکوت می کند تا سالم و سلامت بماند و سخن نگوید تا (از گفتگو با دیگران) غنیمت گیرد و شهادتش را از افراد دور (و آشنا) کتمان نمی کند و هیچ کار خیری را ریاکارانه انجام نمی دهد و هیچ کار خوبی را به خاطر حیا ترك نمی کند.

اگر ستوده شود از آنچه که درباره اش می گویند بیمناك است و از خداوند به خاطر آنچه که درباره اش نمی دانند طلب مغفرت می کند، گفتار کسی که نسبت به او جاھل است او را نمی فریبد و از اینکه یکایک عملش حفظ و نگاهداری می شود بیمناك است.

حدیث:

- 32 عن هشام به الحكم عن ابی الحسن موسی به جعفر علیه السلام فی حدیث طویل  
قال يا هشام كان امير المؤمنین علیه السلام يقول:

ما عبد الله بشیء افضل من العقل و ما تم عقل امری حتى تكون فيه خصال شتی : الكفر و الشر منه مامونان و الرشد و الخير منه مامولان و فضل ماله مبذول و فضل قوله مكفوف ، نصیبه من الدنيا القوت ، لا يشبع من العلم دهره ، الذل احب اليه مع الله من العز مع غيره و يستقل كثير المعرف من نفسه و يرى الناس كلهم خيرا منه و انه شرهم في نفسه و هم تمام الامر.

ترجمه:

- 32 هشام بن حکم از امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی طولانی روایت کند که فرمود: ای هشام! امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید: خداوند به هیچ چیز برتر از عقل پرسش نشده است و عقل کسی تمام و کامل نمی شود مگر اینکه در وی چند خصلت باشد، از کفر و بدی او ایمنی حاصل باشد و امید پایداری در راه راست و خیر از او می رود و زیادی مالش بذل و بخشنیش می شود و زیادی گفتارش باز داشته می شود، بهره اش از دنیا همان طعامی است که می خورد، در تمام عمرش از علم سیر نمی شود، ذلتی که در راه خدا باشد از عزتی که در راه غیر خدا باشد نزد او دوست داشتنی تر است و فروتنی در نزد او از بلندپایگی محبوبتر است، احسان کمی را که دیگران انجام می دهند زیاد می شمرد و احسان زیاد خودش را کم به حساب می آورد و همه مردم را از خود بهتر می بیند و خودش را در نفس خود بدترین مردم می داند و اینها تمام آن خصال است.

حدیث:

- 33 و عن عده من اصحابنا رفعه الى ابی عبد الله علیه السلام قال : المؤمن له قوه في دین و حزم في لین و ایمان في يقین و حرص في فقه و نشاط في هدی و بر في استقامه و علم في حلم و کیس في رفق و سخاء في حق و قصد في غنى و تحمل في فاقه و عفو في قدره و طاعه لله في نصيحة و انتهاء في شهوه و ورع في رغبه و حرص في جهاد و صلاه في شغل و صبر في شده و في الهزاذه و قور و في المكاره صبور و في الرخاء شكور و لا يغتاب و لا يتکبر و لا يقطع الرحم و ليس بواهن و لا لافظ و لا غليظ و لا يسبقه بصره و لا يفضحه بطنه و لا يغلبه فرجه و لا يحسد الناس ، يغير و لا يغير و لا يسرف ، ينصر المظلوم و يرحم المسكين ، نفسه منه في عناء و الناس منه في راحه ، لا يرغب في عز الدنيا و لا يجزع من ذلها، للناس هم قد اقبلوا عليه و له هم قد شغله ، لا يرى في حلمه نقش و لا في رابه و هن و لا في دینه ضياع ،

یرشد من استشاره و یساعد من ساعده و یکیع عن الخناء الجهل.

ترجمه:

- 33از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: مومن دارای توانایی در دینداری و ثبات در نرمی و ایمان در یقین و حرص در دریافت دانش و نشاط در هدایت و نیکی در پایداری و دانش در بردباری و زیرکی در مدارا و سخاوت در مسیر حق و میانه روی در هنگام ثروتمندی و تحمل در زمان نداری و عفو در وقت قدرت و فرمانبرداری خدا در پند و اندرز دادن و باز ایستادن از شهوترانی و پارسایی در هنگام خواهش نفس و حرص در جهاد و نماز در وقت گرفتاری و صبر در سختی است و در فتنه ها با وقار و در دشواری ها صبور و در فراخی شکرگزار است و غیبت و درشتخاری و خشن نیست و چشمش بر او پیشی نمی گیرد (یعنی اینگونه نیست که ابتدا نگاه کند و سپس از نگاه خود پشیمان شود بلکه از آغاز نگاه نمی کند) و شکمش او را رسوا نمی کند و عورتش بر او چیره نمی شود و بر مردم حسد نمی ورزد، سرزنش می شود و سرزنش نمی کند و اهل اسراف نیست، ستمدیده را یاری می کند و بر بیچاره رحم می آورد، نفس او از او در سختی است و مردم از او در راحتی اند، میل به عزت و ارجمندی دنیا ندارد و از ذلت دنیا بی تابی نمی کند، مردم می کوشند که روی آورند و کوشش او در این است که به کار خود (و تهذیب نفس خود) مشغول باشد، در بردباری اش کمبودی نیست و در رای و نظرش سستی راه ندارد و در دینش زیان و خسارت نباشد، کسی را که از او مشورت خواهد راهنمایی می کند و کسی را که از او درخواست کمک کند کمک می کند و از فحش و نادانی ترسان است.

حدیث:

- 34عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی حدیث انه سال رسول الله صلی الله عليه و آله عن صفة المؤمن . فقال : عشرون خصله فی المؤمن فان لم تكن فيه لم يكمل ایمانه . ان من اخلاق المؤمنین يا على الحاضرون الصلاه و المسارعون الى الزakah و المطعمون للمسكين ، الماسحون لراس اليتيم ، المطهرون الطمارهم ، المتزرون على اوساطهم ، الذين ان حدثوا لم يكذبوا و ان وعدوا لم يخلفوا و ان اوتمنوا لم يخونوا و ان تكلموا صدقوا ، رهبان الليل ، اسد بالنهار ، صائمون النهار قائمون الليل ، لا يوذون جارا و لا يتاذی بهم جار ، الذين مشيهم على الارض هون و خطفهم الى بيوت الارامل و على اثر الجنائز . جعلنا الله و اياكم من المتقين.

ترجمه:

- 34در حدیثی از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که حضرت از رسول خدا صلی الله علیه و آله در مورد اوصاف مومن سوال کرد و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: بیست خصلت در مومن هست که اگر این خصلتها در او نباشد ایمانش کامل نیست . ای علی ! از اخلاق مومنین این است : به نماز (جماعت) حاضر می شوند و به پرداخت زکات شتاب کننده اند و مسکین را طعام دهند، دست بر سر یتیم کشند، جامه های کهنه خویش را پاکیزه می

کنند دروغ نمی گویند و اگر وعده دهنده به وعده عمل می کنند و اگر در کاری آنان را امین شمرند خیانت نمی کنند و اگر سخن گویند راست خواهند گفت ، پارسایان شب و شیران روزاند، روز را به روزه و شب را به قیام می گذرانند، همسایه را آزار نمی دهند و همسایه ای از آنان رنجیده خاطر نمی شود، به آرامی بر روی زمین قدم بر می دارند و برای کمک به زنان بی سرپرست و برای تشییع جنازه ها قدم پیش می گذارند. خداوند ما و شما را از پرهیزکاران قرار دهد.

حدیث:

- 35 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان شیعه علی علیه السلام کانوا خمض البطنون ، ذبل الشفاء، اهل رافه و علم و حلم ، یعرفون بارهبانیه فاعینوا علی ما انتم علیه بالورع و الاجتهاد.

ترجمه:

- 35 امام صادق علیه السلام : همانا شیعیان علی علیه السلام شکمها یشان تھی و لبها یشان خشکیده بود، اهل مهربانی و علم و بردباری بودند، به پارسایی شناخته می شدند پس با پرهیزکاری و تلاش ما را بر شیعه بودنتان یاری کنید.

حدیث:

- 36 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : المومن حلیم لا یجهل ، و ان جهل علیه یحلم ، و لا یظلم و ان ظلم غفر و لا یبخل و ان بخل علیه صبر.

ترجمه:

- 36 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن بردباری است که بردباری اش از روی نادانی نیست و اگر با او از روی نادانی و حماقت رفتار شود او بردباری به خرج می دهد و به کسی ستم نمی کند و اگر به او ستمی شد می بخشاید و بخل نمی ورزد و اگر به او بخل ورزیده شد صبر پیشه می کند.

حدیث:

- 37 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : المومن من طاب مکتبه و حسنت خلائقته و صحت سریرته و انفق الفضل من ماله و امسك الفضل من کلامه و کفی الناس شره و انصاف الناس من نفسه.

ترجمه:

- 37 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن کسی است که محل کسب روزی اش پاکیزه و خلق و خوی او نیکوست و درونش بی عیب و نقص است و زیادی دارایی اش را اتفاق می کند و جلو زیاد سخن گفتن خو را می گیرد و شریش را از مردم باز می دارد و در مورد خودش با مردم به انصاف و عدالت رفتار می کند.

حدیث:

- 38 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ، شیعتنا المتباذلون فی ولایتنا، المتأبیون فی مودتنا، المتأذلون فی احیاء امرنا، الذين اذا غضبوا لم يظلموا و ان رضوا لم يسرفووا، برکه علی من جاوروا سلم لمن خالطوا.

ترجمه:

- 38 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرمود: شیعیان ما کسانی هستند که در سایه ولایت ما به یکدیگر بذل و بخشنودی کنند، یکدیگر را در راه دوستی ما دوستی دارند، در زنده نمودن امر ما با یکدیگر دید و بازدید می کنند، آنان زمانی که به خشم آیند ستم نمی کنند و اگر خشنود باشند زیاده روی نمی کنند، آنان مایه برکت برای همسایگانشان و مایه صلح و سلامت معاشران خود هستند.

حدیث:

- 39 عن فاطمه بنت الحسين بن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلالث خصال من کن فیه استکمل خصال الایمان : اذا رضى لم يدخله رضاه فی باطل و اذا غضب لم يخرجه الغضب من الحق و اذا قدر لم يتعاط ما ليس له .

ترجمه:

- 39 از فاطمه دختر حسین بن علی علیه السلام روایت است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت است که کسی که این سه خصلت در او باشد خصلتهای ایمان را به طور کامل داراست : هنگامی که خشنود است خوشنوی اش او را در باطل داخل نمی کند و هنگامی که خشمگین است خشمش او را از راه حق بیرون نمی برد و هنگامی که قدرت و توانایی دارد آنچه را که از آن نیست به ناحق نمی گیرد.

حدیث:

- 40 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان لاهل الدين علامات يعرفون بها: صدق الحديث و اذاء الامانه و وفاء العهد و صلة الارحام و رحمة الضعفاء و قوله المواقعه للنساء - او قال و قوله المواتاه للنساء - و بذل المعروف و حسن الجوار و سعة الخلق و اتباع العلم و ما يقرب الى الله - الى ان قال - ان المؤمن نفسه منه في شغل و الناس منه في راحه ، اذا جن عليه الليل افترش وجهه و سجد لله بمكارم بذنه يناجي الذي خلقه في فكاك رقبته ، الا فهمكذا فكونوا.

ترجمه:

- 40 امام صادق علیه السلام فرمودن امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا اهل دین نشانه هایی دارند که به آن نشانه ها شناخته می شوند: راستی در گفتار و امانتداری و وفای به پیمان و پیوند با خویشان و مهربانی با ناتوانان و کمی معاشرت و مخالفت با زنان (با اینکه فرمود: کمی جماع با زنان) و بذل احسانو حسن همسایگی و وسعت خلق و پیروی از علم و آنچه که به خدا نزدیک می کند تا اینکه فرمود: همانا مومن نفسیش از دست او گرفتار

است و مردم از او در راحتی اند، هنگامی که شب بر او می رسد صورتش را بر زمین می گذارد و برای خدا با گرامی ترین اعضاً بدن خود به خاک می افتد و با پروردگاری که او را آفریده مناجات می کند که او را از آتش برهاند، آگاه باشید که چنین باشید.

حدیث:

- 41 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سئل النبی صلی اللہ علیہ وآلہ عن خیار العباد فقال :  
الذین اذَا احسِنُوا اسْتَبَشَرُوا وَ اذَا اسْأَءُوا اسْتَغْفِرُوا وَ اذَا اعْطَوْا شَكْرُوا وَ اذَا بَتَلُوا صَبَرُوا وَ اذَا  
غَضِبُوا غَفَرُوا .

ترجمه:

- 41 امام باقر علیه السلام فرمود: از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آلہ سوال شد که بهترین بندگان چه کسانی هستند؟ فرمود: آنان کسانی هستند که هرگاه نیکی کنند شاد می شوند و هنگامی که بدی کنند مغفرت می کنند و هنگامی که به آنان عطا شود قدردانی می کنند و زمانی که به بلایی دچار شوند صبر پیشه کنند و هنگامی که خشمگین شوند بیخشنایند .

حدیث:

- 42 قال النبی صلی اللہ علیہ وآلہ : ان خیارکم اولو النھی قیل يا رسول الله : من اولو النھی ؟ قال : هم اولو الاخلاق الحسنة و الاحلام الرزینه و صله الارحام و البره بالامهات و الاباء و المتعاهدون للجيران و اليتامى و يطعمون الطعام و يفشون السلام فى العالم و يصلون و الناس نیام غافلون.

ترجمه:

- 42 پیامبر صلی الله علیه و آلہ فرمود: بهترین شما خردمندانند. گفته شد: ای رسول خدا چه کسانی خردمندانند؟ فرمود: آنان صاحبان اخلاق نیکو و عقلهای گرانمایه و اهل پیوند با خویشاوندان و نیکی به مادران و پدران و رسیدگی کننده به همسایگان و یتیمان اند و (به مسکینان) طعام می خورانند و به صورت آشکار به همگان سلام می کنند و نماز می گذراند در حالی که مردم در خواب و غافلند.

حدیث:

- 43 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : كان على بن الحسين علیه السلام يقول : ان المعرفه بكمال دین المسلم تركه الكلام فيما يعنيه و قوله مرائه و حلمه و صبره و حسن خلقه

ترجمه:

- 43 امام صادق علیه السلام می فرماید امام سجاد علیه السلام می فرمود: همانا شناختن اینکه دین مسلمان به کمال رسیده است به چند امر است : ترك سخن نمودنش در امور بیهوده و بی مربوط و کم جدال نمودنش و برداری اش و شکیبايی اش و خوش خلقی اش.

**حديث:**

- 44 عن على بن الحسين عليه السلام قال : من اخلاق المؤمن الانفاق على قدر الاقتار و التوسيع على قدر التوسيع و انصاف الناس و ابتداؤه ايهم بالسلام عليهم.

**ترجمة:**

- 44 امام على بن الحسين زین العابدین عليه السلام فرمود: از اخلاق مومن انفاق نمودن به اندازه نیازمندی و توسعه دادن (به زندگی نیازمندان) به اندازه فراخی (زندگی خود) و رفتار عادلانه با مردم و آغاز نمودن به سلام بر مردم .

**حديث:**

- 45 عن ابی جعفر عليه السلام قال : انما المؤمن من الذى اذا رضى لم يدخله رضاه فى اثم و لباطل و ان سخط لم يخرجه سخطه من قول الحق و الذى اذا قدر لم تخرجه قدرته الى التعدى الى ما ليس له بحق.

**ترجمة:**

- 45 امام باقر عليه السلام فرمود: مومن کسی است که در هنگام خشنودی ، خوشنوی اش او را در گناه و باطل داخل نکند و اگر به خشم آمد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و در زمانی که قدرت دارد قدرتش او را به تجاوز نمودن به سوی چیزی که حقی در آن ندارد نکشاند.

**حديث:**

- 46 قال ابو عبدالله عليه السلام : يا مهزم شیعتنا من لا یعدو صوته سمعه و لا شحناوه یدیه و لا یمتدح بنا معلنا و لا یجالس لنا عائبا و لا یخاصل لنا قالیا و ان لقی مومنا اکرمه و ان لقی جاهلا هجره - الى ان قال - شیعتنا من لا یهر هریر الكلب و لا یطعم طمع الغراب و لا یسال عدونا و ان مات جوعا.

**ترجمة:**

- 46 امام صادق عليه السلام فرمود: این مهزم ! شیعه ما کسی است که صدایش از گوش خودش تجاوز نکند و کینه و دشمنی اش از دستانش تعدی نکند) کینه اش را عملا ابراز و اعمال نکند و (در زمان تقیه ) ما را آشکارا مدح و ثنا نگوید، و در مجالست و همنشینی با ما زبان به عیبجویی نگشاید و یا بی مهری و کینه با ما به مخاصمه و جدال بر نخیزد و اگر با مومنی دیدار کرد او را اکرام کند و اگر با نادانی برخورد نمود از او دوری کند، - تا آنجا که فرمود: - شیعه ما کسی است که همچون بانگی که سگ از سوز سرما بر می آورد بانگ بزند و حرص و طمعی همچون حرص و طمع کلاغان نداشته باشد و از دشمن ما درخواست و گدایی نکند اگر چه از گرسنگی بمیرد .

**حديث:**

- 47 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال النبی صلی اللہ علیہ و آله الا اخیرکم باشبھکم بی ؟ قالوا: بلی یا رسول اللہ قال : احسنکم خلقا و الینکم کنفا و ابرکم بقرابته و اشدکم حبالا خوانه فی دینه و اصبرکم علی الحق و اکظمکم للغیظ و احسنکم عفوا و اشدکم من نفسه انصافا فی الرضا و الغضب.

ترجمه:

- 47 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ و آله فرمود: آیا به شما در مورد کسی که شبیه ترین شما به من است خیر دهم؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! پیامبر فرمود: کسی که اخلاقیش نیکوتر و نرمخوتر و نیکی کننده تر به خویشاوندانش باشد و دوستی اش نسبت به برادران دینی از همه بیشتر باشد و صبورترین شما بر حق و فرو خورنده ترین شما خشمیش را و نیکوترین شما از نظر عفو و بخشایش باشد و از همه شما در هنگام خوشنودی و خشم انصاف را بیشتر رعایت کند.

حدیث:

- 48 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال المؤمن حسن المعونة ، خفيف المئونة ، جيد التدبير لمعيشه و لا يلسع من جحر مرتبين.

ترجمه:

- 48 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن یاری اش نیکو و روزی اش سبک و کم است ، تدبیرش برای زندگی نیکوست و از یک سوراخ دو مرتبه گزیده نمی شود .

حدیث:

- 49 عن الدلهاث مولی الرضا علیه السلام قال : سمعت الرضا علیه السلام يقول : لا يكون المؤمن مومنا حتى يكون فيه ثلات خصال - الحديث و ذكر فيه - كتمان سره و مداراه الناس و الصبر فی الباساء و الضراء.

ترجمه:

- 49 دلهاث غلام امام رضا علیه السلام روایت کند که از حضرت شنیدم که می فرموده : مومن مومن نیست مگر اینکه در او سه خصلت باشد - سپس حدیث ما قبل را آورده است و در آن اضافه نموده است : رازش را می پوشاند و با مردمان مدارا می کند و در سختی ها و مشکلات صبر پیشه می سازد.

حدیث:

- 50 فی حدیث مرفوع الى النبی صلی اللہ علیہ و آله قال : جاء جبرئیل فقال : يا رسول الله ان الله ارسلنی اليك بهديه لم یعطها احدا قبلك قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آله : ما هی ؟ قال : الصبر و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الرضا و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الزهد و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : الاخلاص و احسن منه قال : و ما هو؟ قال : اليقین و احسن منه قال : و ما هو يا جبرئیل ؟ قال : ان مدرجه ذلك التوکل على الله عزوجل فقلت : و

ما التوكل على الله ؟ قال : العلم بان المخلوق لا يضر و لا ينفع و لا يمنع و استعمال الياس من الخلق فاذا كان العبد كذلك لا يعمل لاحد سوى الله و لم يرج و لم يخف سوى الله و لم يطمع في احد سوى الله فهذا هو التوكل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الصبر ؟ قال : تصبر في الضراء كما تصبر في العافية فلا يشكو حاله عند المخلوق بما يصيبه من البلاء قلت : فما تفسير القناعه ؟ قال : يقنع بما يصيب من الدنيا يقنع بالقليل و يشكر اليسيير قلت فما تفسير الرضا ؟ قال الراضى لا يسخط على سيده اصاب من الدنيا (ام لا يصيب ) منها و لا يرضى لنفسه باليسيير من العمل قلت : يا جبرئيل فما تفسير الزهد ؟ قال : يحب من يحب خالقه و يبغض من يبغض خالقه و يتخرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتخرج من حلال الدنيا و لا يلتفت الى حرامها فان حلالها حساب و حرامها عقاب و يرحم جميع المسلمين كما يرحم نفسه و يتخرج من الكلام كما يتخرج من الميتة التي قد اشتتد نتنها و يتخرج عن حطام الدنيا و زينتها كما يتتجنب النار ان يغشاها و ان يقصر امله و كان بين عينيه اجله قلت ، يا جبرئيل فما تفسير الاخلاص ؟ قال : المخلص الذى الايسال الناس شيئا حتى يجد و اذا وجد رضى و اذا بقى عنده شىء اعطاه فى الله ، فان لم يسأل المخلوق فقد اقر لله بالعبودية و اذا وجد فرضى فهو عن الله راض و الله تبارك و تعالى عنه راض و اذا اعطى الله عزوجل فهو على حد الثقه بربه قلت : فما تفسير اليقين ؟ قال : المؤمن يعمل لله كنه يراه فان لم يكن يرى الله فان الله يراه و ان يعلم يقينا ان ما اصابه لم يكن ليخطئه و ما اخطأه لم يكن ليصيبه و هذا كله اغصان التوكل و مدرجة الزهد.

ترجمه:

- 50در حديثی از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله روایت شده است که : جبرئیل علیه السلام نزد پیامبر خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! خداوند مرا با هدیه ای نزد تو فرستاده که این چنین هدیه ای به هیچ کس پیش از تو نداده است رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن هدیه چیست؟ عرض کرد: صبر و نیکوتراز صبر. فرمود: نیکوتراز صبر چیست؟ عرض کرد: رضا و نیکوتراز آن. فرمود: نیکوتراز رضا چیست؟ عرض کرد: زهد و نیکوتراز آن. فرمود: نیکوتراز زهد چیست؟ عرض کرد: اخلاص و نیکوتراز آن. فرمود: نیکوتراز اخلاص چیست؟ عرض کرد: یقین و نیکوتراز یقین. پیامبر می فرماید گفتم: ای جبرئیل! نیکوتراز یقین چیست؟ گفت: راه رفتن به آن توکل نمودن بر خدای عزوجل است گفتم: توکل بر خدا چیست؟ گفت: آگاهی به اینکه ضرر و نفع و عطا و منع هیچ یک به دست مخلوق نیست و نومیدی از مخلوق را در عمل رعایت کند پس هرگاه بنده ای چنین باشد برای هیچ کس غیر از خدا کار نمی کند و امید و بیم ندارد جز از خدا و به هیچ کس جز خدا چشم نمی دوزد پس این معنای توکل است. گفتم: ای جبرئیل! تفسیر صبر چیست؟ گفت: در سختی شکیبایی کند چنانکه در شادی و در تنگdestی شکیبایی کند چنانکه در ثروتمندی و در بلا شکیبایی کند چنانکه در وقت عافیت و تندرستی پس از بلایی که به او رسیده به نزد

مخلوق شکوه و شکایت نبرد. گفتم : تفسیر قناعت چیست ؟ گفت : به آنچه از دنیا نصیب او گردیده قانع باشد به کم قانع باشد و شکر آن را به جای آورد. گفتم : تفسیر رضا چیست ؟ گفت : شخص رضایتمند بر مولای خود خشم نمی گیرد چه به دنیا رسیده باشد چه نرسیده باشد و بر نفس خود به عمل کم خوشنود نیست.

گفتم : ای جبرئیل تفسیر زهد چیست ؟ گفت : اینکه دوست بدارد آن کس را که آفریننده اش را دوست دارد و دشمن بدارد آن کس را که آفریننده اش را دشمن می دارد و از حلال دنیا بر خود تنگ بگیرد و به حرام آن توجهی نکند زیرا حلال آن حساب دارد و حرامش موجب عقاب است و به همه مسلمانان مهربانی کند چنانکه نسبت به خود مهربان است و آنچنانکه از مرداری که بوی گندش زیاد شده است پرهیز می کند از سخن گفتن پرهیزد و همچنانکه از آتشی که او را فرا گیرد دوری می کند از چیزهای پوج و فانی دنیا و زینت دنیا پرهیز کند و آرزویش را کوتاه کند و اجلش را پیش رو داشته باشد. گفتم : ای جبرئیل ! تفسیر اخلاص چیست ؟ گفت : مخلص کسی است که هیچ چیز را از مردم درخواست نکند تا خود بیابد و آنگاه که یافت خوشنود باشد و اگر چیزی در نزد او باقی ماند آن را در راه خدا عطا کند پس اگر از مخلوق درخواست نکند به عبودیت خداوند اقرار کرده است . و اگر خواسته خود را یافت و خوشنود بود چنین کسی از خدا خوشنود است و خداوند تبارک و تعالی نیز از او خوشنود است و هنگامی که به خاطر خدای عزوجل عطا می کند چنین کسی در حد اعتماد به پروردگار خویش است.

گفتم : تفسیر یقین چیست ؟ گفت : مومن برای خدا به گونه ای عمل کند گوئیا او را می بیند که اگر او خدا را نمی بیند خداوند او را می بیند و از روی یقین و باور بداند که آنچه به او رسیده است ممکن نبود که به او برسد و به خطای رود و آنچه که به خطای رفته و به او نرسیده است نمی شد که به او برسد. همه اینها که گفته شد شاخه های توکل و راه رفتن به سوی زهد است.

- 5باب استحباب التفکر فيما يوجب الاعتبار والعمل

- 5باب استحباب تفکر نمودن در چیزهایی که موجب عبرت و عمل است

حدیث:

- 51عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : نبه بالفکر قلبك و جاف عن الليل جنبك و انق الله ربک.

ترجمه:

- 51امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: با تفکر نمودن قلب خود را آگاه کن و شبانگاه پهلوی خود را از بستر خواب دور گردان و تقوای خداوند که پروردگار توست را پیشه ساز.

حدیث:

- 52 عن الحسن الصيقـل قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عما يروى الناس ) تفكـر ساعـه خـير من قيـام لـيلـه ( قـلت : كـيف يـتفـكـر ؟ قال : يـمـر بالـخـربـه او بالـدار فـيـقـول : اـين سـاـكـنـوك ؟ اـين بـانـوك ؟ مـا لـك لا تـكـلـمـين ؟

ترجمـه :

- 52 حـسن صـيقـل گـوـيد : اـز اـمام صـادـق عـلـيـه السـلام درـبـارـه آـنـچـه کـه مرـدـم روـاـيـت مـى كـنـنـد کـه ) سـاعـتـى تـفـكـر اـز قـيـام يـك شـبـ بـهـتر اـسـت ( پـرسـيـدـم کـه چـگـونـه بـاـيد تـفـكـر کـنـد ؟ فـرمـودـ: به وـيـرـانـه يـا خـانـه گـذـرـکـنـد وـ بـگـوـيد : کـجـاـيـنـد سـاـكـنـانـ توـ؟ کـجـاـيـنـد سـاـزـنـدـگـانـ توـ؟ توـ رـا چـه شـدـه چـرا سـخـنـ نـمـى گـوـيـيـ ؟

حدـيـث :

- 53 عن اـبـي عـبـدـالـلـه عـلـيـه السـلام قال : اـفـضـل العـبـادـه اـدـمـان التـفـكـر فـي الله وـ فـي قـدرـتـه .

ترجمـه :

- 53 اـمام صـادـق عـلـيـه السـلام فـرمـودـ، برـتـريـن عـبـادـت مـداـومـت نـمـودـن بـر تـفـكـر درـبـارـه خـداـونـد وـ قـدرـتـ اوـسـتـ .

حدـيـث :

- 54 عن مـعـمـر بن خـلـاد قال : سـمـعـت اـبـي الحـسـن الرـضا عـلـيـه السـلام يـقـول : لـيـس العـبـادـه كـثـره الصـلاـه وـ الصـوم اـنـما العـبـادـه التـفـكـر فـي اـمـر الله عـزـوجـلـ .

ترجمـه :

- 54 مـعـمـر بن خـلـاد گـوـيد : اـز اـمام رـضا عـلـيـه السـلام شـنـيـدـم کـه مـى فـرمـودـ: عـبـادـت نـمـاز وـ رـوزـه زـيـادـ نـيـسـت بلـكـه عـبـادـت تـفـكـر نـمـودـن درـ کـار خـدـاـی عـزـوجـلـ استـ .

حدـيـث :

- 55 قال اـبـو عـبـدـالـلـه عـلـيـه السـلام : التـفـكـر يـدـعـو إـلـى البر وـ الـعـمـلـ بهـ .

ترجمـه :

- 55 اـمام صـادـق عـلـيـه السـلام فـرمـودـ: تـفـكـر آـدـمـي رـاـ بهـ سـوـيـ نـيـكـيـ وـ عـمـلـ بهـ آـنـ فـرـاـ مـى خـواـندـ .

حدـيـث :

- 56 كـتـبـ هـارـون الرـشـيد إـلـى اـبـي الحـسـن مـوـسى بن جـعـفر عـلـيـه السـلام : عـظـنـى وـ اوـجـزـ . قال : فـكـتـبـ إـلـيـهـ ماـ مـنـ شـىـءـ تـرـاهـ عـيـنـكـ الاـ وـ فـيـهـ مـوـعـظـهـ .

ترجمـه :

- 56 هـارـون الرـشـيد بـه اـمام مـوـسى بن جـعـفر عـلـيـه السـلام نـوـشت کـه : مـرـا مـوـعـظـه کـنـ وـ کـوـتـاه سـخـنـ گـوـ. - رـاوـيـ گـوـيدـ: - حـضـرـتـ بـرـايـ اوـ نـوـشتـ : هـيـچـ چـيـزـ نـيـسـتـ کـه چـشـمـ توـ آـنـ رـا بـيـنـدـ جـزـ اـيـنـكـهـ درـ آـنـ مـوـعـظـهـ اـيـ نـهـفـتـهـ استـ .

حدـيـث :

- 57 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : کان اکثر عباده ابی ذر رحمه اللہ التفکر و الاعتبار.

ترجمہ:

- 57 امام صادق علیه السلام فرمود: بیشترین عبادت ابوذر - که خدایش رحمت کند - تفکر نمودن و عبرت گرفتن بود.

حدیث:

- 58 من کتاب ابی عبداللہ السیاری صاحب موسی و الرضا علیه السلام قال : سمعته یقول : لیس العباده کثرة الصیام و الصلاه و انما العباده الفکر فی الله تعالیٰ.

ترجمہ:

- 58 از کتاب ابی عبداللہ سیاری که مصاحب دو امام موسی کاظم و امام رضا علیه السلام بود روایت است که گوید: از امام معصوم شنیدم که فرمود: عبادت ، زیاد روزه گرفتن و خواندن نماز فراوان نیست بلکه عبادت تفکر نمودن درباره خدای تعالی است .

حدیث:

- 59 الحسین الصیقل قال : قلت لابی عبداللہ علیه السلام : تفکر ساعه خیر من قیام لیله فقال : نعم قال رسول الله صلی الله علیه و آله تفکر ساعه خیر من قیام لیله قلت : کیف یتفکر؟ قال : یمر بالدار و الخربه فيقول این بانوک این ساکنونک مالک لاتتكلمين.

ترجمہ:

- 59 حسین بن صقیل گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : آیا ساعتی تفکر، از برخاستن و عبادت یک شب با ارزش تر است ؟ حضرت فرمود: آری رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود که : ساعتی تفکر نمودن از یک شب قیام نمودن برتر است عرض کردم : چگونه باید تفکر کرد؟ فرمود: باید به خانه و ویرانه گذر کند و بگوید : سازندگان تو و ساکنان تو کجايند؟ تو را چه شده چرا سخن نمی گویی ؟

- باب استحباب التخلق بمكارم الاخلاق و ذكر جمله منها

- باب استحباب یافتن اخلاق نیکو و ذکر تعدادی از اخلاق نیکو

حدیث:

- 60 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : انا لنحب من کان عاقلا فهمما فقيها حلیما مداریا صبورا صدوقا و فیا ان الله عزوجل خص الانبیاء بمکارم الاخلاق فمن كانت فيه فلیحمد الله على ذلك و من لم تكن فيه فليتضرع الى الله عزوجل و ليساله ایاها قال قلت جعلت فداك و ما هن ؟ قال : هن الورع و القناعه و الصبر و الشکر و الحلم و الحیاء و السخاء و الشجاعه و الغیره و البر و صدق الحديث و اداء الامانه.

ترجمہ:

- 60 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما کسی را دوست می داریم که خردمند، فهمیده ، دارای فهم عمیق در دین ، بربار، مداراکننده ، صبور، راستگو و وفادار

باشد، خداوند عزوجل اخلاق نیکو را به پیامبران اختصاص داده پس کسی که دارای اخلاق پسندیده است خداوند را بر داشتن آن اخلاق سپاس گوید و کسی که چنین اخلاقی در وجودش نیست باید به درگاه خدای عزوجل تصرع و زاری کند و اخلاق نیکو را از خداوند درخواست کند.

-راوی گوید: - عرض کردم : فدایت شوم آن اخلاق نیک چیست ؟ حضرت فرمود: پارسایی ، قناعت ، صیر و شکر، بردباری ، حیا سخاوت ، شجاعت ، غیرت ، نیکو کاری ، راستگویی ، امانتداری.

حدیث:

- 61 قال رسول الله صلی الله علیہ وآلہ وسیدہ: الا اخبرکم بخیر رجالکم ؟ قلنا: بلی یا رسول الله قال : ان خیر رجالکم التقى السمح الکفین النقی الطرفین البر بوالدیه و لا یجلی عیاله الى غیره.

ترجمه:

- 61 رسول خدا صلی الله علیہ وآلہ وسیدہ فرمود: آیا به شما خبر دهم که بهترین مردان شما چه کسانی هستند؟ گفتیم : آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بهترین مردان شما کسانی هستند که پرهیزکار، پاکیزه ، دارای دستانی بخشندگ و با سخاوت ، از طرف پدر و مادر پاکیزه نزاد باشد، نیکی کننده به پدر و مادرش باشد و خانواده اش را مجبور نکند که به دیگری پناه برد.

حدیث:

- 62 عن ابی عبدالله علیہ السلام قال : ان الله عزوجل ارتضی لكم الاسلام دینا فاحسنتوا صحبتہ بالسخاء و حسن الخلق.

ترجمه:

- 62 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا خداوند عزوجل اسلام را به عنوان دین برای شما پسندید پس این دین را با سخاوت و خوش خلقی همراهی و یاری نیکو کنید .

حدیث:

- 63 عن ابی عبدالله علیہ السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیہ السلام : الايمان اربعه اركان الرضا بقضاء الله و التوكل على الله و تفويض الامر الى الله و التسلیم لامر الله.

ترجمه:

- 63 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین علیہ السلام فرمود: ایمان چهار رکن دارد: خوشنودی به قضای الهی و توکل بر خدا و سپردن امر زندگی به خداوند و تسلیم در برابر امر خدا.

حدیث:

- 64 عن رجل من بنى هاشم قال اربع من کن فيه کمل اسلامه و ان کان من قرنه الى قدمه خطايا لم ينقضه الصدق و الحباء و حسن الخلق و الشكر.

ترجمه:

- 64 از مردی از بنی هاشم چنین روایت است که فرمود: چهار چیز است که اگر در کسی باشد اسلامش کامل است و اگر چه از سر تا قدمش گناه باشد از قدر و منزلتش کاسته نمی شود: راستی و حیا و خوش خلقی و شکر.

حدیث:

- 65 عن حماد بن عثمان قال جاء رجل الى الصادق عليه السلام فقال : يا ابن رسول الله اخبرنى عن مكارم الاخلاق فقال : العفو عن ظلمك و صله من قطعك و اعطاء من حرمك و قول الحق و لو على نفسك.

ترجمه:

- 65 حماد بن عثمان گوید: مردی نزد امام صادق عليه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! اخلاق نیک را به من خبر ده ، حضرت فرمود: چشم پوشی و گذشت از کسی که به تو ستم روا داشته و پیوند با کسی که از تو بریده و عطا کردن به کسی که تو را محروم داشته و حق گویی اگر چه بر علیه خودت باشد.

حدیث:

- 66 عن جراح المدائني قال : قال لى ابو عبدالله عليه السلام : الا احدثك بمكارم الاخلاق ؟ الصفح عن الناس و مواساه الرجل اخاه فى ماله و ذكر الله كثيرا.

ترجمه:

- 66 جراح مدائني گوید: امام صادق عليه السلام به من فرمود: آیا جوانمردی ها و خوبی های اخلاقی را برایت بگویم ؟ چشم پوشی و در گذشت از خطای مردمان و یاری دادن به برادر دینی از نظر مالی و یاد کردن زیاد از خداوند.

حدیث:

- 67 عن الصادق جعفر بن محمد عليه السلام انه قال : عليكم بمكارم الاخلاق فان الله عزوجل يحبها و اياكم و مذام الافعال فان الله عزوجل يبغضها و عليكم بتلاوه القرآن الى ان قال و عليكم بحسن الخلق فانه يبلغ بصاحبها درجه الصائم القائم و عليكم بحسن الجوار فان الله جل جلاله امر بذلك و عليكم بالسوق فانه مظهره و سنه حسنة و عليكم بفرائض الله فادوها و عليكم بمحارم الله فاجتنبوها.

ترجمه:

- 67 امام جعفر صادق عليه السلام فرمود: بر شما باد به بزرگواری های اخلاقی زیرا خداوند عزوجل اخلاق پسندیده را دوست دارد و از اخلاق نکوهیده بپرهیزد زیرا خداوند عزوجل آنها را دشمن می دارد و بر شما باد به تلاوت قرآن ، - تا آنجا که فرمود بر شما باد به خوش خلقی

زیرا خوش خلقی صاحب خود را به درجه روزه داری که شبها را به عبادت قیام می کند می رساند و بر شما باد به نیکی با همسایگان زیرا خداوند به این امر نموده است و بر شما باد به مسواک زدن زیرا مسواک زدن پاکیزه کننده دهان و سنتی نیکو است و بر شما باد به انجام واجبات الهی و بر شما باد به اجتناب نمودن از حرامهای خداوند .

حدیث:

- 68 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان الله عزوجل وجوها خلقهم من خلقه و ارضه لقضاء حوانح اخوانهم یرون الحمد مجدًا و الله سبحانه یحب مكارم الاخلاق و كان فيما خطاب الله نبیه صلی الله علیه و آله (انك لعلی خلق عظیم ) قال : السخاء و حسن الخلق.

ترجمه:

- 68 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا برای خداوند بندگان برجسته و شایسته ای وجود دارد که خداوند آنها را همین آفرینش و زمین خود آفریده است و آنان را برای برطرف کردن نیازهای برادران دینی آفریده ، آنان حمد و سپاس را مایه مجد و بزرگی می دانند و خداوند سبحان بزرگواری های اخلاقی را دوست می دارد و در خطاب نمودن به پیامبرش فرموده است) : همانا تو بر اخلاقی بزرگ هستی<sup>(51)</sup> (که این اخلاق بزرگ همان سخاوت و خوش خلقی است .

- باب وجوب اليقين بالله في الرزق وال عمر والنفع والضر

- باب وجوب يقين داشتن به خداوند در رساندن روزی و عمر و نفع ضرر

حدیث:

- 69 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : كان امير المؤمنين علیه السلام يقول : لا يجد عبد طعم الايمان حتى یعلم ان ما اصابه لم يكن ليخطئه و ان ما اخطأه لم يكن ليصيبه و ان الضار النافع هو الله عزوجل .

ترجمه:

- 69 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: بنده ای مزه ایمان را نمی چشد مگر اینکه بداند که آنچه به او رسیده نمی توانست به او نرسد و خطا رود و آنچه که به خطا رفته و به او نرسیده نمی شد که به او برسد و بداند که زیان رساننده و سوددهنده فقط خدای عزوجل است .

حدیث:

- 70 عن صفوان الجمال قال : سالت ابا عبداللہ علیه السلام عن قول الله عزوجل : (و اما الجدار فكان لغلامين يتيمين في المدينه و كان تحته كنز لهم) فقال : اما انه ما كان ذهبا و لافضه و انما كان اربع كلمات لا اله الا الله انا من ایقنا بالموت لم یضحك سنه و من ایقنا بالحساب لم یفرح قلبه و من ایقنا بالقدر لم یخش الا الله .

ترجمه:

- 70- صفوان جمال گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای تعالی در داستان حضرت خضر علیه السلام پرسیدم که می فرماید) : و اما آن دیوار (که تعمیر نمودم ) متعلق به دو کودک یتیم در شهر بود و در زیر آن دیوار گنجی برای آنان نهفته بود (حضرت فرمود: به راستی که آن گنج طلا و نقره نبود بلکه آن گنج چهار کلمه حکمت بود : هیچ معبدی جز من نیست ، کسی که مرگ را باور داشته باشد در عمر خود نمی خندد، و کسی که حساب را باور داشته باشد دلش شادمان نخواهد بود، و کسی که قضا و قدر الهی را باور کند جز از خدا از هیچ چیز نمی ترسد.

حدیث:

- 71- عن ابی عبداللہ علیه السلام ان امیرالمؤمنین علیه السلام جلس الى حائط مائل يقضى بين الناس فقال بعضهم لاتقدر تحت هذا الحائط فانه معور فقال امیرالمؤمنین علیه السلام : حرس امرا اجله فلما قام سقط الحائط و كان امیرالمؤمنین علیه السلام مما يفعل هذا و اشباهه و هذا اليقين.

ترجمه:

- 71- امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در زیر دیوار گنجی نشسته بود و در بین مردمان حکم می فرمود، پس برخی از مردم گفتند: در زیر این دیوار منشین که به خاطر رخنه ای که دارد ترسناک است . حضرت فرمود: مرد را اجلش حفظ و نگاهبانی می کند پس از آنجا برخاست و دیوار فرو ریخت.  
امیرالمؤمنین علیه السلام این کار و کارهایی شبیه به این را انجام می داد و این یقین و باور است .

حدیث:

- 72- عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ليس شئ الا و له حد قلت : جعلت فداك فما حد التوكيل ؟ قال : اليقين . قلت : فما حد اليقين ؟ قال : ان لا تخاف مع الله شيئا.

ترجمه:

- 72- از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه برای آن حدی است - روای گوید: - عرض کردم فدایت شوم حد توکل چیست ؟ فرمود: یقین . عرض کردم : حد یقین چیست ؟ فرمود: حد یقین آن است که با وجود خداوند از هیچ چیز نترسی .

حدیث:

- 73- عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من صھي يقين المرء المسلم ان لا يرضي الناس بسخط الله و لا يلومهم على ما لم يوته الله فان الرزق لا يسوقه حرص حريص و لا يرده كراهيه كاره و لو ان احدكم فر من رزقه كما يفر من الموت لادركه رزقه كما يدركه الموت - ثم قال : - ان الله بعده و قسطه جعل الروح و الراحة في اليقين و الرضا جعل الهم و الحزن في الشك و السخط.

ترجمه:

- 73از امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: نشانه سالم بودن یقین شخص مسلمان این است که مردم را با به خشم آوردن خداوند خوشنود نسازد و آنان را بر آنچه که خداوند به آنان عطا نکرده است سرزنش نکند زیرا رزق و روزی را نه حرص حریص به سوی او می کشاند و نه ناخوش داشتن شخص از او باز می دارد و (بدانید که) اگر کسی از شما از روزی خود بگریزد چنانکه از مرگ می گریزد روزی اش او را در می یابد چنانکه مرگ او را در می یابد - سپس فرمود: همانا خداوند به عدل و انصاف خود آرامش و راحتی را در یقین و رضا (به داده الهی) قرار داد و اندوه و حزن را در شک و ناخشنودی (از قضای الهی) قرار داد.

حدیث:

- 74عن هشام بن سالم قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العمل القليل الدائم على اليقين افضل عند الله من العمل الكثير على غير يقين.

ترجمه:

- 74هشام بن سالم گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: عمل اندک و بادوام که بر پایه یقین باشد در نزد خداوند از عمل زیاد که بدون یقین باشد برتر است .

حدیث:

- 75عن سعید بن قیس الهمدانی قال نظرت يوماً في الحرب إلى رجل عليه ثوبان فحركت فرسى فإذا هو أمير المؤمنين عليه السلام فقلت يا أمير المؤمنين : في مثل هذا الموضع فقال نعم يا سعید بن قیس انه لیس من عبد الا و له من الله عزوجل حافظ و واقیه معه ملکان يحفظانه من ان يسقط من راس جبل او يقع في بئر فإذا نزل القضاء خليا بينه وبين كل شيء .

ترجمه:

- 75سعید بن قیس همدانی گوید: روزی در هنگام جنگ چشمم به مردی افتاد که دو جامه بر داشت (و در هیئت جنگجویان زره بر تن نداشت ) اسمیم را به سوی او راندم ناگاه دیدم که امیرالمؤمنین عليه السلام است عرض کردم : ای امیرمؤمنان ! آیا در مثل چنین مکانی ؟! (اینگونه حاضر می شوید) حضرت فرمود: آری ای سعید بن قیس ! هیچ بنده ای نیست جز اینکه برای او از جانب خدای عزوجل نگاهبان و نگاهداری هست ، همراه با او دو فرشته است که او را از فرو افتادن از کوه یا افتادن در چاه نگهداری می کنند پس زمانی که قضای الهی فرود می آید آن دو فرشته از بین او و هر چیز به کنار می روند .

حدیث:

- 76عن علی بن اسیاط قال : سمعت ابا الحسن الرضا عليه السلام يقول : كان في الكنز الذي قال الله : (و كان تحته كنز لهم) كان فيه بسم الله الرحمن الرحيم ، عجبت لمن ایقن بالموت كيف يفرح ؟ و عجبت لمن ایقن بالقدر كيف يحزن ؟

ترجمه:

- 76 علی بن اسپاط گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: در آن گنجی که خداوند در داستان حضرت خضر و موسی علیه السلام در قرآن از زبان حضرت خضر بیان نمود که) در زیر آن دیوار گنجی بود متعلق به دو کودک یتیم (چنین آمده است : به نام خداوند مهروز مهریان ، در شکفتمن از کسی که مرگ را باور کرده است چگونه شادمانی می کند و در شکفتمن از کسی که به قضا و قدر الهی یقین دارد چگونه غمگین می شود .

حدیث:

- 77 قیل للرضا علیه السلام انك تتكلم بهذا الكلام و السيف يقطر دما فقال : ان الله و اديا من ذهب حماه باضعيف خلقه النمل فلو رame البخاتى لم تصل اليه.

ترجمه:

- 77 به امام رضا علیه السلام گفته شد: شما این سخن را می گویید<sup>(52)</sup> در حالی که از آن شمشیر خون می چکد (یعنی مردم در طلب روزی سخت می کوشند) حضرت فرمود: برای خداوند وادی از طلاست که با ضعیف ترین آفریدگانش که مورجه است از آن نگاهبانی می کند که اگر شخص صاحب بخت و اقبال هم آن را طلب کند به آن نخواهد رسید .

حدیث:

- 78 عن اميرالمؤمنين علیه السلام انه قال : كفى بالاجل حارسا.

ترجمه:

- 78 امیرالمؤمنین علیه السلام می فرماید: اجل به عنوان نگاهبان برای آدمی بس است .

### باب وجوب طاعه العقل و مخالفه الجهل

- 8 باب وجوب فرمانبرداری از عقل و مخالفت نمودن باجهل و نادانی

حدیث:

- 79 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل ثم قال له : ادبر فادبر ثم قال : و عزتى و جلالى ما خلقت خلقا هو احب الى منك و لا اكملتك الا فيمن احب اما انى اياك امر و اياك انهى و اياك اعقب و اياك اثيب.

ترجمه:

- 79 امام باقر علیه السلام فرمود: چون خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن گوید، سپس به او فرمود: پیش آی ، پس عقل پیش آمد. سپس فرمود: برگرد، پس او پشت نموده و برگشت ، سپس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را نیافریدم که در نزد من از تو محبوبتر باشد و تو را به صورت کامل قرار نمی دهم مگر در وجود کسی که دوستیش دارم . آگاه باش که من تو را امر و نهی می کنم و تو را کیفر و پاداش می دهم .

حدیث:

- 80 عن علی علیه السلام قال : هبط جبرئیل علیه السلام علی آدم علیه السلام فقال : يا آدم انى امرت ان اخیرك واحده من ثلاث فاخترها و دع اثنین فقال له آدم : يا جبرئیل و ما الثالث فقال : العقل و الحياة و الدين فقال آدم : انى قد اخترت العقل فقال جبرئیل للحياة و الدين : انصرفا و دعاه فقالا : يا جبرئیل انا امرنا ان تكون مع العقل حيث كان قال : فشانکما و عرج.

ترجمه:

- 80 از علی علیه السلام روایت است که فرمود: جبرئیل علیه السلام بر حضرت آدم علیه السلام فرود آمد و عرض کرد: ای آدم! از جانب خدای به من دستور داده شده که تو را بین یکی از سه چیز مخیر گردانم آن را اختیار کن و آن دو دیگر را واگذار.

پس آدم علیه السلام به او گفت: ای جبرئیل! آن سه چیست؟ جبرئیل علیه السلام گفت: عقل، حیا، دین. آدم علیه السلام فرمود: من عقل را انتخاب می کنم. پس جبرئیل علیه السلام به حیا و دین گفت: برگردید و او را واگذارید، آن دو گفتند: ای جبرئیل! به ما دستور داده شده که همواره هر جا که عقل هست همراه او باشیم. جبرئیل گفت: خودتان می دانید و عروج کرد و به آسمان رفت.

حديث:

- 81 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قلت له : ما العقل ؟ قال : ما عبد به الرحمن و اكتسب به الجنان قال : قلت : فالذى كان فى معاويه ؟ قال : تلك النكراء تلك الشيطنه و هى شبیه بالعقل و ليست بالعقل.

ترجمه:

- 81 راوى گويد به امام صادق علیه السلام عرض کردم: عقل چیست؟ فرمود: آنچه که به سبب آن پروردگار مهربان عبادت می شود و به وسیله آن بهشت به دست می آيد. عرض کردم: پس آنچه که در معاویه وجود داشت چه بود؟ فرمود: آن زیرکی و شیطنت بود که به عقل شبیه است و عقل نیست.

حديث:

- 82 عن الحسن بن الجهم قال سمعت الرضا علیه السلام يقول : صدیق کل امری عقله و عدوه جهله.

ترجمه:

- 82 حسن بن جهم گويد از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: دوست هر کسی عقل اوست و دشمن هر کس نادانی اوست.

حديث:

- 83 قال ابوعبدالله علیه السلام : من كان عاقلاً كان له دين و من كان له دين دخل الجنـه.

ترجمه:

- 83 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که عاقل باشد دین دارد و کسی که دین دارد  
وارد بهشت خواهد شد .

حدیث:

- 84 قال ابو الحسن موسی به جعفر علیه السلام : يا هشام ان الله بشر اهل العقل و الفهم  
فی كتابه فقال فبشر عباد الذين یستمرون القول فیتبعون احسنه اولئک الذين هداهم الله و  
اولئک هم اولوا الالباب - الى ان قال - يا هشام ان لقمان قال لابنه تواضع للحق تکن اعقل  
الناس وان الكيس لدى الحق یسیر یا بنی ان الدنيا بحر عميق قد غرق فيها عالم كثير فلتکن  
سفینتك فيها تقوى الله و حشوها الايمان و شراعها التوکل و قیمهها العقل و دلیلها العلم و  
سكنها الصبر يا هشام ان لكل شيء دليلاً و دليل العقل التفكير و دليل التفكير الصمت و لكل  
شيء مطیه و مطیه العقل التواضع و کفى بك جهلاً ان ترك ما نهیب عنه الى ان قال يا  
هشام ان الله على الناس حجتين حجه ظاهره و حجه باطنیه فاما الظاهره فالرسل والانبياء و  
الائمه و اما الباطنه فالعقول الى ان قال يا هشام كيف يزکو عند الله عملک و انت قد شغلت  
قلبك عن امر ربک و اطعت هواك على غلبه عقلک يا هشام ان العاقل رضی بالدون من الدنيا  
مع الحكمه و لم یرض بالدون من الحكمه مع الدنيا فلذلك ریحت تجارتهم ان العقلاء تركوا فضول  
الدنيا فكيف الذنوب و ترك الدنيا من الفضل و ترك الذنوب من الفرض يا هشام ان العاقل نظر  
الى الدنيا و الى اهلها فعلم انها لاتنال الا بالمشقة و نظر الى الآخره فعلم انها لاتنال الا  
بالمشقة فطلب بالمشقة ابقاهما.

ترجمه:

- 84 امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: این هشام ! خداوند در کتابش عاقلان و  
فهمیدگان را بشارت داد و فرمود) : پس بشارت ده بندگان مرا، آنان که سخن را می شنوند و  
از نیکوترين آن پیروی می کنند آنان کسانی هستند که خداوند هدایتشان فرموده و آنان  
خردمندانند<sup>(53)</sup> (ای هشام ! لقمان به پرسش گفت : در مقابل حق تواضع و فروتنی کن تا  
عاقل ترین مردمان باشی و همانا کسی که در برابر حق زیرک باشد کم است . ای پسرم !  
دنیا دریایی عمیق است که عالمی بسیار در آن غرق گشته اند پس باید در یان دریایی ژرف  
کشته تو تقوای الهی و دورن آن کشته ایمان و بادبان آن توکل و متصدی و متولی آن عقل و  
راهنمای آن دانش و سکان آن شکیبایی می باشد. ای هشام ! هر چیزی راهنمایی دارد و  
راهنمای عقل تفکر است و رهنمای تفکر سکوت است و هر چیزی مرکبی دارد و مرکب عقل  
تواضع و فروتنی است و برای نادانیت همین بس که بر چیزی سوار شوی که از سوار شدن  
بر آن نهی شده ای - تا آنجا که فرمود: ای هشام ! خداوند بر مردمان دو حجت دارد یکی  
حجت ظاهری و دیگری حجت باطنی اما حجت ظاهری همان رسولان و پیامبران هستند و اما  
حجت باطنی عقلهای مردمان است - تا آنجا که فرمود: - ای هشام ! چگونه عمل تو در نزد  
پروردگارت باز داشته ای و پیرو هوایت که بر عقلت چیره گشته است گردیده ای . ای هشام

همانا خردمند به اندک از دنیا همراه با حکمت باشد خوشنود می گردد و به اندک از حکمت که همراه با دنیا باشد خوشنود نمی گردد پس به همین خاطر تجارت آنان سودمند است . همانا خردمندان زیادی های دنیا را ترک گفته اند تا چه رسید به گناهان و ترک دنیا ناشی از فضل و برتری است و ترک گناهان واجب است.

ای هشام ! همانا شخص خردمند به دنیا و اهلش می نگرد پس در می یابد که جز با تحمل سختی به دنیا نمی توان رسید و به آخرت می نگرد باز می بیند که جز با تحمل سختی به آن نمی توان رسید پس از بین این دو آن را که باقی تر و ماندگارتر است با مشقت طلب می کند .

حدیث:

- 85 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : العقل غطاء ستير و الفضل جمال ظاهر فاستر خلل خلقك بفضلك و قاتل هواك بعقلك تسلم لك الموده و تظهر لك المحبه .

ترجمه:

- 85 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: عقل پوششی پوشاننده است و شایستگی زیبایی ای آشکار است پس رخنه هاس طبیعی خودت را با شایستگی ات بپوشان و به کمک عقل خویش با هوان نفست مبارزه کن تا دوستی سالم و خالصانه برایت حاصل و محبت نیز برایت آشکار گردد.

حدیث:

- 86 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العقل دلیل المؤمن .

ترجمه:

- 86 امام صادق علیه السلام فرمود: عقل راهنمای مومن است .

حدیث:

- 87 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يا على لافقر اشد من الجهل و لاما اعود من العقل .

ترجمه:

- 87 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : ای علی ! هیچ فقری بدتر از نادانی نیست و هیچ مالی سودمندتر از عقل نیست .

حدیث:

- 88 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : لما خلق الله العقل استنطقه ثم قال له : اقبل فاقبل فقال له : ادبر فادبر فقال : و عزتى و جلالى ما خلقت خلقا هو احب الى منك بك اخذ و بك اعطي و عليك اثيب .

ترجمه:

- 88 امام صادق علیه السلام فرمود: زمانی که خداوند عقل را آفرید از او خواست که سخن

بگوید سپس به او فرمود: پیش آی ، پس او پیش آمد پس فرمود: برگرد و او پشت نموده و برگشت ، پس خداوند فرمود: سوگند به عزت و جلالم که هیچ آفریده ای را که در نزد من دوست داشتنی تر از تو باشد نیافریدم ، به سبب تو می گیرم و به سبب تو عطا می کنم و بر اساس تو ثواب و پاداش می دهم .

حدیث:

- 89 عن ابی عبداللہ علیه السلام : قال خمس من لم يكن فيه لم يكن فيه كثير مستمتع قلت : و ما هي ؟ قال : العقل و الادب و الدين و الجود و حسن الخلق.

ترجمه:

- 89 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: پنج چیز هست که هر کس این پنج چیز در او نیست لذت برخورداری زیادی در وجودش نخواهد بود.

- راوی می گوید: - عرض کردم : آنها چه هستند؟ حضرت فرمود: عقل و ادب و دین و بخشش و خوش خلقی .

- 9 باب وجوب غلبه العقل على الشهوه و تخريم العكس

- 9 باب وجوب غلبه عقل بر شهوت و حرمت غلبه شهوت بر عقل

حدیث:

- 90 عن الصادق علیه السلام عن آبائے علیه السلام عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آله فی حدیث المناہی قال : من عرضت له فاحشة او شهوة فاجتنبها مخافه اللہ عزوجل حرم اللہ علیه النار و آمنه من الفزع الاکبر و انجز له ما وعده فی كتابه فی قوله تعالی (و لمن خاف مقام ربہ جنتان ) الا و من عرضت له دنیا و آخره فاختار الدنيا علی الآخره لقی اللہ عزوجل یوم القیامه و لیست له حسنه یتقی بها النار و من اختار الآخره و ترك الدنيا رضی اللہ عنہ و غفرانه مساوی عمله.

ترجمه:

- 90 از امام صادق علیه السلام و آن حضرت از پدران بزرگوارش علیه السلام و آنان از رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله در حدیث مناہی روایت کنند که فرمود: هر کس که گناهی یا امر شهوانی بر او عرضه شود و او از ترس خدای عزوجل از ارتکاب آن خودداری کند خداوند آتش دوزخ را بر او حرام می گرداند و از بی تابی بزرگ روز قیامت او را ایمن می کند و در مورد او به آنچه که در کتابش وعده داده است وفا خواهد کرد خداوند در کتابش فرمود) : و برای کسی که از مقام پروردگارش بترسد دو بهشت باشد (۵۴) (آگاه باشید کسی که دنیا و آخرت به او عرضه شود و دنیا را بر آخرت برگزیند در روز قیامت خدای عزوجل را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنه ای که به سبب آن از آتش محفوظ بماند ندارد و کسی که آخرت را برگزیند و دنیا را واگذارد خداوند از او خشنود خواهد شد و بدیهای کردارش را بر او ببخشاید .

حدیث:

- 91 عن عبدالله بن سنان قال : سالت ابا عبدالله جعفر بن محمد الصادق عليه السلام فقلت : الملائكة افضل ام بنو آدم ؟ فقال : قال امير المؤمنين على به ابى طالب عليه السلام : ان الله ركب فى الملائكة عقلا بلا شهوه و ركب فى البهائم شهوه بلا عقل و ركب فى بنى آدم كلتيهما فمن غالب عقله شهوته فهو خير من الملائكة و من غالب شهوته عقله فهو شر من البهائم.

ترجمه:

- 91 عبدالله بن سنان گويد: از امام جعفر صادق عليه السلام پرسيدم: آيا فرشتگان برترند يا فرزندان آدم؟ حضرت فرمود: امير المؤمنين على بن ابى طالب عليه السلام فرمود: خداوند در وجود فرشتگان عقل بدون شهوت و در وجود حیوانات شهوت بدون عقل و در وجود انسان هر دو را ترکیب نمود پس کسی که عقلش بر شهوتش چیره شود از فرشتگان برتر است و کسی که شهوتش بر عقلش غالب آید از حیوانات بدتر خواهد بود.

حديث:

- 92 عن جعفر بن محمد الصادق عن ابيه عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : طوبى لمن ترك شهوه حاضره لموعد لم يره.

ترجمه:

- 92 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و او از پدرانش : روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال کسی که خواهش نفسانی حاضر را به خاطر وعده گاه قیامت که آن را ندیده است ترك کند.

حديث:

- 93 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال : کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طويلا.

ترجمه:

- 93 امير المؤمنين عليه السلام فرمود: چه بسيار خواهش نفسانی لحظه اي که اندوه طولانی و درازی را در پی دارد .

حديث:

- 94 و قال عليه السلام : کم من اكله منعت اكلات.

ترجمه:

- 94 و نيز فرمود: چه بسيار يك بار خوردن که آدمی را از خوردن ها باز می دارد .

حديث:

- 95 عن ابى عبدالله عليه السلام قال : قال الله تعالى : انما اقبل الصلاه لمن تواضع لعظمتى و يكف نفسه عن الشهوات من اجلى و يقطع نهاره بذكري و لا يتعاظم على خلقى و يطعم الجائع و يكسو العاري و يرحم المصاب و يووى الغريب فذلك يشرق نوره مثل الشمس اجعل له

فی الظلمات نورا و فی الجماله حلما اکلوه بعزمی و استحفظه ملائکتی یدعونی فالبیه و  
یسالنی فاعطیه فمث کند عنده کمثل جنات عدن لایسمو ثمرها و لاتغیر عن حالها.

ترجمه:

- 95 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تعالی فرموده است : من نماز را از کسی می پذیرم که در برابر عظمت من فروتنی کند و به خاطر من نفس خود را از شهوت باز دارد و روز خود را به یاد من سپری کند و بر خلق من خودنمایی و بزرگی نکند و گرسنه را طعام دهد و برخنه را بپوشاند و بر مصیبت زده ترحم آورد و غریب را جای دهد چنین کسی نورش همانند نور خورشید می تابد و من در تاریکی ها نور و در وقت نادانی حلم و بردباری برایش قرار می دهم ، به عزتم او را نگهداری می نمایم و به وسیله فرشتگانم او را حفظ می کنم ، چنین بندگانی مرا می خوانند و من اجابت می کنم و از من در خواست می کند و من عطا می کنم مثل آنان در نزد مانند مثل بهشت جاودان است که میوه هایش علو و ارتفاع ندارد (اشارة است به تواضع و فروتنی آنان ) و دگرگونی در حالت آن راه ندارد.

- 10 باب وجوب الاعتصام بالله

- 10 باب وجوب چنگ زدن به رسیمان الهی

حدیث:

- 96 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما عبد اقبل قبل ما یحب الله عزوجل اقبل الله قبل ما یحب و من اعتصم بالله عصمه الله و من اقبل الله قبله و عصمه لم ییال لو سقطت السماء علی الارض او كانت نازله نزلت علی اهل الارض فشملتهم بليه كان فی حزب الله بالتقوی من کل بليه اليس الله یقول : (ان المتقين في مقام امين)

ترجمه:

- 96 امام صادق علیه السلام فرمود: هر بنده ای که به سوی چیزی که خدای عزوجل دوست می دارد روی بیاورد خداوند نیز به سوی چیزی که او دوست می دارد روی می آورد و کسی که چنگ زند خداوند او را حفظ می کند و کسی که خداوند به سوی او روی آورد و او را نگاهداری کند باکی ندارد اگر آسمان بر زمین افتاد یا بلای سختی بر اهل زمین فرود آید و همگی را در برگیرد چنین کسی به سبب پرهیزگاری اش در حزب خدا جای دارد و از هر بلایی در امان است ، آیا خداوند نمی گوید) : همانا پرهیزگاران در مقام امن الهی جای دارند<sup>(55)</sup> .

حدیث:

- 97 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : او حی الله عزوجل الى داود: ما اعتصم بي عبد من عبادي دون احد من خلقی عرفت ذلك من نيته ثم یکیده السماوات و الارض و من فيهن الا جعلت له المخرج من بينهن و ما اعتصم عبد من عبادي باحد من خلقی عرفت ذلك من نيته الا قطعت اسباب السماوات من يديه و اسخت الارض من تحته و لم ابال باي واد يهلك.

ترجمه:

- ۱۹۷ امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی داود عليه السلام وحی فرستاد که : هیچ بنده ای از بندگان من به من چنگ نزده است که این را از نیتش دانسته باشم سپس تمامی آسمانها و زمین و هر که در آنهاست به مکر و کید با او بپردازد، جز اینکه راه خروج از کید و مکر آنها را برایش قرار می دهم و هیچ بنده ای از بندگان من به یکی از مخلوق من چنگ نزده است که این را از نیت او دانسته باشم جزء اینکه همه وسیله های آسمانها را از پیش روی او قطع می کنم و زمین را از زیر پای او فرو می برم و باکی ندارم که او در چه دره ای هلاک گردد .

- ۱۱ باب وجوب التوکل على الله و التفویض اليه

- ۱۱ باب وجوب توکل بر خدا و سپردن امور به سوی او  
حدیث:

- ۹۸ عن علی بن الحسین عليه السلام قال : خرجت حتى انتهيت الى هذا الحائط فاتكأت عليه فإذا رجل عليه ثوبان ابيضان ينظر في تجاه وجهي ثم قال : يا علی بن الحسین ما لى اراك كثيما حزينا؟ - الى ان قال - ثم قال : يا علی بن الحسین عليه السلام هل رأيت احدا دعا الله فلم يجبه ؟ قلت : لا. قال : فهل رأيت احدا توکل على الله فلم يکفه ؟ قلت : لا. قال : فهل رأيت احدا سال الله قلم يعطيه ؟ قلت : لاثم غاب عنی.

ترجمه:

- ۱۹۸ امام سجاد عليه السلام فرمود: بیرون آمدم تا اینکه به این دیوار رسیدم پس بر آن تکیه زدم ناگاه مردی که دو جامه سفید در برداشت در برای روى من به من می نگریست . سپس گفت : ای علی به الحسین ! چه شده است مرا که تو را افسرده و غمگین می بینم ؟ - تا آنجا که گفت : - علی بن الحسین ! آیا کسی را دیده ای که خدای را بخواند و خدا او را اجابت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که بر خدا توکل کند و خدا او را کفایت نکند؟ گفتم : نه ، گفت : آیا کسی را دیده ای که از خدا درخواست کند و خداوند به او عطا نکند؟ گفتم : نه . سپس از جلو چشمان من غائب شد.

حدیث:

- ۱۹۹ ابی عبدالله عليه السلام قال : ان العنی و العز يجولان فإذا ظفرا بموضع التوکل اوطنا.

ترجمه:

- ۱۹۹ امام صادق عليه السلام فرمود: ثروتمندی و عزت سیر و گردش می کنند پس هرگاه به موضع توکل دست یافتند در همانجا اقامت می گزینند .  
حدیث:

- ۱۰۰ عن ابی الحسن الاول عليه السلام قال : سالته عن قول الله عزوجل : (و من يتوكل على الله فهو حسبه ) فقال : التوکل کل على الله درجات منها ان تتوکل على الله في امور کلها فما فعل بك کنت عنه راضيا تعلم انه لا يالوك خيرا و فضلا و تعلم ان الحكم في ذلك له

فتوكل على الله بتفويض ذلك اليه و ثق به فيها و في غيرها .

ترجمه:

- 100 راوي گويد: از حضرت موسى بن جعفر عليه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید:

(و کسی که بر خدا توکل کند پس خدا او را بس است<sup>(56)</sup> ) حضرت فرمود: توکل نمودن بر خدا دارای درجاتی است یکی از آنها این است که در تمامی کارهایت بر خدا توکل کنی پس هر چه خداوند با تو کند از او خوشنودی زیرا می دانی که او در رساندن خیر و فضل بر تو کوتاهی نمی کند و می دانی که حکم در تمامی امور از آن اوست پس با سپردن تمامی کارهایت به خداوند بر او توکل کن و در همه امور به او اعتقاد کن .

حدیث:

- 101 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : من اعطی ثلاثة لم یمنع ثلاثة: من اعطی ادعاء اعطی الاجابه و من اعطی الشکر اعطی الزیاده و من اعطی التوکل اعطی الکفایه ثم قال : اتلوت کتابه الله عزوجل ؟ ( و من یتوکل علی الله فهو حسیه ) و قال : (لئن شکرتم لازیدنکم ) و قال : (ادعونی استجب لكم).

ترجمه:

- 101 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که سه چیز به او داده شده از سه چیز بی بهره نمانده است : کسی که به او دعا عطا شده اجابت هم به او عطا گردیده و کسی که به او شکر داده شده و زیادت هم به او بخشیده شده و کسی که توکل به او عطا گردیده کفایت هم به او عطا شده . سپس فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را تلاوت کرده ای ؟ ) و کسی که بر خدا توکل کند پس خداوند او را بس است<sup>(57)</sup> )

( اشاره به فقره سوم ) و اگر شکر کنید بر شما زیادتی می بخشمیم<sup>(58)</sup> ) ( اشاره به فقره دوم ) و مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم<sup>(59)</sup> ) ( اشاره به فقره اول ).

- 12 باب عدم جواز تعلق الرجاء و الامل بغير الله  
- 12 باب عدم جواز اميد و آرزو داشتن به غير خدا

حدیث:

- 102 عن ابی عبد‌الله علیه السلام : انه قرأ في بعض الكتب ان الله تبارك و تعالى يقول : و عزتى و جلالى و مجدى و ارتفاعى على عرشى لاقطعن كل مومن من الناس غيري بالياس و لاكسونه ثوب المذله عند الناس و لانحينه من قربى و لابعدنه من فضلى . ايوم غيرى في الشدائى و الشدائى بيدي و يرجو غيرى و يقرع بالفكر باب غيرى و بيدي مفاتيح الابواب و هى مغلقه و بابى مفتوح لمن دعاني ؟ فمن ذا الذى املنى لنائبه فقطعته دونها؟ و من الذى رجانى لعظيمه فقطع رجائه منى ؟ جعلت آمال عبادى عندى محفوظه فلم يرضوا بحفظى و ملات سماواتى ممن لا يحمل من تسبيحى و امرتهم ان لا يغلقوا الابواب بينى و بين عبادى فلم

يَقُولُ إِنَّمَا يَعْلَمُ مَا فِي الْأَرْضِ مَنْ يَأْتِي بِهِ إِنَّمَا يَعْلَمُ مَا لَمْ يَسْأَلْنَا  
 أَذْنِي؟ فَمَا لِي أَرَاهُ لَا هِيَا عَنِي؟ أَعْطَيْتُهُ بِحُوْدِي مَا لَمْ يَسْأَلْنَا ثُمَّ اتَّزَعَتْهُ عَنِهِ فَلَمْ يَسْأَلْنَا  
 رَدْهُ وَسَالْغَيْرِيْ . افْتَرَانِي ابْدَا بِالْعَطَاءِ قَبْلَ الْمَسَالَةِ ثُمَّ اسْأَلْ فَلَا اجِيبُ سَائِلِيْ ؟ أَبْخِيلُ اَنَا  
 فِي بَخْلِنِي عَبْدِيْ ؟ أَوْ لَيْسَ الْجُودُ وَالْكَرْمُ لِيْ ؟ أَوْ لَيْسَ الْعَفْوُ وَالرَّحْمَةُ بِيْدِيْ ؟ أَوْ لَيْسَ اَنَا مَحْلُ  
 الْاِمَالِ ؟ فَمَنْ يَقْطَعُهَا دُونِيْ ؟ اَفْلَا يَخْشِيُ الْمُوْمَلُونَ اَنْ يَوْمَلُوا غَيْرِيْ ؟ فَلَوْ اَنْ اَهْلَ سَمَاوَاتِيْ وَ  
 اَهْلَ اَرْضِيْ اَمْلَوْ جَمِيعاً ثُمَّ اعْطَيْتُ كُلَّ وَاجْدِ مِنْهُمْ مِثْلَ مَا اَمْلَ الجَمِيعِ مَا اَنْتَقَصَ مِنْ مَلْكِيْ  
 عَضْوَ ذَرْهٍ وَكِيفَ يَنْقَصُ مَلْكَ اَنَا قِيمَهُ ؟ فَيَا بُوسَا لِلْقَانِطِينَ مِنْ رَحْمَتِيْ وَيَا بُوسَا لِمَنْ عَصَانِيْ وَ  
 لَمْ يَرْاقِبْنِيْ .

ترجمه:

- 102 از امام صادق عليه السلام روایت است که حضرت در برخی از کتابها چنین خوانده است که خدای تبارک و تعالی می فرماید: سوگند به عزت و جلال و بزرگواری ام و بلندی من بر عرشم که آرزوی هر که را چشم آرزویش به مردم است با نومید نمودنش قطع می کنم و در نزد مردمان جامه ذلت بر او می پوشانم و او را از نزدیکی خودم به کنار می زنم و از فضل خود او را دور می کنم . آیا در سختی ها چشم آرزویش به غیر من دوخته می شود در حالی که سختی ها به دست من است و آیا به غیر من امید دارد و با فکر خود در غیر مرا می کوبد در حالی که کلید درهای بسته به دست من است و درگاه من به روی هر که مرا بخواند باز است ؟ پس کیست که در حادثه ای چشم آرزویش به من دوخته بوده و من او را از آرزویش جدا کرده ام ؟ و کیست آنکه در بلای سختی به من امید بسته و من امیدش را از خود بریده ام ؟ من آرزوهای بندگانم را در نزد خود نگه داشته ام و آنان به نگهداری من راضی نیستند و آسمانهایم را از فرشتگانی که تسبيح من خسته نمی شوند پر کرده ام و به آنان امر کرده ام که درهای بین من و بندگانم را بندند با این وجود بندگانم به گفتار من اعتماد نمی کند . آیا کسی که مصیبتی از از مصائب من بر او وارد شده نمی داند که هیچ کس غیر من نمی تواند آن را بر طرف کند مگر بعد از اینکه من اجازه دهم ؟

پس چه شده است که او را می بینم که از من غافل گشته است ؟ با جود و بخشش خودم چیزی را که از من درخواست نکرده است به او عطا کرده ام سپس آن را از او گرفته ام پس او بازگشت آن را از من نخواسته و از غیر من آن را درخواست می کند، آیا در مورد من می پنداری که منی که پیش از درخواست عطا می کنم اگر از من درخواست شود سائل خود را احابت نمی کنم ؟ آیا من بخیل هستم که بنده ام مرا بخیل پندارد؟ آیا جود و کرم از آن من نیست ؟ آیا عفو و رحمت به دست من نیست ؟ آیا من محل (برآورده شدن) آرزوها نیستم ؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا من محل (برآورده شدن) آرزوها نیستم ؟ پس چه کسی به جز من آرزوها را قطع می کند؟ آیا آرزو کنندگان از اینکه به غیر من چشم آرزو بسته اند نمی ترسند؟ پس اگر همه اهل آسمانها و زمین من آرزو کنند و من آرزوی همه

را برآورده سارم از ملک من به اندازه ذره ای کم نمی شو و چگونه ملکی که من متولی و متصدی آن هستم کم می شود؟ پس ای تیره بختی باد بر نومیدان از رحمت من و ای تیره بختی باد بر کسی که مرا عصیان کند و مراقبت من نباشد .

حدیث:

- 103 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی قول اللہ عزوجل : (و ما یومن اکثرهم باللہ الا و هم مشرکون ) قال : هو قول الرجل لو لا فلان لهلكت و لو لا فلان ما اصبت کذا و کذا و لو لا فلان لضاع عیالی الاتری انه قد جعل اللہ شریکا فی ملکه یرزقه و یدفع عنه قلت : فيقول ما ذا؟ يقول : لو لا ان من اللہ علی بفلان لهلكت قال : نعم لا باس بهذا او نحوه.

ترجمه:

- 103 از امام صادق علیه السلام در مورد قول خدای عزوجل) و اکثر آنان به خداوند ایمان نمی آورند جز اینکه مشرکند<sup>(60)</sup> (روایت است که فرمود: مشرک بودن مومن به این است که مردی بگوید: اگر فلانی نبود من هلاک می شدم و اگر فلانی نبود به چنین و چنان نمی رسیدم و اگر فلانی نبود خانواده ام تلف می شد. آیا در این سخنان نمی نگری که برای خداوند شریک قرار داده است شریکی که به او روزی می دهد و از او دفع بلا می کند - روای می گوید: - عرض کردم : پس چه بگوید؟ آیا بگوید: اگر خداوند به واسطه فلانی بر من منت نمی نهاد هلاک می شدم ؟ حضرت فرمود: آری باکی نیست اگر اینگونه یا شبیه آن را بگوید .

- 13 باب وجوب الجمع بین الخوف و الرجاء والعمل لما يزجو و يخاف

- 13 باب وجوب جمع بین خوف و رجا و عمل کردن برای آنچه که به آن امید یا بیم از آن دارد

حدیث:

- 104 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قلت له : ما كان فی وصیه لقمان ؟ قال : كان فیها الاعجیب و كان اعجیب ما كان فیها ان قال لابنه : خف اللہ خیفه لو جئته ببر الثقلین لعذبک و ارج اللہ رجاء لو جئته بذنوب الثقلین لرحمک : ثم قال ابو عبداللہ علیه السلام : كان ابی يقول : ليس من عبد مومن الا و فی قلبه نوران تو خیفه و نور رجاء لو وزن هذا لم یزد على هذا و لوزن هذا لم یزد على هذا .

ترجمه:

- 104 راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : در وصیت لقمان به فرزندش چه جملاتی هست ؟ حضرت فرمود: در آن جمله های عجیبی است و از همه عجیب تر آن است که ایشان به فرزندش سفارش کرده : از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهیش ببری عقوبت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدش ببری بر تو رحم آورد. سپس امام صادق علیه السلام فرمود: بدروم می فرمود: هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر با آن و آن به این سنجیده شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد .

حدیث:

- 105 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قلت له : قوم يعملون بالمعاصی و يقولون : نرجو، فلا يزالون كذلك حتى يأتيهم الموت فقال : هولاء قوم يترجحون في الامانی کذبوا اليسوا براجین من رجا شيئا طلبه و من حاف من شیء هرب منه.

ترجمه:

- 105 راوی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گروهی هستند که گناه می کنند و می گویند: امید (به بخشش الهی) داریم، پس اینان پیوسته چنین اند تا اینکه مرگ به سراغشان می آید. حضرت فرمود: اینها گروهی هستند که به آرزوها گرایش دارند، دروغ می گویند، امیدوار به رحمت الهی نیستند زیرا کسی که به چیزی امید دارد آن را طلب می کند و کسی که از چیزی بیم دارد از آن می گریزد.

حدیث:

- 106 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : كان ابی يقول : انه ليس من عبد مومن الا و فى قلبه نور خيفه و نور رجاء لو وزن هذا لم يزد على هذا و لو وزن هذا لم يزد على هذا.

ترجمه:

- 106 امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ بنده مومنی نیست جز اینکه در قلب او دو نور وجود دارد: نور بیم و نور امید، به گونه ای که اگر این با آن و آن با این سنجیه شود هیچیک بر دیگری زیادتی ندارد.

حدیث:

- 107 ابا عبداللہ علیه السلام يقول : لا يكون المؤمن مومنا حتى يكون خائفا راجيا و لا يكون خائفا راجيا حتى يكون عاملًا لما يخاف و يرجو.

ترجمه:

- 107 امام صادق علیه السلام می فرمود: مومن مومن نیست مگر اینکه ترسان و امیدوار باشد و ترسان و امیدوار نمی باشد مگر اینکه آنچه را که از آن می ترسد و آنچه را که به آن امید دارد در عمل رعایت کند.

حدیث:

- 108 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : كان فيما اوصى به لقمان لابنه ان قال يا بين خف الله خوفا لو جئته ببر الثقلين خفت ان يعذبك الله و ارج الله رجاء لو جئته بذنب الثقلين رجوت ان يغفر الله لك.

ترجمه:

- 108 امام صادق علیه السلام فرمود: در وصیت لقمان به پسرش آمده است که: ای پسرکم! از خداوند چنان بترس که اگر نیکی جن و انس را به پیشگاهش بری عقوبت می کند و به او چنان امیدوار باش که اگر گناهان جن و انس را نزدیش بری تو را شامل مغفرت خود گرداند.

حدیث:

- 109 قال الصادق جعفر بن محمد عليه السلام : ارج الله رجاء لا يجرئك على معصيه و خف الله خوفا لا يويسك من رحمته .

ترجمه:

- 109 امام صادق عليه السلام فرمود: به خداوند امیدوار باش امیدی که تو را بر انجام معصیت ش جرات نبخشد و از خداوند بیم داشته باش بیمی که تو را از رحمت ش ناامید نگرداند .

حدیث:

- 110 عن امیر المؤمنین عليه السلام انه قال : في خطبه له : يدعى بزعمه انه يرجو الله ، كذب و العظيم ، ما له لا يتبيّن رجاوه في عمله ؟ و كل راج عرف رجاوه في عمله الا رجاء الله فانه مدخل و كل خوف محقق الا خوف الله فانه معلول ، برجو الله في الكبير و يرجو العباد في الصغير، فيعطي العبد ما لا يعطى رب ، فما بال الله جل ثناوه يقصر به عما يصنع لعباده ؟ اتخاف ان تكون في رجائكم له كاذبا او يكون لا يراه للرجاء موضعا؟ و كذلك ان هو خاف عباد من عبده اعطاء من خوفه ما لا يعطى رب فجعل خوفه من العباد نقدا و خوفه من خالقه ضمارا و وعدا.

ترجمه:

- 110 امیر المؤمنین عليه السلام در خطبه ای فرمود: کسی به گمان خود ادعا دارد که به خداوند امید دارد، سوگند به خدای بزرگ که دروغ می گوید. او را چه شده که امیدواری اش در عملش آشکار نیست؟! هر امید دارنده ای اثر امیدش در عملش پیداست مگر امیدی که مردم به خدای تعالی دارند که این امید دارای عیب و ناخالص است ، و هر ترسی (اثرش ) مسلم و ثابت است مگر ترس از خدا که این ترس (در بیشتر مردم ( ناقص و بیمار است ، در کار بزرگ (آخرت) به خدا امید دارد و در کار کوچک (دنيا (به بندگان خدا امیدوار است ، پس با بندگ خدا به گونه ای رفتار می کند که با خداوند چنین رفتاری ندارد، پس چگونه است شان خداوند جل ثناه که در حق او نسبت به آنچه که با بندگان رفتار می شود کوتاهی می گردد؟ آیا می ترسی که در امیدواریت به خدا دروغگو باشی یا اینکه او را شایسته امیدواری نمی بینی؟ همچنین اگر از بندگ ای بترسد چنان از او می ترسد که از پروردگارش به این اندازه نمی ترسد. پس ترس از بندگان را نقد و ترس از آفریننده اش را به منزله وامی که امید برگشت آن نیست و وعده ای که به آن عمل نشود می پندارند .

- 14 باب وجوب الخوف من الله

- 14 باب وجوب ترس از خدا

حدیث:

- 111 عن حمزة بن حمران قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان مما حفظ من خطب رسول الله صلى الله عليه و آلـهـ اـنـهـ قال : ايها الناس ان لكم معالم فاتنهـوا الى معالمكم

و ان لكم نهاية فانتهوا الى نهايتكم . الا ان المؤمن يعمل بين مخالفتين : بين اجل قد مضى لايدرى ما الله صانع فيه ؟ و بين اجل قد بقى لا يدرى ما الله قاض فيه فليأخذ العبد المؤمن من نفسه لنفسه و من دنایه لآخرته و في الشبيه قبل الكبر و في الحياة قبل الممات فو الذى نفس محمد بيده ما بعد الدنيا من مستعتبر و ما بعدها من دار الا الجنة او النار.

ترجمه:

- 111 حمزه بن حمران گويد: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: بخشی از خطبه های رسول خدا صلی الله علیه و آله که حفظ شده است این است که حضرت فرمود: ای مردم ! همانا برای شما نشانه هایی است پس از آن نشانه ها باخبر شوید و همانا برای شما نهایت و پایانی است پس آنجا باز ایستید (یا پس آن نهایت را بشناسید و از آن آگاه باشید)، آگاه باشید که مؤمن بین دو ترس عمل می کند: یکی بین زمانی که سپری شده است و او نمی داند که خداوند درباره زمان گذشته با او چه می کند و دیگری بین زمانی که باقی مانده است و او نمی داند که خداوند چه حکمی در آن روا می دارد پس باید بندۀ مؤمن از نفس خود برای خود و از دنیا خود برای آخرتش (توشهه) (گیرد و در جوانی پیش از پیری و در زندگانی پیش از مرگ (زاد و توشه فراهم کند)، پس سوگند به آن کسی که جان محمد صلی الله علیه و آله در دست اوست بعد از این دنیا باز گشتنی نیست و خانه ای جز بهشت یا دوزخ پس از این وجود ندارد .

حديث:

- 112 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : المؤمن بین مخالفتين ذنب قد مضى لايدرى ما صنع الله فيه و عمر قد بقى لايدرى ما يكتسب فيه من المھالك فلا يصبح الا خائفا و لا يصلحه الا الخوف.

ترجمه:

- 112 امام صادق عليه السلام فرمود: مؤمن همواره بین دو ترس گرفتار است : یکی گناهی که گذشته است و او نمی داند که خداوند در مورد آن گناه با او چه می کند و دیگری عمری که مانده است و او نمی داند که چه چیزی از مھالک را در آن کسب می کند پس مؤمن صبح نمی کند مگر با حالت خوف و جز خوف نیز او را اصلاح نخواهد کرد .

حديث:

- 113 عن ابی عبد الله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و لمن خاف مقام ربہ جنتان ) قال : من علم ان الله يراه و يسمع ما يقول و يعلم ما يعمله من خير او شر فيجزه ذلك عن القبيح من الاعمال فذلك الذي خاف مقام ربہ و نهى النفس عن الهوى .

ترجمه:

- 113 در مورد قول خدای عزوجل) و برای آن کس که از مقام و مرتبه الهی ترسان است دو بهشت خواهد بود .<sup>(61)</sup> (امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که بداند خداوند او را می بیند

و سخن او را می شنود و اعمال خیر و شر او را می داند این آگاهی او را از ارتکاب اعمال زشت باز می دارد پس وی همان کسی است که از مقام پروردگارش ترسان است و نفس خود را از پیروی خواهش نفسانی از داشته است .

حدیث:

- 114 عن الهیثم بن واقد قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : من خاف الله اخاف الله منه کل شیء و من لم يخف الله اخافه الله من کل شیء .

ترجمه:

- 114 هیثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خدا ترس باشد خداوند خوف و هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز می ترساند .

حدیث:

- 115 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام مثله و زاد: يا علی ثلاث منجیات خوف الله فی السر و العلانیه و القصد فی الغنی و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط.

ترجمه:

- 115 از امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش علیه السلام شبیه حدیث گذشته در ضمن وصایای پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام روایت شده است با اضافه ای که عبارت است از: ای علی! سه چیز نجات بخش است: ترس از خداوند در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی ، و سخن عادلانه در هنگام خوشنودی و خشم.

حدیث:

- 116 قال ابو عبدالله علیه السلام : يا اسحاق خف الله كانك تراه و ان كنت لا تراه فانه يراك و ان كنت ترى انه لا يراك فقد كفرت و ان كنت تعلم انه يراك ثم برزت له بالمعصيه فقد جهلته من اهون الناظرين عليك.

ترجمه:

- 116 امام صادق علیه السلام فرمود: ای اسحاق ! از خدا چنان بترس که گوئیا او را می بینی و اگر تو را نمی بینی او به طور حتم تو را می بیند، و اگر معتقدی که او تو را نمی بیند پس کافر گشته ای و اگر می دانی که تو را می بیند ولی با این وجود باز آشکارا معصیتش را مرتكب می شوی پس او را حقیرترین و سبک ترین بیننده بر خود انگاشته ای .

حدیث:

- 117 قال ابو عبدالله علیه السلام : من عرف الله خاف الله و من خاف الله سخت نفسه عن الدنيا.

ترجمه:

- 117 امام صادق علیه السلام فرمود: هر که خدا را بشناسد ترس او در دلش می افتد و هر که از خدا ترسان باشد نفسیش از دنیاطلبی باز می ماند.

حدیث:

- 118 قال ابوعبدالله علیه السلام ان من العباده شده الخوف من الله عزوجل يقول الله عزوجل : (انما يخشى الله من عباده العلماء) و قال جل ثناوه ) : فلا تخشوا الناس و اخشوون ) و قال تبارك و تعالى (و من يتق الله يجعل له مخرجا) قال : و قال ابو عبد الله علیه السلام : ان حب الشرف و الذکر لا يكونان في قلب الخائف الراہب.

ترجمه:

- 118 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا ترس شدید از خدای عزوجل از عبادت شمرده می شود، خدای عزوجل گوید) : به راستی که از بندگان خدا تنها داشمندان از خدا خوف و خشیت دارند<sup>(62)</sup> (و همچنین می گوید) : از مردمان نترسید و از من بیم داشته باشید<sup>(63)</sup> (و نیز می گوید) : هر که تقوای الهی را پیشه کند خداوند برای او راه خروج (از دشواریها را) قرار می دهد -<sup>(64)</sup> (راوی گوید: - امام صادق علیه السلام فرمود: همانا حب و دوستی بلند پایگی و فخر در قلب شخص ترسان بیمناك راه ندارد .

حدیث:

- 119 عن محمد به علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : راس الحكمه مخافه الله عزوجل.

ترجمه:

- 119 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از سخنان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله این است که فرمود: ترس از خدای عزوجل سر حکمت و دانایی است .

حدیث:

- 120 قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من خلا بذنب فراقب الله تعالى فيه و استحیا من الحفظه غفرالله عزوجل له جميع ذنوبه و ان كانت مثل ذنوب الثقلین.

ترجمه:

- 120 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در پنهانی مرتکب گناهی شود پس از خدای تعالی بترسد و از فرشتگان نگهبان و ثبت کننده اعمال شرم کند خداوند عزوجل تمامی گناهانش را می بخشد اگر چه به اندازه گناهان جن و انس باشد .

حدیث:

- 121 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : الخائف من لم تدع له الرهیه لسانا ينطق به.

ترجمه:

- 121 راوی می گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: ترسان کسی است که ترس برای او زبانی که با آن سخن گوید وانگذارده است .

حدیث:

- 122 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث قال : و اما المنجیات فخوف اللہ فی السر و العلانية و القصد فی الغنى و الفقر و کلمه العدل فی الرضا و السخط.

ترجمه:

- 122 امام باقر علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: و اما چیزهایی که مایه نجات و رستگاری اند: ترس از خدا در نهان و آشکار، و میانه روی در هنگام ثروت و تنگدستی و عادلانه رفتار نمودن در هنگام خوشنودی و خشم .

حدیث:

- 123 عن ابی عبد اللہ علیه السلام قال : ان قوما اصابوا ذنوبا فخافوا منها و اشفقوا فجاءهم قوم آخرون فقالوا: ما لكم ؟ فقالوا: انا اصبتنا ذنوبا فخفنا منها و اشفقنا فقالوا لهم : نحن نحملها عنكم فقال الله تعالى : يخافون تجترءون على ؟ فانزل الله عليهم العذاب.

ترجمه:

- 123 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گروهی مرتكب گناهانی شدند سپس از گناه خویش ترسیدند و بینماک شدند پس از آن گروهی دیگر بر آنان وارد شدند و گفتند: شما را چه شده است که چنین بیمناکید؟ گفتند: ما مرتكب گناهانی شدیم و از گناه خویش ترسانیم . گفتند: ما گناه شما را از شما بر می داریم و به دوش می گیریم . پس خدای تعالی فرمود: آیا می ترسند که شما بر من دلیر گردید؟! پس عذاب را بر آنان فرستاد .

حدیث:

- 124 عن امیر المؤمنین علیه السلام قال : ان المؤمن لا يصبح الا خائفا و ان كان محسنا و لا يمسى الا خائفا و ان كان محسنا لانه بين امرين بين وقت قد مضى لا يدرى ما الله صانع به وبين اجل قد اقترب لا يدرى ما يصيبه من الاهلكات الا و قولوا خيرا تعرفوا به و اعملوا به تكونوا من اهله صلوا ارحامكم و ان قطعوكم و عودوا بالفضل على من حرمكم و ادوا الامانه الى من ائتمنكم و اوفوا بعهد من عاهدتكم و اذا حكمتم فاعدلوا.

ترجمه:

- 124 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: مومن صبح نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد و شب نمی کند مگر با ترس و بیم اگر چه نیکوکار باشد زیرا او همواره بین دو چیز است: بین زمانی که سپری شده و او نمی داند که خدا با او چه می کند و بین مرگی که نزدیک است و نمی داند که چه خطراتی (پس از مرگ) ( متوجه او می شود، آگاه باشید و سخن خیر گوید تا به خیر گویی شناخته شوید و کردار نیکو داشته باشید تا از اهل خیر شوید، با خویشاوندانتان پیوند برقرار کنید اگر چه آنان از شما ببرند، با کسی که شما را

محروم ساخته با فضل و بزرگواری رفتار کنید و درباره کسی که شما را امین شمرده امانتدار باشید و به پیمان کسی که با شما پیمان بسته پاییند باشید و هرگاه حکم می کنید عادلانه قضاوت کنید .

- 15باب استحباب كثره البكا من خشيه الله

- 15باب استحباب زياد گريستن از خوف خدا

Hadith:

- 125عن الصادق عن آبائه عن النبى صلی الله علیه وآلہ فی حدیث المناہی قال : و من ذرفت عیناہ من خشیه الله کان له بكل قطره قطرت من دموعه قصر فی الجنہ مکلل بالدر و الجوهر فیه ما لا عین رات و لا اذن سمعت و لاخطر علی قلب بشر.

ترجمه:

- 125امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از پیامبر اکرم صلی الله علیه وآلہ در حدیثی که مشتمل بر ذکر امور مورد نهی است روایت فرمود: و کسی که اشک چشمانش از ترس خدا روان گردد در برابر هر قطره از قطرات اشکش قصری در بهشت نصیبیش می گردد که با در و گوهر پوشانده شده است و در آن چیزهایی است که نه چشمی دیده و نه گوشی شنیده و نه بر قلب بشری خطور کرده .

Hadith:

- 126عن ابی عبدالله الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : كان فيما وعظ الله به عیسیٰ ابن مریم علیه السلام ان قال : يا عیسیٰ انا ربک و رب آبائك الاولین - الى ان قال - يا عیسیٰ بن البکر البتول ابک علی نفسک بكاء من قد ودع الاهل قلی الدنيا و تركها لاهلها و صارت رغبته فيما عند الله.

ترجمه:

- 126امام صادق علیه السلام فرمود: در رازگوبی خداوند با عیسیٰ بن مریم علیه السلام آمده است که فرمود: ای عیسیٰ ! من پروردگار تو و پروردگار پیشینیان تو ام . ای عیسیٰ ! ای فرزند آن بانوی که باکره بود و میل و حاجتش را از مردان بریده بود، بر نفس خود گریان باش چونان کسی که با خانواده خود در حال وداع است و بی مهری دنیا را در دل دارد و آن را برای اهل دنیا واگذارده است و میل و رغبتیش تنها به چیزی است که در نزد خداست .

Hadith:

- 127عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان اسم نوح علیه السلام عبد الغفار و انما سمي نوحًا لانه كان ينوح على نفسه.

ترجمه:

- 127امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبد الغفار بود ولی چون بسیار بر نفس خود نوحه و زاری داشت نوح نامیده شد .

حدیث:

- 128ابی عبدالله علیه السلام قال : اسم نوح عبدالملک و انما سمی نوحا لانه بکی خمسماهه سنه.

ترجمه:

- 128امام صادق علیه السلام فرمود: نام نوح علیه السلام عبدالملک بود ولی چون پانصد سال را به نوحوه و زاری گذراند نوح نامیده شد .

حدیث:

- 129عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان اسم نوح عبد الاعلی و انما سمی نوحا لانه بکی خمسماهه عام.

ترجمه:

- 129امام صادق علیه السلام فرمود: نام حضرت نوح علیه السلام عبدالاعلی بود ولی چون پانصد سال را به نوحوه و زاری گذراند نوح نامیده شد<sup>(65)</sup> .

حدیث:

- 130عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ليس شیء الا وله شیء یعدله الا الله فانه لا یعدله شیء و لا الله الا الله لا یعدله شیء و دمعه من خوف الله فانه ليس لها مثقال فان سالت على وجهه لم یرهقه قتر و لاذله بعدها ابدا.

ترجمه:

- 130امام باقر علیه السلام از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند: هیچ چیزی نیست جز اینکه معادلی دارد مگر خداوند که هیچ چیز معادل او نیست ، و هیچ سخنی معادل و برابر لا الله الا الله نیست ، و اشکی که از خوف خدا ریخته شود هم وزنی ندارد پس اگر بر چهره شخص جاری گردد پس از آن هرگز آن روی را گرفتگی و تیرگی فرا نمی گیرد .

حدیث:

- 131عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله طوبی لصوره نظر الله اليها تبکی على ذنب من خشیه الله لم یطلع على ذلك الذنب غیره.

ترجمه:

- 131امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشا به حال چهره ای که خداوند به او نظر دارد، آن چهره ای که بر گناهی که هیچکس جز خدا بر آن اطلاعی ندارد از خوف خدا می گرید .

حدیث:

- 132قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کل عین باکیه یوم القیامه الا ثلاثة اعین : عین بکت من خشیه الله و عین غضت عن محارم الله و عین باتت ساهره فی سبیل الله.

ترجمه:

- 132 رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم: هر چشمی که در روز قیامت گریان است مگر سه چشم : چشمی که از خوف خدا بگردید و چشمس که (از دیدن ( حرامهای الهی فرو بسته شود و چشمی که در راه خدا شب زنده داری کند .

حدیث:

- 133 عن الرضا علیہ السلام قال : كان فيما ناجى الله به موسى عليه السلام : انه ما تقرب الى المتقربيون بمثل البكاء من خشىتى و ما تعبد لى المتعبدون بمثل الورع عن محارمى و لاتزين لى المتزيتون بمثل الزهد فى الدنيا عما يهم الغنى عنه . فقال موسى : يا اكرم الاكرمين فما اثبthem على ذلك ؟ فقال : يا موسى اما المتقربيون لى بالبكاء من خشىتى فهم فى الرقيق الاعلى لا يشرکهم فيه احد و اما المتعبدون لى بالورع عن محارمى فانى افتتش الناس عن اعمالهم و لا افتتشهم حياء منهم و اما المتزيتون لى بالزهد فى الدنيا فانى ابیحهم الجنة بحذافيرها يتبعون منها حيث يشاءون.

ترجمه:

- 133 امام رضا علیہ السلام فرمود: در ضمن رازگویی خداوند با حضرت موسی علیہ السلام چنین آمده است : کسانی که به من نزدیک گشته اند به واسطه هیچ عملی همانند گریستن از خوف من به من نزدیک نشده اند و آنانکه طوق بندگی مرا در گردن دارند به واسطه هیچ عملی همانند باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی ننموده اند و آنانکه خود را آراسته اند به واسطه هیچ عملی همانند پیشه نمودن زهد و بی رغبتی نسبت به آنچه که بی نیازی از آن در دنیا مورد اهمیت است ، خود را برای من نیاراسته اند. حضرت موسی علیہ السلام عرض کرد: ای گرامی ترین گرامیان ! چه چیزی آنان را در این راه ثابت قدم و پابرجا نموده ؟ خداوند فرمود: ای موسی ! اما آنانکه به واسطه گریستن از خوف من به من نزدیک گشته اند آنان در مرتبه همچواری با رفیق اعلی (معشوق و دوست برتر) هستند و هیچکس در این مقام با آنان شریک نیست و اما آنانکه به واسطه باز ایستادن از ارتکاب حرامهای من مرا بندگی نموده اند من در قیامت از آن شرم دارم که در مورد اعمالشان کنجکاوی و دقت به خرج دهم در حالی که اعمال همه مردمان را به دقت وارسی خواهم کرد و اما آنانکه خود را به واسطه بی رغبتی به دنیا برایم آراسته اند تمامی بھشت را برای آنان مباح و روا می سازم که در هر جای بھشت خواستند جای گیرند .

حدیث:

- 134 قال الصادق علیہ السلام : ان الرجل ليكون بينه و بين الجنـه اكثـرـمـما بينـ الثـرى الى العـرـشـ لـكـثـرهـ ذـنـوبـهـ فـماـ هوـ الاـ انـ يـكـىـ منـ خـشـىـهـ اللهـ عـزـوجـلـ نـدـمـاـ عـلـيـهـاـ حتـىـ يـصـيرـ بـيـنـهـ وـ بـيـنـهـاـ اـقـرـبـ منـ جـفـنـهـ الىـ مـقـلـتـهـ.

ترجمه:

- 134 امام صادق علیہ السلام فرمود: به درستی که (گاه باشد (بین آدمی و بھشت به

خاطر گناهان زیادش فاصله ای بیش از فاصله زمین تا عرض باشد پس چنین کسی را چاره ای نیست جز اینکه از خوف خدای عزوجل بگردید و بر گناهان خویش اشک ندامت بریزد تا فاصله او و بهشت نزدیکتر از فاصله پلک چشم تا مردمک چشم شود .

حدیث:

- 135 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ما من شئ الا و له کیل وزن الا الدموع فان القطره تطفی بحرا من نار فاذا اغروقت العین بمائها لم يرهق وجهه قتر و لا ذله فاذا فاضت حرمها اللہ علی النار و لو ان باکیا بکی فی امه لرحموا.

ترجمه:

- 135 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ چیزی نیست جز اینکه پیمانه و وزنی دارد مگر اشکها زیرا یک قطره اشک دریاهایی از آتش را خاموش می کند پس هرگاه چشم پر آب شد و در اشک خود غرق گشت چنین چهره ای را کدورت و تیرگی فرا نمی گیرد و هرگاه اشک آن جاری شود خداوند آن دیده را بر آتش حرام می گرداند و اگر در بین یک امت یک نفر (با اخلاص و از خوف خدا) بگردید آن امت همگی مورد رحمت الهی واقع می شوند .

حدیث:

- 136 عن ابی عبداللہ علیه السلام نحوه و زاد فی اوله : ما من عین الا و هی باکیه يوم القيامه الا علينا بکت من خوف الله و ما اغروقت عین بمائها من خشیه الله عزوجل الا حرم الله سائر جسمه علی النار.

ترجمه:

- 136 از امام صادق علیه السلام مانند حیث گذشته روایت شده است با این تفاوت که در آغاز آن آمده است : هیچ چشمی نیست مگر اینکه در روز قیامت گریان است به جز چشمی که از خوف خدا گریسته است و هیچ چشمی از خوف خدای عزوجل پر آب نشده است مگر اینکه خداوند سایر بدن او را بر آتش حرام می گرداند .

حدیث:

- 137 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من قطره احب الى الله عزوجل من قطره دموع في سواد الليل مخافه من الله لا يراد بها غيره.

ترجمه:

- 137 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ قطره ای در نزد خداوند عزوجل دوست داشتنی تر و محبوب تر از قطره اشک هایی که در تاریکی شب و از خوف خدا با اخلاص کامل ریخته می شود نیست .

حدیث:

- 138 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : كل عین باکیه يوم القيامه الا ثلاثة عین غضت عن محارم الله و عین سهرت في طاعه الله و عین بکت في حوف الليل من خشیه الله.

ترجمه:

- 138 امام صادق عليه السلام فرمود: هر چشمی در روز قیامت گریان است مگر سه چشم: یکی چشمی که از دیدن آنچه خداوند دیدنش را بر او حرام نموده فرو بسته شود و دیگری چشمی که در طاعت خدا بیدار بماند و دیگری چشمی که در دل شب از خوف خدا بگردید.

حدیث:

- 139 قال ابو عبدالله علیه السلام او حی اللہ الی موسی علیه السلام ان عبادی لم يتقرروا الی بشیء احبت الی من ثلاث خصال قال موسی : يا رب و ما هی ؟ قال : يا موسی ! الزهد فی الدنيا و الورع عن معاصی و البکاء من خشیتی قال موسی يا رب فما لمن صنع ذا؟ فاوحی اللہ الیه يا موسی اما الزاهدون فی الدنيا ففی الجنۃ و اما البکاءون من خشیتی ففی الرفیع الاعلی لا یشارکهم فیه احد و اما الورعون عن معاصی فانی افتیش الناس و لا افتیشهم.

ترجمه:

- 139 امام صادق عليه السلام فرمود: خداوند به موسی علیه السلام وحی فرستاد که بندگان من به سوی من تقرب نمی یابند به چیزی که در نزد من محبوبتر باشد از سه خصلت ، حضرت موسی علیه السلام عرض کرد: ای پروردگار من آن سه چیست ؟ فرمود: ای موسی ! یکی بی رغبتی به دنیا و دیگری پرهیز از نافرمانی من و دیگری گریستن از خوف من . موسی عرض کرد: ای پروردگار من ! کسی که چنین باشد چه چیزی نصیبیش خواهد شد؟ خداوند وحی فرستاد که : ای موسی ! اما بی رغبتان به دنیا در بهشت جای خواهند گرفت و اما آنانکه از خوف من گریانند در مقامی رفیع و برترند که هیچ کس با آنان در آن مقام شریک نیست و اما آنانکه از نافرمانی من پروا دارند من نیز مردمان را سخت بازرگانی خواهم کرد ولی در کار آنان موشکافی به خرج نمی دهم.

- 16 باب وجوب حسن الظن بالله و تحريم سوء الظن به

- 16 باب وجوب حسن ظن به خداوند و تحريم بدگمانی نسبت به خدا

حدیث:

- 140 عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : احسن الظن بالله فان الله عزوجل يقول : انا عند ظن عبدي بی ان خيرا فخيرا و ان شرا فشرا.

ترجمه:

- 140 امام رضا علیه السلام فرمود: به خداوند گمان نیکو داشته باش زیرا خداوند عزوجل گوید: من در نزد گمانی که بنده ام به من دارد حاضرم اگر گمان خیر به به من دارد پس پاداش خیر می بیند و اگر گمان بد به من دارد پس کیفری بد در انتظار اوست .

حدیث:

- 141 عن ابی الحسن الرضا فی حدیث قال : فاحسن الظن بالله فان ابا عبد الله علیه السلام

کان یقول : من حسن ظنه بالله کان الله عند ظنه به و من رضى بالقليل من الرزق قبل منه  
اليسير من العمل.

ترجمه:

- 141 امام رضا عليه السلام فرمود: به خدا گمان نیک داشته باش زیرا امام صادق عليه  
السلام می فرمود: کسی که به خداوند گمان نیکو داشته باشد خداوند در نزد گمان او حاضر  
است و کسی که به روزی کم قانع و خوشنود باشد خداوند نیز عمل کم را از او می پذیرد .

حديث:

- 142 عن ابی جعفر علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام ان رسول الله  
صلی الله علیه و آله قال علی منبره : و الذی لا اله الا هو ما اعطی مومن قط خیر الدنيا و  
الآخره الا بحسن ظنه بالله و رجائه له و حسن خلقه و الكف عن اغتیاب المؤمنین و الذی لا اله  
الا هو لا يعذب الله مومنا بعد التوبه والاستغفار الا بسوء ظنه بالله و تقصير من رجائه له و سوء  
خلقه و اغتیاب المؤمنین و الذی لا اله الا هو لا يحسن ظن عبد مومن بالله الا کان الله عند ظن  
عبدہ المومن لان الله کریم بیده الخیر یستحیی ان یکون عبدہ المومن قد احسن به الظن ثم  
یخلف ظنه و رجاء فاحسنوا بالله الظن و ارغبوا اليه.

ترجمه:

- 142 امام باقر علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که رسول خدا صلی  
الله علیه و آله بر فراز منبر فرمود: سوگند به آن خدایی که جز او معبدی نیست به هیچ  
مؤمنین هرگز خیر دنیا و آخرت عطا نشده است مگر به خاطر چند خصلت : گمان نیکو به  
خداوند و امیدواری به عطا و بخشش خدا و خوش خلقی و باز ایستادن از غیبت مؤمنان و  
سوگند به خدایی که جز او معبدی نیست خداوند هیچ مؤمنی را بعد از توبه و استغفار عذاب  
نمی کند مگر به سبب چند خصلت : بدگمانی اش به خداوند و کوتاهی نمودن در امید داشتن  
به خدا و بد اخلاقی و غیبت نمودن از مؤمنین و سوگند به خدایی که جز او معبدی نیست  
هیچ بنده مؤمنی گمان نیکو به خدا نمی کند مگر اینکه خداوند در نزد گمان نیکوی او حاضر  
است (و پاداش نیکو به او می دهد) زیرا خداوند بخشنده است و تمامی خیر در دست اوست  
و شرم دارد از اینکه بنده مؤمنش به او گمان نیکی داشته باشد و آن گمان و امیدواری اش به  
خطا رود پس به خداوند گمان نیکو داشته باشید و به سوی او میل داشته باشید و زاری  
کنید .

حديث:

- 143 عن سفيان بن عبينه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : حسن الظن بالله ان  
لاترجو الا الله و لاتخاف الا ذنبك.

ترجمه:

- 143 سفيان بن عبينه گويد: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمودن گمان نیکو

به خداوند داشتن این است که امید به هیچکس جز او نداشته باشی و از هیچ چیز جز  
گناهت نترسی.

حدیث:

- 144 عن سنان بن طریف قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ینبغی للمؤمن ان  
یخاف الله خوفا کانه مشرف علی النار و یرجوه رجاء کانه من اهل الجنۃ . ثم قال : ان الله تبارک  
و تعالیٰ عند ظن عبده به ان خيرا فخیرا و ان شرا فشرا.

ترجمه:

- 144 سنان بن طریف گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر مومن  
سزاوار است که چنان از خداوند بترسد که گوئیا نزدیک است که به آتش افکنده شود و چنان  
به رحمت او امیدوار باشد که گوئیا از اهل بهشت است . سپس فرمود: خداوند تبارک و تعالیٰ  
در نزد گمان بندۀ اش به خود حاضر است اگر گمانش به او خیر باشد خداوند هم خیر برایش  
پیش می آورد و اگر گمانش بد باشد خداوند هم بد برایش پیش می آورد .

حدیث:

- 145 محمد به علی بن الحسین علیه السلام باسناده الی وصیه علی علیه السلام لمحمد  
بن الحنفیه قال : و لا یغلبن عليك سوء الظن بالله عزوجل فانه لن یدع بینک و بین خلیلک  
صلحا .

ترجمه:

- 145 امام باقر علیه السلام فرمود: در وصیت علی علیه السلام به فرزندش محمد بن حنفیه  
آمده است که : مبادا بدگمانی به خداوند عزوجل بر تو غالب شود زیرا این بدگمانی بین تو و  
دوستت که خداوند است صلح و آشتی باقی نمی گذارد .

حدیث:

- 146 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان آخر عبد یومر به الی النار فیلتقت فیقول الله جل  
جلاله : اعجلوه فاذا اتی به قال له : عبدی لم التفت ؟ فیقول : يا رب ما کان ظنی بك هذا  
فیقول الله جل جلاله : عبدی ما کان ظنک بی ؟ فیقول : يا رب کان ظنی بك ان تغفر لی  
خططنتی و تدخلنی جنتک قال : فیقول الله جل جلاله : ملائکتی و عزتی و جلالی و آلائی و  
ارتفاع مکانی ما ظن بی هذا ساعه من حیاته خیرا قط و لو ظن بی ساعه من حیاته خیرا وما  
روعته بالنار اجیزوا له کذبه و ادخلوه الجنۃ ثم قال ابوعبدالله علیه السلام : ما ظن عبد بالله  
خیرا الا کان له عند ظنه و ما ظن به سوءا الا کان الله عند ظنه به و ذلك قول الله عزوجل : (و  
ذلكم ظنكم الذي ظننتم بربكم ارداكم فاصبحتم من الخاسرين.)

ترجمه:

- 146 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا آخرين بندۀ اي که در روز قیامت دستور داده می  
شود که به سوی آتش دوزخ رود به چپ و راست خود می نگرد پس خداوند جل جلاله می

فرماید: با شتاب بیاوریدش . پس چون به محضر پروردگار آورده می شود خداوند می فرماید: ای بنده من ! چرا به چپ و راست خود می نگری ؟ عرض می کند: ای پروردگار من ! من چنین گمانی به تو نداشتم ، خداوند جل و جلاله می فرماید: ای بنده من ! چه گمانی به من داشتی ؟ عرض می کند: ای پروردگار من ! گمان من به تو این بود که از گناهم در می گذری و مرا به بهشت وارد می کنی . خداوند جل جلاله می فرماید: ای فرشتگان من ! سوگند به عزت و بزرگی و نعمتها و بلندی جایگاهم که این بنده در زندگی اش هرگز ساعتی چنین گمان خوبی به من نداشت و اگر در تمام زندگی اش ساعتی چنین گمان خیری به من داشت او را با آتش نمی ترساندم و لرزه بر اندامش نمی افکندم حال که چنین گفت این دروغش را بر او روا دارید و او را به بهشت داخل کنید . سپس امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای به خدا خوش گمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمانش حاضر است (و با او به خوبی رفتار می کند) و هیچ بنده ای به خداوند بدگمان نبوده جز اینکه خداوند در نزد گمان وی حاضر است (و او را به بدی کیفر می دهد) و این همان معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرماید ) : این گمان بدی بود که به پروردگارتان داشتید و همان موجب هلاک شما شد پس از زیانکاران گردیدید<sup>(66)</sup> )

حدیث:

- 147 عن ابی الحسن الرضا علیه السلام قال : قال لى احسن الظن بالله فان الله عزوجل يقول : انا عند ظن عبدي بي فلا يظن بي الا خيرا .

ترجمه:

- 147 راوی از امام رضا علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: گمان نیکو به خداوند داشته باش زیرا خدای عزوجل می فرماید: من در نزد گمان بنده ام حاضرم پس بنده ام جز گمان خیر به من نداشته باشد .

حدیث:

- 148 عن ابی رئاب قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : يوتى بعد يوم القيامه ظالم لنفسه فيقول الله : الم امرك بطاعتى الم انهك عن معصيتي ؟ فيقول : بلى يا رب و لكن غلت على شهوتى فان تعذيبنى فبذنبى لم تظلمنى فيامر الله به الى النار فيقول ما كان هذا ظنى بك فيقول ما كان ظنك بي ؟ قال : كان ظنى بك احسن الظن فيامر الله به الى الجنه فيقول الله تبارك و تعالى : لقد نفعك حسن ظنه بي الساعه .

ترجمه:

- 148 ابن رئاب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: در روز قیامت بنده ای که به خویشتن ستم نموده آورده می شود پس خداوند می فرماید: آیا تو را به طاعت و فرمانبرداری ام امر نکردم ؟ آیا تو را از نافرمانی ام نهی نکردم ؟ بنده گنهکار گوید: درست است ای پروردگار من ! ولی شهوتمن بر من چیره شد پس اگر مرا کیفر دهی به خاطر گناهی

است که مرتکب شده ام و به من ستم روا نداشته ای . پس خداوند دستور می دهد که او را به سوی آتش بزند. بندۀ گنھکار می گوید: ای خدای من ! گمان من به تو چنین نبود. خداوند می فرماید: مگر چه گمانی به من داشتی ؟ می گوید: خدایا من به تو نیکوترين گمان را داشتم . پس خداوند امر می کند که او را به سوی بهشت بزند و می فرماید: حقا که گمان نیکوی تو به من امروز به تو سود بخشد .

- 17باب استحباب دم النفس و تاديبها و مقتها

- 17باب استحباب نکوهش نمودن نفس و ادب کردن و دشمن داشتن نفس  
Hadith:

- 149عن الحسن بن الجهم قال سمعت اباالحسن عليه السلام يقول : ان رجلا في بنى اسرائيل عبدالله اربعين سنه ثم قرب قربانا فلم يقبل منه فقال : لنفسه ما اتيت الا منك و ما الذنب الا لك قال : فاوحى الله عزوجل اليه ذمك لنفسك افضل من عبادتك اربعين سنه.

ترجمه:

- 149حسن به جهم گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: مردی از بنی اسرائیل خداوند را چهل سال عبادت کرد سپس قربانی ای به درگاه خدا نمود و قربانی او پذیرفته نشد پس با نفس خود چنین گفت : ای نفس ! آنچه که به من رسیده نیست مگر از جانب تو و گناهی نیست مگر از آن تو. پس خداوند عزوجل به سوی او وحی فرستاد که : این نکوهشی که از نفس خود نمودی از عبادت چهل ساله ات برتر است .

Hadith:

- 150عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : يا اسرى الرغبه اقصروا فان المدرج على الدنيا ما لا يروعه منها الا صريف انياب الحدثان ايها الناس تولوا من انفسكم تاديبها و اعدلوا بها عن ضراوه عاداتها.

ترجمه:

- 150اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: ای اسیران خواهش نفسانی ! میل نفس را کوتاه کنید زیرا کسی را که به دنیا دل بسته است بجز صدای دندانهای حوادث دنیا چیز دیگری او را نمی ترساند، ای مردم از درون خود عهده دار ادب کردن نفس های خود شوید و نفس هاتان را از درنده خوبی و حریص بودن بر عادات دنیا بازگردانید .

Hadith:

- 151قال رسول الله صلی الله عليه و آله من مقت نفسه دون مقت الناس آمنه الله من فرع يوم القيامه.

ترجمه:

- 151رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: کسی که به جای اینکه مردم را دشمن گیرد نفس خود را دارد خداوند او را از بی تابی روز قیامت ایمن دارد .

- 18 باب وجوب طاعة الله

- 18 باب وجوب فرمانبرداری از خداوند

حدیث:

- 152 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا تذهب بکم المذاهب فو الله ما شیعتنا الا من اطاع الله عزوجل .

ترجمه:

- 152 امام باقر علیه السلام فرمود: راه و روش‌های مختلف شما را (از حق) دور نگرداند و با خود نبرد که سوگند به خدا شیعه ما نیست مگر کسی که خدای عزوجل را اطاعت کند.

حدیث:

- 153 عن ابی جعفر علیه السلام (فی حدیث) ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : انه لا يدرك ما عند الله الا بطاعته.

ترجمه:

- 153 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که : حقیقتا آنچه (از نعمتها و رضوان) که در نزد خداوند است جز با طاعت و فرمانبرداری از او به دست نمی آید .

حدیث:

- 154 عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال لى : يا جابر ایکتفی من ینتحل التشیع ان یقول بحنا اهل الیت ؟ فو الله ما شیعتنا الا من اتقى الله و اطاعه و ما كانوا یعرفون يا جابر الا بالتواضع و التخشیع و الامانه و کثره ذکر الله و الصوم و الصلاه و البر بالوالدین و التعاهد للجیران من الفقراء و اهل المسکنه و الغارمین و الایتمام و صدق الحديث و تلاوه القرآن و کف الالسن عن الناس الا من خیر و كانوا امناء عشائرهم فی الاشیاء - الى ان قال : - احب العباد الى الله عزوجل الا بالطاعة و ما معنا براءه من النار و لا على الله لاحد من حجه من كان الله مطیعا فهو لنا ولی و من كان الله عاصیا فهو لنا عدو و ما تنا و لایتنا الا بالعمل و الورع .

ترجمه:

- 154 جابر از امام باقر علیه السلام روایت کند که حضرت به من فرمود: ای جابر! آیا کسی که نسبت شیعه بودن را به خود می دهد همین که قائل به دوستی ما اهل بیت باشد کفایتش می کند؟ سوگند به خدا که شیعه ما نیست مگر کسی که تقوای الهی را پیشه سازد و خدای را اطاعت کند، و ای جابر! شیعیان ما شناخته نمی شوند مگر به فروتنی و خشوع و امانتداری و کثرت یاد خدا و روزه و نماز و نیکی به پدر و مادر و رسیدگی به همسایگان تنگدست و رسیدگی به ناتوانان و قرض داران و یتیمان و راستگویی و تلاوت قرآن و نگهداری زبان خود درباره مردم مگر در خیرگویی و شیعیان باید در همه چیز امین قوم و قبیله خود باشند - تا آنجا که فرمود: - دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خدای عزوجل آنانند که

پرهیزکارتر و عمل کننده تر به طاعت خدایند. ای جابر! سوگند به خدا که ما جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری از خداوند عزوجل نمی توانیم به او نزدیک شویم و جواز رهایی از آتش همراه ما نیست و هیچکس حجت و برهانی بر علیه خداوند ندارد، هر کس مطیع و فرمانبر خداوند باشد او دوست ماست و هر کس عصیان خدا را کند دشمن ماست و به ولایت و دوستی ما کسی نمی رسد مگر به وسیله عمل شایسته و پارسایی .

حدیث:

- 155 عن ابی جعفر علیه السلام قال : فی حدیث و اللہ ما معنا من اللہ براءه و لابیننا و بین اللہ قرابه و لا لنا علی اللہ حجه و لانتقرب الى اللہ الا بالطاعه فمن كان منكم مطیعا لله تنفعه و لایتنا و من كان منكم عاصيا لله لم تنفعه و لایتنا و يحکم لاتغروا و يحکم لاتغروا.

ترجمه:

- 155 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: سوگند به خداوند که از جانب خداوند برای ما جواز رهایی از آتش نیست و بین ما و خداوند خویشاوندی برقرار نیست و ما حجت و برهانی بر خداوند نداریم و جز به وسیله طاعت و فرمانبرداری اش به او نزدیک نمی شویم پس هر کدام از شما که مطیع خداوند باشد ولایت و دوستی ما به او سود می بخشد و هر کدام شما که در برابر خداوند عصیان کند دوستی ما به او سودی نمی بخشد. وای بر شما مبادا فریب بخورید، وای بر شما مبادا فریب بخورید .

حدیث:

- 156 عن الصادق عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : قال الله جل جلاله : يا ابن آدم اطعنی فيما امرتك و لاتعلمنى ما يصلحك.

ترجمه:

- 156 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند جل جلاله فرمود: ای فرزند آدم! در آنچه که به تو دستور داده ام مرا اطاعت کن و آنچه را که تو را به صلاح می رساند به من نیاموز (که من خود می دانم که چه چیزی به صلاح توسť .)

حدیث:

- 157 عن ابی عبد الله علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آله قال : قال الله عزوجل : ايما عبد اطعنی لم اكله الى غيري و ايما عبد عصانی و كلته الى نفسه ثم لم ابال في اى واد هلك.

ترجمه:

- 157 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کنند که فرمود: خداوند عزوجل می فرمایند: هر بنده ای که مرا اطاعت کند او را به سوی غیر خود وا نمی گذارم و هر بنده ای که مرا نافرمانی کند او را به سوی خودش وا می

گذارم پس از آن دیگر باکی ندارم که در چه راهی به هلاکت برسد .

حدیث:

- 158 عن ابی بصیر قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (اتقوا الله حق تقاته ) قال : يطاع فلا بعضی و يذکر فلا یننسی و یشکر فلا یکفر.

ترجمه:

- 158 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدا که می فرماید) (تقوای الهی را پیشه کنید حق تقوایش را<sup>(67)</sup> (پرسیدم . حضرت فرمود: (حق تقوا این است که) اطاعت خداوند صورت گیرد و نافرمانی اش نشود، و همواره یاد شود و فراموش نگردد، و شکر او به جای آورده شود و ناسیاسی اش نشود .

حدیث:

- 159 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله جعل الطاعه غنيمه الا كياس عند تفريط العجزه.

ترجمه:

- 159 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند طاعت خود را در زمانی که ناتوانان در آن کوتاهی می کنند غنیمتی برای زیرکان قرار داد (که زیرکان از طاعت خدا توشه ای برای آخرت غنیمت گیرند.)

- 19 باب وجوب الصبر على طاعة الله و الصبر عن معصيه

- 19 باب وجوب صبر نمودن بر طاعت خدا و صبر نمودن در برابر معصیت خداوند

حدیث:

- 160 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا كان يوم القيامه يقوم عنق من الناس فيأتون بباب الجنه فيقال : من انتم ؟ فيقولون : نحن اهل الصبر فيقال لهم : على ما صبرتم ؟ فيقولون : كنا نصبر على طاعة الله و نصبر عن معاishi الله فيقول الله عزوجل : صدقوا ادخلوهم الجنه و هو قول الله عزوجل : (انما يوفى الصابرون اجرهم بغير حساب).

ترجمه:

- 160 امام صادق علیه السلام فرمود: آنگاه که روز قیامت شود جماعتی از مردم بر می خیزند و به در بهشت می آیند به آنان گفته می شود: شما چه کسانی هستید؟ گویند: ما اهل صبر هستیم . به آنان گفته می شود: بر چه چیزی صبر کردید؟ گویند: ما در دنیا بر طاعت و معاishi خداوند صبر می نمودیم . در اینجا خداوند عزوجل گوید: راست می گویند آنان را به بهشت وارد کنید. و این است معنای گفتار خداوند که می فرماید: (پاداش صابران به طور کامل و بدن حساب به آنان داده می شود<sup>(68)</sup> )

حدیث:

- 161 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : الصبر صبران : صبر عند المصيبة حسن جميل و احسن

من ذلك الصبر عند ما حرم الله عليك و الذكر ذكران : ذكر الله عزوجل عند المصيبة و افضل من ذلك ذكر الله عند ما حرم الله عليك فيكون حاجزا.

ترجمه:

- 161 امير المؤمنین علی علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر در هنگام مصیبت که این نیکو و زیباست و نیکوتراز آن ، صبر نمودن در هنگام روبرو شدن با چیزهایی است که خداوند بر تو حرام نموده و یاد خدا نیز بر دو گونه است : یاد نمودن خداوند عزوجل در هنگام مصیبت و برتر از آن ، یاد خداوند در هنگام مواجهه با حرام الهی است که این مانع و بازدارنده آتش دوزخ است .

حدیث:

- 162 قال ابو جعفر علیه السلام : لما حضرت علی بن الحسین علیه السلام الوفاه ضمیمی الى صدره و قال يا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حین حضرته الوفاه و بما ذکر ان اباہ اوصاہ به يا بنی اصیر علی الحق و ان كان مرا.

ترجمه:

- 162 امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم ! تو را به چیزی سفارش می کنم که پدرم امام حسین علیه السلام در هنگام وفات مرا به آن سفارش فرمود و فرمود که پدرش علی علیه السلام او را به این وصیت سفارش فرموده است : ای پسرم ! بر حق صبر کن اگر چه تلخ باشد .

حدیث:

- 163 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الصبر صبران : صبر علی البلاء حسن جمیل و افضل الصبرین الورع عن المحارم.

ترجمه:

- 163 امام باقر علیه السلام فرمود: صبر بر دو گونه است : صبر بر بلا که نیکو و زیباست و برترین دو قسم صبر پرهیز نمودن از حرامهای الهی است .

حدیث:

- 164 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اصبروا علی الدنيا فانما هی ساعه فما مضی منه لاتجد له الما و لاسروا و ما لم یجی فلا تدری ما هو؟ و انما هی ساعتك التي انت فيها فاصبر فيها علی طاعه الله و اصبر فيها عن معصیه الله.

ترجمه:

- 164 امام صادق علیه السلام فرمود، بر دنیا صبر کنید که دنیا ساعتی بیش نیست پس آنچه از دنیا سپری شده برای آن رنجی و سروری نمی یابی (رنج و شادمانی آن تمام شدنی است ) و آنچه نیامده است نمی دانی چیست ؟ دنیا همان ساعتی است که تو در آن

هستی پس در آن بر طاعت و فرمانبرداری خدا صبر کن و در مقابل معصیت خداوند نیز شکیبا باش .

حدیث:

- 165 قال رسول الله صلی الله علیه و آلہ الصبر ثلاثه : صبر عند المصيبة و صبر عند الطاعه و صبر عن المعصيه ، فمن صبر على المصيبة حتى يردها بحسن عزائها كتب الله له ثلاثمائة درجه ما بين الدرجه الى الدرجه كما بين السماء و الأرض و من صبر على الطاعه كتب الله له ستمائه درجه ما بين الدرجه الى الدرجه كما بين تخوم الأرض الى متنهى العرش و من صبر عن المعصيه كتب الله له تسعمائه درجه ما بين درجه الى الدرجه كما بين تخوم الأرض الى متنهى العرش.

ترجمه:

- 165 رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: صبر بر سه قسم است : صبر در هنگام معصیت و صبر در طاعت خداوند و صبر در برابر معصیت و گناه ، پس کسی که بر مصیبته صبر کند تا آنجا که آن مصیبت را به تسلی و آرامشی نیکو باز گردان خداوند برای او سیصد درجه می نویسد که بین یک درجه تا درجه دیگر به اندازه بین زمین و آسمان فاصله است و کسی که بر طاعت خدا صبر کند خداوند برای او ششصد درجه می نویسد که مابین یک درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حدود مرز زمین تا انتهای عرش الهی فاصله است و کسی که در برابر معصیت و گناه صبر کند خداوند برای او نهصد درجه می نویسد که مابین یک درجه تا درجه دیگر به اندازه مابین حد و مرز زمین تا انتهای عرش فاصله است .

حدیث:

- 166 عن ابی الحسن موسی بھ جعفر علیه السلام انه قال لبعض ولده : يا بنی ایاک ان یراک اللہ فی معصیه نهاك عنھا و ایاک ان یفقدك اللہ عند طاعه امرک بها.

ترجمه:

- 166 از امام موسی بھ جعفر علیه السلام روایت است که به یکی از فرزندانش فرمود: ای پسرکم ! بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در حال گناهی که تو را از انجام آن نهی نموده است ببیند و بر حذر باش از اینکه خداوند تو را در انجام طاعتی که به انجام آن فرمان داده است غائب نبیند .

حدیث:

- 167 عن ابی حمزه الثمالي قال : قال لى ابوجعفر علیه السلام : لما حضرت ابى الوفاه ضمنى الى صدره و قال : يا بنى اصبر على الحق و ان كان مرا توف اجرك بغير حساب.

ترجمه:

- 167 ابو حمزه ثمالی گوید: امام باقر علیه السلام به من فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند و فرمود: ای پسرکم ! بر حق صبر کن

اگر چه تلخ باشد تا خداوند پاداش تو را بدون حساب و به طور کامل دهد.

حدیث:

- 168 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : الصبر صبران : صبر علی ما تحب و صبر علی ما تکره ثم قال علیه السلام : ان ولی محمد من اطاع الله و ان بعدت لحمته و ان عدو محمد من عصی الله و ان قربت قرابته.

ترجمه:

- 168 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر دو گونه است : صبر نمودن بر آنچه دوست می داری و صبر نمودن بر آنچه که آن را ناپسند می شمری . سپس فرمود: همانا دوست پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خداوند را اطاعت کند اگر چه قرابت و خویشاوندی اش دور باشد و همانا دشمن پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله کسی است که خدای را نافرمانی کند اگر چه خویشاوندی اش نزدیک باشد.

حدیث:

- 169 و قال علیه السلام : شتان بین عملین عمل تذهب لذته و تبقى تبعته و عمل تذهب مئونته و يبقى اجره.

ترجمه:

- 169 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چقدر بین دو عمل فاصله است یکی عملی که لذتش می رود و عاقبت بدش باقی می ماند و دیگری عملی که سختی آن می رود و پاداشش می ماند .

حدیث:

- 170 و قال علیه السلام : اتقوا معاصی الله في الخلوات فان الشاهد هو الحاكم.

ترجمه:

- 170 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از ارتکاب معصیتهاي الهی (حتی) در نهان خودداری کنید زیرا آن خدایی که شاهد است خود نیز حاکم است.

حدیث:

- 171 و قال علیه السلام : ان الله وضع الثواب على طاعته و العقاب على معصيته ذيادة لعباده عن نقمته و حياشه لهم الى جنته.

ترجمه:

- 171 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند پاداش را بر طاعتیش نهاد و کیفر را بر معصیتش تا بندگانش را از خشم و عقوبت خود دور سازد و آنان را به سوی بهشت تشویق و تحریص گرداند .

حدیث:

- 172 و قال علیه السلام : احذر ان يراك الله عند معصيته او يفقدك عند طاعته فتكون من

الخاسرين فإذا قويت فاقو على طاعه الله فإذا ضعفت فاضعف عن معصيه الله.

ترجمه:

- 172 امير المؤمنين عليه السلام فرمود: بر حذر باش از اينکه خداوند تو را در هنگام معصيتش ببیند يا در هنگام طاعتیش تو را نيايد اگر چنین باشی از زيانكاران حواهی بود پس هرگاه توانايی می يابی ، بر انجام طاعت خدا توانا شو و هرگاه ناتوان می شوی ، از ارتکاب معصيت خدا ناتوان شو .

حديث:

- 173 اتي رجل ابا عبدالله عليه السلام فقال له يا ابن رسول الله اوصني فقال : لا يقدر الله حيث امرك و لا يراك حيث نهاك قال : زدني قال : لا اجد.

ترجمه:

- 173 مردی نزد امام صادق عليه السلام آمد و عرض کرد: ای فرزند رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: در جایی که خداوند تو را فرمان داده غائب نبیند و در جایی که نهی فرموده حاضرت نیابد. عرض کرد: بیش از این برایم بگو. حضرت فرمود: بیش از این چیزی نمی یابم .

حديث:

- 174 عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر عن آبائہ علیہ السلام عن رسول الله صلی اللہ علیہ و آله قال : اذا كان يوم القيمة نادى مناد عن الله يقول : این اهل الصبر؟ قال : فيقوم عنق من الناس فتستقبلهم زمرة من الملائكة فيقولون لهم : ما كان صبركم هذا الذي صبرتم ؟ فيقولون : صبرنا انفسنا على طاعه الله و صبرناها عن معصيه الله قال : فينادى مناد من عند الله صدق عبادي خلوا سبيلهم ليدخلوا الجنه بغير حساب.

ترجمه:

- 174 امام باقر عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آنگاه که روز قیامت بر پا می شود ندا دهنده ای از جانب خدا ندا در می دهد که : کجايند اهل صبر؟ پس جماعتی از مردم بر می خیزند و گروهی از فرشتگان به استقبال آنان می آیند و به آنان می گويند: آن صبری که پیشه نمودید چه صبری بود؟ گويند: ما خود را بر طاعت خداوند به صبر روا داشتیم و نیز خود را در مقابل معصیت خداوند به صبر وادر نمودیم . پس ندا دهنده ای از جانب خداوند ندا در می دهد که : بندگانم راست می گويند از جلو راه آنها به کنار رويد تا بدون حساب وارد بهشت شوند .

- 20 باب وجوب تقوی الله

- 20 باب وجوب رعایت تقوای الهی

حديث:

- 175 عن ابی جعفر علیہ السلام قال : كان امير المؤمنين علیہ السلام يقول : لا يقل عمل مع

تقوی و کیف یقیق ما یتقبل ؟

ترجمه:

- 175 امام باقر علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام می فرمود: کم شمرده نمی شود عملی که همراه با تقواست و چگونه کم شمرده می شود چیزی که پذیرفته می گردد؟

حديث:

- 176 عن مفضل بن عمر قال : كنت عند ابى عبدالله علیه السلام فذكرنا الاعمال فقلت انا: ما اضعف عملي فقال : مه استغفر الله ثم قال لى : ان قليل العمل مع التقوى خير من كثير بلا تقوى . قلت : كيف يكون كثير بلا تقوى ؟ قال علیه السلام : نعم مثل الرجل يطعم طعامه و يرفق جيرانه و يوطى رحله فإذا ارتفع له الباب من الحرام دخل فيه فهذا العمل بلا تقوى و يكون الاخر ليس عنده فإذا ارتفع له الباب من الحرام لم يدخل فيه.

ترجمه:

- 176 مفضل بن عمر گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که سخن از اعمال به میان آمد پس من عرض کردم : وہ که چقدر عمل من ناچیز است . حضرت فرمود: ساکت باش و از خدا طلب مغفرت کن . سپس فرمود: عمل کم که همراه با تقوا باشد از عمل زیاد که بدون تقوا باشد بهتر است . عرض کردم : عمل زیاد بدون تقوا چگونه است ؟ حضرت فرمود: آری مثل مردی که مردمان را طعام می دهد و با همسایگانش مدارا می کند و توشه اش را آماده و مهیا می سازد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش باز می شود از آن در وارد می شود و این عمل بدون تقواست و دیگری چنین اعمالی ندارد ولی هنگامی که دری از حرام به رویش گشوده می شود وارد نمی شود .

حديث:

- 177 عن یعقوب بن شیعیب قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ما نقل الله عبدا من ذل المعاصي الى عز التقوى الا اغناه من غير مال و اعزه من غير عشيره و انسه من غير بشر.

ترجمه:

- 177 یعقوب بن شعیب گوید: از حضرت صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند بنده ای را از ذلت گناه به سوی عزت تقوا نرساند جز اینکه او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و عشيره عزتمند ساخت و بدون (معاشرت با) بشری او را انس و آرامش بخشید .

حديث:

- 178 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله خیر الزاد التقوى.

ترجمه:

- 178 امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله این است :  
بهترین توشہ تقوا است .

حدیث:

- 179 عن الهیثم بن واقد قال : سمعت الصادق جعفر بن محمد علیه السلام يقول : من اخرجه الله عزوجل من ذل المعاصی الى عز التقوى اغناه الله بلامال و اعزه بالعشیره و آنسه بلا انبیس و من خاف الله اخاف الله منه كل شیء و من لم يخف الله اخافه الله من كل شیء و من رضی من الله بالیسری من الرزق رضی منه بالیسری من العمل و من لم يستحی من طلب المعاش خفت مئونته و نعم اهله و من زهد في الدنيا اثبت الله الحكمه في قلبه و انطق بها لسانه و بصره عیوب الدنيا داءها و دواعها و اخرجه من الدنيا سالما الى دارالسلام.

ترجمه:

- 179 هیثم بن واقد گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که خداوند او را از ذلت گناهان به سوی عزت و ارجمندی تقوا فرستاد او را بدون مال بی نیازی بخشید و بدون قوم و قبیله عزت داد و بدون مونس آرامش بخشید و کسی که از خدا برتسد خداوند هیبت او را در همه چیز می افکند و کسی که از خدا نترسد خداوند او را از همه چیز بیمناك می سازد و کسی که از خداوند به روزی کم خوشنود باشد خداوند هم از او به عمل کم خوشنود می گردد و کسی که به دنیا بی اعتنا باشد خداوند حکمت و دانایی را در دلش پا برحا می کند و زیارتی را به حکمت گویا می سازد و او را نسبت به دردها و داروهای عیوب دنیا بینا می گرداند و او را سالم و بی نقص از دنیا به سرای سلامت آن جهان منتقل می کند .

حدیث:

- 180 عن الولید بن عباس قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : الحسب الفعال و الشرف المال و الكرم التقوى .

ترجمه:

- 180 ولید بن عباس گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گوهر مرد و بزرگی او اعمال او است و شرافت و ارجمندی او دارایی اوست و کرامت و بزرگواری او تقوای اوست .

حدیث:

- 181 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : فی خطبه له علیه السلام الا و ان الخطایا خیل شمس حمل عليها اهلها و خلعت لجمها فتقهمت بهم فی النار الا و ان التقوی مطابا ذلل حمل عليها اهلها و اعطوا ازمنتها فاوردتهم الجنة.

ترجمه:

- 181 امیرالمؤمنین علیه السلام در خطبه ای چنین فرمود: آگاه باشید که گناهان اسباب

سرکشی هستند که گنهمکاران بر آنها بار شده اند و دهنے آن اسباب رها شده پس آن اسباب سرکش سواران خود را در آتش سرنگون کنند و آگاه باشید که تقوی مرکبی رام را می ماند که اهل تقوی بر آن سوار گشته و مهار مرکبها به دست آنان است و مرکبها آنان را به بعشت وارد کنند.

حدیث:

- 182 و قال عليه السلام : اتق الله بعض التقى و ان قل و اجعل بينك و بين الله سترا و ان رق

ترجمه:

- 182 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: تقوای خدا را پیشه کن تقوایی اگر چه کم و بین خود و خدایت پرده ای قرار ده اگر چه نازک .

- 21 باب وجوب الورع

- 21 باب وجوب پارسایی

حدیث:

- 183 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : انا لانعد الرجل مومنا حتى يكون لجميع امرنا متبعاً مريداً، الا و ان من اتباع امرنا و ارادته الورع فتزينوا به يرحمكم الله و كيدوا اعداءنا به ينعشكم الله.

ترجمه:

- 183 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: ما مردی را مومن نمی شماریم مگر اینکه تمامی امر ما را پیروی کند و بخواهد، آگاه باشید که از جمله پیروی امر ما و خواستن امر ما پارسایی است ، پس خود را با پارسایی زینت دهید تا خداوند رحمتش را شامل حالتان کند و دشمنان ما را به وسیله پارسایی فریب دهید تا خداوند شما را بلند مرتبه گرداند.

حدیث:

- 184 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اوصيك بتقوى الله و الورع و الجihad و اعلم انه لاينفع اجتهاد لاورع فيه.

ترجمه:

- 184 امام صادق علیه السلام فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بدان که کوششی که پارسایی در آن نباشد سودی نخواهد داشت .

حدیث:

- 185 عن حفص بن غیاث قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن الورع فقال : الذى يتورع عن محارم الله عزوجل.

ترجمه:

- 185 حفص بن غیاث گوید از امام صادق علیه السلام درباره ورع و پارسا سوال کردم حضرت

فرمود: پارسا کسی است که از ارتکاب حرامهای خدای عزوجل باز ایستد .

حدیث:

- 186 عن یزید بن خلیفه قال : وعظنا ابو عبد الله علیه السلام فامر و زهد ثم قال : عليکم بالورع فانه لایبال ما عند الله الا بالورع .

ترجمه:

- 186 یزید بن خلیفه گوید: امام صادق علیه السلام ما را موعظه نمود پس به ما امر کرد و ما را بر بی رغبتی به دنیا تشویق و تحریک نمود سپس فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا (آدمی) جز به وسیله پارسایی به آنچه که در نزد خداست دست نمی یابد .

حدیث:

- 187 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : لاینفع اجتهاد لا ورع فيه.

ترجمه:

- 187 امام صادق علیه السلام فرمود: کوششی که پارسایی در آن رعایت نشود سودی نخواهد داشت .

حدیث:

- 188 قال ابو جعفر علیه السلام : ان اشد العباده الورع .

ترجمه:

- 188 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا سخت ترین عبادت باز ایستادن از گناه است .

حدیث:

- 189 عن حیدر بن حکیم قال : سمعت ابا عبد الله علیه السلام يقول : اتقوا الله و صونوا دینکم بالورع .

ترجمه:

- 189 حیدر بن حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و دین خود را با ورع (باز ایستادن از گناه) حفظ کنید .

حدیث:

- 190 قال ابو عبد الله علیه السلام فی حدیث : انما اصحابی من اشتند ورעה و عمل لخالقه و رجا ثوابه به هولاء اصحابی.

ترجمه:

- 190 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: یاران من کسانی هستند که : پارسایی آنان زیاد است و برای (رضای) آفریننده خود کار می کنند و امید ثواب او را دارند، اینان یاران من هستند .

حدیث:

- 191 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال الله عزوجل ابن آدم احتنب ما حرمت عليك تکن

من اورع الناس.

ترجمه:

- 191 امام باقر عليه السلام فرمود: خدای عزوجل فرموده است : ای فرزند آدم ! از آنچه که بر تو حرام نموده ام دوری کن تا از پارساترین مردم باشی .

حديث:

- 192 عن ابی اسامیه قال سمعت ابا عبداللہ علیه السلام یقول : علیک بتقوی اللہ و الورع و الاجتهاد و صدق الحديث و اداء الامانه و حسن الخلق و حسن الجوار و کونوا دعاہ الی انفسکم بغير السننکم و کونوا زینا و لاتكونوا شینا و علیکم بطول الرکوع و السجود فان احدکم اذا اطال الرکوع و السجود هتف ابلیس من خلفه و قال : يا ولیه اطاع و عصیت و سجد و ابیت.

ترجمه:

- 192 ابی اسامیه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: بر تو باد به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش و راستگویی و امانتداری و خوش خلقی و حسن همسایگی و اینکه با غیر زبانتان (کردارتان) دیگران را به سوی خودتان دعوت کنید و (برای ما) مایه زینت باشید نه مایه ننگ و رسایی و بر شما باد به رکوع و سجود طولانی زیرا اگر کسی از شما رکوع و سجودش را طول دهد شیطان از پشت سر او فریاد بر می آورد و می گوید: ای وای که او فرمانبری کرد و من نافرمانی و او سجده کرد و من از سجده خودداری کردم .

حديث:

- 193 عن علی بن ابی زید عن ابیه قال کنت عند ابی عبداللہ علیه السلام فدخل علیه عیسی بن عبداللہ القمی فرحب به و قرب مجلسه ثم قال يا عیسی بن عبداللہ لیس منا ولا کرامه من کان فی مصر فیه مائه او یزیدون و کان فی ذلك المصر احد اورع منه.

ترجمه:

- 193 علی بن ابی زید از پدرش روایت کند که در نزد امام صادق علیه السلام بودم که عیسی بن عبداللہ قمی وارد شد حضرت به او خوش آمد گفت و او را نزدیک خود نشاند سپس فرمود: ای عیسی بن عبداللہ ! از ما نیست و بزرگواری ندارد کسی که در شهری باشد که در آن یکصد نفر یا بیشتر باشند و در آن شهر کسی با ورع تر و پارساتر از او باشد .

حديث:

- 194 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اعینونا بالورع فانه من القی اللہ عزوجل منکم بالورع کان له عند اللہ عزوجل فرجا.

ترجمه:

- 194 امام باقر علیه السلام فرمود: ما را با پارسا بودن تان یاری کنید زیرا کسی از شما که خدای عزوجل را با پارسایی دیدار کند برای او در نزد خدای عزوجل گشايشی هست .

حديث:

- 195 قال ابو عبدالله عليه السلام : كونوا دعاهم للناس بغير السننكم ليروا منكم الورع و  
الاجتهاد و الصلاه و الخير فان ذكر داعيه.

ترجمه:

- 195 امام صادق عليه السلام فرمود: مردم را با غير زبانتان) يعنی با کردارتان ) بخوانید تا از  
شما پارسایی و کوشش و نماز و خوبی را ببینند زیرا این امور آنان را (به سوی حق) فرا می  
خواند .

حديث:

- 196 عن ابی الحسن الاول عليه السلام قال : كثیرا ما كنت اسمع ابی يقول : ليس من  
شييعتنا من لاتتحدث المخدرات بورعه فى خدورهن وليس من اوليائنا من هو فى قريه فيها  
عشره الاف رجل فيهم خلق الله اورع منه.

ترجمه:

- 196 امام موسى بن جعفر عليه السلام فرمود: بسياری از موقع از پدرم می شنیدم که  
می فرمود: شیعه ما نیست کسی که سخن گفتنیش با زنان پرده نشین از روی پارسایی  
(یعنی همراه با اجتناب از گناه) نباشد و از دوستان ما شمرده نمی شود کسی که در قریه  
ای که ده هزار نفر در آن زندگی می کنند باشد و در بین آنان پارساتر از او هم وجود داشته  
باشد.

حديث:

- 197 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام فى وصيه النبي صلی الله علیه  
و آله لعلی علیه السلام قال : يا على ثلاثة من لقى الله عزوجل بهن فهو من افضل الناس :  
من اتى الله عزوجل بما افترض عليه فهو من اعبد الناس و من ورع عن محارم الله فهو من اورع  
الناس و من قنع بما رزقه الله فهو من اغنى الناس ثم قال يا على ثلاثة من لم يكن فيه لم يتم  
عمله : ورع يحجزه عن معاصي الله و خلق يداري به الناس و حلم يرد به جهل الجاهل الى ان  
قال يا على الاسلام عريان و لباسه الحباء و زينته العفاف و مروءته العمل الصالح و عماده  
الورع.

ترجمه:

- 197 از امام صادق عليه السلام و او از پدران بزرگوارش روایت است که در وصیت پیامبر اکرم  
صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! سه چیز است که هر کس  
خدای عزوجل را همراه با این سه دیدار کند او از بدترین مردم است : کسی که همراه با آنچه  
که بر او واجب بوده بر خدای عزوجل وارد شود پس او از عابدترین مردمان است ، و کسی که  
از ارتکاب حرامهای الهی خودداری کند که چنین کسی از پارساترین مردمان است ، و کسی که  
که به آنچه که خداوند به او روزی بخشیده قانع باشد که این کس از بی نیازترین مردم است .

سپس فرمود: ای علی! سه چیز است که اگر در کسی نباشد عملش کامل نیست: پارسایی ای که وی را از ارتکاب گناهان الهی باز دارد و اخلاقی که به کمک آن با مردم مدارا کند و بردباری ای که به کمک آن نادانی نادان را برگرداند - تا آنجا که فرمود: - ای علی! اسلام برهنه است و لباس او حیاست و زیور او پاکدامنی است و جوانمردی اش کردار شایسته است و پایه و ستون آن اجتناب از گناه است.

حدیث:

- 198 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : سمعته يقول : لا يجمع الله لمؤمن الورع والزهد في الدنيا الا رجوت له الجنّة.

ترجمه:

- 198 راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند برای مومنی در دنیا پارسایی و زهد را جمع نمی کند مگر اینکه من امید بهشت را برای او دارم .

حدیث:

- 199 عن ابی جعفر علیه السلام في حدیث قال : لاتتال و لا يتنا الا بالعمل و الورع.

ترجمه:

- 199 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: کسی به ولایت ما نمی رسد مگر با عمل (شایسته) و خودداری از گناه .

حدیث:

- 200 عن ابی عبداللہ علیه السلام انه قال : ليس من شيعتنا من يكون في مصر يكون فيه مائه الف و يكون في المصر اورع منه.

ترجمه:

- 200 امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان (واقعی) ما شمرده نمی شود کسی که در شهری باشد که در آنجا صدهزار نفر زندگی می کنند و در بین آنان پارساتر از او وجود دارد .

حدیث:

- 201 قال ابوعبدالله علیه السلام : ليس من شيعتنا من قال بلسانه و خالفنا في اعمالنا و آثارنا ولكن شيعتنا من وافقنا بلسانه و قلبه و اتبع آثارنا و عمل باعمالنا اولئك شيعتنا.

ترجمه:

- 201 امام صادق علیه السلام فرمود: از شیعیان ما نیست کسی که به زبان (از دوستی ما) دم زند اما در اعمال و اخبار ما با ما مخالفت کند ولیکن شیعه ما کسی است که با زبان و قلبش با ما توافق باشد و از اخبار ما پیروی کند و همانند ما عمل کند .

حدیث:

- 202 عن کلیب بن معاویه الاسدی قال سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : اما و الله انكم لعلی دین الله و ملائكته فاعینونا على ذلك بورع و اجتهاد، عليکم بالصلوة و العباده ، عليکم

بالورع.

ترجمه:

- 202 کلیب بن معاویه اسدی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: آگاه باشید که سوگند به خدا شما بر دین خدا و فرشتگان او هستید پس ما را بر این دین به وسیله پارسایی و کوشش یاری کنید، بر شما بد به نماز و عبادت ، بر شما باد به خودداری از گناه .

حديث:

- 203 عن الامام علی بن محمد علیه السلام عن آبائه عن الصادق علیه السلام انه قال : عليکم بالورع فانه الدين الذى نلازمه و ندين الله تعالى به و نريده ممن يوالينا لاتتبعونا بالشفاعة.

ترجمه:

- 203 امام دهم امام علی النقی علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش از امام صادق علیه السلام روایت کنند که فرمود: بر شما باد به پارسایی زیرا پارسایی همان دینی است که هما به آن وابسته ایم و خداوند را به وسیله آن دینداری می کنیم و آن را از کسانی که ما را دوست می دارند می خواهیم تا ما را با شفاعت به زحمت نیفکنند .

حديث:

- 204 عن علی بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : دخل سماعه بن مهران علی الصادق علیه السلام فقال له : يا سماعه و ذكر الحديث الى ان قال : و الله يدخل النار منكم احد فتنافسوا في الدرجات و اكملوا عدوكم بالورع.

ترجمه:

- 204 امام دهم امام علی النقی علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: سماعه بن مهران بر امام صادق علیه السلام وارد شد امام به او فرمود: ای سماعه ! و حديث گذشته را بیان نمود - تا آنجا که فرمود: - به خدا سوگند که کسی از شما به دوزخ نمی رود پس در (یافتن ) درجات (بهشت) با یکدیگر رقابت کنید و دشمنانتان را با خودداری از گناه افسرده خاطر سازید .

- 22 باب وجوب العفة

- 22 باب وجوب پاکدامنی

حديث:

- 205 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عباده افضل عند الله من فه بطن و فرج .

ترجمه:

- 205 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عبادتی در نزد خدا برتر از ترك شهوت شکم و فرج نیست .

حديث:

- 206 قال ابو جعفر عليه السلام : ان افضل العباد عفه البطن و الفرج.

ترجمه:

- 206 امام باقر عليه السلام فرمود: بهترین عبادت رعایت پاکی شکم و پاکی دامن است .

حديث:

- 207 عن ابی جعفر عليه السلام قال : ما عبد الله بشیء افضل من عفه بطن و فرج .

ترجمه:

- 207 امام باقر عليه السلام فرمود: خداوند به هیچ عبادتی برتر از رعایت پاکی شکم و پاکی دامن عبادت نشده است.

حديث:

- 208 عن ابی عبد الله عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اکثر ما تلجم به امتنی النار الاجوفان البطن و الفرج.

ترجمه:

- 208 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشترین چیزی که به سبب آن امت من وارد دوزخ می شوند دو چیز میان تهی است یکی شکم و دیگری فرج .

حديث:

- 209 قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلات اخافهن بعدی علی امتنی : الصلاة بعد المعرفة و مضلات الفتنة و شهوه البطن و الفرج.

ترجمه:

- 209 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه چیز است که پس از خودم از این سه بر امتنم ترسانم : گمراهی بعد از معرفت و فتنه های گمراه کننده و شهوت شکم و فرج.

حديث:

- 210 عن ابی بصیر قال : قال رجل لابی جعفر عليه السلام : انى ضعيف العمل قليل الصيام ولكنی ارجو ان لا آكل الا حلالا قال : فقال له : اى الاجتهاد افضل من عفه بطن و فرج ؟

ترجمه:

- 210 ابی بصیر گوید: مردی به امام باقر عليه السلام عرض کرد: من در عمل سست هستم و روزه ام کم است ولی امید این دارم که جز حلال نخورم . حضرت فرمود: کدام تلاش و کوششی از پاکی شکم و پاکی دامن برتر است ؟

حديث:

- 211 عن ابی عبد الله عليه السلام قال : كان امير المؤمنين عليه السلام يقول : افضل العباد العفاف.

ترجمه:

- 211 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام می فرمود: برترین عبادت پاکدامنی است .

حدیث:

- 212 عن میمون القداح قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : ما من عباده افضل من عفه بطن و فرج.

ترجمه:

- 212 میمون بن قداح گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ عبادتی برتر از پاکی شکم و پاکی دامن نیست.

حدیث:

- 213 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : و من لم یعط نفسه شهوتها اصاب رشده.

ترجمه:

- 213 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به فرزندش محمد بن حنفیه فرمود: و کسی که به نفس خود خواسته نفس را عطا نکند به رشد خود رسیده است .

حدیث:

- 214 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من ضمن لى اثنین ضمنت له علی الله الجنه : من ضمن لى ما بین لحییه و ما بین رجلیه ضمنت له علی الله الجنه یعنی ضمن لى لسانه و فرجه.

ترجمه:

- 214 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که برای من دو چیز را ضمانت کند من نیز در پیشگاه خداوند بهشت را برای او ضمانت خواهم کرد: کسی که برای من ضامن آنچه که بین ریش و سبیلش و آنچه بین دو پایش هست باشد من نیز در پیشگاه خدا ضامن بهشت برای اویم یعنی برای من ضامن زبان و فرج خود باشد .

حدیث:

- 215 عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله الصادق علیه السلام يقول : من کف اذاه عن جاره اقاله الله عثرته یوم القیامه و من عف بطنه و فرجه کان فی الجنه ملکا محبورا و من اعتق نسمه مومنه بنی له بیت فی الجنه.

ترجمه:

- 215 ابی بصیر گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که آزار خود را از همسایه اش باز دارد خداوند در روز قیامت لغزش او را جبران خواهد کرد و کسی که شکم و دامان خود را پاک نگهدارد در بهشت فرشته ای شادمان خواهد شد و کسی که برده مومنی را آزاد سازد در بهشت خانه ای برایش ساخته می شود .

حدیث:

- 216 عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی خطبہ له : و من قدر علی امراء او جاریه حراما فترکها مخافه الله حرم الله علیه النار و آمنه من الفزع الاکبر و ادخله الجنۃ فان اصابها حراما حرم الله علیه الجنۃ و ادخله النار.

ترجمه:

- 216 از رسول خدا صلی الله علیه و آله در خطبہ ای از آن حضرت روایت است که فرمود: کسی که بر زنی یا کنیزی به حرام دست یابد و از خوف خدا از ارتکاب حرام باز ایستاد خداوند آتش را بر او حرام می گرداند و او را از بی تابی بزرگ روز قیامت ایمن می کند و او را وارد بعشت می سازد ولی اگر به حرام افتاد خداوند نیز بهشت را بر او حرام و او را به دوزخ می افکند.

حدیث:

- 217 قال ابو عبد الله : انما شیعه جعفر من عف بطنہ و فرجه و اشتد جهاده و عمل لخالقه و رجا ثوابه و خاف عقابه فإذا رأیت أولئك فاقول لهم شیعه جعفر.

ترجمه:

- 217 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیعه جعفری کسی است که شکم و دامان خود را پاک نگاه دارد و کوشش او زیاد باشد و برای (کسب رضای) (آفریدگار خود عمل کند و امید به پاداش او و ترس از کیفر او داشته باشد پس هرگاه چنین کسانی را دیدی آنان شیعه جعفری اند .

حدیث:

- 218 عن امير المؤمنین علیه السلام انه قال : قدر الرجل على قدر همته و صدقه على قدر مروءته و شجاعته على قدر انفته و عفته على قدر غيرته.

ترجمه:

- 218 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ارزش و مرتبه مرد به اندازه همت اوست و راستی او به اندازه جوانمردی اوست و دلیری او به اندازه عار و ننگی است که از زشتی دارد و پاکدامنی او به اندازه غیرت اوست .

- 23 باب وجوب اجتناب المحارم

- 23 باب وجوب خودداری از حرامها

حدیث:

- 219 عن ابی جعفر علیه السلام قال : كل عین باکیه یوم القيامه غیر ثلاث : عین سهرت فی سبیل الله و عین فاضت من خشیه الله و عین غضت عن محارم الله.

ترجمه:

- 219 امام باقر علیه السلام فرمود: همه چشمها در روز قیامت گریان است مگر سه چشم :

چشمی که در راه خدا بیدار بماند و چشمی که از ترس خدا اشک بریزد و چشمی که از دیدن حرامهای الهی فرو بسته شود.

حدیث:

- 220 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من اشد ما فرض اللہ علی خلقه ذکر اللہ کثیرا، ثم قال : لا اعنی سبحان اللہ و الحمدللہ و لا اللہ الا اللہ و اللہ اکبر و ان کان منه و لکن ذکر اللہ عند ما احل و حرم فان کان طاعه عمل بها و ان کان معصیه تركها.

ترجمه:

- 220 امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخته این است که او را فراوان یاد کنند، سپس فرمود: مقصود من (گفتن) سبحان اللہ و الحمدللہ و لا اللہ الا اللہ و اللہ اکبر (نیست اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد از ذکر، یاد نمودن خداوند در نزد حلال و حرام الهی است ، پس اگر به طاعتی برخورد به آن عمل کند و اگر با معصیتی مواجه شد آن را ترك کند .

حدیث:

- 221 عن سلیمان بن خالد قال : سالت ابا عبداللہ علیه السلام عن قول الله عزوجل : (و قدمنا الى ما عملوا من عمل فجعلناه هباء منثورا) قال : اما و الله ان كانت اعمالهم اشد بياضا من القباطی و لكن كانوا اذا عرض لهم الحرام لم يدعوه.

ترجمه:

- 221 سلیمان بن خالد گوید: از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عزوجل که می فرماید) : و به سوی اعمالی که انجام داده اند پیشی گرفتیم و آن اعمال را همچون گردی پراکنده گرداندیم <sup>(69)</sup> (پرسیدم حضرت فرمود: آگاه باش ، سوگند به خدا اگر اعمال آنها از کتان سفید هم سفیدتر باشد ولی در هنگامی که حرام به آنان عرضه می شده آن را وا نمی گذارده اند باز هم خداوند اعمال آنها را هیچ می کند.

حدیث:

- 222 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من ترك معصیه لله مخافه الله تبارك و تعالى ارضاء يوم القيمة.

ترجمه:

- 222 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که معصیت الهی را از خوف خدای تبارک و تعالی ترک کند خداوند او را در روز قیامت خوشنود می سازد.

حدیث:

- 223 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی رسالته الی اصحابه قال : و ایاکم ان تشره انفسکم الی شیء حرم الله علیکم فان من انتهک ما حرم الله علیه ها ها هنا فی الدنیا حال الله بینه و

بین الجنه و نعیما و لذتها و كرامتها القائمه الدائمه لاهل الجنه ابد الابدی - الى ان قال : - و اياكم و الاصرار على شئ مما حرم الله في القرآن ظهره و بطنه و قد قال : (و لم يصرروا على ما فعلوا و هم يعلمون).

ترجمه:

- 223 امام صادق عليه السلام در رساله اي به سوي اصحابش فرمود: و بر حذر باشيد از اينكه نفس شما به سوي چيزی که خداوند بر شما حرام نموده مایل و حریص شود زیرا کسی که در این دنیا درباره حرام الهی پرده دری کند خداوند بین او و بهشت و نعمتها و لذتها و ارجمندی همیشگی که برای اهل بهشت است برای همیشه حائل و مانع می شود - تا آنجا که فرمود: - بر حذر باشيد از اصرار نمودن بر ارتکاب چيزی که خداوند در قرآن حرام نموده . خداوند در قرآن فرموده) : و اصرار نورزنده بر آنچه که انجام داده اند در حالی که می دانند<sup>(70)</sup> )

حدیث:

- 224 عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يقول الله تبارك و تعالى لابن آدم : ان نازعك بصرک الى بعض ما حرمت عليك فقد اعنتك عليه بطبقين فاطبق و لاتنظر و ان نازعك لسانک الى بعض ما حرمت عليك فقد اعنتك عليه بطبقين فاطبق و لاتتكلم و ان نازعك فرحك الى بعض ما حرمت عليك فقد اعنتك عليه بطبقين فاطبق و لاتات حراما.

ترجمه:

- 224 علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند تبارک و تعالی به فرزند آدم می گوید: اگر چشم تو در مورد بعضی از چیزهایی که بر تو حرام کرده ام با تو به نزاع و کشمکش پردازد پس من تو را به وسیله دو سریوش (که پلکهای توست ) یاری می کنم پس فرو بند و نظر مکن و اگر زبان تو در مورد برخی از چیزهایی که بر تو حرام کرده ام با تو به ستیز پردازد من تو را به وسیله دو لب یاری می کنم پس فرو بند و سخن مگو و اگر دامان تو درباره بعضی از چیزهایی که بر تو حرام کرده ام با تو به جنگ برخیزد من تو را به وسیله اطراف دامانت یاری می کنم پس بر هم نه و مرتكب حرام مشو.

حدیث:

- 225 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی ثلاث لا تطیقها هذه الامه : المواساه للاخ فی ماله و انصاف الناس من نفسه و ذکر الله علی کل حال و ليس هو سبحان الله و الحمد لله و لا الله الا الله و الله اکبر و لكن اذا ورد علی ما یحرم علیه خاف الله عزوجل عنده و تركه.

ترجمه:

- 225 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که بیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در وصیتش به علی علیه السلام فرمود: اي علی ! سه چیز است که این امت طاقت و توان آن را ندارد: یاری نمودن به برادر دینی از نظر مالی و به عدل و راستی با مردم رفتار

نمودن و در هر حالی به یاد خدا بودن و یاد خدا این است که هرگاه بر حرامی وارد شد در برابر آن حرام از خدای عزوجل بترسد و آن را ترک کند.

حدیث:

- 226 عن الرضا عليه السلام عن آبائے علیہ السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ و لاتزال امتی بخیر ما تحابوا و تهادوا و ادوا الامانه و اجتنبوا الحرام و قروا الضيفو اقاموا الصلاه و آتوا الزکاه فاذا لم يفعلوا ذلك ابتلوا بالقطط و السنين.

ترجمه:

- 226 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: پیوسته امت من در خیر و خوبی اند تا زمانی که یکدیگر را دوست دارند و به یکدیگر هدیه می دهند و امانتداری می کنند و از ارتکاب حرام خودداری می کنند و از مهمان پذیرایی می کنند و نماز را به پای می دارند و زکات می پردازند پس هنگامی که چنین نکنند به خشکسالی و آفت دچار می شوند .

حدیث:

- 227 قال ابو عبدالله علیه السلام : ما ابتلى المؤمن بشيء اشد عليه من خصال ثلاث يحرمنها قيل : و ما هي ؟ قال : المواساه في ذات يده والانصاف من نفسه و ذكر الله كثيرا اما انى لا اقول لكم سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اكبر و لكن ذكر الله عند ما احل له و عند ما حرم عليه.

ترجمه:

- 227 امام صادق علیه السلام فرمود: مومن به چیزی که سخت تر بر او باشد از محروم ماندن وی از سه خصلت ، گرفتار نشده است ، گفته شد: آن سه خصلت کدامند؟ فرمود: یاری رساندن به دیگران با همه امکاناتی که در دست دارد و منصفانه رفتار کردن و بسیار یاد کردن خداوند نمی گوییم ( فقط) (سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر ) گوید بلکه مراد من یاد کردن خدا در هنگام برخورد با حلال و حرام است .

حدیث:

- 228 عن حسين البزار قال : قال لى ابوعبدالله علیه السلام : الا احدثك باشد ما فرض الله عزوجل على خلقه ؟ قلت : بلى قال : انصاف الناس من نفسك و مواتتك لاخيك و ذكر الله في كل موطن اما انى لا اقول سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر و ان كان هذا من ذاك و لكن ذكر الله في كل موطن اذا هجمت على طاعه او معصيه.

ترجمه:

- 228 حسين بزار گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود: آیا درباره سخت ترین چیزی که خداوند عزوجل بر بندگانش واجب ساخته با تو سخن بگوییم ؟ عرض کردم: آری . حضرت فرمود: منصفانه رفتار کردنت با دیگران و یاری رساندنت به برادرت و در هر جا یاد خدا کردن ،

آگاه باش که نمی گویم) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر (گفتن اگر چه اینها نیز ذکر و یاد خداست بلکه مراد من یاد کردن خدا در همه جا است . آنگاه که بر طاعت یا معصیتی روی می آوری .

حدیث:

- 229 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اشد الاعمال ثلاثة : انصاف الناس من نفسك حتى لا ترضي لها منهم بشيء الا رضيت لهم منها بمثله و مواساتك الاخ في المال و ذكر الله على كل حال ليس سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر فقط و لكن اذا ورد عليك شيء امر الله به اخذت به و اذا ورد عليك شيء نهى عنه تركته.

ترجمه:

- 229 امام صادق علیه السلام فرمود: سخت ترین اعمال سه تاست : یکی منصفانه رفتار کردن با مردم در مورد خود به گونه ای که برای خود به چیزی خوشنوی نشوی جز اینکه برای مردم نیز به مثل همان چیز خوشنوی گردی ، و دیگری یاری مالی نمودن به برادر دینی ات ، و یاد و ذکر خدا در هر حال نه تنها) سبحان الله و الحمد لله و لا اله الا الله و الله اکبر (گفتن ، بلکه هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند به آن امر نموده به آن عمل کنی و هنگامی که چیزی بر تو وارد شود که خداوند از آن نهی فرموده ، آن را ترك کنی .

حدیث:

- 230 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنة و اخلاصه ان يحجزه لا اله الا الله عما حرم الله.

ترجمه:

- 230 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از روی اخلاص) لا اله الا الله ( گوید به بعشت داخل شود و اخلاص او این است که گفتن) لا اله الا الله ( او را از ارتکاب آنچه که خداوند بر او حرام نموده باز دارد.

حدیث:

- 231 عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام ان النبی صلی الله علیه و آله قال : من اطاع الله فقد ذکر الله و ان قلت صلاته و صيامه و تلاوته للقرآن و من عصى الله فقد نسى الله و ان كثرت صلاته و صيامه و تلاوته للقرآن.

ترجمه:

- 231 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که فرمان خدای را برد و او را اطاعت کند خداوند را یاد نموده است اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش کم باشد و کسی که خدای را نافرمانی کند خداوند را فراموش نموده اگر چه نماز و روزه و قرآن خواندنش زیاد باشد.

حدیث:

- 232 عن النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وآلہ قال : من قال لا اله الا الله مخلصا دخل الجنۃ و اخلاصه ان يحجزه لا اله الا الله عما حرم الله.

ترجمہ:

- 232 روایت شماره ۲۳۰ از پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وآلہ نیز روایت شده است .  
حدیث:

- 233 عن ابی عبداللہ علیہ السلام قال : من اشد ما عمل العباد انصاف المرء من نفسه و مواساه المرء اخاه و ذکر الله علی کل حال قال : قلت : اصلاحک الله و ما وجه ذکر الله علی کل حال ؟ قال : یذکر الله عند المعصیه یهم بها فیحول ذکر الله بینه و بین تلك المعصیه و هو قول الله : (ان الذين اتقوا اذا مسهم طائف من الشیطان تذکروا فاذا هم مبصرون).

ترجمہ:

- 233 امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت ترین اعمال بندگان یکی منصفانه رفتار کردن مرد درباره خود و دیگری یاری کردن مرد به برادر دینی اش و دیگری یاد نمودن خداوند در همه حالات ، راوی گوید: عرض کردم : یاد نمودن خداوند در همه حالات چگونه است ؟ فرمود: هرگاه آهنگ ارتکاب معصیتی را نمود خدای را یاد کند پس یاد خدا بین او و بین آن معصیت حائل می شود و این همان گفتار خداوند است که می فرماید) : همانا آنانکه پرهیزکارند هرگاه رهگذری از شیطان آهنگ آنان کند یاد آور شوند پس ناگاه بینا گردند<sup>(71)</sup> )

حدیث:

- 234 قال الصادق جعفر بن محمد علیہ السلام : من اقام فرائض الله و اجتنب محارم الله و احسن الولایه لاهل بیت نبی الله و تبرا من اعداء الله فلیدخل من ای ابواب الجنۃ الشمانیه شاء.

ترجمہ:

- 234 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که واجبات الهی را به پای دارد و از حرامهای خداوند دوری کند و اعتقادی نیکو به ولایت بیت پیامبر خدا داشته باشد و از دشمنان خدا دوری و بیزاری جوید پس ، از هر دری از درهای هشتگانه بهشت که می خواهد داخل شود .

حدیث:

- 235 عن علی بن الحسین علیہ السلام قال : من عمل بما افترض الله علیہ فهو من خیر الناس و من اجتنب ما حرم الله علیہ فهو من اعبد الناس و من قنع بما قسم الله له فهو من اغنى الناس.

ترجمہ:

- 235 امام زین العابدین علیہ السلام فرمود: هر کس به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته است عمل کند از بهترین مردمان است و کسی که از آنچه که خداوند بر او حرام نموده دوری کند از عابدترین مردم است و کسی که به آنچه خداوند قسمت او کرده قانع باشد از بی نیازترین مردمان است .

حدیث:

- 236 عن زید الشحام قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : احذروا سطورات الله بالليل و النهار فقلت : و ما سطوات الله ؟ قال : اخذه على المعاشر.

ترجمه:

- 236 زید شحام گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از حمله ها و سختگیری های خداوند در شب و روز بپرهیزید، عرض کردم: سختگیریهای خداوند چیست؟ فرمود: اینکه او بندۀ اش را بر معصیتها بگیرد .

- 24 باب وجوب اداء الفرائض

- 24 باب وجوب ادائی واجبات

حدیث:

- 237 قال علی بن الحسین علیه السلام : من عمل بما افترض الله عليه فهو من خير الناس.

ترجمه:

- 237 امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از بهترین مردمان است.

حدیث:

- 238 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قول الله عزوجل اصبروا و صابروا و رابطوا قال : اصبروا على الفرائض و صابروا على المصائب و رابطوا على الائمه علیه السلام.

ترجمه:

- 238 امام صادق علیه السلام در مورد گفتار خدای عزوجل) : شکیبایی کنید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر بپیوندید .<sup>(72)</sup> (فرمود: شکیبا باشید بر انجام واجبات و یکدیگر را در معصیتها به صبر سفارش کنید و بر محور امامان علیه السلام به یکدیگر، بپیوندید.

حدیث:

- 239 قال الكلینی و فی روایة ابن محبوب عن ابی السفاتج : و اتقوا الله ربكم فيما افترض عليکم.

ترجمه:

- 239 مرحوم کلینی (ره ) گوید: روایت قبل از طریق ابن محبوب نیز روایت است و در آن اضافه دارد: و از پروردگارتان در مورد آنچه که بر شما واجب ساخته پروا داشته باشید .

حدیث:

- 240 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال الله تبارک و تعالى : ما تحبب الى عبدي باحب مما افترضت عليه.

ترجمه:

- 240 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی فرمود: بندۀ من با من به دوست

داشتندی تر از (انجام) آنچه که بر او واجب کرده ام دوستی نکرده است .

حدیث:

- 241 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی قول اللہ عزوجل) : اصبروا و صابروا و رابطوا) قال : اصبروا علی الفرائض.

ترجمه:

- 241 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل) : شکیبا باشید و یکدیگر را به شکیبایی سفارش کنید و به یکدیگر بپیوندید .<sup>(73)</sup> (فرمود: شکیبا باشید بر (انجام) واجبات .

حدیث:

- 242 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تکن اتقى الناس.

ترجمه:

- 242 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا پرهیزگارترین مردمان باشی .

حدیث:

- 243 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : من عمل بما افترض الله علیه فهو من اعبد الناس.

ترجمه:

- 243 امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که به آنچه که خداوند بر او واجب ساخته عمل کند از عابدترین مردمان است.

حدیث:

- 244 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ان الله فرض عليكم فرائض فلا تضييعها و حد لكم حدودا فلا تعتدوها و نهاكم عن اشياء فلا تنتهكوها و سكت لكم عن اشياء ولم يدعها نسيانا فلا تتكلفوها.

ترجمه:

- 244 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: خداوند واجباتی را بر شما واجب ساخته پس آنها را مهمل مگذارید و حدودی را برای شما معین فرموده پس از آن چیزها پرده دری مکنید و از چیزهایی سکوت نموده و این سکوت از روی فراموشی نیست پس خود را در آن مورد به زحمت نیفکنید.

حدیث:

- 245 عن الصادق عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اعمل بفرائض الله تکن من اتقى الناس و ارض بقسم الله تکن من اغنى الناس و کف عن محارم الله تکن من اورع الناس و احسن مجاوره من يجاورك تکن مومنا و احسن مصاحبه من صاحبك تکن

مسلمان.

ترجمه:

- 245 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به واجبات الهی عمل کن تا از پرهیزگارترین مردمان باشی ، و به قسمت الهی راضی باش تا از بی نیازترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و از ارتکاب حرامهای الهی باز ایست تا از پارساترین مردمان باشی ، و با کسی که در همسایگی توست خوب همسایگی کن تا مؤمن باشی ، و با همدم خود خوب همدمن کن تا مسلمان باشی .

- 25 باب استحباب الصبر فی جمیع الامور

- 25 باب استحباب صیر در تمامی کارها

حدیث:

- 246 قال ابوعبدالله علیه السلام : يا حفظ ان من صبر صبر قليلا و ان من جزع جزع قليلا -  
ثم قال : - عليك بالصبر فی جميع امورك فان الله عزوجل بعث محمدا صلی الله علیه و آلہ فامرہ بالصبر و الرفق فقال : (و اصبر على ما يقولون و اهجرهم هجرا جميلا و ذرنی و المكذبين اولی النعمه ) وقال : (ادفع بالتنی هی احسن فإذا الذی بينك و بينه عداوه كانه ولی حمیم و مایلقاها الا الذين صبروا و ما يلقاها الا ذو حظ عظیم ) فصبر حتى نالوه بالعظام و رموه بها فضاق صدره فانزل الله علیه (و لقد نعلم انك يضيق صدرك بما يقولون فسبح بحمد ربک و کن من الساجدين ( ثم كذبوا و رموه فحزن لذلك فانزل الله (قد نعلم انه ليحزنكه الذي يقولون فانهم لا يكذبونك و لكن الظالمين بآيات الله يجحدون و لقد كذبت رسلي فصبروا على ما كذبوا و اوذوا حتى اناهم نصرنا) فالزم النبی صلی الله علیه و آلہ نفسه الصبر فتعدوا فذکروا الله تبارک و تعالى و كذبوا فقال : قد صبرت فی نفسی و اهلی و عرضی و لاصبر لی على ذکر الله فانزل الله عزوجل (فاصبر على ما يقولون ) فصبر فی جميع احواله ثم بشر فی عترته بالائمه علیه السلام و وصفوا بالصبر فقال جل ثناوه : (و جعلنا منهم ائمه یهدون بامرنا لما صبروا و كانوا بآياتنا یوقنون ) فعند ذلك قال النبی صلی الله علیه و آلہ الصبر من الایمان كالراس من الجسد. فشكر الله ذلك له فانزل الله (و تمت كلمه ربک الحسني على بنی اسرائیل بما صبروا و دمرنا ما كان یصنع فرعون و قومه و ما كانوا یعرون ) فقال : انه بشري و انتقام فاباح الله له قتال المشرکین فانزل الله) فاقتلو المشرکین حيث وجدتموهم و خذوهم و احصروهم و اقعدوا لهم كل مرصد) (و اقتلوهم حيث ثقفتهموهم ) فقتلهم الله على يدی رسول الله صلی الله علیه و آلہ و احبائه و جعل له ثواب صبره مع ما ادخر له فی الآخره فمن صبر و احتسب لم یخرج من الدنيا حتى یقر الله له عینه فی اعدائه مع یدخر له فی الآخره .

ترجمه:

- 246 امام صادق علیه السلام فرمود: ای حفص ! به راستی کسی که صبر پیشه کند (در

مقایسه با صبری که باید بر آتش داشته باشد) صبر کمی نموده و کسی که بی تابی کند (در مقایسه با جزع و بی تابی روز قیامت) بی تابی کمی نموده است - سپس فرمود: - بر تو باد که در تمامی کارهایت صبر را پیشه خود سازی زیرا خداوند عزوجل محمد صلی اللہ علیہ و آلہ و را بر انگیخت و او را به صبر و مدارا نمودن امر نمود و فرمود) : بر آنچه که می گویند صبر کن و از آنان دوری گزین دوری گزیدنی نیکو و مرا با تکذیب کنندگان دارنده نعمت واگذار - (و فرمود) : دو رکن به طریقه ای که نیکوتر است پس ناگاه آنکه بین تو و او دشمنی وجود دارد گوئیا دوستی نزدیک است و این داده نشود مگر به آنانی که صبر نمودند و داده نشود مگر به کسی که دارای بهره بزرگی است (پس پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ و را بر نمود تا آنجا که او را به بلاهای سخت رساندند و او را در بلاها افکندند پس سینه اش از غم و اندوه تنگ شد و خداوند این آیه را بر او نازل کرد) : و محققا که ما می دانیم سینه ات به سبب آنچه می گویند تنگ می گردد پس تسبیح گوی همراه با ستایش پروردگارت و از سجده کننده گان باش (سپس او را تکذیب کردند و دشنام دادند پس او غمگین شد و خداوند این آیه را فرستاد) به تحقیق می دانیم آنچه می گویند غمگینت می کند زیرا آنان تو را تکذیب نمی کنند بلکه این ستمگران آیات خدا را انکار می کنند و محققا که رسولان پیش از تو نیز تکذیب شدند پس بر آنچه که تکذیب شدند صبر کردند و آزار کشیدند تا اینکه یاری ما فرا رسید (پس پیامبر صلی اللہ علیہ و آلہ خود را به صبر و ادانت ولى کافران از حد خود تجاوز نمودند و خداوند تبارک و تعالی را تکذیب نمودند در اینجا پیامبر فرمود: من درباره خود و خانواده و آبرویم صبر کردم اما بر اینکه خدایم را (به بدی ( یاد کنند صبر ندارم پس خداوند عزوجل این آیه را نازل فرمود) : بر آنچه که می گویند صبر کن (پس پیامبر در همه حالات صبر پیشه نمود سپس از جانب خداوند فرمود) : و قرار دادیم از آنان پیشوایانی که به فرمان ما راهنمایی می کنند زیرا آنان صبر کردند و به آیات ما یقین داشتند (در آن هنگام بود که پیامبر صلی اللہ علیه و آلہ فرمود: صبر نسبت به ایمان مانند سر نسبت به بدن است . خداوند نیز پیامبرش را ثنای نیکو گفت و این آیه را نازل فرمود) : و سخن نیکوی پروردگارت بر بنی اسرائیل تمام شد زیرا آنان صبر کردند و آنچه را که فرعون و قومش می ساختند و بر می افراسhtند واژگونه ساختیم (پس پیامبر فرمود: این هم بشارت است و هم انتقام . خداوند نیز جنگ با مشرکان را بر او مباح ساخت و این آیه را نازل فرمود) : پس بکشید مشرکان را هر کجا که آنان را یافتید و دستگیرشان کنید و بر آنان تنگ گیرید و در هر کمینگاهی برای آنان بنشینید (و آنان را هر جا که بیابید بکشید (پس خداوند آنان را به دست رسول اللہ و دوستانش به قتل رساند و این پیروزی را ثواب صبر او قرار داد بعلاوه ثوابی که برای او در آخرت ذخیره کرده است . پس کسی که صبر کند و امید ثواب داشته باشد از این دنیا بیرون نمی رود مگر اینکه خداوند چشمانش را (به نابودی دشمنانش) روشن می کند (او را درباره دشمنانش دلشاد می کند) بعلاوه اینکه برای او در آخرت ثوابی ذخیره می سازد .

**حدیث:**

- 247 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسیاتی علی الناس زمان لاینال فیه الملک الا بالقتل - الی ان قال - : فمن ادرك ذلك الزمان فصبر على الفقر و هو يقدر على الغنى و صبر على البغضه و هو يقدر على المحبه و صبر على الذل و هو يقدر على العز آتاه اللہ ثواب خمسين صديقا ممن صدق بي.

**ترجمه:**

- 247 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسیاتی به زودی زمانی بر مردمان خواهد آمد که در آن زمان کسی به پادشاهی نمی رسد مگر با کشتن - تا آنجا که فرمود: - پس کسی که آن زمان را دریابد باید بر تنگستی صبر کند با اینکه توانایی ثروتمند شدن را دارد و باید بر دشمنی صبر کند با اینکه توانایی محبت را دارد و بر خواری صبر کند با اینکه می تواند عزیز باشد، در این صورت خداوند به او پاداش پنجاه صدیقی که مرا تصدیق نموده اند را عطا می کند .

**حدیث:**

- 248 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : الق عنك واردات الهموم بعزم الصبر عود نفسك الصبر فنعم الخلق الصبر و احملها على ما اصابك من اهوال الدنيا و همومها.

**ترجمه:**

- 248 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتش به محمد به حنفیه فرمود: با اراده های آهنین صبر غمهايی را که بر تو وارد می شوند دور بیفکن ، نفس خود را به شکیبایی عادت ده که شکیبایی اخلاقی نیکوست و آن را در ترسها و اندوه های دنیا که به تو رسیده است به مشقت بیفکن .

**حدیث:**

- 249 قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسیاتی علیه السلام : ان استطعت ان تعمل بالصبر مع اليقین فافعل فان لم تستطع فاصبر فان فی الصبر علی ما تکره خيرا كثیرا و اعلم ان النصر مع الصبر و ان الفرج مع الكرب (فان مع العسر يسرا ان مع العسر يسرا)

**ترجمه:**

- 249 رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسیاتی که صبری همراه با یقین و باور<sup>(83)</sup> داشته باشی چنین کن و اگر توان آن را نداری (باز هم ) صبر کن زیرا در صبر کردن بر اموری که ناخوشایند توست خیر بسیاری وجود دارد، و بدان که نصرت و پیروزی همراه با صبر است و گشایش همراه با مشقت و سختی است) همانا با سختی آسانی و گشایشی هست همانا با سختی گشایشی است<sup>(84)</sup> .

**حدیث:**

- 250 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : انی لاصبر من غلامی هذا و من اهلی علی ما هو امر من الحنظل انه من صبر نال بصبره درجه الصائم القائم و درجه الشهید الذی قد ضرب بسیفع قدام محمد صلی الله علیه و آلہ.

ترجمہ:

- 250 امام صادق علیه السلام فرمود: از پدرم امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: من از (کارهای) این غلامم و (کارهای) خانواده خود بر اموری صبر می کنم که از حنظل (هندوانه ابوجهل) برای من تلخ تر است (ولی با این وجود در برابر کارها و سخنان آن صبر می کنم) زیرا کسی که صبر پیشنه کند به خاطر صبرش به درجه روزه داری که به عبادت ایستاده و درجه شهیدی که در رکاب پیامبر صلی الله علیه و آلہ شمشیر زده نائل می شود .

حدیث:

- 251 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لا یعدم الصبور الظفر و ان طال به الزمان.

ترجمہ:

- 251 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شخص صبور پیروزی را از دست نمی دهد و عاقبت به پیروزی می رسد اگر چه زمانی طولانی بر او بگذرد .

حدیث:

- 252 و قال علیه السلام : من لم ینجھ الصبر اھلکه الجزع.

ترجمہ:

- 252 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که صبر وی را نجات نبخشد جزع و بی تابی او را از پای در می آورد .

حدیث:

- 253 و قال علیه السلام : الصبر یناضل الحدثان و الجزع من اعوان الزمان.

ترجمہ:

- 253 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: صبر به سوی سختی های زمانه تیر می افکند و بی تابی از یاری کنندگان زمانه است .

حدیث:

- 254 عن الصادق علیه السلام : انه جاءت اليه امراہ فقالت : ان ابنتی سافر عنی و قد طالت غیبته غنی و اشتتد شوقی اليه فادع الله لى فقال لها: عليك بالصبر فاستعملته ثم جاءت بعد ذلك فشككت اليه طول غیبیه ابنها فقال لها: الم اقل لك عليك بالصبر؟ فقالت : يا ابن رسول الله کم الصبر؟ فوالله لقد فنى الصبر فقال : ارجعی الى منزلك تجدى ولدك قد قدم من سفره فنهضت فوجده قد قدم فانت به اليه فقالت : اوحى بعد رسول الله صلی الله علیه و آلہ ؟ قال : لا و لكن عند فناء الصبر یاتی الفرج فلما قلت : فنی الصبر عرفت ان الله قد فرج عنك بقدوم ولدك.

ترجمه:

- 254 روایت است که زنی به خدمت امام صادق علیه السلام آمد و عرض کرد: پسرم از نزد من به سفر رفته و غیبتش طولانی شده و شوق بسیاری به دیدنش یافته ام ، در درگاه خداوند برایم دعا کن . حضرت فرمود: بر تو باد صبر پس صبر را در زندگی ات به کار گیر. پس از چندی باز آن زن آمد و نزد آن حضرت از طولانی شدن غیبت پسرش شکایت کرد، حضرت فرمود: آیا نگفتم که صبر را پیشه کنی ؟ زن عرض کرد: ای فرزند رسول خدا چقدر صبر؟ به خدا سوگند که صبر به سر آمد حضرت فرمود: به منزلت برگرد. می بینی که فرزندت از سفر بازگشته ، زن برخاست و رفت و دید که فرزندش بازگشته پس همراه با او نزد حضرت آمدند و عرض کرد: آیا بعد از رسول خدا صلی الله علیه و آله وحی می آید؟ حضرت فرمود: خیر ولی هنگام به سر آمدن صیر گشایش می رسد چون تو گفتی که : صیرم تمام شد دانستم که خداوند با آمدن فرزندت گشایشی برایت حاصل نموده .

- 26 باب استحباب الحلم

- 26 باب استحباب بردباري

حدیث:

- 255 عن محمد بن عبدالله (عبدالله) قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : لا يكون الرجل عابدا حتى يكون حليما و ان الرجل كان اذا تعبد فيبني اسرائيل لم يعد عابدا حتى يصمت قبل ذلك عشر سنين.

ترجمه:

- 255 محمد بن عبدالله يا عبدالله گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: مرد عابد شمرده نمی شود مگر اینکه بردبار باشد و در بنی اسرائیل رسم چنین بود که هرگاه مردی مدتی به عبادت می پرداخت عابد شمرده نمی شد مگر اینکه پیش از آن ده سال را در سکوت به سر برده باشد.

حدیث:

- 256 عن ابی جعفر علیه السلام قال : كان على بن الحسين عليه السلام يقول : انه ليعجبني الرجل ان يدركه حلمه عند غضبه.

ترجمه:

- 256 امام باقر علیه السلام فرمود: پدرم علی بن حسین علیه السلام می فرمود: همانا مردی که بردباري اش در هنگام خشمش او را دریابد مرا شگفت زده می کند .

حدیث:

- 257 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله يحب الحسیں الحلیم العفیف المتعطف.

ترجمه:

- 257 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم: خداوند دوست می دارد کسی را که با حیا، بردار، پاکدامن و باز ایستنده از حرام باشد.

حدیث:

- 258 عن حفص بن ابی عایشہ قال : بعث ابوعبدالله علیه السلام غلاما له فی حاجه فابطا فخرج علی اثره لما ابطاه فوجده نائما فجلس عند راسه یروحه حتی انتبه فقال له ابو عبد الله علیه السلام يا فلان و اللہ ما ذلك لك تناه اللیل و النهار لک اللیل و لنا منك النهار.

ترجمہ:

- 258 حفص بن ابی عایشہ گوید: امام صادق علیه السلام یکی از خدمتکاران را در پی حاجتی فرستاد، خدمتکار کندی نموده و دیر کرد پس حضرت به دنبال او روانه شد پس او را یافت در حالی که به خواب رفته بود حضرت بالای سر او نشست و شروع به باد زدن او نمود تا اینکه خدمتکار بیدار شد، حضرت فرمود: ای فلانی ! به خدا که درست نیست که هم شب و هم روز بخوابی بلکه شب برای خودت ولی روز را برای ما باش .

حدیث:

- 259 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اللہ یحب الحیی الحلیم.

ترجمہ:

- 259 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند انسان با حیا و بردار را دوست می دارد .

حدیث:

- 260 قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسے : ما اعز اللہ بجهل قط و لا اذل بحلم قط.

ترجمہ:

- 260 رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم: هرگز خداوند کسی را به خاطر نادانی اش عزیز نگرداند و کسی را به خاطر برداری اش ذلیل و خوار نکرده است .

حدیث:

- 261 قال ابو عبدالله علیه السلام : کفی بالحلم ناصرا و قال : اذا لم تكن حليما فتحلم.

ترجمہ:

- 261 امام صادق علیه السلام فرمود: برداری به عنوان یاری کننده کافی است . و فرمود: اگر بردار نیستی خود را به برداری وادر .

حدیث:

- 262 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اذا وقع بین رجلین منازعه نزل ملکان فيقولان للسفیه منهما: قلت و قلت و انت اهل لما قلت و ستجزی بما قلت و يقولان للحلیم منهما: صبرت و حلمت سیغفر لك ان اتممت ذلك و ان رد الحلیم علیه ارتفع الملکان.

ترجمہ:

- 262 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه بین دو نفر نزاع و کشمکشی صورت می گیرد دو فرشته فرود می آیند پس آن دو فرشته به نفری که نادان است می گویند: (تو به برادر دینی ات) گفتی و گفتش در حالی که تو خود سزاوار حرفهایی که گفته ای هستی و به زودی به سبب آنچه که گفته ای جزا می بینی و به نفری که بردار است گویند: صبر و برداری نمودی به زودی اگر تا پایان نزاع چنین باشی مشمول غفران الهی قرار خواهی گرفت و اگر شخص بردار پاسخ نادان را بدهد (و با او مقابله به مثل کند) آن دو فرشته (باز می گردند و) بالا می روند.

حدیث:

- 263 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی الا اخبرکم باشیهکم بی خلقا؟ قالوا بلی یا رسول الله : قال : احسنکم خلقا و اعظمکم حلما و ابرکم بقرباته و اشدکم من نفسه انصافا.

ترجمه:

- 263 امام صادق علیه السلام و ایشان از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آیا شما را نسبت به کسی که از نظر اخلاق از همه شما به من شبیه تر است آگاه سازم ؟ گفتند: آری ای رسول خدا ! فرمود: آنکه خلقیش از همه نیکوتر و برداری اش از همه بیشتر و نسبت به خویشاوندانش از همه نیکوکارتر و انصافش درباره خود از همه سخت تر باشد .

حدیث:

- 264 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کلمتان غریبتان فاحتملوهمما کلمه حکمه من سفیه فاقبلوها و کلمه سفه من حکیم فاغفروها.

ترجمه:

- 264 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو سخن ، نادر و شگفت انگیز است آن دو را برداشته و تحمل کنید یکی سخن حکمت آموزی که نادانی صادر شود به این سخن روی آورید و دیگری سخن نابخردانه ای که از حکیمی صادر شود از این سخن چشم پوشی کنید .

حدیث:

- 265 عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جده علیه السلام عن علی علیه السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما جمع شیء الى شیء افضل من حلم الى علم.

ترجمه:

- 265 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از جدش از علی علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ چیزی با چیز دیگر جمع نشده که

جمعشان از جمع بردباری و دانش برتر باشد .

حديث:

- 266 عن جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آلہ و سلیمان : و الذی نفسم بیده ما جمع شیء الی شیء افضل من حلم الى علم.

ترجمه:

- 266 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش از علی علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست هیچ چیزی که با چیز دیگر جمع نشده که جمعشان برتر از جمع بردباری و علم باشد .

حديث:

- 267 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : اول عوض الحليم من حلمه ان الناس انصاره على الجاهل.

ترجمه:

- 267 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اولین عوضی که شخص بردبار از بردباری اش می برد این است که مردم بر علیه نادان یاری کننده او می شوند.

حديث:

- 268 و قال علیه السلام : ان لم تكن حلیما فتحلم فانه قل من تشبه بقوم الا و اوشك ان يكون منهم.

ترجمه:

- 268 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اگر بردبار نیستی خود را به بردباری و ادار زیرا کم اتفاق می افتد که کسی خود را شبیه گروهی سازد جز اینکه نزدیک است که جزء آنان شود.

- 27 باب استحباب الرفق فی الامور

- 27 باب استحباب مدارا نمودن در کارها

حديث:

- 269 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آلہ و سلیمان : الرفق یمن و الخرق شوم.

ترجمه:

- 269 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: مدارا نمودن مایه برکت و درشتی کردن مایه شومی است .

حديث:

- 270 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله رفیق یحب الرفق و یعطی علی الرفق ما لا یعطی علی العنف.

ترجمه:

- 270 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند نرم رفتار است و نرمی را دوست دارد و بر مدارا و نرمی پاداشی عطا می کند که بر سخت گیری و درشتی چنین پاداشی نمی دهد .

حدیث:

- 271 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لکل شیء قفل و قفل الایمان الرفق .

ترجمه:

- 271 امام باقر علیه السلام فرمود: هر چیزی قفلی دارد و قفل ایمان مدارا کردن و نرمی است (یعنی همچنانکه قفل باعث محفوظ ماندن است مدارا هم مایه حفظ ایمان است .)

حدیث:

- 272 قال ابو جعفر علیه السلام : من قسم له الرفق قسم له الایمان.

ترجمه:

- 272 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که برایش مدارا تقسیم شده ایمان برای وی تقسیم گردیده .

حدیث:

- 273 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ایما اهل بیت اعطوا حظهم من الرفق فقد وسع الله عليهم فی الرزق و الرفق فی تقدیر المعيشة خیر من السعه فی المال و الرفق لا یعجز عنه شیء و التبذیر لا یبقى معه شیء ان الله عزوجل رفیق یحب الرفق.

ترجمه:

- 273 امام صادق علیه السلام فرمود: هر اهل خانه ای که بهره ای از نرمی و مدارا نصیباشان گشته خداوند روزی آنان را وسعت دهد و مدارا در تدبیر زندگانی بهتر از وسعت در مال است و هیچ چیز از مدارا عاجز و وامانده نمی شود و با اسراف چیزی باقی نمی ماند و خداوند عزوجل مدارا کننده است و مدارا را دوست می دارد .

حدیث:

- 274 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لو كان الرفق خلقا يرى ما كان مما خلق الله شیء احسن منه.

ترجمه:

- 274 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اگر مدارا مخلوقی بود که دیده می شد هیچ مخلوقی از مخلوقات خدا از او نیکوتر نبود .

حدیث:

- 275 عن ابی الحسن علیه السلام قال : الرفق نصف العیش.

ترجمه:

- 275 امام موسی بن جعفر علیه السلام فرمود: مدارا (به منزله ) نیمی از خوشگذرانی

است .

حدیث:

- 276 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان الله رفیق يحب الرفق.

ترجمه:

- 276 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد.

حدیث:

- 277 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان لم یوضع  
علی شیء الا زانه و لانزع من شیء الا شانه .

ترجمه:

- 277 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا مدارا بر  
چیزی نهاده نشد جز اینکه به آن زینت بخشید و از چیزی جدا نشد جز اینکه آن را زشت  
نمود .

حدیث:

- 278 عن النبی صلی الله علیه و آله قال : ان فی الرفق الزياده و البرکه و من یحرم الرفق  
یحرم الخیر.

ترجمه:

- 278 پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: همانا در مدارا کردن زیادت و برکت وجود دارد و  
کسی که از مدارا محروم است از خیر و خوبی محروم است .

حدیث:

- 279 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ما زوی الرفق عن اهل بیت الا زوی عنهم الخیر.  
ترجمه:

- 279 امام صادق علیه السلام فرمود: سازگاری و مدارا از اهل هیچ خانه ای باز داشته نشده  
جز اینکه آنان از خیر و خوبی محروم و بی بهره گشته اند .

حدیث:

- 280 عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال لى - و جری بینی و بین رجل من القوم کلام -  
فقال لى : ارفق بهم فان کفر احدهم فی غضبه و لا خیر فیمن کان کفره فی غضبه .

ترجمه:

- 280 راوی گوید: بین من و مردی از قوم سخنی در گرفت امام رضا علیه السلام به من  
فرمود: با آنان مدارا کن زیرا از آنان کسی هست که در حال خشم کارش به کفر می انجامد و  
کسی که در حال خشم کافر شود خیری در او نیست .

حدیث:

- 281 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله رفیق

یحب الرفق و یعین علیه.

ترجمه:

- 281 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست می دارد و (آدمی را) بر مدارا یاری می کند.

حديث:

- 282 و قال صلی الله علیه و آله : ما اصطحب اثنان الا كان اعظمهما اجرا و احبهما الى الله ارفقهما بصاحبہ.

ترجمه:

- 282 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: دو نفر با یکدیگر مصاحبت نکرده اند جز اینکه آن کس که با دیگری مدارا کننده تر است در نزد خداوند پاداشش بزرگتر و محبوبتر است .

حديث:

- 283 عن احدهما علیه السلام قال : ان الله رفيق يحب الرفق.

ترجمه:

- 283 امام باقر یا امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند اهل مدارا است و مدارا را دوست دارد .

حديث:

- 284 عن الفضیل بن عثمان قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : من كان رفیقاً فی امره نال ما یرید من الناس.

ترجمه:

- 284 فضیل بن عثمان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که در کارش اهل مدارا باشد به آنچه از مردم می خواهد نائل می شود .

- 28 باب استحباب التواضع

- 28 باب استحباب فروتنی نمودن

حديث:

- 285 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فی السماء ملکین موکلین بالعباد فمن تواضع لله رفعاه و من تکبر و ضعاه.

ترجمه:

- 285 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا در آسمان دو فرشته اند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر که برای خدا فروتنی کند بالایش می برند و هر که تکبر ورزد فروودش آورند .

حديث:

- 286 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : فيما اوحى الله عزوجل الى داود عليه السلام يا داود: كما ان اقرب الناس من الله المتواضعون كذلك ابعد الناس من الله المتکبرون.

ترجمه:

- 286 امام صادق علیه السلام فرمود: در ضمن آنچه که خداوند عزوجل به حضرت داود علیه السلام وحی نمود آمده است : ای داود! همچنانکه نزدیکترین مردمان به خدا فروتنان هستند دورترین مردم از خدا متکبرانند .

حدیث:

- 287 عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث قال : فاوْحی اللَّهُ إِلَى الْجَبَالِ أَنِّی  
واضع سفینه نوح عبدی علی جبل منکن فتطاولت و شمعحت و تواضع الجودی و هو جبل  
عندکم فضربت السفینه بجوجوها الجبل.

ترجمه:

- 287 امام موسی بن جعفر علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند به کوهها وحی فرستاد  
که من کشته بنده خود نوح را بر کوهی از کوهها خواهم نهاد پس کوهها گردنکشی و تکبر  
نمودند و تنها کوه جودی که کوهی در نزد شماست فروتنی نمود پس آن کشته نیز سینه  
خود را بر همان کوه نهاد.

حدیث:

- 288 عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یذکر انه اتی رسول الله صلی  
الله علیه و آله ملک فقال : ان الله يخیرك ان تكون عبدا رسولاما متواضعا او ملكا رسولا قال : فنظر  
الى جبرئيل و اوما بيده ان تواضع . فقال : عبدا متواضعا رسولاما ف قال الرسول : مع انه لاینقصك  
مما عند ربک شيئا قال : و معه مفاتیح خزائن الارض.

ترجمه:

- 288 محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: فرشته ای به  
خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: خداوند تو را مخیر ساخته که بنده ای  
و رسولی متواضع باشی یا فرشته ای رسول باشی . پس حضرت نگاهی به جبرئیل افکند  
(که چه جوابی به این فرشته دهم ؟) جبرئیل علیه السلام با دست خویش اشاره کرد که  
تواضع و فروتنی را اختیار کن ، پس پیامبر فرمود: می خواهم بنده ای متواضع و رسول خدا  
باشم . آن فرشته پیام آور گفت : با این همه هیچ چیز از آنچه در نزد پروردگارت (برای تو)  
وجود دارد کاسته نمی شود حضرت فرمود: (آری می دام که ) ( کلیدهای تمامی خزائن زمین  
در اختیار پروردگارم می باشد .

حدیث:

- 289 عن ابی الحسن علیه السلام قال : التواضع ان تعطی الناس ما تحب ان تعطاهم.

ترجمه:

- 289 امام رضا علیه السلام فرمود: تواضع آن است که آنچه را که دوست می داری مردم به  
تو عطا کنند تو به مردم عطا کنی .

حدیث:

- 290 و فی حدیث آخر قال علیه السلام : التواضع درجات منها ان یعرف المرء قدر نفسه فینزلها منزلتها بقلب سلیم لا یحب ان یاتی الى احد الا مثل ما یوتی اليه ان رای سیئه دراها بالحسنه کاظم الغیط عاف عن الناس و اللہ یحب المحسنين.

ترجمه:

- 290 و در حدیث دیگری فرمود: تواضع درجات و مراتبی دارد یکی از آن مراتب این است که شخص قدر خود را بشناسد و با دلی سالم نفس خود را در منزلت و مقام واقعی اش جاری دهد (چنین کسی دوست نمی دارد که برای کسی چیزی پیش آید مگر همانند همان چیزی که برای خودش پیش می آید، اگر بدی ای ببیند آن را با خوبی دفع می کند، فرو خورنده خشم است ، چشم پوشی کننده از (بدی ) مردمان است و خداوند نیکوکاران را دوست دارد.

حدیث:

- 291 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی اللہ علیه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی و اللہ لو ان الوضیع فی قعر بئر لبعث اللہ عزوجل اليه ریحا ترفعه فوق الاخیار فی دوله الاشرار.

ترجمه:

- 291 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی اللہ علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! به خدا سوگند که اگر شخص فروتن در ته چاهی باشد خداوند عزوجل بادی را به سوی او می فرستد تا او را بالا بیاورد و در دولت نابکاران او را در منزلتی بالاتر از نیکان جای دهد .

حدیث:

- 292 عن الحسن بن الجهم قال سالت الرضا علیه السلام فقلت له : جعلت فداك ما حد التوکل ؟ فقال لى : ان لاتخاف مع اللہ احدا قال : قلت : جعلت فداك فما حد التواضع ؟ فقال : ان تعطى الناس من نفسك ما تحب ان یعطوك مثله قلت : جعلت فداك اشتھی ان اعلم کیف انا عندك ؟ فقال : انظر کیف انا عندك ؟

ترجمه:

- 292 حسن بن جهم گوید: از امام رضا علیه السلام پرسیدم که : فدایت شوم حد توکل چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه با وجود خدا از هیچ نترسی ، عرض کردم : فدایت شوم حد تواضع چیست ؟ حضرت فرمود: اینکه از جانب خود به مردم چیزی عطا کنی که دوست داری همانند آن را به تو عطا کنند. عرض کردم : فدایت شوم دوست دارم که بدانم من در نزد تو چگونه ام ؟ حضرت فرمودن بنگر که من در نزد تو چگونه ام ؟

حدیث:

- 293 عن ابی عبدالله علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : ان من التواضع ان یرضی

بالمجلس دون المجلس و ان يسلم على من يلقى و ان يترك الماء و ان كان محقا و لاتحب ان تحمد على التقوى.

ترجمه:

- 293 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند: همانا از تواضع شمرده می شود اینکه شخص به جایگاهی نه جایگاه دیگر خوشنود باشد) یعنی در وارد شدن به مجلسی برای نشستن به همان جای خالی خوشنود باشد و هوس جای بالاتر را در سر نداشته باشد) و دیگر اینکه به هر کس که برخورد می کند سلام کند و جدال را ترک کند اگر چه حق با او باشد و دوست نداشته باشی که به خاطر تقوا و پرهیز کاریت مورد حمد و ستایش قرار بگیری .

- 294 باب استحباب التواضع عند تجدد النعمة

- 295 باب استحباب تواضع در هنگامی که نعمتی جدید برای آدمیاصل می شود  
حدیث:

- 294 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی حدیث جعفر بن ابی طالب مع النجاشی ملک الحبشه ان النجاشی قال : انا نجد فيما انزل اللہ علی عیسیٰ علیه السلام ان مع حق اللہ علی عباده ان یحدثو اللہ تواضعًا عند ما یحدث لهم من نعمه فلما بلغ النبی صلی اللہ علیه و آله قال لاصحابه : ان الصدقه تزید صاحبه رفعه فتواضعوا یرفعكم اللہ و ان العفو یزید صاحبه عزا فاعفوا یعزکم اللہ.

ترجمه:

- 294 امام صادق عليه السلام درباره واقعه دیدار و گفتگوی جعفر بن ابی طالب با نجاشی پادشاه حبشه ، فرمود: نجاشی گفت : ما مسیحیان در کتابی که خداوند بر عیسیٰ علیه السلام نازل فرموده یافته ایم که) یکی از حقوق خداوند بر بندگانش این است که هرگاه نعمتی جدید به آنان می بخشد آنان نیز در برابر او تواضع و فروتنی جدیدی داشته باشند ( زمانی که این سخن به پیامبر اکرم صلی اللہ علیه و آله رسید حضرت به اصحاب خود فرمود: همانا صدقه مایه زیادت (مال و عمر) برای صدقه دهنده می گردد پس صدقه بپردازید تا خدای بر شما رحم آورد و همانا تواضع مایه زیادت مقام و مرتبه شخص متواضع می گردد پس تواضع کنید تا خدای شما را بلند مرتبه گرداند و همانا عفو و بخشش به عفو کننده عزت می بخشد پس عفو کنید تا خداوند شما را عزیز گرداند.

- 295 باب تاکد استحباب التواضع للعالم و المتعلم

- 30 باب تاکید بر استحباب تواضع برای دانشمند و دانش آموز  
حدیث:

- 295 عن معاویه بن وهب قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : اطلبوا العلم و تزینوا معه بالحلم و الوقار و تواضعوا لمن تعلمونه العلم و تواضعوا لمن طلبتم منه العلم و لاتكونوا

علماء جبارین فیذهب باطلکم بحقکم.

ترجمه:

- 295 معاویه بن وهب گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دانش بجوبید و همراه با دانش ، خود را با بردباری و وقار زینت ببخشید و در مقابل کسانی که به آنان دانش می آموزید تواضع و فروتنی کنید و برای کسی که از او دانش می آموزید تواضع کنید و از دانشمندان متکبر و سرکش نباشید که در نتیجه ، کار باطل شما (عمل و گفته ) حق شما را از بین می برد .

حدیث:

- 296 قال عیسی ابن مریم علیه السلام للحواریین : لى اليکم حاجه اقضوها لى فقالوا: قضیت حاجتك يا روح الله فقام فغسل اقدامهم فقالوا کنا احق بهذا منك فقال : ان احق الناس بالخدمة العالم انما تواضعت هکذا لکیما تتواضعوا بعدی فی الناس کتواضعی لكم ثم قال عیسی علیه السلام : بالتواضع تعمیر الحکمه لا بالتكبر و كذلك فی السهل ینبت الزرع لا فی الجبل.

ترجمه:

- 296 عیسی بن مریم علیه السلام به اصحاب و حواریون خود فرمود: من از شما خواسته ای دارم خواسته ام را برایم برآورده سازید. گفتند: ای روح الله ! خواسته ات رواست . پس حضرت برخاست و پاهای آنان را شست ، آنان گفتند: ما به این کار سزاوارتریم از شما (و ما باید پاهای مبارک تو را بشوئیم ) حضرت فرمود: همانا سزاوارترین مردم در خدمتگزار بودن ، شخص عالم است و من در برابر شما اینگونه تواضع نمودم تا شما نیز پس از من همانند تواضع مرا در میان مردم داشته باشید. سپس فرمود: علم و حکمت به وسیله تواضع آباد می شود نه با تکبر و همچنین است که در دشت گیاه می روید نه در کوه سخت .

- 31 باب استحباب التواضع فی الماکل و المشرب و نخوهما

- 31 باب استحباب تواضع در خوردن و نوشیدن و مانند اینها

حدیث:

- 297 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : افطر رسول الله صلی الله علیه و آله عشیه خمیس فی مسجد قبا فقال : هل من شراب ؟ فاتاھ اوس بن خولی الانصاری بعس مخیض بعسل فلما وضعه علی فیه نحاح ثم قال : شرابان یکتفی با حدهما من صاحبه لا اشربه ولا احرمه و لكن اتواضع لله فانه من تواضع لله رفعه الله و من تکبر خفضه الله و من اقتضد فی معیشتہ رزقه الله و من بذر حرمه الله و من اکثر ذکر الموت احبه الله.

ترجمه:

- 297 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در شبانگاه پنجشنبه ای در مسجد قبا افطار می نمود پس فرمود: آیا نوشیدنی ای هست ؟ پس اوس بن خولی

انصاری کاسه ای بزرگ شیر آمیخته شده با عسل را به خدمت حضرت آورد. حضرت کاسه را به دهان مبارک نزدیک فرمود و سپس آن را کنار گذاشت و فرمود: این دو نوشیدنی است که می توان به یکی از این دو اکتفا نمود: من نه آن را می نوشم و نه تحریم می کنم ولی به خاطر خدا تواضع می کنم زیرا کسی که به خاطر خدا تواضع کند خداوند او را بالا می برد و کسی که تکبر ورزد خداوند او را به زیر می کشد و کسی که در زندگانیش میانه روی پیشه کند خداوند روزی اش می بخشد و کسی که اسراف کند خداوند محرومیش می سازد و کسی که زیاد مرگ را یاد کند خداوند او را دوست می دارد.

حدیث:

- 298 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : مر علی بن الحسین علیه السلام علی المجدین و هو راکب حماره و هم یتغدون فدعوه الى الغداء فقال : اما لو لا انى صائم لفعلت فلما صار الى منزله امر بطعم فصنع و امر ان یتنوقوا فيه ثم دعاهم فتغدوا عنده و تغدى معهم.

ترجمه:

- 298 امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام در حالی که بر الاغی سوار بود به گروهی که بیماری خوره داشتند و در حال چاشت خوردن بودند گذر کرد آنان حضرت را به چاشت دعوت کردند. حضرت فرمود: اگر روزه نبودم دعوت شما را اجابت می کردم. (حضرت از آنان خدا حافظی نمود) و وقتی که به منزل رسید دستور داد غذایی آماده کردند و فرمود که آن را نیکو بپزند سپس آن بیماران جذامی را به طعام دعوت کرد و همراه آنان به خوردن نشست.

حدیث:

- 299 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : القناعه مال لاینفده.

ترجمه:

- 299 علی علیه السلام فرمود: قناعت مالی است که تمام شدنی نیست.

- 32 باب وحوب ایشار رضا الله علی هوى النفس و تحريم العكس

- 32 باب وحوب برگزیدن رضای الهی بر خواهش نفسانی و تحريم پیروی از هوای نفس

حدیث:

- 300 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله عزوجل يقول : و عزتی و عظمتی و علوی و ارتفاع مکانی لا یوثر عبد هوای علی هوى نفسه الا کفت عليه ضيغته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و كنت له من رواء تجارة كل تاجر.

ترجمه:

- 300 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه حرفة و پیشه اش را برایش فراهم می سازم و آسمانها و زمین را ضامن روزی

اش قرار می دهم و من برای او برتر از تجارت هر تاجری خواهم بود .

حدیث:

- 301 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال اللہ عزوجل : و عزتی و جلالی و عظمتی و بهائی و علو ارتفاعی لایوثر عبد مومن هوای علی هواه فی شیء من امر الدنیا الا جعلت غناه فی نفسه و همته فی آخرته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و کنت له من وراء تجارت کل تاجر.

ترجمه:

- 301 امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و خوبی و نیکویی ام و بلندی مرتبه ام که هیچ بندۀ مومنی خواسته مرا در هیچیک از امور دنیایی بر خواهش نفسانی اش مقدم نمی دارد مگر اینکه بی نیازی را در نفس او قرار می دهم و همتیش را متوجه آخرتیش می کنم و آسمانها و زمین را ضامن روزی اش می گردانم و مافوق تجارت هر تاجری به نفع او خواهم بود.

حدیث:

- 302 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیه و آله : يقول اللہ عزوجل : و عزتی و جلالی و کبریائی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا شتت علیه امره و لبست علیه دیناه و شغلت قلبی بها و لم آته منها الا ما قدرت له و عزتی و جلالی و عظمتی و نوری و علوی و ارتفاع مکانی لایوثر عبد هوای علی هواه الا استحفظته ملائکتی و کفت السماوات و الارضین رزقه و کنت له من وراء تجارت کل تاجر و انته الدنیا و هی راغمه.

ترجمه:

- 302 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرمایند: سوگند به عزت و شکوه و بزرگ منشی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بندۀ ای خواهش نفسانی خویش را بر خواسته من مقدم نمی دارد جز اینکه کارش را پریشان و پراکنده می سازم و دنیايش را بر او مشتبه و درهم بر هم می گردانم و قلبش را به دنیايش مشغول می سازم و (با این همه) به او از دنیا به همان اندازه ای که برایش مقدر نموده ام می دهم و سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و نور و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بندۀ ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خویش مقدم نمی دارد مگر اینکه فرشتگانم را برای حفظ و نگاهداری اش بر می گمارم و آسمانها و زمین را ضامن و عهده دار روزی او قرار می دهم و برای او از (سود) تجارت هر تاجری برتر خواهم بود و چنین کسی دنیا به سراغش می آید در حالی که او دنیا را ناپسند می داند .

حدیث:

- 303 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان اللہ عزوجل يقول : انی لست کل کلام الحكمه اتقبل ، انما اتقبل هواه و همه فان کان هواه و همه فی رضای جعلت همه تقديسا و تسبيحا.

ترجمه:

- 303 امام صادق عليه السلام فرمود: همانا خداوند عزوجل می فرماید: به راستی که اینگونه نیست که من هر سخن حکمت آمیزی را بپذیرم بلکه میل او) گوینده ) و همت او را می پذیرم پس اگر میل و همت او در جهت خوشنودی من باشد همت او را (به منزله ) تقدیس و تسبیح خود قرار می دهم (تقدیس و تسبیح : به پاکی منسوب کردن ، به پاکی یاد کردن .

حدیث:

- 304 عن محمد بن علی بن الحسین عليه السلام قال : جاهد هواك كما تجاهد عدوك.

ترجمه:

- 304 امام باقر عليه السلام فرمود: با هواي نفساني خود مبارزه کن همانگونه که با دشمنت مبارزه می کنی .

حدیث:

- 305 عن ابی حمزه قال : سمعت علی بن الحسین عليه السلام يقول : ان الله جل جلاله يقول : و عزتی و جلالی و عظمتی و جمالی و بهائی و علوی و ارتفاع مکانی لا يوثر عبد هواي علی هواه الا جعلت همه فی آخرته و غناه فی قلبه و كففت عنه ضيغته و ضمنت السماوات و الارض رزقه و انته الدنيا و هي راغمه.

ترجمه:

- 305 ابی حمزه گوید: از امام زین العابدین عليه السلام شنیدم که می فرموده : به درستی که خداوند جل جلاله می فرماید: سوگند به عزت و شکوه و بزرگی و زیبایی و نیکویی و برتری و بلندی جایگاهم که هیچ بنده ای خواسته مرا بر خواهش نفسانی خود مقدم نمی دارد مگر اینکه همت او را متوجه امر آخرتش می گردانم و بی نیازی اش را در درون قلبش جای می دهم و کار و پیشه اش را برایش فراهم می آورم و آسمانها و زمین را ضامن روزی او می گردانم و دنیا به سوی او می آید در حالی که او نسبت به دنیا بی میل و ناخشنود است .

حدیث:

- 306 عن امير المؤمنين عليه السلام انه قال في خطبه له : ايها الناس ان اخوف ما اخاف عليكم اثنان اتباع الهوى و طول الامل فاما اتباع الهوى فيصد عن الحق و اما طول الامل فينسى الآخره.

ترجمه:

- 306 امير المؤمنين عليه السلام در خطبه ای فرمود: ای مردم ! به درستی که ترسناکترین چیزی که از آن بر شما بیمناکم دو چیز است : پیروی هواي نفس و درازی آرزو، اما پیروی از هواي نفس آدمی را از حق باز می دارد و اما درازی آرزو باعث فراموشی آخرت می گردد .

- 33 باب وجوب تدبیر العاقبه قبل العمل

- 33 باب وجوب عاقبت اندیشی پیش از عمل

**حدیث:**

- 307 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان رجلا اتی النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وفات لہ : یا رسول اللہ اوصنی فقال له : فهل انت مستوص ان انا اوصیتك ؟ حتى قال له ذلك ثلاثة و فى كلها يقول الرجل نعم یا رسول اللہ فقال له رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ فانی اوصیک اذا انت هممت بامر فتدبر عاقبته فان یک رشدًا فامضه و ان یک غیا فانته عنه.

**ترجمہ:**

- 307 امام صادق علیه السلام فرمود: مردی نزد پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت تا سه مرتبہ فرمود: ایا اگر تو را سفارشی نمایم سفارشم را می پذیری و به آن عمل می کنی ؟ و مرد در هر مرتبہ عرض کرد: آری ای رسول خدا! رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: پس من تو را سفارش می کنم که هرگاه آهنگ انجام کاری را نمودی در عاقبت و پایان آن کار اندیشه کن پس اگر انجامش درست و صواب بود انجام بده و اگر ناصواب بود از انجام آن باز ایست .

**حدیث:**

- 308 عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیتہ لمحمد بن الحنفیہ قال : من استقبل وجوه الاراء عرف موقع الخطاء و من تورط فی الامور غير ناظر فی العواقب فقد تعرض لمفظعات النوائب و التدبیر قبل ناظر العمل یومنک من الندم و العاقل من وعظه التجارب و فی التجارب علم مستائف و فی تقلب الاحوال علم جواهر الرجال.

**ترجمہ:**

- 308 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتیش به محمد بن حنفیہ فرمود: کسی که با نظرات و افکار مختلف روپرور می شود مواضع و جایگاههای خطأ را شناسایی می کند و کسی که بدون عاقبت اندیشه خود را گرفتار کارها کند محققا که خود را در معرض کارهای ترسناک و دشوار قرار داده است و عاقبت اندیشه پیش از عمل تو را از پیشیمانی ایمن می سازد و خردمند کسی است که تجربه ها او را پند و اندرز دهنده و در تجربه ها آگاهی نو و تازه ای وجود دارد و در دگرگونی حالات نسبت به جوهره مردان علم و آگاهی حاصل می شود .

**حدیث:**

- 309 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : لسان العاقل وراء قلبہ و قلب الاحمق وراء لسانه.

**ترجمہ:**

- 309 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زبان شخص عاقل در پشت قلب اوست (ابتداء روی سخن فکر می کند و آن را از قلب می گذراند و سپس بر زبان جاری می کند) و قلب شخص نادان در پشت زبان اوست (پس از سخن گفتن روی آن فکر می کند که آیا ناصواب بوده یا نه

).

حدیث:

- 310 و عنه علیه السلام انه قال : قلب الاحمق فی لسانه و لسان العاقل فی قلبه.

ترجمه:

- 310 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: قلب شخص نادان در زبان اوست و زبان شخص خردمند در قلب اوست.

حدیث:

- 311 و قال علیه السلام من استقبل وجوه الاراء عرف موقع الخطأ.

ترجمه:

- 311 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که با آراء و نظرات مختلف روبرو باشد به مواضع خطأ شناخت پیدا می کند .

حدیث:

- 312 قال ابوعبدالله علیه السلام : ليس لحاقد رای و لالم לוں صدق و لا لحسود غنی و ليس بحازم من لا ينظر في العواقب و النظر في العواقب تلقيح للقلوب.

ترجمه:

- 312 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با بول به او فشار آورده رای (قابل اعتنا و بی نقش ) ندارد و کسی که افسرده است دوستی ندارد و حسود بی نیاز نمی شود و کسی که در عاقبت کارها نمی اندیشد دور اندیش و محتاط نیست و اندیشیدن در عاقبت کارها مایه باروری دلها است.

حدیث:

- 313 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اتى رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : علمنی يا رسول الله قال : عليك بالیاس مما فی ایدی الناس فانه الغنى الحاضر قال : زدنی يا رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ایاک و الطمع فانه الفقر الحاضر قال : زدنی يا رسول الله قال : اذا هممتم بامر فتدبر عاقبته فان یک خیرا و رشدًا فاتیعه و ان یک غیا فاجتنبه.

ترجمه:

- 313 امام باقر علیه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا مرا دانشی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد به نومیدی نسبت به آنچه که در دستان مردمان است زیرا این روحیه بی نیازی و ثروتی حاضر و آماده است . عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این بفرما. حضرت فرمود: بر حذر باش از طمع زیرا طمع و آزمندی فقری حاضر و آماده است ، عرض کرد: ای رسول خدا بیش از این برایم بفرما. حضرت فرمود: هرگاه قصد انجام دادن کاری را نمودی با دقت در عاقبت آن کار اندیشه کن پس اگر خیر و هدایت در آن باشد آن را پی گیری کن و اگر مایه گمراهی باشد از انجام آن خودداری نما.

- 34 باب وحوب انصاف الناس ولو من النفس

- 34 باب وحوب به انصاف رفتار کردن با مردمان اگر چه بر ضرر خود باشد

حدیث:

- 314 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من انصاف الناس من نفسه رضی به حکما لغیره.

ترجمه:

- 314 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که با مردم درباره خود به انصاف رفتار کند مردم درباره او به داور و میانجی بودن برای دیگران خوشنودند .

حدیث:

- 315 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : سید الاعمال انصاف الناس من نفسك و مواساه الاخ فی الله و ذکر الله علی کل حال.

ترجمه:

- 315 امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سید و سرور همه کارها سه چیز است : به انصاف رفتار کردن با مردم درباره خود و یاری نمودن برادر دینی در راه خدا و به یاد خدا بودن در هر حال .

حدیث:

- 316 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام فی کلام له : الا انه من ینصف الناس من نفسه لم یزدہ الله الا عزا.

ترجمه:

- 316 امام باقر علیه السلام روایت کند که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هر کس درباره خود با مردم به انصاف رفتار کند خداوند چیزی جز عزت و سربلندی به او نمی افزاید .

حدیث:

- 317 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ثلاث هم اقرب الخلق الى الله يوم القيمة حتى یفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدره في حال غضبه ان یحیف على من تحت يده و رجل مشی بين اثنین فلم یمل مع احدهما على الاخر بشعيره و رجل قال بالحق فيما له و عليه.

ترجمه:

- 317 امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت نزدیکترین کسان به خداوند می باشند تا زمانی که خداوند از حساب مردمان فارغ شود: یکی کسی که قدرت و توانایی اش او را در حال خشم به سوی ستم نمودن به زیر دستانش نمی خواند و دیگری کسی که بین دو نفر رفت و آمد می کند ولی حتی به اندازه یک دانه جو به یکی از آن دو بر علیه دیگری تمایل پیدا نمی کند و دیگری کسی که حق را می گوید خواه به نفع او یا ضرر او باشد .

حدیث:

- 318 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من واسی الفقیر من ماله و انصف الناس من نفسه فذلك المومن حقا.

ترجمه:

- 318 امام صادق علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مومن حقيقی کسی است که به فقیر کمک مالی کند و درباره خود با مردم به انصاف رفتار کن .

حدیث:

- 319 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : كان رسول الله صلی الله علیه و آله يقول في آخر خطبته : طوبى لمن طاب خلقه و ظهرت سجيته و صلحت سريرته و حسنت علانيته و انفق الفضل من ماله و امسك الفضل من قوله و انصف الناس من نفسه.

ترجمه:

- 319 امام سجاد علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله همواره در آخر خطبه اش می فرمود: خوشا به حال کسی که اخلاقش پاکیزه و خوب و طبیعتش پاک و باطنیش با صفا و ظاهرش نیکو باشد و زیادی از مالش را انفاق کند و از زیاد سخن گفتن خودداری کند و درباره خود با مردمان منصفانه برخورد کند .

حدیث:

- 320 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من يضمن لى اربعه باربعه ابيات فى الجنة ؟ انفق و لاتخف فقرا و افش السلام فى العالم و اترك المراء و ان كنت محقا و انصف الناس من نفسك.

ترجمه:

- 320 امام صادق علیه السلام فرمود: کیست که چهار چیز را در برابر چهار خانه بر من ضمانت کند؟ انفاق کن و از فقر نترس ، و سلام را آشکارا بر زبان آور، و جدال را ترک کن اگر چه حق با تو باشد، و درباره خودت با مردم به انصاف رفتار کن.

حدیث:

- 321 عن یوسف البزار قال سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : ما تدارا اثنان فى امر قط فاعطى احدهما النصف صاحبه فلم يقبل منه الا اديل منه.

ترجمه:

- 321 یوسف بزار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگز دو نفر با یکدیگر در کاری به خصومت بر نخاسته اند که یکی در مورد دیگری جانب انصاف را رعایت کند و او نپذیرد جز اینکه خداوند شخص منصف را بر دیگری چیره می گرداند .

حدیث:

- 322 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان لله جنه لا يدخلها الا ثلاثة احدهم من حكم فى نفسه بالحق.

ترجمه:

- 322 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند بهشتی هست که جز سه کس به آن بهشت داخل نشود یکی از آنان کسی است که در مورد خود به حق حکم کند .

حديث:

- 323 عن ابی عبداللہ جعفر بن محمد علیه السلام قال : الاخبرك باشد ما افترض اللہ علی خلقه ؟ انصاف الناس من انفسهم و مواساه الاخوان فی اللہ عزوجل و ذکر اللہ عزوجل علی کل حال فان عرضت له طاعه عمل بها و ان عرضت له معصيه تركها.

ترجمه:

- 323 امام صادق علیه السلام فرمود: آیا به تو در مورد سخت ترین چیزهایی که خداوند بر بندگانش واجب ساخت خبر دهن ؟ منصفانه رفتار کردن درباره خود با مردمان و یاری رساندن به برادران در راه خدا عزوجل و به یاد خدا بودن در هر حالی ، پس اگر طاعتی به وی عرضه گردید به آن عمل کند و اگر گناهی به او عرضه شد آن را ترك گوید.

حديث:

- 324 عن علی بن میمون الصائغ قال : سمعت ابا عبداللہ الصادق علیه السلام يقول : من اراد ان یسكنه اللہ جنته فليحسن خلقه و ليعط النصفه من نفسه و ليرحم اليتيم و ليعن الضعيف و ليتواضع لله الذی خلقه.

ترجمه:

- 324 علی بن میمون صائغ (زرگر) گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که می خواهد که خداوند او را در بهشتیش جای دهد پس باید اخلاقش را نیکو سازد و درباره خود منصفانه رفتار کند و به یتیم ترحم آورد و ناتوان را یاری دهد و برای خداوندی که او را آفریده است فروتنی و تواضع کند.

حديث:

- 325 عن معاویه عن ابیه قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : ما ناصح اللہ عبد فی نفسه فاعطی الحق منها و اخذ الحق لها الا اعطی خصلتين رزقا من اللہ یسعه و رضا عن الله یغنبیه.

ترجمه:

- 325 راوی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هیچ بنده ای خالصانه در درون خود به خداوند روی نیاورده است تا در نتیجه حق نفس را به او عطا کند و حقی را که از آن نفس است برای او بستاند جز اینکه (اگر چنین باشد) دو خصلت به او بخشیده می شود: یکی روزی ای از جانب خداوند که وی را در فراخی (آسایش) قرار می دهد و دیگری رضایت و خوشنوی از خداوند که او را (از همه چیز) بی نیاز می سازد .

حدیث:

- 326 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ واصی الفقیر و انصاف الناس من نفسہ فذلک المومن حقا.

ترجمه:

- 326 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: کسی که به فقیر کمک مالی کند و در مورد خود با مردم منصف باشد چنین کسی مومن حقیقی است .

- 35 باب انه يجب على المؤمن ان يحب للمؤمنين ما يحب لنفسه و ويكره لهم ما يكره لها  
- 35 باب بر مومن واجب است آنچه را برای خود دوست می دارد برای مومین دوست بدارد و آنچه را برای خود نمی پسندد برای آنان نخواهد

حدیث:

- 327 جاء اعرابی الى النبی صلی اللہ علیہ وآلہ فقال : يا رسول اللہ علمتی علما ادخل به الجنہ فقال : ما احبابت ان ياتیه الناس اليك فاته اليهم و ما كرهت ان ياتیه الناس اليك فلا تاته اليهم .

ترجمه:

- 327 عربی به خدمت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا عملی بیاموز که به سبب آن به بهشت داخل شوم . حضرت فرمود: آنچه را که دوست می داری مردم درباره تو به جای آورند درباره آنان به جای آورند درباره آنان به جای نیاور.

حدیث:

- 328 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : اوحى اللہ الى آدم علیه السلام انى ساجمع لك الكلام فى اربع كلمات - الى ان قال : - و اما التی بینك و بین الناس ففترضى للناس ما ترضى لنفسك و تکرہ لهم ما تکرہ لنفسك.

ترجمه:

- 328 امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند به حضرت آدم علیه السلام وحی فرستاد که من تمامی سخنی را که با تو دارم در چهار سخن جمع می کنم - تا آنجا که فرمود: - و اما آنچه که بین تو و بین مردمان باید باشد این است که برای مردم به چیزی خوشنود شوی که برای خودت به آن خشنود می گردی و برای آنان چیزی را ناپسند شمری که برای خودت آن را ناپسند می شمری .

- 36 باب استحباب اشتغال الانسان بعيوب نفسه عن عيب الناس

- 36 باب استحباب اينكه آدمی به جای اينکه به عيوب جوان بپردازد به عيب خود مشغول باشد

**حدیث:**

- 329 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ثلاث خصال من کن فیه او واحدہ منهن کان فی ظن عرش الله یوم لا ظل الا ظله رجل اعطی الناس من نفسه ما هو سائلهم و رجل لم یقدم رجلا و لم یوخر رجلا حتی یعلم ان ذلك لله رضا و رجل لم یعب اخاه المسلم بعیب حتی ینفی ذلك العیب عن نفسه فانه لا ینفی منها عیبا الا بداله عیب و کفی بالمرء شغلا بنفسه عن الناس.

**ترجمه:**

- 329 امام باقر علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه خصلت وجود دارد که هر کس این سه خصلت یا یکی از آنها در او باشد در روزی که هیچ سایه ای جز سایه عرش الهی نیست در زیر سایه عرش الهی خواهد بود: یکی کسی که به مردم از جانب خود چیزی را عطا کند که خود نیز درخواست کننده آن چیز از مردمان است و دیگر کسی که قدمی از قدمی برندارد مگر اینکه بداند که این قدم برداشتنش رضایت و خوشنودی خداوند را در پی دارد و دیگر کسی که از برادر مسلمان خود عیجویی نکند مگر زمانی که آن عیب دیگری برایش ظاهر می شود (پس همواره مشغول به بر طرف کردن عیوب خویش است و با عیب دیگران کاری ندارد) و همین برای مرد کافی است که به خود مشغول باشد نه مردمان .

**حدیث:**

- 330 عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعت جابر بن عبد الله الانصاری یقول : ان رسول الله صلی الله علیه و آله مربنا فوق و سلم ثم قال : ما لى ارى حب الدنيا قد غالب على كثير من الناس ؟ - الى ان قال : - طوبى لمن شغله خوف الله عزوجل عن خوف الناس ، طوبى لمن منعه عيبه عن عيوب المؤمنين من اخوانه.

**ترجمه:**

- 330 امام باقر علیه السلام فرمود: از جابر بن عبد الله انصاری شنیدم که می گفت : رسول خدا صلی الله علیه و آله بر ما گذر می کرد که ایستاد و سلام کرد و فرمود: چه شده است که می بینم دوستی دنیا بر بسیاری از مردم چیره شده است ؟ - تا آنجا که فرمود: - خوشابه حال کسی که بیم از خدا او را به خود مشغول ساخته و از مردم بیم و هراسی ندارد، خوشابه حال کسی که عیب خودش او را از عیب جویی برادران مومنش باز داشته است .

**حدیث:**

- 331 عن ابی جعفر علیه السلام قال : کفی بالمرء عیبا ان یتعریف من عیوب الناس ما یعمی عليه من امر نفسه او یعیب على الناس امرا هـ و فـ هـ لا یستطیع التحول عنه الى غيره او یوذی جلیسه بما لا یعنیه.

**ترجمه:**

- 331 امام باقر علیه السلام فرمود: همین عیب برای شخص کافی است که از عیوب مردم عیبی را تشخیص دهد که در مورد خودش آن عیب بر او پوشیده مانده) و تشخیص نمی دهد که این عیب در خود او نیز وجود دارد) یا اینکه عیب را بر مردم بگیرد که در خود او آن عیب هست و او توانایی بازگشتن از آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان یا کارهای بیهوده آزار دهد.

حدیث:

- 332 عن ابی ذر عن رسول الله صلی الله علیه و آله فی حدیث قال ن قلت : يا رسول الله اوصنی قال : اوصیک بتقوی الله فانه راس الامر کله قلت : زدنی قال : عليك بتلاوه القرآن و ذكر الله کنیرا قلت ، زدنی قال : عليك بطول الصمت قلت : زدنی قال : ایاک و کنتره الصحک قلت : زدنی قال : عليك بحب المساکین و مجالستهم قلت : زدنی قال : قل للحق و ان کان مرا قلت : زدنی قال : لاتخف فی الله لومه لائم قلت : زدنی قال : ليحجزك عن الناس ما تعلم من نفسك و لاتجد عليهم فيما تاتی مثله ثم قال : کفی بالمراء عیبا ان یکون فیه ثلات خصال : یعرف من الناس ما یجهل من نفسه و یستحیی لهم مما هو فیه و یدڑی جلیسه فيما لا یعنيه ثم قال : يا ابا ذر لا عقل كالتدبیر و لا ورع كالکلف و لا حسب كحسن الخلق.

ترجمه:

- 332 ابوذر گوید: به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کردم: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما. حضرت فرمود: تو را به رعایت تقوای الهی سفارش می کنم زیرا تقوی سر همه کارها(ی شایسته) است، عرض کردم: بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به تلاوت قرآن و زیاد به یاد خدا بودن، عرض کردم: بیش از این بفرما. فرمود: بر تو باد به سکوت طولانی. عرض کردم: بیش از این بفرما. فرمود: در راه خدا از سرزنش هیچ سرزنشگری باشد. عرض کردم: بیش از این بفرما. فرمود: باشد آن عیبی که از خود سراغ هراس نداشته باش. عرض کردم: بیش از این بفرما. فرمود: باید آن عیبی که از خود سراغ داری تو را از عیجوبی مردم باز دارد، زیرا در آنچه که مثل آن را خود انجام می دهی حجتی بر علیه مردم نمی یابی. سپس فرمود: برای عیباتک بودن مرد کافی است که در او سه خصلت باشد: یکی اینکه عیبی را از مردم بداند در حالی که (آن عیب در خود او وجود دارد و او) از آن عیب در خود جا هل است و دیگر اینکه از مردم شرم کردن درباره چیزی را درخواست کند که آن چیز در خود او نیز هست و دیگر اینکه همنشین خود را در چیزهای بیهوده آزار دهد. سپس فرمود: ای ابوذر! هیچ عقلی همچون عاقبت اندیشی نیست و هیچ پرهیزکاری ای همچون دست کشیدن (از گناه ( نیست و هیچ اصل و تیاری مانند خوش خلقی نیست .

حدیث:

- 333 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان موسی علیه السلام لما اراد ان

يفارق الخضر قال : اوصنى فكان فيما اوصاه ان قال له : اياك و اللجاجه و ان تمشى فى غير حاجه و ان تضحك من غير عجب و اذكر خطيبتك و اياك و خطايا الناس.

ترجمه:

- 333 امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی که حضرت موسی عليه السلام می خواست از حضرت خضر عليه السلام جدا شود گفت : مرا سفارشی فرما. حضرت خضر عليه السلام در ضمن توصیه هایش فرمود: از سرسختی و خیره سری بر حذر باش و از اینکه بدون نیاز و حاجتی به دنبال چیزی روی حذر کن و از اینکه بدون تعجب بخندی پرهیز کن و گناهت را یاد کن و از اینکه گناهان مردم را یاد آور شوی بر حذر باش .

حدیث:

- 334 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال في النهي عن عيب الناس : و انما ينبغي لاهل العصمه والمصنوع اليهم في السلامه ان يرحموا اهل الذنوب والمعصيه ويكون الشكر هو الغالب عليهم والحاجز لهم عنهم فكيف بالعائب الذي عاب اخاه و غيره ببلواه ؟! اما ذكر موضع ستر الله عليه من ذنبه ما هو اعظم من الذنب الذي عاب به ؟ فكيف يذمه بذنب قد ركب مثله ؟ فان لم يكن ركب ذلك الذنب بعينه فقد عصى الله فيما سواه مما هو اعظم منه و ايام الله لو لم يكن عصاه في الكبير لقد عصاه في الصغير و لجراته على عيب الناس اكبر يا عبدالله لاتتعجل في عيب عبد بذنبه فلعله مغفور له و لا تامن على نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكفف من علم منكم نفسك صغير معصيه فلعلك تعذب عليه فليكفف من علم منكم عيب غيره لما يعلم من عيب نفسه و ليكن الشكر شاغلا له على معافاته مما ابتلى به غيره.

ترجمه:

- 334 اميرالمؤمنين عليه السلام درباره نهی نمودن از عیبجویی مردمان فرموده است : بر کسانی که خود نگهدار و پاکند و سلامت از گناه به آنان بخشیده شده است سزاوار است که به حال گناهکاران و نافرمانان رحمنش آید و شکرگزاری) نعمت سلامت از گناه ( بر آنان چیره و مسلط باشد و این شکرگزاری آنان را از بیان عیب مردم باز دارد، پس چگونه است حال آن عیبجویی که از برادر خود عیب گیرد و او را بر گرفتاری اش سرزنش کند؟ آیا این شخص عیبجو به یاد نمی آورد آن جایی را که خداوند گناهانی از او را پوشاند که به مراتب بزرگتر از گناهی بودند که او اکنون بر آن از برادر خود خرد گیری می کند؟ پس چگونه برادرش را به گناهی سرزنش می کند که خود همانند آن را مرتكب شده است ؟ اگر هم عین آن را مرتكب نشده خداوند را در بزرگتر و بدتر از آن نافرمانی نموده ، و سوگند به خدا که اگر هم این شخص مرتكب گناه بزرگ نشده حتما گناه کوچک انجام داده است و این جراتی که در عیب گیری از مردم به خرج داده خود از هر گناهی بزرگتر است . ای بنده خدا! در عیبجویی از بندہ ای که مرتكب گناهی شده شتاب مکن شاید گناه او بخشیده شود و بر نفس خویش ایمن

مباش که گناه کوچکی انجام داده ای شاید بر همان گناه عذاب شوی . پس هر کس از شما به عیب دیگری آگاهی یافت باید از عیبجویی او خودداری کند زیرا به عیب خود نیز آگاه است . و باید شکرگزاری بر پاک بودنیش از گناهی که دیگری مرتکب آن است او را از پی گیری گناه دیگران به خود مشغول دارد .

حدیث:

- 335 و قال عليه السلام : من نظر فی عیب نفسه اشتغل عن عیب غیره و من رضی رزق الله لم يحزن على ماقاته - الى ان قال - و من نظر فی عیوب الناس ثم رضيها لنفسه فذلك الاحمق بعينه.

ترجمه:

- 335 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که در عیب خویش اندیشه کند از عیب جویی دیگران باز می ماند و کسی که به روزی خداوند خوشنود باشد بر آنچه که از دست داده است غمگین نمی شود - تا آنجا که فرمود: - و کسی که در عیب های مردمان بنگرد سپس آن عیوب را برای خویش بیسند چنین کسی نادان واقعی است .

حدیث:

- 336 و قال عليه السلام : اکبر العیب ان تعیب ما فیک مثله.

ترجمه:

- 336 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بزرگترین عیب آن است که آنچه را که مانند آن در خود توست عیب بشمری .

حدیث:

- 337 عن محمد بن اسماعيل عن بعض رجاله قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اذا رأيتم العبد متყضا لذنوب الناس ناسيها لذنبه فاعلموا انه قد مكر به.

ترجمه:

- 337 محمد بن اسماعيل از یکی از مردانش نقل می کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرماید: هرگاه دیدید که بنده ای گناهان مردمان را جستجو می کند و گناهان خویش را فراموش کرده است بدانید که او فریب خورده و مورد مکر (شیطان) واقع شده است .

حدیث:

- 338 قال رسول الله صلى الله عليه و آله : كان بالمدینه اقوام لهم عیوب فسكتوا عن عیوب الناس فاسكت الله عن عیوبهم الناس فماتوا و لا عیوب لهم عند الناس و كان بالمدینه اقوام لا عیوب لهم فتكلموا في عیوب الناس فاظهر الله لهم عیوبا لم يزالوا يعرفون بها الى ان ماتوا.

ترجمه:

- 338 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در شهر گروهی بودند که عیوبی داشتند اما از

بیان عیوب دیگران ساکت ماندند خداوند نیز مردم را از بیان عیوب آنها ساکت کرد پس آنان مردند در حالی که در نزد مردم عیبی برای ایشان وجود نداشت و در شهر گروهی بودند که عیبی نداشتند اما در مورد عیوب مردم سخن می گفتند خداوند نیز برای آنان عیبهایی ظاهر ساخت که پیوسته تا زمانی که مردند به آن عیبها شناخته می شدند .

حدیث:

- 339 عن ابی عبیده الحذاء قال سمعت ابا جعفر محمد به علی الباقر علیه السلام يقول :  
قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اسرع الخیر ثوابا البر و ان اسرع الشر عقابا البغى و  
کفى بالمرء عیبا ان ییصر من الناس ما یعمی عنه من نفسه و ان یعیر الناس بما لا یستطيع  
ترکه و ان یوذی حلیسه بما لا یعنیه.

ترجمه:

- 339 ابی عبیده حذا گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که می فرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خیری که ثوابش سریعتر از هر خیر دیگری به آدمی می رسد  
نیکی کردن است و شری که کیفرش سریعتر از هر شر دیگری نصیب آدمی می شود ستم  
نمودن است و برای عیناک بودن مرد همین بس که در مردم عیبی را ببیند که از دیدن آن  
عیب در وجود خود نابینا است و مردم را به عیبی سرزنش کند که خود توان ترك آن را ندارد و  
همنشین خود را به خاطر چیزی پوچ و بیهوده آزار دهد .

- 37 باب وجوب العدل

- 37 باب وجوب عدالت

حدیث:

- 340 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اتقوا الله و اعدلوا فانکم تعیبون علی قوم لا یعدلون.  
ترجمه:

- 340 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: از خدا بترسید و عدالت را پیشه خود  
سازید زیرا شما خود بر قومی که عدالت نمی ورزند خرده گیری می کنید.

حدیث:

- 341 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلى من الماء یصيبه الظمان ، ما اوسع  
العدل اذا عدل فيه و ان قل.

ترجمه:

- 341 امام صادق علیه السلام فرمود: عدل از آب گوارایی که تشنه به آن برخورد می کند  
شیرین تر است ، چه فراخ و گستردہ است عدالت زمانی که جانب انصاف و تعادل در آن  
رعایت شود اگرچه کم باشد .

حدیث:

- 342 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : العدل احلى من الشهد و الین من الزید و اطیب

ريحا من المسك.

ترجمه:

امام صادق عليه السلام فرمود: عدل شيرين تر از عسل و نرم تر از کف و خوشبوتر از مشک است.

حديث:

- 343 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان الله جعل لمن جعل له سلطانا اجلأ و مده من لیال و ایام و سنین و شهور فان عدلوا فی الناس امر الله صاحب الفلك ان ییطی بادارته فطالت ایامهم و لیاليهم و سنینهم و شهورهم و ان جاروا فی الناس فلم یعدلوا امر الله صاحب الفلك فاسرع بادارته فقصرت لیاليهم و ایامهم و سنینهم و شهورهم و قد وفی الله عزوجل بعدد اللیالی و الشهور.

ترجمه:

- 343 امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که خداوند برای کسی که به او سلطنتی بخشیده است سرآمد و مدت معینی از شبها و روزها و سالها و ماههای آنان طولانی شود. و اگر به اگر آنان در بین مردم به عدل رفتار کنند خداوند به فرشته ای که گرداننده روزگار است دستور می دهد که کندتر بگرداند تا روزها و شبها و سالها و ماههای آنان طولانی شود. و اگر به مردم ستم کنند و به عدالت رفتار نکنند خداوند آن فرشته اش را امر می کند که در گرداندن شتاب کند پس شبها و روزها و سالها و ماههایشان کوتاه می شود و خداوند عزوجل آن شبها و ماههایی را که برای آنان مقدر فرموده به اتمام می رساند .

حديث:

- 344 عن ابی عبداللہ الصادق علیه السلام قال : ثلاثة هم اقرب الخلق الى الله عزوجل يوم القيمة حتى يفرغ من الحساب رجل لم تدعه قدرته في حال غضبه الى ان یحیف على من تحت يديه و رجل مشی بين اثنين فلم یمل مع احدهما على الاخر بشعيره و رجل قال الحق فيما عليه.

ترجمه:

- 344 امام صادق عليه السلام فرمود: سه کس هستند که در روز قیامت تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ شود نزدیکترین کسان به خداوند اند: یکی کسی که قدرت و توانایی اش در حال خشم او را به سوی ستم کردن به زیرستان فرا نخوانده است و دیگری کسی که (برای اصلاح و حکم کردن ) بین دو نفر رفت و آمد کند ولی حتی به اندازه یک دانه جو به یکی از آنها بر علیه دیگری تمایل پیدا نکند و دیگری کسی که در جایی که به ضرر اوست حق را بر زبان آورد.

- 38 باب انه لايجوز لمن وصف عدلا ان يخالفه الى غيره

- 38 باب بر کسی که درستی را می ستاید جایز نیست که در مورد دیگری خلاف آن را عمل

کند

حدیث:

- 345 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان من اعظم الناس حسره یوم القيامه من وصف عدلا ثم خالقه الى غيره.

ترجمه:

- 345 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که حسرتش از دیگران بیشتر است کسی است که راستی و درستی ای را ستدده است ولی درباره دیگری خلاف آن را عمل نموده است .

حدیث:

- 346 عن ابی عبداللہ قال : ان اشد الناس حسره یوم القيامه من وصف عدلا ثم عمل بغیره.

ترجمه:

- 346 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت حسرت کسی از همه بیشتر است که درستی ای را ستدده است اما در عمل خلاف آن را به کار بسته است

حدیث:

- 347 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان من اشد الناس عذابا یوم القيامه من وصف عدلا و عمل بغیره.

ترجمه:

- 347 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: همانا در روز قیامت یکی از کسانی که عذابش از دیگران سخت تر است کسی است که درستی و عدالتی را ستدده است اما به غیر آن عمل کرده است .

حدیث:

- 348 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : فی قول اللہ عزوجل) فکبکبوا فيها هم و الغاوون ( فقال يا ابابصیر هم قوم وصفوا عدلا بالستهم ثم خالفوه الى غيره.

ترجمه:

- 348 از امام صادق علیه السلام روایت است که درباره قول خدای عزوجل که می فرماید : (پس آنان و گمراهان به روی در دوزخ افکنده شوند<sup>(85)</sup> (فرمود: ای ابا بصیر! آنان گروهی هستند که عدل و راستی ای را به زبان می ستایند ولی به غیر آن عمل می کنند.

حدیث:

- 349 عن خیثمه قال قال لی جعفر علیه السلام : ابلغ شیعتنا انه لن ینال ما عند الله الا بعمل و ابلغ شیعتنا ان اعظم الناس حسره یوم القيامه من وصف عدلا ثم يخالفه الى غيره.

ترجمه:

- 349- خیثمه گوید: امام جعفر صادق علیه السلام به من فرمود : به شیعیان ما برسان که هرگز کسی به رضوان و خوشنودی که در نزد خداست نخواهد رسید مگر با عمل و به شیعیان ما برسان که در روز قیامت کسی که حسرتش از دیگران بیشتر است آن کس است که عدالت و درستی ای را ستوده است سپس به غیر آن عمل کرده است .

- 39- باب وجوب اصلاح النفس عند ميلها الى الشر

- 39- باب وجوب اصلاح نمودن نفس در زمانی که به شر میل پیدا می کند  
حديث:

- 350- عن ابی خدیجه قال دخلت علی ابی الحسین علیه السلام فقال لی : ان الله تبارک و تعالى اید المؤمن بروح منه يحضره فی كل وقت يحسن فيه و يتقوى و يغیب عنه فی كل وقت يذنب فيه و يعتدى فھی معه تهتز سرورا عند احسانه تسیح فی الثرى عند اساءته فتعاهدوا عباد الله نعمه باصلاحکم انفسکم تزداد و ایقينا و تربحوا نفیسا ثمینا رحم الله امراهم بخیر فعمله او هم بشر فارتدع عنه - ثم قال : - نحن نزيد الروح بالطاعه لله و العمل له .

ترجمه:

- 350- ابی خدیجه گوید: بر امام رضا علیه السلام وارد شدم حضرت به من فرمود: خداوند تبارک و تعالی مومن را با روحی از خود تقویت و پشتیبانی می کند و این روح الهی در هر زمانی که مومن نیکی می کند و تقوا را رعایت می نماید در نزد او حاضر است و زمانی که گناه کند و از حق تجاوز کند آن روح الهی غایت می شود پس آن روح الهی همراه با مومن است و در هنگام نیکو کاری مومن به نشاط در می آید و در هنگام بدی نمودنش به زمین می رود پس ای بندگان خدا با اصلاح نمودن خود نعمتهاي خداوند را محافظت کنید تا بر باورتان افزوده شود و بر سود زیادی عایدتان شود خداوند رحمت کند مردی را که قصد خیر کند و آن را به جای آورد یا اینکه (اگر) قصد عمل بدی نمود از انجام آن خودداری کند .

- سپس فرمود: - ما با فرمانبرداری از خداوند و عمل برای او بر این روح الهی می افزاییم .

حديث:

- 351- قال ابوعبدالله علیه السلام : اقصر نفسك عما يضرها من قبل ان تفارقك و اسع في فکاكها كما تسعى في طلب معيشتك فان نفسك رهينة بعملك.

ترجمه:

- 351- امام صادق علیه السلام فرمود: نفس خود را پیش از آنکه از تو جدا شود از هر آنچه که به آن ضرر می رساند باز نگاهدار و همچنانکه در طلب روزی ات کوشش می کنی در رهایی و خلاص نمودن نفست بکوش زیرا نفس تو در گرو عمل و کردار توست .

حديث:

- 352- عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : كانت الفقهاء و العلماء اذا كتب بعضهم الى بعض كتبوا بثلاث ليس معهن رابعه من كانت همتة آخرته كفاه الله

همه من الدنيا و من اصلاح سريرته اصلاح الله علانيته و من اصلاح ما بينه و بين الله اصلاح الله ما بينه و بين الناس.

ترجمه:

- 352 امام صادق عليه السلام فرمود: اميرالمؤمنین فرموده است : دانشمندان و عالمان چنین بودند که هرگاه برای یکدیگر نامه می نوشتند سه جمله می نوشتند که چهارمی نداشت (و سخنانشان از این سه جمله تجاوز نمی کرد): ۱ - کسی که همت و تلاشش در امر آخرتش باشد خداوند دنیا اور را کفایت می کند.

- ۲ کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد کرد.

- ۳ کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد نمود.

حدیث:

- 353 عن اميرالمؤمنین عليه السلام انه قال : من اصلاح ما بينه و بين الله اصلاح الله ما بينه و بين الناس و من اصلاح امرا آخرته اصلاح الله له دنیاه.

ترجمه:

- 353 اميرالمؤمنین عليه السلام فرمود: هر کس بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد و کسی که امر آخرتش را اصلاح کند خداوند امر دنیایش را برایش به سامان می رساند .

حدیث:

- 354 و قال عليه السلام : من اصلاح سريرته اصلاح الله علانيته و من عمل لدینه کفاه الله دنیاه و من احسن فيما بينه و بين الله کفاه الله ما بينه و بين الناس.

ترجمه:

- 354 اميرالمؤمنین عليه السلام فرمود: کسی که درون خویش را اصلاح کند خداوند ظاهرش را اصلاح خواهد کرد و کسی که برای دینش کار کند خداوند دنیایش را کفایت می کند و کسی که بین خود و خدایش را نیکو کند خداوند خود بین او و مردم را کفایت می کند.

حدیث:

- 355 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن على عليه السلام قال : من اصلاح فيما بينه و بين الله اصلاح الله ما بينه و بين الناس.

ترجمه:

- 355 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش ، از على عليه السلام روایت فرمود: کسی که بین خود و خدایش را اصلاح کند خداوند بین او و مردم را اصلاح خواهد کرد .

- 40 باب وجوب اجتناب الخطايا و الذنوب

- 40 باب وجوب دوری نمودن از لغزشها و گناهان

حدیث:

- 356 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : اما انه لیس من عرق یضرب و لا نکبه و لاصداع و لا مرض الا بذنب و ذلك قول الله عزوجل فی کتابه : (و ما اصابکم من مصیبه فبما کسبت ایدیکم و یعفوا عن کثیر) قال : ثم قال : و ما یعفو الله اکثر مما یواخذ به .

ترجمه:

- 356 امام صادق علیه السلام فرمود: آگاه باشید که هیچ رگی نمی زند و هیچ مصیبت و سر درد و مرضی پیش نمی آید مگر به خاطر گناهی و این است معنای گفتار خداوند عزوجل در کتابش که فرمود: (مصیبته که به شما رسیده است به سبب چیزی است که دستهایتان کسب نموده و خداوند از بسیاری) از خطاهای شما) در می گزرد<sup>(86)</sup> (سپس حضرت فرمود: آنچه که خداوند از آن در می گزرد بیشتر است از آنچه که به سبب آن مردمان را مواخذه می کند.

حدیث:

- 357 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی قول الله عزوجل : (فما اصبرهم على النار) فقال : ما اصبرهم على فعل ما یعلمون انه یصیرهم الى النار.

ترجمه:

- 357 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) (پس چه چیز آنها را بر آتش شکیبا کرد<sup>(87)</sup> (فرمود: یعنی چه چیز آنها را بر انجام کاری که می دانند آنها را به سوی آتش می برد شکیبا کرد؟!

حدیث:

- 358 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الذنوب كلها شديدة و اشدتها ما نبت عليه اللحم و الدم لانه اما مرحوم و اما معذب و الجنه لا يدخلها الا طيب.

ترجمه:

- 358 امام باقر علیه السلام فرمود: همه گناهان سخت اند و سخت ترین آنها گناهی است که (در طول انجام آن ) گوشت و خون بر اساس آن بر بدن شخص روییده باشد زیرا گناهکار یا مورد رحمت حق قرار می گیرد و یا عذاب می شود و بهشت جایگاهی است که تنها کسی که پاکیزه است به آن داخل می گردد.

حدیث:

- 359 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان العبد ليحبس على ذنب من ذنوبه مائه عام و انه لينظر الى ازواجه فی الجنه يتنعمون.

ترجمه:

- 359 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که بنده به خاطر گناهی از گناهانش یکصد سال محبوس و زندانی می شود و او از درون زندان خود به همسرانی که در بهشت برای او وجود دارند می نگرد که چگونه آنان

مشغول تنعم و بهره بردن هستند .

حدیث:

- 360 عن ابی الحسن علیه السلام قال : قال امیر المؤمنین علیه السلام : لاتبدین عن واضحه و قد عملت الاعمال الفاضحه و لا تامن الپیات و قد عملت السیئات.

ترجمه:

- 360 امام رضا علیه السلام فرمود: امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: در حالی که اعمال ننگین و رسوا کننده ای را به جای آورده ای دندانات را به خنده آشکار مکن و زمانی که مرتک بدیها شده ای از عذاب شبانگاهی ایمن مباش.

حدیث:

- 361 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من نکبه تصيب العبد الا بذنب و ما يعفو الله اکثر.

ترجمه:

- 361 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ مصیبتنی به بنده نمی رسد مگر به خاطر گناهی ، و آنچه خدا از آن در می گذرد بیشتر است .

حدیث:

- 362 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : كان ابی علیه السلام يقول ما من شیء افسد للقلب من خطیئه ان القلب لیواقع الخطیئه فما تزال به حتى تغلب عليه فیصیر اعلاه اسفله.

ترجمه:

- 362 امام صادق علیه السلام فرمود: پدرم می فرمود: هیچ چیزی مانند گناه قلب را تباہ نمی کند زیرا قلب پیوسته به گناه تن در می دهد تا جایی که گناه بر قلب چیره و غالب می شود و قلب را دگرگون می سازد.

حدیث:

- 363 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان العبد ليذنب الذنب فيزوى عنه الرزق.

ترجمه:

- 363 امام باقر علیه السلام فرمود: به راستی که بنده گناه می کند پس در نتیجه ، رزق و روزی او از او دور می شود و کناره می گیرد.

حدیث:

- 364 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الذنب يحرم العبد الرزق.

ترجمه:

- 364 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که گناه باعث محروم شدن بنده از روزی می شود.

حدیث:

- 365 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل ليذنب الذنب فيدرأ عنه الرزق و تلا هذه

الايه (اذ اقسموا ليصرمنها مصبنين و لا يستثنون فطااف عليها طائف من ربک و هم نائمون).

ترجمه:

- 365 امام باقر عليه السلام فرمود: همانا مرد گناه می کند در نتيجه رزق و روزی از او دور می شود، و سپس این آیه را تلاوت فرمود) (آنگاه که سوگند یاد نمودند که آن باغ را صحگاهان می بريم و ان شاء الله نگفتند پس در حالی که ايشان در خواب بودند طواف کننده ای از جانب پروردگارت بر آن باغ طواف نمود (و آن را نایبود ساخت<sup>(88)</sup>)

حديث:

- 366 عن ابی بصیر قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : اذا اذنب الرجل خرج فى قلبه نكته سوداء فان تاب انمحى و ان زاد زادت حتى تغلب على قلبه فلا يفلح بعدها ابدا.

ترجمه:

- 366 ابی بصیر گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه مرد مرتکب گناهی شود در قلب او نقطه سیاهی ظاهر می شود پس اگر توبه نمود آن سیاهی محو می شود ولی اگر بر گناهش افزود بر آن سیاهی نیز افزوده می شود تا جایی که سیاهی بر قلیش چیره می گردد پس بعد از آن هرگز به رستگاری نمی رسد .

حديث:

- 367 عن ابی جعفر عليه السلام قال : ان العبد يسأل الله الحاجة فيكون من شأنه قضاوها الى اجل قريب او الى وقت بطيء فيذنب العبد ذنبها فيقول الله تبارك و تعالى للملك : لاتقض حاجته و احرمه فإنه تعرض لسخطي و استوجب الحرمان مني.

ترجمه:

- 367 امام باقر عليه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد (بنده ای از خداوند حاجتی را در خواست می کند و (در آن مورد) قصد خداوند این است که تا زمانی نزدیک یا تا درنگی اندک حاجت او را برآورده سازد پس در این فاصله آن بنده مرتکب گناهی می شود پس خداوند تبارک و تعالی به فرشته خود می فرماید: حاجتش را برآورده مساز و او را محروم گردان زیرا او (با گناه خویش ) خود را در معرض خشم من قرار داد و مستوجب بی بهرگی از رحمت من گشت .

حديث:

- 368 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ان الرجل يذنب الذنب فيحرم صلاة الليل و ان العمل السبی اسرع في صاحبه من السكین في اللحم.

ترجمه:

- 368 امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که مرد مرتکب گناهی می شود و در نتيجه از (انجام نماز شب محروم می ماند و حقا که کردار زشت از چاقویی که در آن گوشت فرو می رود سریعتر در صاحب خود اثر می گذارد.

حدیث:

- 369 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من هم بالسیئه فلان یعملها فانه ربما عمل العبد السیئه فیراه رب تبارک و تعالی و تعالی فیقول : و عزتی و جلالی لا اغفر لك بعد ذلك ابدا.

ترجمه:

- 369 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس قصد نمود که کار بدی انجام دهد (از قصد خود برگردد و) و چنین نکند زیرا چه بسا که بنده ای مرتکب کار بدی می گردد پس پروردگار تبارک و تعالی به او می نگرد و می فرماید: سوگند به عزت و بزرگی ام که پس از این هرگز تو را نمی بخشمایم .

حدیث:

- 370 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ما من عبد الا و فی قلبه نکته بیضاء فإذا اذنب دنيا خرج فی النکته سوداء فان ثاب ذهب ذلك السواد و ان تمادی فی الذنوب زاد ذلك السواد حتى يغطی البياض فإذا غطی البياض لم يرجع صاحبه الى خير ابدا و هو قول الله عزوجل : (بل ران على قلوبهم ما كانوا يکسبون).

ترجمه:

- 370 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در قلب او نقطه ای سفید است پس هرگاه مرتکب گناهی شود در درون آن نقطه سفید نقطه ای سیاه نمایان شود پس اگر توبه نمود آن نقطه سیاه از بین می رود ولی اگر) ادامه داد و) گناهانش به درازا کشید آن سیاهی افزوده می شود تا جایی که تمام سفیدی را می پوشاند پس هرگاه سیاهی روی سفیدی را پوشاند دیگر آن گناهکار هرگز به سوی خیر باز نمی گردد و این معنای گفتار خداوند عزوجل است که می فرمایند) (بلکه آنچه را که کسب می کردند زنگاری بر دلهاشان می شد<sup>(89)</sup>)

حدیث:

- 371 عن ابی عمرو المدائی عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : سمعته يقول : كان ابی يقول : إن الله قضى قضاء حتما لا ينعم على العبد بنعمه فيسلبها اياه حتى يحدث العبد ذنبها يستحق بذلك النقمه.

ترجمه:

- 371 ابی عمر مدائی از امام صادق علیه السلام روایت کند که فرمود: پدرم امام باقر علیه السلام می فرمود: به راستی که خداوند حکم و قضای حتمی اش بر این قرار گرفته که نعمتی را به بنده ای نبخشد و سپس آن را از او بگیرد (بلکه اگر نعمتی را به او بخشد آن را از او سلب نمی کند) مگر اینکه آن بنده گناهی کند و در نتیجه سزاوار خشم الهی گردد (پس در واقع خود بنده با گناهش نعمت را از خود سلب می کند).

حدیث:

- 372 عن سمعاء قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما انعم الله على عبد نعمه فسلبها اياه حتى يذنب ذنبها يستحق بذلك السلب.

ترجمه:

- 372 سمعاء گويد: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند نعمتی را به بنده اش نمی بخشد که آن را از او بگیرد مگر اینکه مرتكب گناهی شود و به سبب آن سزاوار سلب نعمت گردد.

حديث:

- 373 عن ابى عبدالله عليه السلام انه قال : ان احدكم ليكثر الخوف من السلطان و ما ذلك الا بالذنوب فتوقوها ما استطعتم و لا تمادوا فيها.

ترجمه:

- 373 امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که کسی از شما بسیار از سلطان می ترسد و این ترسیش فقط به خاطر گناهان است پس ، از گناهان تا می توانید پرهیز کنید و در گناهان فرو نمانید.

حديث:

- 374 قال اميرالمؤمنين عليه السلام : ل الواقع اوجع للقلوب من الذنوب و لا خوف اشد من الموت و كفى بما سلف تفكرا و كفى بالموت و اعظا.

ترجمه:

- 374 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: هیچ دردی برای دلها دردناکتر از گناهان نیست و هیچ ترسی سخت تر از مرگ نیست و آنچه که سپری گشته است برای اندیشیدن کافی است و مرگ به عنوان اندرز دهنده کفایت می کند .

حديث:

- 375 عن العباس بن هلال الشامي قال سمعت الرضا عليه السلام يقول : كلما احدث العباد من الذنوب ما لم يكونوا يعملون احدث لهم من البلاء ما لم يكونوا يعرفون.

ترجمه:

- 375 عباس بن هلال شامي گويد: از امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه بندگان گناهانی را انجام دهنند که پیش از آن مرتكب چنین گناهانی نمی شدند بلاهایی برای آنها پیش می آید که پیش از آن چنین بلاهایی را سراغ نداشتند.

حديث:

- 376 قال رسول الله صلی الله عليه و آلـه : من اذنب ذنبـا و هو ضاحـك دخل النار و هو باـك.

ترجمه:

- 376 رسول خدا صلی الله عليه و آلـه فرمود: هر کس مرتكب گناهی شود در حالی که خندان است (در روز قیامت ) با چشم گریان به آتش دوزخ در افتاد .

حدیث:

- 377 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : يا مفضل ایاک و الذنوب و حذرها شیعتنا فو الله ما هی الى احد اسرع منها اليکم ان احدهم لتصیبه المعره من السلطان و ما ذاك الا بذنوبه و انه لیصیبه السقم و ما ذلك الا بذنوبه و انه لیحبس عنه الرزق و ما هو الا بذنوبه و انه لیشدد عليه عند الموت و ما ذاك الا بذنوبه حتى يقول من حضره لقد غم بالموت - فلما رأى ما قد دخلني قال : - اتدرى لم ذاك ؟ قلت : لا. قال ذاك و الله انکم لا تواخذون بها في الآخرة و عجلت لكم في الدنيا.

ترجمه:

- 377 امام صادق علیه السلام فرمود: ای مفضل ! از گناهان بپرهیز و شیعیان ما را نیز از گناهان بر حذر دار. سوگند به خدا که گناهان به سوی هیچ کس با شتاب تر از آنکه به سوی شما می آیند نمی روند، همانا کسی از شما را از ناحیه سلطان رنج سختی می رسد و این نیست مگر به خاطر گناهانش و کسی از شما دچار بیماری می شود و این نیست مگر به دلیل گناهانش و کسی از شما هنگام مرگ دچار فشار زیاد می شود تا آنجا که کسی که در نزد او حاضر است می گوید: او به خاطر مرگ دلتنه و غمگین شده است و این نیست مگر به خاطر گناهانش . روای گوید: در اینجا من از سخنان حضرت به فکر فرو رفتم که چرا باید شیعیان به چنین بلاهایی دچار شوند؟ و حضرت چون مرا به این حال دید فرمود: آیا می دانی که چرا چنین است ؟ عرض کردم : خیر. حضرت فرمود: سوگند به خدا که این به خاطر آن است که شما به سبب گناهاتان در آخرت مورد مواخذة قرار نگیرید و در عقوبت و کیفرتان در این دنیا تعجیل شده است (تا پاک به آن دنیا کوچ کنید ).

- 41 باب وجوب اجتناب المعاصی

- 41 باب وجوب خودداری نمودن از گناهان

حدیث:

- 378 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : تعوذوا بالله من سطوات الله بالليل و النهار قلت : و ما سطوات الله ؟ قال : الالذ على المعاصي.

ترجمه:

- 378 امام صادق علیه السلام فرمود: از سخت گرفتن ها و چیره گشتن های خداوند در شبانه روز به خدا پناه ببرید. روای گوید: عرض کردم : سخت گرفتن های خداوند چیست ؟ حضرت فرمود: گرفتن بندگان بر نافرمانی هایشان .

حدیث:

- 379 عن ابی الحسن علیه السلام قال : حق على الله ان لا يعصى في دار الا اضحاها للشمس حتى تظهرها.

ترجمه:

- 379 امام رضا علیه السلام فرمود: بر خداوند سزاوار است که در هیچ خانه ای نافرمانی اش نشود جز اینکه درون آن خانه را برای خورشید نمایان کند) یعنی سقف آن خانه را بردارد تا خورشید به درون آن بتابد) تا خورشید آن خانه را پاک سازد.

حدیث:

- 380 عن الهیثم بن واقد الجزری قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ان الله عزوجل بعث نبیا من انبیائے الی قومه و اوحی اليه ان قل لقومك : انه ليس من اهل قریه و لناس كانوا علی طاعتی فاصابهم فيها ضراء فتحولوا عما احب الی ما اکره الا تحولت لهم عما يحبون الی ما يكرهون و ليس من اهل قریه و لا اهل بیت كانوا علی معصیتی فاصابهم فيها ضراء فتحولوا عما اکراه الی ما احب الا تحولت لهم عما يكرهون الى ما يحبون و قل لهم : ان رحمتی سبقت غضبی فلا تقنطوا من رحمتی فانه لا يتعاطم عندي ذنب اغفره و قل لهم : لا ينعرضوا معاندين لسخطی و لا يستخفوا باوليائی فان لی سطوات عند غضبی لا يقوم لها شیء من خلقی.

ترجمه:

- 380 هیثم بن واقد جزری گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: خداوند عزوجل پیامبری از پیامبرانش را به سوی قومش مبعوث ساخت و به او وحی فرستاد که به قومت بگو: هیچ اهل قریه ای و هیچ مردمی نبودند که بر طاعت و فرمانبرداری من باشند پس در آن حال به آنان خوشی و شادمانی برسد و آنان از آنچه که مورد پسند من است به سوی آنچه که در نظر من ناپسند است برگردند چز اینکه من نیز از آنچه که آنان دوست می دارند به سوی آنچه که ناپسند می شمرند باز می گردم و هیچ اهل قریه ای و هیچ اهل خانه ای نبودند که بر نافرمانی من باشند پس در آن حال به آنان ناخوشی برسد و آنان از آنچه که ناپسند من است به سوی آنچه که مورد پسند من است باز گردند چز اینکه من نیز از آنچه که برای آنان خوشایند است به سوی آنچه که دوست می دارند باز می گردم . و به آنان بگو: رحمت من بر خشم من پیشی دارد بنایراین از رحمت من نومید نشوید زیرا گناهی که از آن چشم پوشی می کنم در نزد من بزرگ نیست و به آنان بگو: در مورد کسانی که با خشم من سرستیزه دارند پادرمیانی نکنند و دوستان مرا کوچک نشمرند زیرا در هنگام خشم من برای من قهر و غلبه ای است که هیچیک از مخلوقات من در برابر ان تاب ایستادگی ندارد.

حدیث:

- 381 عن الرضا علیه السلام قال : اوحی الله عزوجل الى نبیء من الانبياء: اذا اطعت رضیت و اذا رضیت بارکت و ليس لبرکتی نهاية و اذا عصیت غضبیت و اذا عصیت لعنت و لعنتی تبلغ

السابع من الورى.

ترجمه:

- 381 امام رضا عليه السلام فرمود: خداوند عزوجل به سوی یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که: هرگاه اطاعت شوم خوشنود می گردم و هرگاه خوشنود باشم برکت می بخشم و برای خیر و برکت من نهایت و پایانی نیست و هرگاه نافرمانیم شود خشمگین می گردم و هرگاه خشمگین شوم لعنت می فرستم و از رحمت خود دور می کنم و لعنت من تا هفت نسل را فرا می گیرد و به آنان می رسد.

حدیث:

- 382 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : يقول الله عزوجل اذا عصانی من يعرفني سلطت عليه من لا يعرفني.

ترجمه:

- 382 امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه کسی که مرا می شناسد نافرمانی ام کند کسی را که مرا نمی شناسد بر او مسلط می گردانم.

حدیث:

- 383 عن ابی الحسن عليه السلام قال : ان الله عزوجل فى كل يوم و ليله مناد يا ينادي مهلا مهلا عباد الله عن معاصى الله فلو لابهائم رتع و صبيه رضع و شيوخ ركع لصب عليكم العذاب صبا ترضون به رضا.

ترجمه:

- 383 امام صادق عليه السلام فرمود: به راستی که برای خداوند عزوجل در هر روز و شب ندا دهنده ای هست که ندا در می دهد: ای بندگان خدا دست نگه دارید و درنگ کنید از بجای آوردن معصیتهای الهی ، پس اگر چهارپایان چرنده و کودکان شیرخوار و پیران قد خمیده نبودند عذابی بر شما فرو می ریخت که به سبب آن کوبیده و ریزه ریزه می شدید.

حدیث:

- 384 محمد به علی بن الحسين عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله جل جلاله ایما عبد اطاعنی لم اكله الى غيری و ایما عبد عصانی و كلته الى نفسه ثم لم ابال فى ای واد هلك.

ترجمه:

- 384 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند جل و جلاله می فرمایند: هر بندۀ ای که از من فرمان برد او را به غیر خودم وا نمی گذارم و هر بندۀ ای که نافرمانی ام کند او را به خودش وا می گذارم سپس باکی ندارم که در کجا به هلاکت برسد.

حدیث:

- 385 و قال رسول الله صلى الله عليه و آله : قال الله عزوجل : اذا عصانی من خلقی من  
یعرفنی سلطت علیه من خلقی من لا یعرفنی.

ترجمه:

- 385 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل می فرماید: هرگاه کسی از  
مخلوقات من که مرا می شناسد نافرمانی ام کند من نیز از مخلوقات خود کسی را که مرا  
نمی شناسد بر او مسلط می گردانم .

حدیث:

- 386 عن ابن ابی عمیر عمن سمع ابا عبدالله الصادق علیه السلام يقول : ما احب الله من  
عصاه ، ثم تمثل:

تعصی الاله و انت تظاهر حبه  
هذا محال فی الفعال بدیع  
لو كان حبك صادقا لاطعته  
ان المحب لمن يحب مطیع

ترجمه:

- 386 ابن ابی عمیر از کسی که از حضرت صادق علیه السلام شنیده است روایت کند که  
حضرت فرمود: کسی که نافرمانی خدا را کند خداوند را دوست ندارد. سپس حضرت این شعر  
را مثال آورد:

خداوند را عصيان می کنی و دوستی اش را اظهار می  
کنی  
این کاری ناممکن و شگفت است  
اگر دوستی ات صادقانه است فرمانبرداری اش کن  
به راستی که محب فرمانبردار محبوب است

حدیث:

- 387 عن امیر المؤمنین علیه السلام انه قال : لو لم يتوعده الله على معصيته لكان يجب ان  
لا يعصى شکرا لنعمة.

ترجمه:

- 387 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: (حتی) اگر خداوند هم بر معصیتش وعید دوزخ را  
نداده بود باز هم به خاطر شکر نعمتها یا شکر نعمتی واجب بود که معصیت نشود.

**حدیث:**

- 388 و قال عليه السلام : من العصمه تuder المعاuchi.

**ترجمه:**

- 388 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: از (اسباب) پاکدامنی دشواری و محال گردیدن (انجام) گناهان است (زیرا اگر انجام گناهی دشوار یا محال گردید آدمی از آن گناه به دور می ماند و این خود سبب پاکی می گردد).

**حدیث:**

- 389 و قال عليه السلام فی بعض الاعیاد: انما هو عید لمن قبل الله صيامه و شكر قيامه و كل يوم تعصى الله فيه فهو يوم عيد.

**ترجمه:**

- 389 امیرالمؤمنین علیه السلام در یکی از عیدها فرمود: این روز برای کسی عید است که خداوند روزه اش را پذیرفته از نمازش تشکر به جای آورده است و هر روزی که در آن مرتكب معصیت خدا نشوی آن روز، روز عید است .

- 42 باب وجوب اجتناب الشهوات و اللذات المحرمة

- 42 باب وجوب خودداری کردن از شهوات و لذتهاي حرام

**حدیث:**

- 390 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الجنہ محفوظة بالمکاره و الصبر فمن صبر على المکاره فی الدنيا دخل الجنۃ و جهنم محفوظة باللذات و الشهوات فمن اعطی نفسه لذتها و شهوتها دخل النار.

**ترجمه:**

- 390 امام باقر علیه السلام فرمود: بهشت با سختی ها و صبر پوشیده است پس کسی که بر سختی های دنیا صبر کند به بهشت وارد می شود. و دوزخ با لذتها و شهوتها پوشیده است پس کسی که به نفس خود لذت و شهوت نفسانی را ببخشد به آتش داخل می گردد .

**حدیث:**

- 391 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام ترك الخطیئه ايسرا من طلب التوبه و کم من شهوه ساعه اورثت حزنا طویلا و الموت فضح الدنيا فلم یترك لذی لب فرحا.

**ترجمه:**

- 391 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترك گناه از طلب توبه آسانتر است و چه بسا ساعتی به شهوت گذراندن باعث اندوه طولانی شود، و مرگ ، دنیا را رسوا می کند و برای خردمند شادی نمی گذارد.

حدیث:

- 392 عن علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : طوبی لمن ترك شهوه حاضره لموعد لم يره.

ترجمه:

- 392 امیر المؤمنین علیه السلام روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خوشبا به حال کسی که میل نفسانی حاضر و آماده را به خاطر وعده ای که آن را ندیده است ترك کند .

- 43 باب وجوب اجتناب المحرقات من الذنوب

- 43 باب وجوب خودداری کردن از گناهانی که کوچک شمرده می شوند

حدیث:

- 393 قال ابو عبدالله علیه السلام : اتقوا المحرقات من الذنوب فانها لاتغفر قلت : و ما المحرقات ؟ قال : الرجل يذنب الذنب فيقول : طوبی لی ان لم يكن لی غير ذلك.

ترجمه:

- 393 امام صادق علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند بتفسید زیرا آنها بخشیده نمی شوند. روای گوید: عرض کردم : گناهان کوچک کدامند؟ حضرت فرمود: اینکه مرد گناهی کند و بگوید: خوش باشد اگر جز این گناهی دیگر نداشتم .

حدیث:

- 394 عن سماعه قال سمعت ابا الحسن علیه السلام يقول : لاستكثرو اكتير الخير و لاستقلوا قليل الذنوب فان قليل الذنوب يجتمع حتى يكون كثيرا و خافوا الله في السر حتى تعطوا من انفسكم النصف.

ترجمه:

- 394 سماعه گوید، از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: کارهای خیر زیاد را زیاد نشمرید و گناهان کم را کم ندانید زیرا گناهان کم جمع می شوند و زیاد می گردند و از خداوند در پنهانی بتفسید تا آنجا که خودتان درباره خود به انصاف رفتار کنید .

حدیث:

- 395 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان رسول الله صلی الله علیه و آله نزل بارض قرعاء ما بها من حطب فقال صلی الله علیه و آله : فليات كل انسان بما قدر عليه فجاءوا به حتى رموا بين يديه بعضه على بعض فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : هكذا تجتمع الذنوب ثم قال : اياكم و المحرقات من الذنوب فان لكل شئ طالبا الا و ان طالبها يكتب ما قدموا و اثارهم و كل شئ احصيئاه في امام مبين.

ترجمه:

- 395 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله (با ياران خود) در

زمین بی گیاه فرود آمدند، حضرت به یاران خود فرمود : مقداری هیزم بیاورید، عرض کردند: ای رسول خدا ما در مکانی بی گیاه هستیم و در اینجا هیزم نیست . حضرت فرمود: هر کدام از شما به اندازه ای که می توانید بیاورید، (چیزی نگذشته بود که ) هر کدام مقداری هیزم آوردن و در مقابل پیامبر روی هم ریختند. رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: گناهان نیز اینگونه جمع می شوند سپس فرمود: از گناهان کوچک حذر کنید زیرا هر چیز جوینده ای دارد و همانا جوینده گناهان (که فرشته است ) آنچه را که (مردم) پیش فرستاده اند و اثرهای آنها را می نویسد) و هر چیز را در پیشوایی آشکار فراهم کرده ایم<sup>(90)</sup> )

حدیث:

- 396 عن ابی جعفر علیه السلام قال : انقوا المحرقات من الذنوب فان لها طالبا: يقول احدكم : اذنب و استغفر ان الله عزوجل يقول : (و نكتب ما قدموا و آثارهم و كل شيء احصيـاـه في امام مـبـيـن ) و قال عزوجل : (انها ان تلك مـثـقـالـ حـبـهـ من خـرـدـلـ فـتـكـنـ فيـ صـخـرـهـ اوـ فيـ السـمـاـواتـ اوـ فيـ الـأـرـضـ يـاتـ بـهـ اللهـ انـ اللهـ لـطـيفـ خـبـيرـ.)

ترجمه:

- 396 امام باقر علیه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند پرهیز کنید زیرا آن گناهان (نیز) فرشته ای جوینده دارد، کسی از شما می گوید: گناه می کنم و (پس از آن) استغفار می کنم ، به راستی که خدای عزوجل می فرماید) : و ما آنچه را که پیش فرستاده اند و آثار آنها را می نویسیم و هر چیزی را در پیشوایی آشکار گرد آورده ایم<sup>(91)</sup> ( و می فرماید) : به درستی که اگر آن به اندازه دانه خردلی در دل سنگی بزرگ و یا در آسمانها یا در زمین باشد خداوند بیاردش همانا که خداوند باریک بین و آگاه است<sup>(92)</sup> )

حدیث:

- 397 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : قال اميرالمؤمنین علیه السلام : لا يصغر ما ينفع يوم القيمة ولا يصغر ما يضر يوم القيمة فكونوا فيما اخبركم الله عزوجل كمن عاين.

ترجمه:

- 397 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرموده است : چیزی که در روز قیامت سودمند است کوچک نیست و چیزی که در روز قیامت زیانبار است ناچیز نیست پس در آنچه که خداوند عزوجل به شما خبر داده است مانند کسی باشد که به چشم خود همه آنها را دیده است .

حدیث:

- 398 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : اشد الذنوب ما استهان به صاحبه.

ترجمه:

- 398 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهی است که انجام دهنده آن ، آن را ناچیز بشمرد.

حدیث:

- 399 و قال عليه السلام : اشد الذنوب ما استخف به صاحبه.

ترجمه:

- 399 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: سخت ترین گناهان گناهی است که انجام دهنده آن ، آن را سبک بشمارد .

حدیث:

- 400 عن الصادق علیه السلام عن آبائہ علیه السلام فی حدیث المناہی ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسالہ قال : لاتحقروا شيئاً من الشر و ان صغیر فی اعینکم و لا تستکثروا شيئاً من الخیر و ان كثیر فی اعینکم فانه لا كبير مع الاستغفار ولا صغیر مع الاصرار.

ترجمه:

- 400 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و آنان از رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ در حدیثی که از امور مورد نهی سخن به میان آمده است روایت کنند که رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: هیچ بدی و شری را اگر چه در نظر شما کوچک باشد کوچک نشمرید و هیچ خیری را اگر چه در چشم شما زیاد باشد زیاد مشمرید زیرا با وجود استغفار (دیگر گناه) بزرگ وجود ندارد و با اصرار و پافشاری (بر گناه دیگر گناه) کوچک نیست (زیرا با استغفار می توان از گناه بزرگ طلب آمرزش نمود و با اصرار بر گناه ، گناه کوچک تبدیل به گناه بزرگ می شود).

حدیث:

- 401 عن محمد بن علی علیه السلام انه قال لمحمد بن مسلم فی حدیث : لا تستصغرن حسنہ ان تعاملها فانک تراها حيث تسرک و لا تستصغرن سیئہ تعاملها فانک تراها حيث تسووک الحدیث.

ترجمه:

- 401 امام باقر علیه السلام در حدیثی به محمد بن مسلم فرمود: کار نیکی را که به جای می آوری کوچک مشمار زیرا کار نیک را در جایی می بینی که شادمانیت می کند و عمل زشتی را که انجام می دهی کوچک مشمار زیرا آن را در جایی می نگری که بد حالت می کند (مراد از آن جا صحنه قیامت است).

حدیث:

- 402 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من الذنوب التي لا تغفر قول الرجل ليتنى لا اواخذ الا بهذا.

ترجمه:

- 402 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از گناهانی که بخشیده نمی شود این است که کسی (گناهی کند و) بگوید: ای کاش تنها فقط به همین گناه مواخذه می شدم .

حدیث:

- 403 و قال عليه السلام : اياكم و محقرات الذنوب فان لها من الله طالبا و انها لتجتمع على المرء حتى تهلكه.

ترجمه:

- 403 امام باقر عليه السلام فرمود: از گناهانی که کوچک شمرده می شوند بپرهیزید زیرا آن گناهان (نیز) از جانب خداوند جوینده ای دارد (یعنی فرشته ای که طلب کننده و پی گیری کننده گناهان کوچک است ) و به راستی که گناهان کوچک بر آدمی جمع می شوند تا آنجا که او را به هلاکت می افکنند.

حديث:

- 404 قال رسول الله صلی الله عليه و آله : ان الله كتم ثلاثة فى ثلاثة كتم رضاه فى طاعته و كتم سخطه فى معصيته و كتم و ليه فى خلقه فلا يستخفن احدكم شيئا من الطاعات فانه لا يدرى فى ايها رضى الله و لا يستقلن احدكم شيئا من المعاصي فانه لا يدرى فى ايها سخط الله و لا يزرين احدكم واحد من خلق الله فانه لا يدرى ايهم ولى الله.

ترجمه:

- 404 رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: همانا خداوند سه چیز را در سه چیز پنهان نموده است : رضایت و خوشنوی اش را در طاعتش و خشم را در معصیت و مافرمانی اش و ولی خود را در میان خلقش پنهان ساخته است پس مبادا کسی از شما یکی از طاعات را سبک بشمرد زیرا او نمی داند که رضایت و خوشنوی خداوند در کدام طاعت او پنهان است و مبادا یکی از معصیتها را کم بشمرد زیرا او نمی داند که خشم خدا در کدامیک از گناهان نهان است و مبادا یکی از خلق خدا را بی قدر و ارزش بداند زیرا نمی داند که کدامیک از آنها ولی خداوند است.

حديث:

- 405 قال و من كلامه صلی الله عليه و آله : لاتنظروا الى صغير الذنب و لكن انظروا الى ما اجتراتم.

ترجمه:

- 405 و از کلام رسول خدا صلی الله عليه و آله است که : به کوچکی گناه نکنید بلکه به چیزی که بر آن جرات یافته اید بنگرید. (بنگرید به اینکه بر نافرمانی خدا دلیر گشته اید و این بسیار بزرگ است.).

حديث:

- 406 عن ابی عبد الله عليه السلام قال : من هم بالسيئه فلا يعملاها فانه ربما عمل العبد السيئه فيراه الرب فيقول : و عزتي و جلالی لا اغفر لك ابدا.

ترجمه:

- 406 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که قصد انجام دادن گناهی را نمود نباید آن را

انجام دهد زیرا چه بسا بندۀ گناهی را مرتكب می شود و پروردگاریش او را می بیند و می گوید: سوگند به عزت و بزرگی ام که دیگر هرگز تو را نمی بخشم .

- 44باب تحریم کفران نعمه الله

- 44باب تحریم ناسیپاسی در برابر نعمت خداوند

حدیث:

- 407عن سدیر قال : سال رجل ابا عبدالله علیه السلام عن قول الله عزوجل : (فقالوا ربنا باعده بين اسفارنا و ظلموا انفسهم ) الايه فقال : هولاء قوم كانت لهم قرى متصلة ينظر بعضها الى بعض و انهار جاريه و اموال ظاهره فكفروا نعم الله و غيروا ما بانفسهم من عافية الله فغير الله ما بهم من نعمه و (ان الله لا يغير ما بقوم حتى يغيرة ما بانفسهم ) فارسل الله عليهم سيل العرم ففرق قراهم و خرب ديارهم و ذهب باموالهم و ابدلهم مكان جناتهם جنتين ذواتي اكل خمط و اتل و شئ من سدر قليل ثم قال : (ذلك جزيناهم بما كفروا و هل نجازى الا الكفور).

ترجمه:

- 407سدیر گوید: مردی از امام صادق علیه السلام درباره این گفتار خدای عزوجل پرسید که می فرماید) : پس گفتند: ای پروردگار ما، بین سفرهای ما دوری بیفکن ، و بر خود ستم کردند و ما هم آنها را را حکایت گردانیدیم و پراکنده شان ساختیم<sup>(93)</sup> (حضرت فرمود: آنها گروهی بودند که روستاهای متصل و به هم پیوسته ای داشتند به گونه ای که ساکنان روستاهای مجاور را می دیدند و دارای جویهای جاری و اموال آشکار بودند پس نعمتهای خداوند را ناسیپاسی کردند و سلامت و عافیتی را که خداوند به آنان داده بود دگرگون ساختند خداوند نیز نعمتی را که به آنان بخشیده بود دگرگون ساخت) و خداوند وضعیت قومی را تغییر نمی دهد مگر اینکه آنان خود را تغییر دهند<sup>(94)</sup> (پس خداوند سیل سختی را بر آنان فرستاد و روستاهایشان را به زیر آب برد و خانه هایشان را ویران ساخت و اموالشان را از بین برد و به جای باغهایشان دو باغ که دارای میوه های تلخ و درخت شورگز و مقدار کمی سدر بودند برای آنها بر جای گذاشت سپس فرمود) : این جزایی که به آنان دادیم به سبب کفران آنان بود و آیا جز ناسیپاس را جزا می دهیم؟<sup>(95)</sup> (

حدیث:

- 408عن ابی عبدالله علیه السلام قال : مكتوب في التوراه اشكرا من انعم عليك و انعم على من شكرك فانه لا زوال للنعماء اذا شكرت و لا بقاء لها اذا كفرت ، الشكر زياده في النعم و امان من الغير.

ترجمه:

- 408امام صادق علیه السلام فرمود: در تورات نوشته شده است : شکر کسی را که به تو نعمت بخشیده است به جای آور و به کسی که از تو قدردانی می کند نعمت ببخش زیرا اگر

سیاس نعمتها به جای آورده شود نعمتها زائل نمی شوند و اگر ناسیپاسی شود نعمتی باقی نمی ماند. پس شکرگزاری مایه زیادت نعمت و باعث ایمنی از تغییر نعمت است.

- 45باب وجوب اجتناب الكبائر

- 45باب وجوب خودداری کردن از گناهان کبیره

حدیث:

- 409 عن ابی بصیر عن ابی عبداللّه علیه السلام قال سمعته يقول) : و من يوت الحكمه فقد اوتی خیرا كثیرا) قال : معرفه الامام و اجتناب الكبائر التي اوجب الله علیها النار.

ترجمه:

- 409 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که درباره این آیه که می فرمود) : به هر کس حکمت داده شود خیر فراوان به او داده شده<sup>(96)</sup> ( فرمود: مراد از خیر فراوان معرفت و شناخت امام و دوری کردن از گناهان کبیره ای است که خداوند آتش را بر ارتکاب آنها واجب ساخته است .

حدیث:

- 410 عن ابی عبداللّه علیه السلام فی قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلًا کریما) قال : الكبائر التي اوجب الله عزوجل علیها النار.

ترجمه:

- 410 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : اگر خودداری کنید از کبیره هایی که از آنها نهی شده اید از گناهاتنان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم<sup>(97)</sup> ( فرمود: مراد از کبیره ها، گناهانی هستند که خدای عزوجل بر انجام آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است.

حدیث:

- 411 عن ابی عبداللّه علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ما من عبد الا و علیه اربعون جنہ حتى یعمل اربعین کبیره فإذا عمل اربعین کبیره انکشفت عنه الجن.

ترجمه:

- 411 امام صادق علیه السلام روایت است که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ بندی ای نیست مگر اینکه بر او چهل پرده (یا سپر) هست تا اینکه مرتكب چهل گناه کبیره شود که اگر چنین کند این پرده ها (یا سپرهای) کنار می رود. (در این صورت گناه در نزد او زشتی ندارد و به قیامت قلب دچار می گردد.).

حدیث:

- 412 قال الصادق علیه السلام : من اجتنب الكبائر یغفر اللہ جمیع ذنوبه و ذلك قول الله عزوجل (ان تجتنبوا كبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم و ندخلکم مدخلًا کریما).

ترجمه:

- 412 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس از گناهان کبیره دوری کند خداوند همه گناهانش را می بخشد و این معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید) :اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم و شما را در محلی گرامی در می آوریم<sup>(98)</sup> .

حدیث:

- 413 عن ابی الحسن علیه السلام فی قول اللہ عزوجل : (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه نکفر عنکم سیئاتکم ) قال : من اجتنب الكبائر ما ا وعد اللہ علیه النار اذا كان مومنا کفر اللہ عنه سیئاته.

ترجمه:

- 413 امام رضا علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) :اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهانتان در می گذریم<sup>(99)</sup> ( فرمود: کسی که از کبیره هایی که خداوند وعده آتش دوزخ بر آنها داده است دوری کند اگر مونم باشد خداوند از گناهان او چشم پوشی می کند .

حدیث:

- 414 عن عباد بن کثیر النواء قال : سالت ابا جعفر علیه السلام عن الكبائر فقال : كل ما ا وعد اللہ علیه النار.

ترجمه:

- 414 عباد بن کثیر (که هسته خرما فروش بود) گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم که کبائر کدام گناهان هستند؟ حضرت فرمود: هر گناهی که خداوند بر انجام آن وعده آتش دوزخ را داده است .

حدیث:

- 415 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی حدیث قال : قد سمعی اللہ المومنین بالعمل الصالح مومنین و لم يسم من ركب الكبائر و ما وعد اللہ عزوجل علیه النار مومنین فی قرآن و لاثر و لانسهمم بالایمان بعد ذلك الفعل.

ترجمه:

- 415 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: خداوند مومنین را به خاطر عمل شایسته آنان مومن نامیده است و کسانی را که گناهان کبیره و گناهانی که خداوند عزوجل وعده آتش بر آنها داده است را مرتكب می شوند را نه در قرآن و نه در هیچ اثری مومن ننامیده است و ما هم آنان را پس از انجام چنین گناهانی مومن نمی نامیم.

حدیث:

- 416 عن الرضا علیه السلام قال : من اقر بالتوحید و نفی التشبيه الى ان قال و اقر بالرجوعه بالیقین و اجتنب الكبائر فهو مومن حقا و هو من شیعتنا اهل البيت.

ترجمه:

- 416 امام رضا عليه السلام فرمود: کسی که به یگانگی خداوند و مثل و مانند نداشت خداوند اقرار کند و اعتراف کند که به رجعت یقین دارد و از انجام کبائر خودداری کند چنین کسی مومن حقیقی است و از شیعیان ما اهل بیت است .

حدیث:

- 417 عن زراره قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : ارایت قول رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یزni الزانی و هو مومن قال : ینزع منه روح الایمان.

ترجمه:

- 417 زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود) : شخص زناکار در حالی که مومن است زنا نمی کند (به من خبر ده حضرت فرمود: (زیرا وقتی که زنا می کند) روح ایمان از او جدا می شود .

- 46 باب تعیین الكبائر التی یجب اجتنابها

- 46 باب معین نمودن گناهان کبیره ای که دوری از آنها واجب است

حدیث:

- 418 عن ابن محبوب قال كتب معی بعض اصحابنا الى ابی الحسن عليه السلام یساله عن البکائر کم هی و ما هی ؟ فكتب الكبائر من اجتنب ما وعد الله عليه النار کفر عنه سیئاته اذا كان مومنا و السبع الموجبات قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعریب بعد الهجرة و قذف المحسنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف.

ترجمه:

- 418 ابن محبوب گوید: یکی از اصحاب ما همراه با من به امام رضا عليه السلام نوشتم که : کبائر چند تاست و کدامند؟ حضرت در پاسخ نوشت : هر کس از گناهانی که خداوند بر آنها وعده آتش دوزخ را داده است دوری کند اگر مومن باشد خداوند از گناهانش چشم پوشی می کند و هفت گناهی که موجب آتش است عباتند از: کشتن نفسی که کشتنش حرام است و آزردن پدر و مادر و ربا خواری و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت نمودن (به دار الایمان ) و نسبت زنا دادن و متهم کردن زن شوهر دار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث:

- 419 عن عبدالعظيم بن عبدالله الحسنی قال : حدثني ابو جعفر الثانی عليه السلام قال : سمعت ابی يقول : سمعت ابی موسی بن جعفر عليه السلام يقول : دخل عمرو بن عبید على ابی عبدالله عليه السلام فلما سلم و جلس تلا هذه الآیه (و الذين يجتبنون کبائر الاثم و الفواحش ) ثم امسك فقال له ابو عبدالله عليه السلام : ما اسكتک ؟ قال : احب ان اعرف الكبائر من كتاب الله عزوجل فقال : نعم يا عمرو اکبر الكبائر الاشراك بالله يقول : الله من يشرک

بالله فقد حرم الله عليه الجنه و بعده الاياس من روح الله لان الله عزوجل يقول (لاياس من روح الله الا القوم الكافرون ) ثم الامن من مكر الله لان الله عزوجل يقول (فلا يامن مكر الله الا القوم الخاسرون ) و منها عقوق الوالدين لان الله سبحانه جعل العاق جبارا شقيا و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق لان الله عزوجل يقول : (فجزاوه جهنم خالدا فيها) الى آخر الايه و قذف المحسنه لان الله عزوجل يقول : (لعنوا في الدنيا والآخره لهم عذاب عظيم ) و اكل مال اليتيم لان الله عزوجل يقول : (انما يأكلون في بطونهم نارا وسيصلون سعيرا (و الفرار من الزحف لان الله عزوجل يقول : (و من يولهم يومئذ دربه الا متاحفا لقتال او منحازا الى فئه فقد باه بغضب من الله و ماواه جهنم و بئس المصير) و اكل الربا لان الله عزوجل يقول : (الذين يأكلون الربا لا يقومون الا كما يقوم الذي يتبخبطه الشيطان من المس ) و السحر لان الله عزوجل يقول : (و لقد علموا لمن اشتراه ما له في الآخره من خلاق ) و الزنا لان الله عزوجل يقول : (و من يفعل ذكرا يلق اثاما يضاعف له العذاب يوم القيمه و يخلد فيه مهانا) و اليمين الغموس الفاجره لان الله عزوجل يقول : ان الذين يشترون بعهد الله و ايمانهم ثمنا قليلا اولئك لاخلاق لهم في الآخره ) و الغلو لان الله عزوجل يقول : (و من يغلل يات بما غل يوم القيمه ) و منع الزakah المفروضه لان الله عزوجل يقول : (فتکوی بها جباهم و جنوبهم و ظهورهم ) و شهاده الزور و كتمان الشهاده لان الله عزوجل يقول : (و من يكتنمها فانه آثم قلبه ) و شرب الخمر لان الله عزوجل نهى عنها كما نهى عن عباده الاوثان و ترك الصلاه متعمدا او شيئا مما فرض الله عزوجل لان رسول الله صلى الله عليه و آله قال : من ترك الصلاه متعمدا فقد برى من ذمه الله و ذمه رسوله و نقض العهد و قطيعه الرحم لان الله عزوجل يقول : (لهم اللعنه و لهم سوء الدار) قال : فخرج عمرو و له صراغ من بكائه و هو يقول : هلك من قال برأيه و نازعكم في الفضل و العلم .

ترجمه:

- 419- جناب عبدالعظيم حسنی از امام جواد عليه السلام روایت کند که فرمود: از پدرم امام رضا عليه السلام شنیدم که می فرمود: از پدرم موسی بن جعفر عليه السلام شنیدم که می فرمود: عمر بن عبید بر امام صادق عليه السلام وارد شد پس چون سلام کرد و نشست این آیه را تلاوت کرد) و کسانی که از گناهان بزرگ و زشتی ها خودداری می کنند (سپس خاموش شد. امام صادق عليه السلام فرمود: چه چیزی باعث شد که ساكت شوی و ادامه ندهی؟ عرض کرد: دوست دارم بدانم که مراد از کبار در کتاب خدای عزوجل چیست؟ حضرت فرمود: آری ای عمر! بزرگترین گناهان کبیره شرك ورزیدن به خداوند است، خداوند می فرماید: هر کس به خدا شرك بورزد خداوند بهشت را بر او حرام می گرداند. و بعد از شرك، نومید شدن از رحمت خداست زیرا خداوند عزوجل می فرماید) (از رحمت خداوند نومید نمی شوند مگر گروه کافران<sup>(100)</sup>) (پس از آن، ایمن بودن از مکر خدا است زیرا خدای عزوجل می فرماید) (از مکر خداوند ایمن نمی گرددنگر گروه زیانکاران<sup>(101)</sup>) (و یکی دیگر از گناهان

کبیره آزار رساندن به پدر و مادر است زیرا خداوند سبحان آزاردهنده به پدر و مادر را ستمگر و تیره بخت گردانده است . و دیگری کشتن نفسی است که خداوند به ناحق کشتن او را حرام کرده است ، زیرا خداوند عزوجل می فرماید) :جزای کسی که قتل نفس کند جهنم است و در جهنم جاویدان می ماند<sup>(102)</sup> (و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار، زیرا خداوند عزوجل می فرماید) :کسانی که نسبت ناروا به زنان شوهردار می دهند در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و عذاب بزرگی برای آنان است<sup>(103)</sup> ( و دیگری خوردن مال یتیم زیرا خداوند عزوجل می فرماید) :خورندگان مال یتیم در شکمهاشان آتش می خورند و به زودی به دوزخ در آیند ( و دیگری فرار از جهاد زیرا خدای عزوجل می فرماید) :و هر که در آن روز به آنان پشت کند جز اینکه به کناری برای جنگیدن رفته باشد یا برای جا گرفتن در میان گروهی از بازگشتگاهی است<sup>(105)</sup> ( و دیگری رباخواری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید) :آنانکه ربا می خورند بر نمی خیزند مگر مانند برخاستن کسی که شیطان او را از روی دیوانگی به بیراهه می برد ( و دیگری جادوگری است زیرا خداوند عزوجل می فرماید) :و به حقیقت دانستند که هر کس آن را خرید در آخرت هیچ بهره ای برای او نیست<sup>(107)</sup> )

و دیگری زنا است زیرا خدای عزوجل می فرماید) :و کسی که مرتکب زنا شود عقوبت می شود و عذاب او در روز قیامت دو چندان می شود و با خواری در عذاب جاوید می ماند<sup>(108)</sup> ( و دیگری سوگند دروغ نابکارانه است زیرا خدای عزوجل می فرماید) :به درستی که آنان که بهای اندکی را در عوض پیمان الهی و سوگندهایشان می گیرند بهره ای برای آنان در آخرت نیست<sup>(109)</sup> ( و دیگری خیانت و ناراستی است زیرا خدای عزوجل می فرماید) :و کسی که خیانت کند در روز قیامت با آنچه که خیانت کرده است می آید<sup>(110)</sup> ( و دیگری خودداری کردن از پرداخت زکارت واجب ، زیرا خدای عزوجل می فرماید) - :پس پیشانی ها و پشتھایشان داغ کرده می شود<sup>(111)</sup> ( و دیگری شهادت دروغ و کتمان نمودن شهادت است زیرا خدای عزوجل می فرماید) :و کسی که شهادت را کتمان کند قلبش گناهکار است<sup>(112)</sup> ( و دیگری نوشیدن شراب است زیرا خدای عزوجل از آن نهی فرموده است همچنانکه از عبادت بتها نهی نموده است و دیگری ترك نمودن عمدی نماز یا یکی از چیزهایی که خداوند عزوجل واجب ساخته است زیرا رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود) :کسی که نماز را از روی عمد ترك کند از کفالت و حمایت خداوند و رسولش خارج شده است( ، و دیگری پیمان شکنی و بریدن پیوند خویشاوندی است زیرا خدای عزوجل می فرماید) :برای چنین کسانی دوری از رحمت و سرای بدی خواهد بود<sup>(113)</sup> (امام موسی بن جعفر علیه السلام در اینجا فرمود: وقتی سخن پدرم امام صادق علیه السلام به اینجا ختم شد) عمر بن عبید برخاست و بیرون رفت در حالی که از گریه اش بانگ و فریادی بربا بود و می گفت : هر کس به رای خود سخن گوید و با شما خاندان پیامبر در فضیلت و دانش به خصومت برخیزد هلاک خواهد شد .

حدیث:

- 420 عن الاصبع بن نباته قال : جاء رجل الى اميرالمؤمنين عليه السلام فقال : يا اميرالمؤمنين ان ناسا زعموا ان العبد لا يزنى و هو مومن ولا يسرق و هو مومن ولا يشرب الخمر و هو مومن و لا يأكل الriba و هو مومن ولا يسفك الدم الحرام و هو مومن فقال اميرالمؤمنين عليه السلام : صدقت سمعت رسول الله صلى الله عليه و آله يقول و الدليل كتاب الله و ذكر الحديث الى ان قال و قد تاتى عليه حالات فيهم بالخطئه فتشجعه روح القوه و يزین له روح الشهوده و تقوده روح البدن حتى ي الواقع الخطئه فإذا لامسها نقص من الايمان و تفصی منه فليس يعود فيه حتى يتوب فإذا تاب الله عليه و ان عاد ادخله نار جهنم.

ترجمه:

- 420 اصبع بن نباته گويد: مردي به خدمت اميرالمؤمنين عليه السلام آمد و عرض كرد: اي اميرمومنان ! همانا برخى از مردم معتقدند که بنده در حالى که مومن باشد نه زنا مى کند نه دزدى و نه شراب مى نوشد و نه ربا مى خورد و نه خوبى را به حرام مى ريزد، پس اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: راست گفتى (زيرا) من همين حديث را از رسول خدا صلى الله عليه و آله شنيدم و دليل بر درستى آن كتاب خداست ، و گاهى برای مومن حالاتى پيش مى آيد که در آن حالات قصد مى کند که مرتکب گناه شود پس روح قوت و توانايى او را بر اين کار جرات مى بخشد و روح شهوت آن کار را برای او زينت داده و زيبا جلوه مى دهد و روح بدن او را رهبری مى کند تا آنکه به گناه تن در مى دهد پس زمانی که با گناه تماس حاصل کرد از ايمانش کاسته مى شود از ايمان رها مى گردد و ايمانش باز نمى گردد مگر اينکه توبه کند که اگر توبه کرد خداوند توبه اش را مى پذيرد و اگر به گناهكاری بازگشت خداوند او را به آتش دوزخ داخل مى کند .

حديث:

- 421 عن عبيد بن زراره قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن الكبائر فقال : هن فى كتاب على عليه السلام سبع الكفر بالله و قتل النفس و عقوق الوالدين و الكربلا بعد البينه و اكل مال اليتيم ظلما و الفرار من الزحف و التعرّب بعد الهجره قال : فقلت ، هذا اكبر المعاشي فقال : نعم قلت : فاكل الدرهم من مال اليتيم ظلما اكبر ام ترك الصلاه قال : ترك الصلاه قلت : فما عدلت ترك الصلاه فى الكبائر قال : اى شئ اول ما قلت لك قلت : الكفر قال : فان تارك الصلاه كافر يعني من غير عله.

ترجمه:

- 421 عبيد بن زراره گويد: از امام صادق عليه السلام درباره گناهان كبيره سوال كردم حضرت فرمود: گناهان كبيره چنانکه در كتاب على عليه السلام آمده است هفت گناه است: كفر به خداوند و كشتن نفس (محترم) و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن ربا بعد از آشنایي و آگاهی از آن و مال يتيم را به ستم خوردن و فرار از جهاد و پس از هجرت به دارالايمان دوباره به حالت اعرابی بودن بازگشتن . عبيد بن زراره گويد: عرض كردم : آيا اينها بزرگترین گناهانند؟

حضرت فرمود: آری . عرض کردم : پس آیا یک درهم از مال یتیم را به ستم خوردن بزرگتر است یا ترک نمودن نماز؟ حضرت فرمود: ترک نمودن نماز. عرض کردم : پس چرا ترک نماز را در شمار گناهان کبیره نیاوردی ؟ حضرت فرمود: اولین چیزی که از گناهان کبیره برایت بر شمردم چه بود؟ عرض کردم : کفر. حضرت فرمود: به راستی کسی که بدون علت (موجه) نماز خود را ترک کند کافر است.

حدیث:

- 422 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی القنوت فی الوتر الی ان قال و استغفر لذنبك العظیم ثم قال كل ذنب عظیم.

ترجمه:

- 422 امام صادق علیه السلام به روای فرمود: در قنوت نماز شب) فلان دعا و فلان دعا را بخوان ) - تا آنجا که فرمود: - و برای گناه بزرگ از درگاه خداوند طلب بخشایش کن . سپس فرمود: تمامی گناهان بزرگ اند .

حدیث:

- 423 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : الكبائر سبع قتل المومن متعمداً و قذف المحسنه و الفرار من الزحف والتعرف بعد الهجرة و اكل مال اليتيم ظلماً و اكل الربا بعد البينة و كل ما اوجب الله عليه النار.

ترجمه:

- 423 امام صادق علیه السلام فرمود: گناهان کبیره هفت گناه است : کشتن مومنی از روی عمد و نسبت ناروا دادن به زن شوهر دار و فرار از روی ستم و ربا خواری بعد از آشنایی و آگاهی و هر گناهی که خداوند آتش دوزخ را بر (انجام دهنده) آن واجب ساخته است .

حدیث:

- 424 عن عبداللہ بن سنان قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : ان من الكبائر عقوق الوالدين و الياس من روح الله و الامن من مكر الله.

ترجمه:

- 424 عبداللہ بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: همانا آزار رساندن به پدر و مادر و نامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خداوند از گناهان کبیره است.

حدیث:

- 425 و قد روی اکبر الكبائر الشرک بالله.

ترجمه:

- 425 روایت شده است که بزرگترین گناهان کبیره شرک ورزیدن به خداوند است.

حدیث:

- 426 عن حماد عن نعمان الرازي قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من زنى خرج ما الايمان و من شرب الخمر خرج من الايمان و من افطر يوما من شهر رمضان متعمدا خرج من الايمان.

ترجمه:

- 426 حماد از نعمان رازی روایت کند که : از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: کسی که زنا کند از ایمان بیرون می رود و کسی که شراب بنوشد از ایمان بیرون می رود و کسی که از روی عمد یک روزه ماه رمضان را روزه خواری کند از ایمان بیرون می رود.

حديث:

- 427 عن محمد بن عبد الله قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : لا يزنی الزانی و هو مومن قال لا اذا كان على بطنها سلب الايمان فاذا قام رد اليه فاذا عاد سلب قلت فانه يريد ان يعود فقال ما اكثر من يريد ان يعود فلا يعود اليه ابدا.

ترجمه:

- 427 محمد بن عبد الله گويد: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : آيا شخص زناکار در حالتی که ایمان داشته باشد مرتكب زنا نمی شود؟ فرمود: نه ، چنین کسی در آن حالتی که بر روی شکم آن زن قرار می گیرد ایمانش سلب می شود و هنگامی که بر می خیزد دوباره ایمان به او باز می گردد و اگر دوباره به زنا پیردادزد ایمانش سلب می گردد. عرض کردم : کسی که زنا می کند قصد دارد این عمل را دوباره مرتكب گردد (چگونه ایمانی که از او سلب شده دوباره باز می گردد؟) فرمود: چه بسیار کسانی که می خواهند باز گردند ولی هرگز (به ارتکاب این عمل شنیع ) باز نمی گردند.

حديث:

- 428 عن ابی عبدالله عليه السلام فى قول الله عزوجل : (الذين يجتنبون كبائر الاتم و الفواحش الا اللهم ) فقال : الفواحش الزنا و السرقة و اللهم الرجل يلم بالذنب فيستغفر الله منه.

ترجمه:

- 428 امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : آنانکه از گناهان بزرگ و ناشایسته ها دوری می گزینند مگر گناه کوچک<sup>(114)</sup> ( فرمود: مراد از ناشایسته ها زنا و ذری است و مراد از گناه کوچک این است که کسی مرتكب گناهی می شود و در پی آن از خداوند به خاطر آن گناه طلب آمرزش می کند .

حديث:

- 429 عن داود قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول رسول الله صلى الله عليه و آله اذا زنى الرجل فارقه روح الايمان قال : فقال : هو مثل قول الله عزوجل : (و لاتيهموا الخبيث منه تتفقون ) ثم قال غير هذا ابين منه ذلك قول الله عزوجل : (و ايدهم بروح منه ) هو الذى

فارقه.

ترجمه:

- 429داؤد گوید: از امام صادق علیه السلام از گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله پرسیدم که فرموده است : هرگاه مردی مرتکب زنا شود روح ایمان از او جدا می شود پس حضرت فرمود: این سخن پیامبر همانند گفتار خدای عزوجل است که می فرماید) : و قصد مکنید (مال ) پلید را که از آن انفاق کنید) <sup>(115)</sup> (زیرا همچنانکه مال پلید و طیب دارد روح هم با قصد و عمل پلید، پلید می شود و روح طیب که همان روح ایمان است مفارق است می کند) آنگاه می فرماید: کلامی دیگر از خداوند واضح تر از این است و آن ، این سخن خدای عزوجل است) : و ایشان را با روحی از جانب خود یاری داد <sup>(116)</sup> (این روح است که از شخص زانی جدا می شود.

حدیث:

- 430عن مسعوده بن صدقه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : الكبار القنوط من رحمة الله و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و قتل النفس التي حرم الله و عقوبة الوالدين و اكل مال اليتيم ضلما و اكل الربا بعد البينة و التعرّب بعد الهجرة و قذف المحسنة والفرار بعد از حف.

ترجمه:

- 430مسعوده بن صدقه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: گناهان کبیره عبارتند از: نامیدی از رحمت خداوند و مایوس گشتن از مهربانی خدا و ایمنی از مكر الهی و گشتن نفسی که خداوند گشتن او را حرام گردانیده و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم و ربا خواری بعد از آگاهی ، و به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت ، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار نمودن از جهاد.

حدیث:

- 431عن ابی بکیر قال قلت لابی جعفر علیه السلام فی قول رسول الله اذا زنى الرجل فارقه روح الايمان قال هو قوله و ايدهم بروح منه ذاك الذي يفارقه

ترجمه:

- 431ابن بکیر گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم : درباره گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله که فرمود: هرگاه مردی زنا کند روح ایمان از او جدا می شود، چه می فرمایید؟ حضرت فرمود: این گفتار رسول خدا صلی الله علیه و آله (اشارة کننده به ) گفتار خداوند است که می فرماید) : و آنان را با روحی از خود قوت بخشید <sup>(117)</sup> (که این روح همان روحی است که از آنان جدایی نموده بود .

حدیث:

- 432عن ابی عبدالله علیه السلام قال : يسلب منه روح الايمان مadam على بطنها فاذا نزل

عاد الایمان . قال : ارایت ان هم قال : لا ارایت ان هم ان یسرق اقطع یده ؟

ترجمه:

- 432 امام صادق علیه السلام فرمود: روح ایمان از شخص زناکار تا وقتی که در حال زناست گرفته می شود پس هنگامی که از عمل زشت خود فارغ شد (و پشیمان گشت ) ایمان باز می گردد. راوی گوید: عرض کردم : اگر گسی قصد زنا کند آیا باز هم ایمانش گرفته می شود؟ حضرت فرمود: خیر، آیا اگر کسی قصد دزدی کند دستش قطع می شود؟

حدیث:

- 433 عن ابی بصیر عن ابی عبداللہ علیه السلام قال سمعته يقول الكبائر سبعه منها قتل النفس متعمدا و الشرك بالله العظيم و قذف المحسنه و اكل الربا بعد البينه و الفرار من الزحف و التعرّب بعد الهجرة و عقوق الوالدين و اكل مال اليتيم ظلما قال و التعرّب و الشرك واحد.

ترجمه:

- 433 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: گناهان کبیره هفت ناست : کشن کسی از روی عمد و شرك ورزیدن به خدای بزرگ و نسبت ناروا به زن شوهردار و رباخواری بعد از آگاهی و فرار از جهاد و بازگشتن به حالت اعرابی پس از هجرت و آزار رساندن به پدر و مادر و خوردن مال یتیم از روی ستم . سپس فرمود: تعرّب (بازگشتن به حالت اعرابی ) و شرك در یک درجه اند .

حدیث:

- 434 قال ابو عبداللہ علیه السلام : و الذى اذا دعاه ابوه لعن اباه و الذى اذا اجا به ابنه يضريه.

ترجمه:

- 434 امام صادق علیه السلام فرمود: و (دو کس نیز گناهانشان کبیره است ، یکی ) کسی که وقتی پدرش او را می خواند پدر خود را لعنت می فرستد و دیگری کسی که با اینکه پسرش (خواسته ) او را اجابت می کند ولی او پسرش را کتك می زند .

حدیث:

- 435 عن محمد بن حکیم قال قلت لابی الحسن موسی علیه السلام الكبائر تخرج من الایمان ؟ فقال : نعم و ما دون الكبائر قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا یزنی الرانی و هو مومن و لا یسرق السارق و هو مومن.

ترجمه:

- 435 محمد بن حکیم گوید: به امام موسی کاظم علیه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره آدمی را از ایمان بیرون می برد؟ حضرت فرمود: آری ، گناهان پایین تر از کبیره هم (ایمان را از دل بیرون می برند) رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آن کسی که در معرض زنا کردن است در حالی که مومن باشد زنا نمی کند و آن کس که مشرف به دزدی کردن است در حالی که مومن باشد دزدی نمی کند .

**حدیث:**

- 436 عن عبید بن زراره فی حدیث ان ابا جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله لایزنی الزانی و هو مومن و لا یسرق السارق و هو مومن.

**ترجمه:**

- 436 عبید بن زراره در حدیثی گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : مومن تا مومن است زنا نمی کند و مومن تا زمانی که مومن است دزدی نمی کند.

**حدیث:**

- 437 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : اکبر الکبائر سبع الشرک بالله العظیم و قتل النفس التی حرم الله الا بالحق و اکل اموال اليتامی و عقوق الوالدین و قذف المحسنات و الفرار من الزحف و انکار ما انزل الله عزوجل.

**ترجمه:**

- 437 امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگترین گناهان بزرگ هفت گناهند: شرک آوردن به خدای بزرگ و کشتن نفسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده مگر به سببی حق و خوردن اموال یتیم و آزار رساندن به پدر و مادر و نسبت ناروا دادن به زنان شوهر دار و گریختن از جهاد و انکار نمودن آنچه که خداوند عزوجل فرو فرستاده است .

**حدیث:**

- 438 علی بن جعفر فی کتابه عن اخیه موسی به جعفر علیه السلام قال : سالته عن الکبائر التی قال الله عزوجل : (ان تجتنبوا کبائر ما تنهون عنه ) (قال : التی اوجب الله علیها النار).

**ترجمه:**

- 438 علی بن جعفر در کتابش از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام روایت کرده که : از ایشان در مورد کبائر که در گفتار خدای عزوجل که می فرماید) (اگر از کبائری که از آنها نهی شده اید خودداری کنید (آمده است پرسیدم که آن کبائر کدامند؟ حضرت فرمود: مراد از کبائر آن گناهانی است که خداوند بر ارتکاب آنها آتش دوزخ را واجب ساخته است .

**حدیث:**

- 439 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الکبائر سبع فینا انزلت و منا استحللت فاولها الشرک بالله العظیم و قتل النفس التی حرم الله و اکل مال اليتیم و عقوق الوالدین و قذف المحسنه و الفرار من الزحف و انکار حرقنا.

**ترجمه:**

- 439 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا گناه کبیره هفت گناهند که درباره ما نازل شده اند (ولی متاسفانه ) همه آن گناهان را نسبت به خود ما روا داشته اند اولین آنها شرک آوردن

به خدای بزرگ است و دیگری کشتن کسی که خداوند کشتن او را حرام گردانده و دیگری خوردن مال یتیم و دیگری رنجاندن پدر و مادر و دیگری نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و دیگری گریختن از میدان جنگ و دیگری انکار نمودن حق ما است<sup>(118)</sup>.

حدیث:

- 440 روی ان الحیف فی الوصیہ من الکبائر.

ترجمه:

- 440 روایت شده است که : همانا ستم نمودن و بی عدالتی در وصیت از گناهان کبیره است.

حدیث:

- 441 عن عباد بن کثیر النواء قال سالت ابا جعفر علیه السلام عن الکبائر فقال كل ما ا وعد الله عليه النار.

ترجمه:

- 441 عباد بن کثیر هسته خرما فروش گوید: از امام باقر علیه السلام درباره گناهان کبیره سوال کردم ، حضرت فرمود: تمامی گناهانی که خداوند بر ارتکاب آنها وعده آتش دوزخ را داده است گناهان کبیره اند .

حدیث:

- 442 و باسناده عن ابی خدیجه سالم بن مکرم الجمال عن ابی عبدالله علیه السلام قال الكذب على الله و على رسوله و على اوصياء علیه السلام من الکبائر.

ترجمه:

- 442 ابی خدیجه سالم بن مکرم شتریان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که : دروغ بستن بر خداوند و رسول و جانشینان رسول از گناهان کبیره است .

حدیث:

- 443 و قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من قال على ما لم اقل فليتبوا مقعده من النار.

ترجمه:

- 443 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس چیزی را که من نگفته ام به من نسبت دهد پس باید نشیمنگاهی از آتش را جایگاه و اقامتگاه خود سازد.

حدیث:

- 444 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : وجدنا فی کتاب علی علیه السلام الکبائر خمسه الشرک و عقوق الوالدين و اكل الربا بعد البینه و الفرار من الزحف و التعرّب بعد الهجرة.

ترجمه:

- 444 امام صادق علیه السلام فرمود: در کتاب علی علیه السلام یافتیم که : گناهان کبیره پنج گناهند: شرك و آزار رساندن به پدر و مادر و رباخواری پس از آگاهی و گریختن از جهاد و

به حالت اعرابی بازگشتن پس از هجرت نمودن .

حدیث:

- 445 عن عبید بن زراره قال : قلت لابی عبد الله عليه السلام : اخبرنی عن الكبائر فقال : هن خمس و هن مما اوجب الله عليهن النار قال الله تعالى) : ان الله لا يغفر ان يشرك به ) و قال : (ان الذين يأكلون اموال اليتامى ظلما انما يأكلون في بطونهم ناوا و سيصلون سعيرا) و قال : (يا ايها الذين آمنوا اذا لقيتم الذين كفروا زحفا فلا تولوهם الاذبار) الى آخر الایه و قال عزوجل : (يا ايها الذين آمنوا اتقوا الله و ذروا ما بقى من الربا) الى آخر الایه و رمى المحسنات الغافلات المومنات و قتل مؤمن متعمدا على دينه.

ترجمه:

- 445 عبید بن زراره گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم که : مرا نسبت به گناهان کبیره آگاه ساز. حضرت فرمود: گناهان کبیره پنج گناهند و آنها گناهانی هستند که خداوند بر آنها آتش دوزخ را واجب گردانده و می فرماید) : همانا خداوند شرک آوردن به خود را نمی بخشاید<sup>(119)</sup> (و می فرماید) : آنان که اموال یتیمان را ظالمانه می خورند به راستی که در شکمهاشان آتش می خروندند و به زودی به دوزخ در آیند<sup>(120)</sup> (و می فرماید) : ای ایمان آورندگان هرگاه در میدان جنگ با کافران رویرو شدید به آنان پشت نکنید<sup>(121)</sup> (تا آخر آیه . و فرمود) : ای ایمان آورندگان از خدا بترسید و آنچه را که از ربا باقی مانده رها کنید<sup>(122)</sup> (تا آخر آیه . و متهم ساختن زنان شوهردار ساده دل با ایمان و کشتن مومنی از روی عمد به خاطر دینداری اش .

حدیث:

- 446 و عن الصادق عليه السلام قال : عقوب الوالدين من الكبائر لأن الله جعل العاق عصيا شقیا.

ترجمه:

- 446 امام صادق عليه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند آزار رساننده به پدر و مادر را نافرمان و تیره روز گردانده است.

حدیث:

- 447 و قال عليه السلام : و قتل النفس من الكبائر لأن الله يقول : (و من يقتل مومنا متعمدا فجزاؤه جهنم خالدا فيها و غضب الله عليه و لعنه و اعدله عذابا عظيما).

ترجمه:

- 447 امام صادق عليه السلام فرمود: قتل نفس از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید) : و کسی که مومنی را عمدتا به قتل برساند کیفرش دوزخ است که در آن برای همیشه می ماند و خداوند بر او خشم گرفته و او را از رحمتیش دور گردانده و برای اوی عذابی بزرگ و آماده ساخته است<sup>(123)</sup>.

حدیث:

- 448 و قال عليه السلام : و قذف المحسنات من الكبائر لان الله يقول : (لعنوا في الدنيا والآخرة و لهم عذاب عظيم).

ترجمه:

- امام صادق عليه السلام فرمود: نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار از گناهان کبیره است زیرا خداوند می فرماید) (چنین کسانی در دنیا و آخرت مورد لعنت هستند و کیفری بزرگ برای آنان می باشد<sup>(124)</sup> )

حدیث:

- 449 عن احمد بن عمر الحلبي قال : سالت ابا عبدالله عليه السلام عن قول الله عزوجل : (ان تجتنبوا كيائير ما تنهون عنه نكفر عنكم سيناتكم ) ( قال : من اجتنب ما اوعد الله عليه النار اذا كان مومنا كفر عنه سيناته و ادخله مدخلًا كريما و الكبار السبع الموجبات : قتل النفس الحرام و عقوق الوالدين و اكل الربا و التعرّب بعد الهجرة و قذف المحسنه و اكل مال اليتيم و الفرار من الزحف.

ترجمه:

- احمد بن عمر حلبي گوید: از امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید) (اگر از گناهان کبیره ای که از آنها نهی شده اید دوری کنید از دیگر گناهانتان چشم پوشی می کنیم<sup>(125)</sup> ) (حضرت فرمود: کسی که از گناهانی که خداوند بر انجام آنها و عده آتش داده است دوری کند اگر مومن باشد از دیگر گناهانش چشم پوشی می کند و او را به منزلگاهی گرامی وارد می سازد و گناهان کبیره هفتگانه که موجب آتش دوزخ اند عبارتند از: کشتن نفسی که احترام دارد و آزردن پدر و مادر و خوردن ربا و بازگشتن به حالت اعرابی بودن پس از هجرت کرده است و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و خوردن مال یتیم و گریختن از جهاد.

حدیث:

- 450 عن الرضا عليه السلام فى كتابه الى المامون قال : الايمان هو اداء الامانه و اجتناب جميع الكبائر و هو معرفه بالقلب و اقرار باللسان و عمل بالاركان - الى ان قال - و اجتناب الكبائر و هي قتل النفس التي حرم الله تعالى و الزنا و السرقة و شرب الخمر و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و اكل الميته و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضروره و اكل الربا بعد البيمه و السحت و الميسره و هو القمار و البخس فى المكيال و الميزان و قذف المحسنات و الزنا و اللواط و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمه الله و معونه الظالمين و الركون اليهم و اليمين الغموس و حبس الحقوق من غير عسر و الكذب و الكبر و الاسراف و التبذير و الخيانه و الاستخفاف بالحج و المحاربه لاولياء الله و الاشتغال بالملاهى و الاصرار على الذنوب.

ترجمه:

- 450 امام رضا عليه السلام در نامه اي به مامون چنین نوشت : ايمان همان امانتداری و دوری از همه گناهان بزرگ است و ايمان همان شناخت قلبی و اقرار و اعتراف زبانی و عمل نمودن به وسیله اعضا است - تا آنجا که فرمود: - و دوری از گناهان كبیره ، و آنها عبارتند از: قتل نفسی که کشتن او را خداوند حرام ساخته است و زنا نمودن و دزدی کردن و نوشیدن شراب و آزردن پدر و مادر و گریختن از جهاد و خوردن مال يتیم از روی ستم و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و هر ذبیحه اي که نام غیر خدا بر او برده شده است در صورتی که ضرورتی نباشد، و خوردن ربا بعد از آگاهی (از ربوبی بودن معامله ) و خوردن حرام و قمار بازی و کاستن و کم گذاردن در پیمانه و وزن و نسبت ناروا دادن به زنان شوهردار و زنا و لواط و نامیدی از رحمت خداوند و ایمنی از مکر خدا و دلسربی از رحمت الهی و یاری رساندن به ستمکاران و نکیه و اعتماد بر آنان ، و سوگند دروغ و حبس نمودن حق دیگران بدون اینکه سختی و ضرورتی موجب آن شده باشد، و دروغگویی و تکبر و خودبزرگ بینی ، و اسراف و ولخرجی ، و خیانت و ناراستی ، و سبک شمردن حج ، و ستیزه کردن با دوستان خدا، و مشغول بودن به خوشگذرانی های بیهوده ، و اصرار و پافشاری نمودن بر انجام گناهان .

حدیث:

- 451 قال رسول الله صلی الله عليه و آلہ : اجتبوا السبع الموبقات قيل : و ما هن ؟ قال : الشرك بالله و السحر و قتل النفس التي حرم الله الا بالحق و اكل الربا و اكل مال اليتيم و التولى يوم الزحف و قذف المحسنات الغافلات المؤمنات.

ترجمه:

- 451 رسول خدا صلی الله عليه و آلہ فرمود: از هفت چیز هلاک آور دوری کنید، به ایشان عرض شد: آن هفت چیز کدامند؟ حضرت فرمود: شرك ورزیدن به خداوند، و جادوگری ، و کشن کسی که خداوند کشتن او را جز در صورتی که حق او باشد حرام گردانیده ، و ربا خواری ، و خوردن مال يتیم ، و پشت نمودن به دشمن در روز جهاد، و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار ساده دل با ایمان .

حدیث:

- 452 عن محمد بن مسلم عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قلت له : ما لنا نشهد على ما خالفنا بالكفر و ما لنا لانشهد لانفسنا و لاصحابنا انهم في الجنه ؟ فقال : من ضعفكم ان لم يكن فيكم شيء من الكبائر فاشهدوا انكم في الجنه قلت : فاي شيء ء الكبائر؟ قال : اكبر الكبائر الشرك بالله و عقوق الوالدين و التعرّب بعد الهجرة و قذف المحسنة و الفرار من الزحف و اكل مال اليتيم ظلما و الربا بعد البيته و قتل المؤمن فقلت له : الزنا و السرقة فقال : ليسا من ذلك.

ترجمه:

- 452 محمد بن مسلم گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : چه شده است ما را که گواهی به کافر بودن مخالفین خود می دهیم ولی چرا خود و یاران مان گواهی به بهشتی بودن نمی دهیم ؟ حضرت فرمود: این به خاطر ضعف و ناتوانی شماست ، اگر در شما هیچیک از گناهان کبیره نبود پس گواه باشید که شما در بهشت هستید، عرض کردم : گناهان کبیره چه چیزهایی هستند؟ فرمود: بزرگترین آنها شرك ورزیدن به خداوند و آزردن پدر و مادر و پس روی نمودن به حالت اعرابی پس از هجرت و نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و فرار از جهاد و خوردن مال یتیم از روی ستم و رباخواری بعد از آگاهی و کشنن مومن . پس عرض کردم : آیا زنا نمودن و دزدی کردن هم از گناهان کبیره است ؟ حضرت فرمود: نه این دو از گناهان کبیره شمرده نمی شوند .

حدیث:

- 453 عن جعفر بن محمد عليه السلام في حديث شرائع الدين قال : و الكبائر محظمة و هي الشرك بالله و قتل النفس التي حرم الله و عقوق الوالدين و الفرار من الزحف و اكل مال البتيم ظلما و اكل الربا بعد البينة و قذف المحسنات و بعد ذلك الزنا و اللواط و السرقة و اكل الميته و الدم و لحم الخنزير و ما اهل لغير الله به من غير ضرورة و اكل السحت و البخس في الميزان و المكيال و الميسير و شهادة الزور و الياس من روح الله و الامن من مكر الله و القنوط من رحمة الله و ترك معاونه المظلومين و الركون إلى الظالمين و اليمين الغموس و حبس الحقوق من غير عسر و استعمال التكبر و التجبر و الكذب و الاسراف و التبذير و الخيانة و الاستخفاف بالحج و المحاربة الاولى لله و الملائكة التي تصد عن ذكر الله عزوجل مكروهه كالغناء و ضرب الاوتار و الاصرار على صغار الذنوب.

ترجمه:

- 453 امام صادق عليه السلام در حدیث قوانین و دستورات دین فرمود: (ارتكاب) گناهان کبیره حرام است و آنها عبارتند از: شرك آوردن به خداوند، و کشنن نفسی که خداوند آن را حرام ساخته ، و آزردن پدر و مادر، و گریختن از جهاد، و خوردن مال یتیم از روی ستم ، و ربا خواری بعد از آگاهی ، و نسبت ناروا به زنان شوهردار، و پس از اینها زنا و لواط و دزدی و خوردن گوشت مردار و خون و گوشت خوک و گوشت هر ذیبحه ای که نام غیر خدا بر او برده شده بدون هیچگونه ضرورتی ، و خوردن حرام و کم گذاردن در وزن و پیمانه و قمار بازی و شهادت ساختگی و دروغ و مایوس شدن از رحمت خداوند و ایمنی از مكر الهی و نامیدی از رحمت خدا و ترك یاري ستمدیدگان و تکيه و اعتماد بر ستمگران و سوگند دروغ و حبس نمودن حق ديگران بدون در سختی و فشار بودن ، و تکبر ورزیدن و خود بزرگ بينی و دروغ گویی و اسراف و ولخرجی و خیانت و سبک شمردن حج و ستیزه کردن با دوستان خدا و خوشگذرانی هایی که آدمی را از یاد خدای عزوجل باز می دارد و ناپسندی آنها آشکار است همانند: عنا و نواختن تارها، و اصرار و پافشاری بر گناهان کوچک .

حدیث:

- 454و قال عليه السلام : الكبائر تسع اعظمهن الاشرك بالله عزوجل و قتل النفس المومنه و اكل الربا و اكل مال اليتيم و قذف المحسنات و الفرار من الزحف و عقوق الوالدين و استحلال البيت الحرام و السحر فمن لقى الله عزوجل و هو بري منهن كان معن في جنه مصاريعها الذهب.

ترجمه:

- 454امام صادق عليه السلام فرمود: گناهان کبیره نه گناهند که بزرگترین آنها شرك ورزیدن به خدای عزوجل ، و (پس از آن ) کشتن نفس مومن و رباخواری و خوردن مال يتيم و نسبت ناروا دادن به زن شوهر دار و گریختن از جنگ و جهاد و آزرن پدر و مادر و حلال ساختن بيت الله الحرام (يعنى رعایت نکردن احترام خانه خدا) و جادوگری پس هر کسی که خداوند عزوجل را دیدار کند در حالی که از این گناهان پاک باشد همراه با من در بهشتی خواهد بود که لنگه های در آن طلاست .

- 47باب صحه التوبه من الكبائر

- 47باب صحيح بودن توبه از گناهان کبیره

حدیث:

- 455عن ابی عبدالله عليه السلام قال : (ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك لمن يشاء) الكبائر فما سواها قال : قلت دخلت الكبائر فى الاستثناء قال : نعم.

ترجمه:

- 455امام صادق عليه السلام اين آيه را قرائت فرمود) : به راستی که خداوند شرك ورزیدن به خود را نمی بخشايد ولی غير از شرك را برای هر کسی که بخواهد می بخشد (126) سپس فرمود: چه گناه کبیره باشد و چه صغیره . روای گوید: عرض کردم : اینکه در آیه آمده است که غير شرك را می بخشد آیا شامل گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری.

حدیث:

- 456عن اسحاق بن عمار قال : قلت لابی عبدالله عليه السلام : الكبائر فيها استثناء ان تغفر لمن يشاء؟ قال : نعم.

ترجمه:

- 456اسحاق بن عمار گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : آیا گناهان کبیره هم در این آیه از شرك استثنای شده اند؟ حضرت فرمود: آری.

حدیث:

- 457عن ابی عبدالله عليه السلام قال : ما من مومن يقارب فى يومه و ليلته اربعين کبیره فيقول و هو نادم استغفر الله الذى لا اله الا الله هو الحق القيوم بديع السماوات و الارض ذا الجلال و الاكرام و اساله ان يصلى على محمد وآل الله و ان يتوب على الا غفرها الله له و لاخير

فیمن یقارف فی یومه اکثر من اربعین کبیره.

ترجمه:

- 457 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست که در شبانه روز (حتی اگر) مرتكب چهل گناه کبیره شود و با حالت پشیمانی جمله استغفار زیر را بگوید جز اینکه خداوند گناهانش را می بخشد و آن استغفار این است) : استغفار اللہ الذی لا اله الا هو الحی القیوم بذیع السماوات و الارض ذا الجلال و الاکرام و اساله ان یصلی علی محمد و آلہ و ان یتوب علی (سپس فرمود: کسی که در روز مرتكب بیش از چهل گناه کبیره شود در وجودش خیری نیست.

حدیث:

- 458 قال رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ: انما شفاعتی لاهل الكبائر من امتی.

ترجمه:

- 458 رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ: همانا شفاعت من برای کسانی از امتم می باشد که مرتكب گناه کبیره شده اند .

حدیث:

- 459 و قال الصادق علیه السلام : شفاعتنا لاهل الكبائر من شيعتنا فاما التائبون فان الله يقول : (ما على المحسنين من سبيل).

ترجمه:

- 459 امام صادق علیه السلام فرمود: شفاعت ما برای شیعیانی است که اهل انجام گناهان کبیره اند ولی آنان که توبه کرده اند خداوند درباره آنان می فرماید) : بر علیه نیکوکاران هیچ راهی نیست<sup>(127)</sup> (

حدیث:

- 460 و قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لا شفیع انجح من التوبه.

ترجمه:

- 460 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچ شفاعت کننده ای پیروزمندتر از توبه نیست .

حدیث:

- 461 و سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل : (ان الله لا يغفر ان يشرك به و يغفر ما دون ذلك يشاء) دخلت الكبائر في مشيه الله قال نعم ان شاء عذب عليها و ان شاء عفا.

ترجمه:

- 461 از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می فرماید) : به راستی که خداوند شرک وزیدن به خود را نمی بخشد ولی غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشد<sup>(128)</sup> ( پرسیده شد که آیا اینکه فرموده است) : برای هر که بخواهد (شامل انجام دهنگان گناهان کبیره هم می شود؟ حضرت فرمود: آری . اگر خدا بخواهد آنان را عذاب می کند و اگر بخواهد

می بخشد .

حدیث:

- 462 عن ابی عبد‌الله علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و من یقتل مومنا متعمدا فجزاوه جهنم خالدا فیها) قال : جزاوه جهنم ان جازاه.

ترجمه:

- 462 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : کسی که مومنی را از روی عمد به قتل برساند جزایش برای همیشه دوزخ است<sup>(129)</sup> ( فرمود: جزای چنین کسی دوزخ است اگر خداوند او را مجازات کند .

حدیث:

- 463 و عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث الاسلام و الایمان قال : و الایمان من شهد ان لا اله الا الله - الى ان قال : - و لم یلق الله بذنب اوعد عليه بالنار قال ابو بصیر: جعلت فداك و اینا لم یلق الله اليه بذنب اوعد الله عليه النار فقال : ليس هو حيث تذهب ، انما هو من لم یلق الله بذنب اوعد الله عليه بالنار ولم یتب منه.

ترجمه:

- 463 امام باقر علیه السلام در حدیث اسلام و ایمان می فرمود: و ایمان کسی دارد که شهادت به وحدائیت خداوند دهد و خداوند را با گناهی که خدا وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند. ابو بصیر عرض کرد: فدایت شوم کدامیک از ما خداوند را با چنین گناهی دیدار نمی کند؟ حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو فکر می کنی بلکه مراد من این است که خداوند را با گناهی که او وعده آتش بر آن داده است دیدار نکند در حالی که از آن گناه توبه نکرده باشد .

حدیث:

- 464 عن سهل بن الیسع قال سمع الرضا علیه السلام بعض اصحابه یقول : لعن الله من حارب عليا علیه السلام فقال له : قل الا من تاب و اصلاح ثم قال : ذنب من تخلف عنه و لم یتب اعظم من ذنب من قاتله ثم تاب.

ترجمه:

- 464 سهل بن یسع گوید: امام رضا علیه السلام شنید که یکی از یارانش می گوید: خداوند لعنت کند کسی را که با علی علیه السلام جنگید. حضرت به او فرمود: بگو: بجز کسی که توبه نمود و خود را نیکو کرد. سپس فرمود: گناه کسی که به علی علیه السلام پشت نمود و توبه نکرد از گناه کسی که با او جنگید و سپس توبه کرد بزرگتر است .

حدیث:

- 465 عن محمد بن ابی عمیر قال : سمعت موسی بن جعفر علیه السلام یقول : من اجتنب الكبائر من المؤمنين لم یسأل عن الصغائر قال الله تعالى) : ان تجتنبوا كبار ما تنهون عنه نکفر عنکم سئیاتکم و ندخلکم مدخلنا کریما) قال : قلت : فالشفاعه لمن تجب ؟ فقال حدثی ابی

عن آبائه عن علی علیه السلام قال قال رسول الله صلی الله علیه و آله : انما شفاعتی لاهل الكبائر من امتی فاما المحسنون فما عليهم من سبیل قال ابن ابی عمیر: فقلت له : يا ابن رسول الله فكيف تكون الشفاعة لاهل الكبائر و الله تعالى يقول : (و لا يشفعون الا لمن ارتضى ) و من يرتكب الكبائر لا يكون مرتضى فقال : يا ابا احمد ما من مومن يذنب ذنبا الا ساءه ذلك و ندم عليه وقد قال رسول الله صلی الله علیه و آله : كفى بالندم توبه و قال : من شرته حسنته و ساءته سينته فهو مومن فمن لم يندم على ذنب يرتكبه فليس بمومن ولم تجب له الشفاعة - الى ان قال - قال النبی صلی الله علیه و آله : لاکبیر مع الاستغفار ولاصغير مع الاصرار.

ترجمه:

- 465 محمد بن ابی عمیر گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر کس از مومین از گناهان کبیره دوری کند در مورد گناهان صغیره از او بازخواست نمی شود خداوند تعالی می فرماید) :اگر از گناهان کبیره ای که از ارتکاب آنها نهی شده اید دوری کنید از گناهاتنان در می گذریم و شما را در محلی ارجمند وارد می سازیم<sup>(130)</sup> (راوی گوید: عرض کردم پس شفاعت برای چه کسانی است ؟ حضرت فرمود : پدرم از پدران بزرگوارش و آنان از علی علیه السلام ، روایت نمود که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که شفاعت من شامل کسانی از امتم می گردد که اهل ارتکاب گناهان کبیره بوده اند اما نیکوکاران که چیزی بر علیه آنان نیست . ابن ابی عمیر گوید: عرض کردم : ای فرزند رسول خدا چگونه شفاعت اهل کبائر می گردد و حال اینکه خدای تعالی می فرماید) : و شفاعت نمی کنند مگر برای کسی که برگزیده و مورد رضایت است<sup>(131)</sup> ( و کسی که مرتکب گناهان کبیره می گردد برگزیده نیست . حضرت فرمود : ای ابا احمد! هیچ مومنی نیست که گناهی انجام دهد جز اینکه آن گناه او را ناراحت می سازد و بر گناه خوبیش پشمیمان می گردد و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که : برای توبه کردن پشمیمانی کافی است و فرمود: کسی که نیکی اش او را شادمان سازد و بدی اش وی را بد حال گرداند چنین کسی مومن است پس کسی که بر گناهی که انجام می دهد پشمیمان نشود مومن نمی باشد و شفاعت نمودن او لازم نیست - تا آنجا که فرمود - :پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: با وجود استغفار گناه کبیره ای باقی نمی ماند و در صورت اصرار و پافشاری صغیره ای نخواهد بود (زیرا اصرار بر گناه صغیره خود گناه کبیره است ).

حدیث:

- 466 عن ابراهیم بن العباس قال : كنت في مجلس الرضا عليه السلام فتذاكرنا الكبائر و قول المعتزله فيها انها لاتغفر فقال الرضا عليه السلام : قال ابو عبدالله : قد نزل القرآن بخلاف قول المعتزله قال الله عزوجل : (و ان ربك لذو مغفره للناس على ظلمهم).

ترجمه:

- 466 ابراهیم بن عباس گوید: در مجلس امام رضا عليه السلام بودم و با یکدیگر درباره گناهان کبیره و نظر معتزله که گناهان کبیره بخشیده نمی شوند گفتگو می کردیم پس امام رضا عليه السلام فرمود: امام صادق عليه السلام فرموده است که : قرآن بر خلاف نظر معتزله نازل شده است زیرا خداوند عزوجل فرموده است) : و همانا پروردگارت دارای مغفرت است و مردمان را بر ظلم و ستمشان می بخشد.<sup>(132)</sup>

حدیث:

- 467 عن جندب الغفاری ان رسول الله صلی الله علیه و آله قال : ان رجلا قال يوما: و الله لا یغفر الله لفلان فقال الله عزوجل : من ذا الذى تالى على ان لا اغفر لفلان ؟ فانی قد غفرت لفلان و احبطت عمل الثانی بقوله لا یغفر الله لفلان.

ترجمه:

- 467 جندب غفاری گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: به راستی که روزی مردی گفت : سوگند به خدا که فلانی را خداوند نمی بخشد پس خداوند عزوجل فرمود: این کیست که بر من سوگند می خورد که فلانی را نمی بخشم ؟ من فلانی را بخشیدم و به خاطر سخن این شخص عملش را باطل و ناچیز نمودم .

حدیث:

- 468 عن ابی عبدالله علیه السلام فی قوله تعالیٰ : (و یغفر ما دون ذلك لمن یشاء) دخلت الكبائر فی الاستثناء؟ قال علیه السلام : نعم.

ترجمه:

- 468 از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید) : خداوند غیر از شرک را برای هر که بخواهد می بخشد.<sup>(133)</sup> (پرسیده شد که آیا گناهان کبیره هم در این استثنای داخل هستند؟ (یعنی خداوند آنها را نیز می بخشد؟) حضرت فرمود: آری .

- 48 باب تحريم الاصرار علی الذنب و وجوب المبادره بالتوبه والاستغفار

- 48 باب تحريم پافشاری نمودن بر گناه و وجوب مبادرت نمودن به توبه و استغفار

حدیث:

- 469 عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام یقول : لا و الله لا یقبل الله شيئا من طاعته علی الاصرار علی شیء من معاصيه.

ترجمه:

- 469 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: نه سوگند به خداوند که خدا در صورت اصرار و پافشاری (بنده اش ) بر انجام معصیتی از معاصی هیچ طاعتی از طاعات وی را نمی پذیرد .

حدیث:

- 470 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله من علامات

الشقاء جمود العين و قسوه القلب و شدّه الحرص في طلب الدنيا و الاصرار على الذنب.

ترجمه:

- 470 از امام صادق عليه السلام روایت است که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: از نشانه های شقاوت و تیره روزی عبارت است از: خشک شدن چشم از اشک (و نگریستن) و سنگدلی و زیادی حرص در طلب دنیا و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند .

حدیث:

- 471 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : لاصغیره مع الاصرار و لا کبیره مع الاستغفار.

ترجمه:

- 471 امام صادق عليه السلام فرمود: با وجود اصرار و پافشاری بر گناه دیگر گناهی صغیره نیست و با استغفار نمودن کبیره ای باقی نمی ماند .

حدیث:

- 472 عن ابی جعفر علیه السلام فی قول الله عزوجل : (و لم يصروا على ما فعلوا و هم يعلمون ) قال : الاصرار ان يذنب الذنب فلا يستغفر لله و لا يحدث نفسه بالتوبه فذلك الاصرار.

ترجمه:

- 472 امام باقر علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) (و اصرار نکردند بر آنچه انجام می دادند و آنان می دانند<sup>(134)</sup> (فرمود: اصرار نمودن بر گناه این است که مرتكب گناهی شود و پس از آن نه استغفار کند و نه با خود درباره توبه کردن سخن گوید چنین کاری اصرار است .

حدیث:

- 473 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من اذنب ذنبا و هو ضاحك دخل النار و هو باك.

ترجمه:

- 473 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت کند که : کسی که مرتكب گناهی شود در حالی که خنده بر لب دارد در قیامت با چشم گریان داخل آتش می شود.

- 49 باب جمله مما ينبغي تزکه من الخصال المحمرمه و المكروهه

- 49 باب تعدادی از خصلتهای حرام و مکروه که سزاوار است ترک شوند

حدیث:

- 474 قال ابو عبداللہ علیه السلام اصول الكفر ثلاثة الحرص و الاستكبار و الحسد.

ترجمه:

- 474 امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و خودبزرگ

بینی و حسد و رزیدن .

حديث:

- 475 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال النبی صلی اللہ علیہ و آله : ارکان الکفر اربعه الرغبہ و الرھبہ و السخط و الغضب .

ترجمہ:

- 475 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی اللہ علیہ و آله فرموده است: پایه های کفر چهار چیز است: میل و خواهش ، ترس و بیم ، و ناخشنودی و خشم .

حديث:

- 476 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آله : ان اول ما عصی اللہ به ستہ حب الدنیا و حب الرئاسہ و حب الطعام و حب النوم و حب الراحة و حب النساء .

ترجمہ:

- 476 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرموده است: همانا اولین چیزهایی که بوسیله آنها نافرمانی خداوند صورت گرفته است شش چیز است: دوستی دنیا و دوستی ریاست و دوستی خوارک و دوستی خواب و دوستی آرامش و دوستی زنان .

حديث:

- 477 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آله : ثلاث من کن فيه کان منافقا و ان صام و صلی و زعم انه مسلم من اذا اوتمن خان و اذا حدث کذب و اذا وعد اخلف ان اللہ عزوجل قال فی کتابه (و ان اللہ لا یحب الخائین ) و قال (ان لعنت اللہ علیہ ان کان من الکاذبین ) و فی قوله (و اذکر فی الكتاب اسماعیل انه کان صادق الوعد و کان رسولا نبیا).

ترجمہ:

- 477 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ و آله فرموده است: سه چیز است که اگر در کسی باشد آن کس منافق است اگر چه روزه بگیرد و نماز بخواند و به مسلمان بودن خود معتقد باشد: کسی که هنگامی که او را امین شمرند خیانت کند و هنگامی که سخن گوید دروغ گوید و هنگامی که وعده دهد خلف وعده کند. به راستی که خداوند عزوجل در کتابش فرموده است) : همانا که خداوند خیانتکاران را دوست نمی دارد (و فرمود) : لعنت خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد <sup>(136)</sup> (و فرمود) : و در کتاب اسماعیل را یادآور که او وعده اش راست بود و فرستاده و پیامبر بود <sup>(137)</sup> (

حديث:

- 478 قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آله : الا اخبرکم بشرار رجالکم قلنا: بلی يا رسول الله قال : شرار رجالکم البهات الجریء الفحاش الاكل وحده و المانع رفده و الصارب عبده و

الملجى عياله الى غيره.

ترجمه:

- 478رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: آیا شما را نسبت به بدترین مردانتان آگاه سازم ؟ گفتیم : آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: بدترین مردان شما کسی است که دروغ باف ، گستاخ و بسیار هرزه گو باشد، به تنهایی بخورد و یاری اش را (از مردمان) باز دارد و گماشته زیر دستش را کتك بزند و خانواده اش را به دیگری پناهنه سازد.

حدیث:

- 479عن یزید الصائغ قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : رجل علی هذا الامر ان حدث کذب و ان وعد اخلف و ان اوتمن خان ما منزلته ؟ قال : هی ادنی المنازل من الكفر و ليس کافر.

ترجمه:

- 479یزید بن صائغ گوید: به امام جعفر صادق علیه السلام عرض کردم : مردی هست که شیعه است ولی اگر سخن گوید دروغ می گوید و اگر وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند و اگر امینش شمرند خیانت می کند چنین کسی چه مقام و منزلتی دارد؟ حضرت فرمود: منزلت او نزدیکترین منزلتها به کفر است ولی کافر نیست .

حدیث:

- 480عن ابی جعفر علیه السلام قال : خطب رسول الله صلی الله علیه و آلہ الناس فقال : الا اخبرکم بشرارکم ؟ قالوا: بلی يا رسول الله فقال : الذى یمنع رفده و یضرب عبده و یتزوّد وحده فظنوا ان الله لم یخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبرکم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلی يا رسول الله قال : الذى لا یرجی خیره و لا یومن شره فظنوا ان الله لم یخلق خلقا هو شر من هذا ثم قال : الا اخبرکم بمن هو شر من ذلك ؟ قالوا: بلی قال : المتفحش اللعan الذى اذا ذكر عنده المؤمنون لعنهم و اذا ذکروه لعنوه.

ترجمه:

- 480امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آلہ برای مردم خطبه ای خواند و فرمود: آیا به شما خبر دهم که بدترین شما کیست ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که یاری اش را از مردمان باز دارد و بنده زیر دستش را بزند و برای خودش تنها توشه تھیه کند - مردم از این سخن پیامبر چنین پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است - سپس پیامبر فرمود: آیا شما را به بدتر از این کس خبردار سازم ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: کسی که امید خیر از او داشته نمی شود و از شرس ایمنی نیست - باز مردم پنداشتند که خداوند بدتر از چنین کسی را نیافریده است - سپس پیامبر فرمود: آیا به شما به بدتر از این هم خبر دهم ؟ عرض کردند: آری . حضرت فرمود: کسی که بسیار هرزه گو و بد زبان است و هرگاه نام مومنی در نزد او برده می شود

وی را لعنت می کند و هرگاه در نزد مومینین از او یاد شود آنان نیز او را لعنت می فرستند.

حدیث:

- 481 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ : الا اخبرکم بابعدکم منی شبها؟ قالوا بلی یا رسول الله قال : الفاحش المتفحش البذی البخیل المختال الحقدو الحسود القاسی القلب البعید من کل خیر یرجحی غیر المامون من کل شر یتقی.

ترجمه:

- 481 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ است : آیا شما را آگاه نسازم که کدامیک از شما شباهتتان به من کمتر و از من دورتر است ؟ گفتند: آری ای رسول خدا! حضرت فرمود: آنکه بدگو، بیهوده گو، رشت گفتار، تنگ چشم ، متکبر، کینه ورز، حسود و سنگدل باشد و از هر خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن خیری که امید آن می رود دور باشد و (مردم) درباره او از هر شری که از آن پرهیز می شود در امان نباشند .

حدیث:

- 482 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ لعنتهم و کل نبی مجتبی : الزائد فی کتاب اللہ و التارک لستنی و المکذب بقدر اللہ و المستحل من عترتی ما حرم اللہ و المستثار بالفیء المستحل له.

ترجمه:

- 482 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ است : پنج کس را من و هر پیامبری که دعاویش پذیرفته و مورد قبول درگاه الهی است لعنت می فرستیم : آنکه در کتاب خدا چیزی بیافزاید و آنکه سنت و روش مرا ترك گوید و آنکه قضا و قدر الهی را دروغ بداند و آن که درباره خاندان من آنچه را که خداوند حرام ساخته است حلال بشمرد (احترام خاندان مرا رعایت نکند) و آنکه غنیمت را برای خود برگزیند و آن را بر خود حلال بداند.

حدیث:

- 483 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : بین الكفر على اربع دعائم الفسق و الغلو و الشك و الشبهه و الفسق على اربع شعب على الجفاء و العمى و الغفله و العتو و الغلو على اربع شعب على التعمق بالرأي و التنازع فيه و الزيف و الشقاق و الشك على اربع شعب على المريه و الهوى و التردد و الاستسلام و الشبهه على اربع شعب اعجاب بالزينة و تسول النفس و تاول العوج و لبس الحق بالباطل و النفاق على اربع دعائم على الهوى و الهوينا و الحفيظه و الطمع و الهوى على اربع شعب على البغي و العداون و الشهوه و الطغيان و الهوينا على اربع شعب على الغره و الامل و الهينه و المماطله و الحفيظه على اربع شعب على الكبر و الفخر و الحميي و العصبيه و الطمع على اربع شعب الفرح و المرح و اللجاجه و التکاثر.

ترجمه:

- 483 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای پسرم! کفر بر چهار ستون استوار است: یکی هرزگی و بیراهه رفتن، دیگری زیاده روی و دیگری دولی و دیگری پوشیدگی و مبهم بودن کار، و هرزگی خود بر چهار بخش است: بر ستمگری و روی گردانی (از حق) و کوری و غفلت و سرکشی. و زیاده روی نیز بر چهار شاخه است: بر کنجکاوی (ناصواب) و نزاع و درگیری در رای و انحراف (از حق) و دشمنی و زیر بار حق نرفتن. دو دلی نیز بر چهار پایه است: بر جدال (گفت و شنود باطل) و خواهش نفسانی و سرگردانی و خودباختن (گردن نهادن به گمراهی). و پوشیدگی و ابهام در کار نیز بر چهار بخش است: بر شگفت زده شدن به سبب زینت و آرایش ظاهری و آراستن نفس چیزی را و باز گرداندن (امور و آراء) به کجی و پوشاندن حق به باطل. و دو رویی بر چهار پایه استوار است: بر خواهش نفسانی و رفق و مدارا (ملایمت نابجا) و نخوت و شهوت و نافرمانی. و ملایمت (نابجا) بر چهار بخش است: بر امید بیهوده و آرزو و آهستگی و سهل انگاری. و نخوت و غرور بر چهار شاخه است: بر خود بزرگ بینی و به خود نازیدن و غیرت (بی جا) و سرسختی نمودن. و طمع نیز بر چهار بخش است: بر شادمانی و خوش خرامیدن و لجاجت و زیاده طلبی.

حدیث:

- 484 عن علی بن الحسین علیه السلام قال: ان المنافق ينهى و لاينهى و يامر بما لا ياتى و اذا قام الى الصلاه اعترض قلت: يا ابن رسول الله و ما الاعتراض؟ قال: الالتفات و اذا ركع ربض ، يمسى و همه العشاء و هو مفطر و يصبح و همه النوم و لم يسهر ان حدثك كذبك و ان ائتمنته خانك و ان غبت اغتابك و ان وعدك اخلفك.

ترجمه:

- 484 امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا که منافق (دیگران را از کار زشت) باز می دارد ولی خود باز نمی ایستد و چیزی امر می کند که خود انجام نمی دهد و هنگامی که برای نماز به پا می ایستد به حالت اعتراض است. - روای گوید - عرض کردم: ای فرزند رسول خدا! حالت اعتراض چگونه است؟ حضرت فرمود: یعنی به دور و بر خود نگاه می کند. و هنگامی که به رکوع رود گویی شتری است که زانو زده است) یعنی رکوع وی با تعظیم پروردگار همراه نیست)، شب می کند در حالی که همه همتش خوردن غذای شبانه است و حال اینکه روزه دار نبوده و ناشتا خورده است و صبح می کند در حالی که همه همتش خوابیدن است و حال اینکه شب زنده داری نکرده است، اگر با تو سخن گوید به تو دروغ می گوید و اگر او را در کاری امین گردانی به تو خیانت می کند و اگر حضور نداشته باشی از تو غیبت می کند و اگر به تو وعده دهد به وعده اش وفا نمی کند.

حدیث:

- 485 و عن عبدالملك بن بحر رفعه مثل ذلك و زاد فيه و اذا رکع ربض و اذا سجد نقر و اذا

## جلس شغر.

ترجمه:

- 485 از طریق عبدالملک بن بحر نیز شبیه این روایت آمده است و در آن دو جمله اضاف دارد: و هنگامی که به رکوع رود گوئیا شتری است که زانو زده است و هنگامی که به سجده رود گویی به زمین نوک می زند (یعنی با شتاب به سجده می رود و بر می خیزد) و هنگامی که می نشیند پای خود را باز می کند .

حدیث:

- 486 عن النبی صلی اللہ علیہ وآلہ فی وصیہ طویلہ قال : سیاتی اقوام یاکلون طیب الطعام و الوانها و یرکبون الدواب و یتزینون بزینه المراہ لزوجها و یتبرجون تبرج النساء و زینتهن مثل زی الملوك الجباره هم منافقو هذه الامه فی آخر الزمان شاربون بالقهوات لاعبون بالکعب راکبون الشهوتات تارکون الجماعات راقدون عن العتمات مفرطون فی الغدوات یقول اللہ تعالیٰ : (فخلف من بعدهم خلف اضعوا الصلاه و اتبعوا الشهوتات فسوف یلقون غیا).)

ترجمه:

- 486 پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ در ضمن سفارشی طولانی فرمود: به زودی گروه هایی می آیند که طعام پاکیزه و رنگارنگ می خورند و بر چهاریایان سوار می شوند و همانند زنی که برای همسرش خود را می آراید خویشتن را آرایش می کنند و همانند زنان زینت خود را به دیگران می نمایانند و به مانند پادشاهان ستمگر رفتار می کنند آنان در آخر زمان منافقان این امت هستند قمهوه ها می نوشند و نرده بازی می کنند و بر مرکب شهوتها سوار می شوند و حضور در جماعت های مسلمین را ترک می کنند، شامگاهان را در خواب به سر می بردند و با مداد را به سهل انگاری می گذرانند خداوند تعالی می فرماید) : پس بعد از آنان کسانی جانشین شدند که نماز را ضایع کردند و از خواهش ها پیروی نمودند پس زود باشد که شر را بیینند (138) )

حدیث:

- 487 عن جعفر بن محمد عن آبائہ علیہ السلام فی وصیہ النبی صلی اللہ علیہ وآلہ لعلی علیہ السلام قال : یا علی خلق اللہ عزوجل الجنہ لبنتین لبنه من ذهب و لبنه من فضه - الی ان قال - فقال اللہ جل جلاله : و عزتی و جلالی لا يدخلها مدنی خمر و لانمام و لادیوث و لا شرطی ولا مختنث ولا نباش ولا عشار ولا قاطع رحم ولا قدری یا علی کفر بالله العظیم من هذه الامه عشره القتات و الساحر و الديوت و الناكح المراہ حراما فی دبرهاء ناکح البھیمه و من نکح ذات محرم و الساعی فی الفتنه و بائع السلاح من اهل الحرب و مانع الزکاه و من وجد سعه فمات و لم یحج - الی ان قال : - یا علی تسعه اشیاء تورث النسیان اکل التفاح الحامض و اکل الكزبره و الجبن و سور الفار و قراءه کتابه القبور و المشی بین امراتین و طرح القلمه و الحجامه فی النقره و البول فی الماء الراکد .

ترجمه:

- 487 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وہ علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی! خدا عزوجل بهشت را خشتنی از طلا و خشتی از نقره آفرید - تا آنجا که فرمود: پس خداوند جل جلاله فرمود: به عزت و بزرگی ام سوگند که چند گروه داخل بهشت نمی شوند: کسی که مداومت بر خوردن شراب دارد، سخن چین، کسی که درباره زن خود غیرت نداشته باشد، پاسبان (ستمگران)، مرد زن صفت، کسی که نبیش قبر می کند، با جگیر، کسی که با خویشان قطع رابطه کند، کسی که منکر قضا و قدر الهی است . ای علی! از این امت ده گروه اند که به خداوند بزرگ کافر گشته اند: تهمت زننده (یا بد زبان یا دروغگو) و جادوگر و مردی که درباره زن خود غیرت و تعصب ندارد و مردی که به حرام از عقب با زنی نزدیکی کند و کسی که با حیوانی مجامعت کند و کسی که با محروم خود مباشرت کند و کسی که در ایجاد فتنه سخن چینی کند و کسی که به کسانی که با مسلمانان در جنگ هستند اسلحه بفروشد و آنکه از پرداخت زکات خودداری می کند و کسی که استطاعت رفتن به حج را بباید ولی به حج نرود تا بمیرد - تا آنجا که فرمود: - ای علی! نه چیز است که باعث فراموشی می شود: خوردن سیب ترش و خوردن خیار بزرگ و خوردن پنیر و خوردن نیم خورده موش و خواندن نوشته روی سنگ قبرها و راه رفتن بین دو زن و انداختن و پرت کردن شپش و حجامت کردن در گودی بالای پشت گردن و بول کردن در آب راکد .

حدیث:

- 488 قال الصادق جعفر بن محمد علیه السلام : من لم يبال ما قال و ما قيل فيه فهو شرك شیطان و من لم يبال ان يراه الناس نسیا فهو شرك شیطان و من اغتاب اخاه المؤمن من غير تره بينهما فهو شرك شیطان و من شغف بمحبه الحرام و شهوه الزنا فهو شرك شیطان ثم قال علیه السلام : ان لولد الزنا علامات احدها بغضنا اهل البيت و ثانیها ان یحن الى الحرام الذى خلق منه و ثالثها الاستخفاف بالدين و رابعها سوء المحضر للناس و لايسىء محضر اخوانه الا من ولد علی غير فراش ابیه او حملت به امه فی حیضها.

ترجمه:

- 488 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شریک شیطان است و کسی که باکی نداشته باشد که مردم او را بی ارزش و بی مقدار بدانند شریک شیطان است و کسی که بدون اینکه بین او و برادر مومنش بدی و امر ناپسندی باشد غیبت او را کند چنین کسی شریک شیطان است و کسی که دلباخته و شیفته محبت حرام و شهوت زنا شود چنین کسی شریک شیطان است - سپس فرمود: - برای کسی که از راه زنا متولد شده است نشانه هایی هست : یکی از آنها اینکه دشمن ما اهل بیت است و دوم اینکه به سوی همان عمل حرامی که از ان زاده

شده است (یعنی زنا) اشتیاق و میل دارد و سوم اینکه دین را سبک می شمرد و چهارم اینکه حضور او برای مردمان بد و ناپسند است و کسی حضورش مایه ناخرسنی برادرانش نمی شود مگر اینکه بر غیر بستر پدرش (یعنی از راه زنا) متولد گشته باشد یا اینکه مادرش در حال حیض به او حامله شده باشد .

حدیث:

- 489 و خطب امیرالمؤمنین علیه السلام فی عیدالفطر - الی ان قال : - اطیعوا اللہ فيما نهاكم عنه من قذف المحسنه و اتیان الفاحشه و شرب الخمر و بخس المکیال و شهاده الزور و الفرار من الزحف.

ترجمه:

- 489 امیرالمؤمنین علیه السلام در روز عید فطر خطبه ای خواند... - تا آنجا که فرمود: - خداوند را در اموری که شما را از آنها نهی فرموده است اطاعت کنید. آن امور عبارتند از: نسبت ناروا دادن به زن شوهردار و انجام زشتکاری (زنا) و نوشیدن شراب و کم گذاردن پیمانه (کم فروشی ) و شهادت دروغ و فراز از جهاد .

حدیث:

- 490 عن الصادق جعفر بن محمد عن أبيه عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیه و آله : ان اللہ تبارک و تعالیٰ کرہ لكم ایتها الامه اربعاء و عشرين خصله و نهاکم عنها کرہ لكم العبث فی الصلاه و کرہ المن فی الصدقه و کرہ الضحك بین القبور و کرہ التطلع فی الدور و کرہ النظر الی فروج النساء و قال یورث العمی و کرہ الكلام عند الجماع و قال یورث الخرس و کرہ النوم قبل العشاء الآخره و کرہ الحديث بعد العشاء الآخره و کرہ الغسل تحت السماء بغير مئزر و کرہ المجامعه تحت المساء و کرہ دخول الانهار الا بمئزر و قال فی الانهار عمار و سکان من الملائكة و کرہ دخول الحمام الا بمئزر و کرہ الكلام بین الاذان و الاقامه فی صلاه الغداه حتی تنقضی الصلاه و کرہ رکوب البحر فی هیجانه و کرہ النوم فوق سطح لیس بمحجر و قال من نام علی سطح لیس بمحجر فقد برئت منه الذمه و کرہ ان ینام الرجل فی بیت وحده و کرہ للرجل ان یغشی امراته و هی حائض فان غشیها و خرج الولد مجذوما او ابرص فلا یلومن الا نفسه و کرہ ان یغشی الرجل امراته و قد احتلم حتی یغتسل من احتلامه الذى رای فان فعل و خرج الرجل مجنونا فلا یلومن الا نفسه و کرہ ان یکلم الرجل مجذوما الا ان یكون بینه و بینه قدر ذراع و قال فر من المجنون فرارك من الاسد و کرہ البول علی شط نهر جار و کرہ ان یحدث الرجل تحت شجره مثمره قد اینعت او نخله قد اینتعت یعنی اثمرت و کرہ ان ینتعل الرجل و هو قائم و کرہ ان یدخل الرجل البيت المظلم الا ان یکون بین بیدیه سراج او نار و کرہ النفح فی الصلاه.

ترجمه:

- 490 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدرانش روایت فرموده که : رسول

خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرموده : ای امت من ! خداوند تبارک و تعالیٰ برای شما بیست و چهار خصلت ناپسند شمرده است و شما را از آنها باز داشته : بازی در نماز و منت گذاردن در پرداخت صدقه و در گورستان و بین قبرها خنديدين و چشم دوختن به خانه ها (نگاه کردن به درون خانه های مردم ) و نظر کردن به فرج زنان که اين باعث کوری می شود و سخن گفتن در هنگام جماع که اين موجب گنگی (کودک ( می شود و خوابیدن پیش از نماز عشاء و سخن گفتن بعد از نماز عشاء و بدون لنگ در زیر آسمان غسل کردن و جماع کردن در زیر آسمان و بدون لنگ به درون نهر آب وارد شدن زيرا در نهرها ساکنانی از ملائکه هستند و بدون لنگ وارد حمام شدن و سخن گفتن بين اذان و اقامه در نماز صبح مگر اينکه نماز به پايان برسد و سوار شدن بر كشتى در دريا زمانی که دريا نازارم است و خوابیدن بر بالاي بامي که اطراف آن سنگ چين نشه و حفاظ ندارد زيرا کسى که بر چنین بامي بخوابد تعهد (اينکه سقوط نکند) از او برداشته می شود و تنها خوابیدن مرد در خانه و در نزديکی کردن مرد با همسرش در حال حيض ، پس اگر در اين حال با او مجامعت کرد و فرزندی مبتلا به جذام و پيسى از آنها به دنيا آمد پس تنها خودش را باید سرزنش کند، و نزديکی کردن مرد با همسرش در حالت احتلام مگر اينکه از احتلامش غسل کند ولی اگر غسل نکرد و با حالت احتلام با همسرش مجامعت نمود و فرزندش ديوانه متولد شد هيچکس جز خود را سرزنش نکند، و سخن گفتن با شخصی که مبتلا به جذام است مگر اينکه بين او و جذامي به اندازه يك ذرع فاصل باشد - و فرمود: از جذامي بگريز همچنانکه از شير می گريزی ، و بول کردن بر کناره جويی که آيش جاري است ، و قضای حاجت نمودن در زير درختی يا نخلی که میوه دارد و هنگام چيدن میوه ها فرا رسیده ، و كفش پوشیدن مرد در حال ايستاده ، و داخل شدن در خانه تاريک مگر اينکه در دستش چراغی يا پاره اي آتش باشد، و دمیدن در حال نماز.

**حدیث:**

- 491 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی اللہ علیہ و آلہ لعلی علیه السلام قال : يا علی کرہ اللہ لامتی العیث فی الصلاہ .

**ترجمه:**

- 491 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی اللہ علیه و آلہ به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! خداوند بر امت من بازی کردن در نماز را ناپسند شمرده است .

**حدیث:**

- 492 عن رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ قال : ثلاثه لا يدخلون الجنة مدمون خمر و مددمن سحر و قاطع رحم و من مات مدمون خمر سقاہ اللہ من نهر العرطه قيل : و ما نهر العرطه ؟ قال : نهر يجري من فروج المؤمنات يوذى اهل النار بريجهن .

**ترجمه:**

- 492 رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم: سه گروہ به بھشت داخل نمی شوند: کسی که مداومت در خوردن شراب دارد و کسی که پیوسته به سحر و جادوگری می پردازد و کسی که قطع رحم نموده (با خویشان خود رابطہ اش را قطع نموده) و کسی که دائم الخمر باشد و از دنیا برود خداوند او را از نهر عرطه (سیراب می گرداند. عرض شد که) : نهر عرطه (چیست؟ حضرت فرمود: نهری است که از (خونابه و چرك) فرج زنان تبھکار جاری است و بوی بد آن اهل آتش را آزار می دهد .

حدیث:

- 493 عن ابی جعفر علیہ السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم : اخبرنی جبرئیل ان ریح الجنہ یوجد من مسیره الف عام و ما یجدها عاق و لاقاطع رحم و لا شیخ زان و لا جار از اره خیلاء و لافتان و لا منان ولا جعظری قلت : و ما الجعظری ؟ قال : الذى لا یشبع من الدنيا قال : و فی حدیث آخر و لا حیوف و هو النباش و لازنوق و هو المخت و لاجراض و لاجعظری و هو الذى لا یشبع من الدنيا.

ترجمہ:

- 493 امام باقر علیہ السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم: جبرئیل علیہ السلام به من خبر داد که بوی بھشت از فاصله هزار ساله فهمیده می شود و لی چند گروه بوی آن را نمی یابند: آزار دهنده به پدر و مادر و قطع کننده پیوند خویشاوندی و پیرمرد زناکار و همسایه ای که جامه تکبر بر تن نموده (با همسایگان متکبرانه رفتار می کند) و سخن چین فتنه گر و منت گذارنده و جعظری - <sup>(139)</sup> روای گوید: - عرض کردم جعظری کیست؟ حضرت فرمود: کسی که از دنیا سیر نمی شود. - در حدیث دیگری آمده است که از جمله کسانی که بوی بھشت را در نمی یابند: کسی که نبیش قبر می کند و کسی که خود را به هیئت زنان در آورد و کسی که سخت اندوهگین (بر دنیای خویش) است (همواره آب دهان خود را با اندوه شدید بر دنیا فرو می برد) و کسی که از دنیا سیر نمی شود .

حدیث:

- 494 عن سعید بن علّاقه قال سمعت امیرالمؤمنین علیہ السلام يقول : ترك نسج العنكبوت فی البيت يورث الفقر و البول فی الحمام يورث الفقر و الاكل علی الجنابه يورث الفقر و التخلل بالطرفاء يورث الفقر و التمشط من قيام يورث الفقر و ترك الفقر و الزنا يورث الفقر و اظهار الحرث يورث الفقر و النوم بين العشاءين يورث الفقر و النوم قبل طلوع الشمسم يورث الفقر و اعتياد الكذب يورث الفقر و كثرة الاستماع الى الغناء يورث الفقر و رد السائل الذكر بالليل يورث الفقر و ترك التقدير فی المعیشه يورث الفقر و قطیعه الرحم تورث الفقر ثم قال علیہ السلام : الا انئکم بعد ذلك بما یزید فی الرزق ؟ قالوا: بلی يا امیرالمؤمنین فقال : الجمع بین الصلاتین یزید فی الرزق و التعقیب بعد الغداء و بعد العصر یزید فی الرزق و صله الرحم تزید فی الرزق و کسح الفناء یزید فی الرزق و مواساه الاخ فی الله عزوجل یزید فی الرزق و البکور فی طلب

الرزق يزيد في الرزق والاستغفار يزيد في الرزق واستعمال الامانه يزيد في الرزق وقول الحق يزيد في الرزق واجابه المؤذن تزيد في الرزق وترك الكلام على الخلاء يزيد في الرزق وترك الحرص يزيد في الرزق وشكر المنعم يزيد في الرزق واحتساب اليمين الكاذبه يزيد في الرزق والوضوء قبل الطعام يزيد في الرزق وأكل ما يسقط من الخوان يزيد في الرزق ومن سبحة الله كل يوم ثلاثة مرات دفع الله عنه سبعين نوعا من البلاء ايسراها الفقر.

ترجمه:

- 494 سعيد بن علاقه گويد: از اميرالمؤمنين عليه السلام شنیدم که می فرمود: چند چيز موجب فقر و ناداري می شود: باقی گذاردن تار عنکبوت در خانه ، و بول کردن در حمام ، و خوردن در حال جنابت ، و خلال نمودن دندان با چوب درخت گز، و ایستاده شانه کردن ، و نهادن خاکروبه در خانه ، و سوگند دروغ ، و زنا کردن ، و آشکار نمودن حرص ، و خوابیدن بین نماز مغرب و عشاء، و خوابیدن قبل از طلوع خورشید، و عادت کردن به دروغگویی ، و زياد گوش دادن به غناه، و شبانه مرد سائل را رد کردن ، و ترك تدبیر و اندیشیدن در امور زندگانی، و قطع کردن و بریدن پیوند خوشآوندی ، اينها اموری است که همه‌گی موجب فقر و ناداري می شود، - سپس فرمود: - آيا پس از اين شما را نسبت به آنجه که باعث زيادي در رزق و روزی می شود آگاه نسازم؟ عرض کردند: آري اى اميرمومنان ! حضرت فرمود: چند چيز موجب زيادي رزق و روزي می گردد: جمع نمودن بين دو نماز (ظهر و عصر و مغرب و عشاء)، و خواندن تعقيبات نماز بعد از نماز صبح و نماز عصر، و به جاي آوردن صله رحم ، و جارو کردن و روفتن صحن حياط خانه يا گرداگرد و اطراف خانه ، و ياري رساندن به برادر ديني در راه خدائي عزوجل و صبح زود در طلب رزق رفتن ، و استغفار نمودن ، و امانتداری کردن ، و گفتن سخن حق ، و اجابت نمودن (و تكرار نمودن اذان ) موذن ، و سخن نگفتن در مستراح ، و ترك کردن حرص ، و به جاي آوردن شکر نعمت دهنده ، و دوری کردن از قسم دروغ ، و وضع گرفتن پيش از خوردن غذا، و خوردن آنجه که از سفره می ريزد، و کسی که خداوند را در هر روز سی مرتبه تسبيح گويد) به پاکی ياد کند) خداوند هفتاد نوع بلا و گرفتاري را از او دور می کند که آسانترین آنها فقر است .

حديث:

- 495 عن النبي صلی الله عليه و آله انه قال في حجه الوداع : ان من اشرط القيامه اضعه الصلاه و اتباع الشهوات و الميل مع الاهواء و تعظيم المال و بيع الدنيا بالدين فعنهها يذاب قلب المؤمن في جوفه كما يذاب الملح في الماء مما يرى من المنكر فلا يستطيع ان يغيره ثم قال : ان عندها يكون المنكر معروفا و المعروف منكرا و يوتمن الخائن و يخون الامين و يصدق الكاذب و يكذب الصادق ثم قال : فعنهها اماره النساء و مشاوره الاماء و قعود الصبيان على المنابر و يكون الكذب ظرفا و الزكاه مغرما و الفيء مغنمها و يجفو الرجل والديه و يبر صديقه ثم قال : فعنهها يكتفى الرجال بالرجال و النساء بالنساء و يغار على الغلمان كما يغار على

الجاريه في بيت اهلها و يشبه الرجال بالنساء و النساء بالرجال و يركبن ذات الفروج السروج فعليهم من امتى لعنه الله ثم قال : ان عندها تزخوف المساجد كما تزخرف البيع و الكنائس و تحلى المصاحف و تطول النازات و تكثر الصحف و القلوب متباغضه و الاسن مختلفه ثم قال : فعند ذلك تحلى ذكور امتى بالذهب و يلبسون الحرير و الدبياج و يتذذبون جلود النمر صفاها ثم قال : فعندتها يظهر الربا و يتعاملون بالغيه و الرشا و يوضع الدين و ترفع الدنيا ثم قال : و عندها يكثر الطلاق فلا يقام الله حد و لن يضر الله شيئا ثم قال : و عندها تظهر القينات و المعافف و تليهم شرار امتى ثم قال : و عندها حج اغنياء امتى للنزعه و يحج اوساطها للتجاره و يحج فقرا و هم للرياء و السمعه فعندتها يكون اقوام يتعلمون القرآن لغير الله فيتذذبونه مزامير و يكون اقوام يتفقهون لغير الله و يكترون اولاد الزنا يتغذون بالقرآن و يتهافتون بالدنيا ثم قال : و ذلك اذا انتهكت المحارم و اكتسب الماثم و تسلط الاشرار على الاخيار و يفسو الكذب و تظهر الحاجه و تفسو الفاقه و يتباهون في الناس و يستحسنون الكوبه و المعافف و ينكر الامر بالمعروف و النهى عن المنكر الى ان قال : فاولئك يدعون في ملکوت السماء الارجاس الانجاس.

ترجمه:

- 495- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در آخرين حج خود (حجه الوداع ) فرمود: همانا از نشانه ها و علامات (پایان دنیا) و بر پاشدن قیامت چند چیز است : مهمل گذاردن و واگذاردن نمار، و پیروی نمودن از خواسته های نفسانی ، و میل نمودن به هوها و خواهشها و بزرگ شمردن مال و دارایی ، و فروختن دین در مقابل دنیا، در آن زمان قلب مومن در درونش گداخته و ذوب می گردد همچنانکه نمک در آب حل می شود زیرا (با چشم خویش ) منکر و ناروا را می بیند ولی توانایی تغییر آن را ندارد. در آن هنگام ، ناروا روا می گردد و روا ناروا جلوه داده می شود و خیانتکار امین شمرده می شود و به امین نسبت خیانت داده می شود و دروغگو را راستگو می دانند و به راستگو نسبت دروغ داده می شود. در آن زمان زنان به ریاست و امیری می رسند و کنیزکان مورد مشورت قرار می گیرند و کودکان بر منبرها می نشینند و درغگویی زیرکی و کیاست شمرده می شود و دادن زکات خسارت و توان دانسته می شود و فی ئ<sup>(140)</sup> را برای خود غنیمتی می دانند و شخص به پدر و مادر خود جفا و ستم می کند ولی به دوست خود نیکی می کند. در آن هنگام ، مرد به مرد و زن به زن خوشند است از غلامان همانگونه که از کنیزان در خانه مولای خود بهره برده می شود، بهره می برند، و مردان خود را شبیه زنان سازند و زنان خود را به هیئت مردان در آورند، و زنان بر زینها سوار شوند، پس بر چنین کسانی از امت من لعنت خدا باد. همانا در آن هنگام ، مسجدها به مانند کلسيای یهود و نصاری آذین بندی شوند و قرآنها به زینت آراسته گردند و مناره ها بلند ساخته شود و صفحها زياد شود ولی دلها با يكديگر كينه و دشمني و زبانها مختلف باشد. در آن هنگام ، مردان امت من خود را با طلا می آرایند و لباس حرير و ابريشم می پوشند و پوست يوزيلنگ را پيش زين اسب خود قرار می دهند. در آن زمان ، ربا آشكارا گرفته می شود و با يكديگر نديده معامله

می کنند و رشوه می سtanند و دین پایین آورده می شود و دنیا بالا برده می شود. در آن زمان ، طلاق زیاد می شود، پس حدی از حدود الهی اقامه نمی شود و این هرگز به خداوند ضرری نمی رساند. در آن هنگام ، زنان خواننده و آلات نواختن آشکار می شوند و بدترین های امت من به دنبال آنها راه می افتد. در آن زمان ، ثروتمندان امت من برای گردش و تفریح و طبقه متوسط برای تجارت نمودن فقیران برای ریا و خودنمایی به سفر حج می روند. در آن هنگام ، گروه هایی هستند که قرآن را برای غیر خدا می آموزند و آن را به صورت سرود و آواز می خوانند و گروه هایی هستند که برای غیر خدا علم دین فرا می گیرند، و زنازادگان زیاد می شوند، قرآن را به صورت غنا می خوانند و به دنیا هجوم می آورند، و این امور و نشانه ها در زمانی است که حرمت محارم برداشته می شود و نیازمندی و فقر آشکار می گردد و مردم به یکدیگر فخرفروشی می کنند و سازها و طبل را نیکو می دانند و از امر به معروف و نهی از منکر خودداری می شود - تا آنجا که فرمود: - آنان کسانی هستند که در ملکوت آسمانها به عنوان پلید و ناپاک خوانده می شوند .

**حدیث:**

- 496 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : ستہ لاتکون فی المؤمن العسر و النکد و اللجاجة و الكذب و الحسد و البغى (اقول : المراد المؤمن الكامل الايمان او هو نفي بمعنى النهي).)

**ترجمه:**

- 496 امام صادق علیه السلام فرمود: شیش چیز در مومن وجود ندارد: دشواری (بدخوی) و کم خیری و لجاجت و سرسختی و دروغگویی و حسد ورزیدن و ستم کردن. (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: مراد از مومن در این حدیث ، مومنی است که در رتبه کمال ایمان قرار دارد یا اینکه نفی در این حدیث به معنای نهی است .)

- 50 باب تحريم طلب الرئاسه مع عدم الوثوق بالعدل

- 50 باب تحريم ریاست طلبی زمانی که به عدالت خود اطمینان نداشته باشی

**حدیث:**

- 497 عن ابی الحسن علیه السلام انه ذکر رجلا فقال : انه يحب الرئاسه فقال : ما ذئبان ضاريان فی غنم قد تفرق رعاوها باضر فی دین المسلم من الرئاسه.

**ترجمه:**

- 497 از امام رضا علیه السلام روایت است که ایشان نام شخصی را برد و فرمود: او ریاست را دوست دارد. سپس فرمود: دو گرگ وحشی شکاری در گله گوسفندی که چوپانهایش از آن جدا شده اند پر ضررتر نیستند از ریاست طلبی در دین مسلمان.

**حدیث:**

- 498 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : من طلب الرئاسه هلك.

**ترجمه:**

- 498 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که طالب ریاست باشد هلاک می شود .

حديث:

- 499 عن ابی حمزة الثمالي قال : قال لى ابوعبدالله علیه السلام : ایاک و الرئاسه.

ترجمه:

- 499 او حمزة ثمالی گوید: امام صادق علیه السلام به من فرمود ناز ریاست طلبی بر حذر باش .

حديث:

- 500 عن عبدالله بن مسکان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ایاكم و هولاء الروسae الذين يتراsonون فو الله ما خفت النعال خلف الرجل الا هلك و اهلك.

ترجمه:

- 500 عبدالله بن مسکان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از این روسا که به ریاست رسیده اند بر حذر باشید، سوگند به خدا که کفشهای پشت سر کسی به صدا در نیامد جز اینکه آن شخص هلاک گشت و دیگران را نیز به هلاکت افکند .

حديث:

- 501 عن جويريه بن مسهر قال : اشتددت خلف اميرالمؤمنين علیه السلام فقال يا جويريه انه لم یملک هولاء الحمقى الا بخفق النعال خلفهم.

ترجمه:

- 501 جويريه بن مسهر گوید: به تندی در پشت سر اميرالمؤمنين علیه السلام راه می رفتم که حضرت به من فرمود: ای جويريه ! این نادانان هلاک نگشته اند مگر به سبب صدای کفشهای در پشت سرشان .

حديث:

- 502 قال ابوعبدالله علیه السلام : ملعون من تراس ملعون من هم بها ملعون من حدث نفسه بها.

ترجمه:

- 502 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که (بدون داشتن صلاحیت ) مهتر و رئیس گردد ملعون است و کسی که برای ریاست هم گمارد و تلاش کند ملعون است و کسی که با خود درباره رئیس شدن سخن گوید ملعون است .

حديث:

- 503 عن ابی میاح عن ابیه قال سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : من اراد الرئاسه هلك.

ترجمه:

- 503 ابی میاح از پدرش روایت کرد که از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود:

کسی که ریاست را قصد کند هلاک می گردد .

حدیث:

- 504عن ابی الربيع الشامی عن ابی جعفر علیه السلام قال : لی یا ابا الربيع لا تطلبن الرئاسه و لاتکن ذنبا ولا تاکل الناس بنا فيفقرک الله.

ترجمه:

- 504ابی ربيع شامی از امام باقر علیه السلام روایت کرد که حضرت فرمود: ای ابا ربيع ! ریاست را طلب مکن و دنباله رو (رئیس) هم مباش و به بھانه ما اهل بیت از مردم مخور که خداوند بیچاره و فقیرت خواهد کرد .

حدیث:

- 505عن محمد بن مسلم قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : اتری لا اعرف خیارکم من شرارکم بلى و الله ان شرارکم من احب ان یوطا عقبه انه لابد من کذاب او عاجز الرای.

ترجمه:

- 505محمد بن مسلم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: آیا می پنداری که نیکان شما را از بداننان باز نمی شناسم ؟ آری سوگند به خدا بدترین شما کسی است که دوست دارد که در پشت سرش گام بردارند (پشت سرشن راه بیفتند). چنین کسی به ناچار یا دروغگو است و یا اندیشه اش ناتوان است .

حدیث:

- 506عن ابی جعفر علیه السلام قال : و اما قولك ان قومی کان لهم عريف فهلك فارادوا ان یعرفونی علیهم فان کنت تکره الجنه و بعضها فتعرف علیهم یاخذ سلطان جائز بامری مسلم فیسفک ذمه فتشرك فی دمه و لعلک لاتناش من دنیاهم شيئا.

ترجمه:

- 506امام باقر علیه السلام فرمود: و اما اینکه می گویی : قوم من عريفی <sup>(141)</sup> داشته اند که مرده و می خواهند مرا عريف قوم کنند، پس اگر از بهشت کراحت داری و آن را دوست نداری پس عريف آنان شو. (در نتیجه اگر) سلطان ستمگر مرد مسلمانی را دستگیر کند و خونش را بریزد تو در خون او شریک خواهی بود و شاید به چیزی از دنیای آنان هم نرسی (بهره ای از دنیا نبری).

حدیث:

- 507عن علی بن الحسین علیه السلام انه قال : ایاک ان تتراس فيضعک الله و ایاک ان تستا کل فيزیدک الله فقرا و اعلم انک ان تکن ذنبا فی الخیر خیر لك من ان تكون راسا فی الشر.

ترجمه:

- 507امام سجاد علیه السلام فرمود: بر حذر باش از اینکه طلب ریاست و مهتری کنی که خداوند فقر و نادری ات را افزون می کند و بدان که اگر در کار خیر دنباله رو باشی برای تو

بهتر است از اینکه در کار شر سر (و پیش رو) باشی .

حدیث:

- 508 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : ما لكم و للرثاسات ؟ انما المسلمين راس واحد ایاكم و الرجال فان الرجال للرجال مهلكه.

ترجمه:

- 508 امام صادق علیه السلام فرمود: شما را چه به ریاست ها؟ همانا مسلمانان به منزله یک تن هستند، بر حذر باشید از اینکه به سردمداران (ستمگر (نزدیک شوید زیرا آنان مردان (حقجو و حقگو) را به هلاکت می افکنند .

حدیث:

- 509 عن النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسے قال : لایومر احد علی عشره فما فوقهم الاجیء به یوم القيامه مغلوله یداه فان کان محسنا فك عنه و ان کان مسيئا یزيد غلا علی غله.

ترجمه:

- 509 پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ وسے فرمود: هیچ کس برده نفر یا بیشتر امیری و ریاست نمی کند مگر اینکه در روز قیامت با دستان غل و زنجیر شده آورده می شود پس اگر (در زمان ریاستش ) نیکوکار بوده و غل و زنجیر از او برداشته می شود و اگر بدکار بوده و بر غل و زنجیرش افزوده می گردد .

حدیث:

- 510 عن الصادق عن آبائه عن النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسے فی حدیث المناهی قال : الا و من تولی عرافه قوم اتی یوم القيامه و یداه مغلولتان الی عنقه فان قام فيهم باامر اللہ اطلقه اللہ و ان کان ظالما هوی به فی نار جهنم و بئس المصیر.

ترجمه:

- 510 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: که پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ در حدیث مناهی فرموده است : آگاه باشید که هر کس کارگزاری گروهی را به عهدہ گیرد در روز قیامت با دستانی به گردن زنجیر شده می آید پس اگر در بین آن گروه به دستور خدا قیام نموده باشد خداوند او را آزاد می سازد ولی اگر به ستم رفتار کرده باشد در آتش جهنم افکنده می شود و بد بازگشتگاهی است .

- 51 باب استحباب لزوم المتنزل غالبا مع التیان بحقوق الاخوان لمن یشق علیه اجتناب مفاسد العشره

- 51 باب استحباب اینکه کسی که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای او دشوار است غالبا در خانه خود به حقوق برادران دینی رسیدگی کند

حدیث:

- 511 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : ان قدرتم ان لا تعرفوا فافعلوا و ما عليك ان لم یشن

الناس عليك و ما عليك ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت عند الله محمودا - الى ان قال : -  
ان قدرت على ان لا تخرج من بيتك فافعل فان عليك في خروجك ان لا غتاب و لا تكذب و  
لاتحسد و لاترائي و لاتتصنع و لاتداهن ثم قال : نعم صومعه المسلم بيته يكف فيه بصره و  
لسانه و نفسه و فرجه.

ترجمه:

- 511 امام صادق عليه السلام فرمود: اگر می توانید که شناخته نشوید پس چنین کنید، و  
وقتی که تو در نزد خداوند پسندیده و ستدوده ای ، ثنا نکردن مردم بر تو، چه زیانی به تو می  
رساند و نکوهش نمودن مردم بر تو، چه ضرری برای تو دارد. - تا آنجا که فرمود: - اگر می  
توانی که از خانه ات بیرون نزول چنین کن زیرا بر تو سزاوار است که در بیرون رفتنت به غیبت  
نیفتی و دروغ نگویی و حسد نورزی و ریا و خودنمایی نکنی و ظاهر سازی ننمایی و  
چاپلوسی نکنی ، وہ که خانه چه کنج عزلت خوبی برای مسلمان است که در آن جلو چشم  
و زبان و نفس و عورت خود را می گیرد (و آنها را از ارتکاب گناه باز می دارد . )

حديث:

- 512 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال له رجل : جعلت فداك رجل عرف هذا الامر لزم  
بيته و لم تيعرف الى احد من اخوانه قال : كيف يتفقه هذا في دينه ؟

ترجمه:

- 512 مردی به امام صادق عليه السلام عرض کرد: قدایت شوم ، مردی از شیعیان هست که  
به امامت شما آگاه است ولی پیوسته در خانه اش می ماند و طالب شناخت هیچ یک از  
برادرانش نیست . حضرت فرمود: چنین کسی چگونه در دینش فهم پیدا می کند؟

حديث:

- 513 عن ابی الحسن موسی بن جعفر عليه السلام فی حديث طویل انه قال : يا هشام  
الصبر على الوحدة علامه قوله العقل فمن عقل عن الله اعتزل اهل الدنيا والراغبين فيها و رغب  
فيما عند الله و كان الله انسه في الوحشه و صاحبه في الوحدة و غناه في العيله و معزه من  
غير عشيره.

ترجمه:

- 513 امام موسی بن جعفر عليه السلام در حدیثی طولانی فرمود: ای هشام ! صبر نمودن  
بر تنهایی نشانه توانایی عقل است پس کسی که خداوند را درک کند از اهل دنیا و میل  
کنندگان به دنیا کناهرگیری می کند و به آنچه که در نزد خداوند است رغبت و میل پیدا می  
کند و خداوند مونس و حشت او و همدم تنهایی او می شود و در هنگام فقر، غنای او به  
خداوند است و بدون اینکه قوم و قبیله ای داشته باشد خداوند عزت دهنده اوست .

حديث:

- 514 عن الفضیل قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : طوبی لکل عبد لومه عرف

الناس قبل ان یعرفوه.

ترجمه:

- 514فضیل گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خوشابه حال هر بنده ای نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند (و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد .

حديث:

- 515عن اميرالمؤمنین علیه السلام فى حديث قال : طوبى لمن لزم بيته و اكل كسرته و بكى على خطئته و كان من نفسه فى تعب و الناس منه فى راحه.

ترجمه:

- 515اميرالمؤمنین علیه السلام در حدیثی فرمود: خوشابه حال هر بنده نکوهش کننده (که نفس خویش را همواره بر دنیاطلبی ملامت کند) و پیش از آنکه مردم او را بشناسند مردم را بشناسد .

حديث:

- 516عن ابی عبداللہ علیه السلام عن آبائے عن علی علیه السلام قال : ثلاث منجيات تکف لسانک و تبکی علی خططئتك و یسعک بیتك.

ترجمه:

- 516امام صادق علیه السلام از پدرانش و ایشان از علی علیه السلام روایت کنند که فرمود: سه چیز است که مایه نجات است : زبانت را نگاه دای و بر گناهت گریه کنی و خانه ات برای تو فراخ باشد (و به خاطر رفتار خود یا خانواده ات از خانه خود گریزان نباشی). (مرحوم شیخ حر عاملی گوید: وجه جمع بین این اخبار و اخباری که از رهبانیت و بریدن از مردم نهی می کنند این است که اخبار این باب چنانکه در عنوا باب گذشت بر مواردی حمل می شود که دوری از مفاسد معاشرت با دیگران برای شخص دشوار است .)

- 52باب تحريم اختتال الدنيا بالدين

- 52باب حرام بودن فریفتون (مردمان ) (دنيا به وسیله دین

حديث:

- 517عن یونس بن طبیان قال سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : قال رسول الله صلی اللہ علیه و آله : ان الله عزوجل يقول : ويل للذين يختلون الدنيا بالدين و ويل للذين يقتلون الذين يامرون بالقسط من الناس و ويل للذين يسیر المون فيهم بالتفیه اءبی یغترون ام علی یجترءون ؟ فبی حلفت لا تیحن لهم فتنه تترك الحلیم منهم حیران.

ترجمه:

- 517یونس بن طبیان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیه و آله فرمود که : همانا خداوند عزوجل می فرماید: وای بر کسانی که (مردمان ) دنیا

را به وسیله دین می فریبند و واى بر کسانی که مردمانی را که به عدل و داد فرمان می دهند می کشند و واى بر کسانی که مومن در میان آنان با حالت تقيه سیر می کند. آیا به خاطر (صبر و مدارای) من فریفته می گردند یا بر من دلیری می کنند؟ پس به خودم سوگند که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که آن فتنه شخص بردبار را هم سرگشته و حیران می گردد.

حدیث:

- 518 عن رسول الله صلی الله عليه و آله انه قال فی آخر خطبه خطبها: و من عرضت له دنيا و آخره فاختار الدنيا و ترك الآخره لقى الله و ليست له حسنة يتقى بها النار و من احد الآخره و ترك الدنيا لقى الله يوم القيامه و هو عنه راض.

ترجمه:

- 518 رسول خدا صلی الله عليه و آله در آخرين خطبه ای که خواند فرمود: هر کس که دنيا و آخرت به او عرضه گردد و او دنيا را بر آخرت برگزیند خداوند را در حالتی دیدار خواهد کرد که هیچ حسنی ای که به وسیله آن از آتش دوزخ حفظ شود همراه او نیست ولی کسی که آخرت را برگزیند و دنيا را ترك کند خداوند را در روز قیامت در حالتی دیدار خواهد کرد که از وی خوشنواد است.

حدیث:

- 519 عن جعفر بن محمد عن ابيه عليه السلام قال : ان الله تبارك و تعالى انزل كتابا من كتبه على نبى من انبئاه و فيه انه سيكون خلق من خلقى يلحسون الدنيا بالدين يلبسون مسوك الضان على قلوب كقلوب الذئاب اشد مراره من الصبر و المستهم احلى من العسل و اعمالهم الباطنه انتن من الجيف افبى يغترون ام ايادى يخادعون ام على يجترون ؟ فبعزتى حلفت لاتيحن لهم فتنه تطا فى خطامها حتى تبلغ اطراف الارض ترك الحليم منهم حيران.

ترجمه:

- 519 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود: همانا که خداوند تبارک و تعالی کتابی از کتابهایش را بر پیامبری از پیامبرانش فرو فرستاد و در آن کتاب آورد که : به زودی گروهی از آفریدگان من پا به عرصه وجود خواهند گذارد که دنيا را به وسیله دین می لیسند و پوستهای میش را بر خود می پوشند ولی قلبهای همچون قلب گرگها دارند و دلهایی که از صبر زرد (هم تلخ ترند و زبانهایشان شیرین تر از عسل و کردارهای پنهانی آنان بدبوتر از مردار است آیا مرا فریب می دهند یا به من نیرنگ می زند و یا اینکه بر من دلیری می کنند پس به عزتم سوگند می خوردم که برای آنان فتنه ای را مقدر می کنم که مهارش رهاست تا آنجا که آن فتنه به اطراف و جوانب زمین می رسد و شخص بردبار را (نیز) سرگردان و حیران و می گذارد .

- 53 باب وحوب تسکین الغضب عن فعل الحرام و ما يسكن به

- 53باب وحوب آرام نمودن قوه غصب از اينكه موجب ارتکاب حرام شود و بيان آنچه که غصب را بر طرف می کند  
حدیث:

- 520قال ابوعبدالله علیه السلام : انما المومن الذى اذا غصب لم يخرجه غصبه من حق و اذا رضى لم يدخله رضاه فى باطل و اذا قدر لم ياخذ اكثرا مما له .  
ترجمه:

- 520امام صادق علیه السلام فرمود: به درستی که مومن کسی است که در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون نبرد و در هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش وی را به باطل داخل نکند و در هنگام قدرت و توانایی بیش از آنچه که متعلق به خود اوست را نگیرد .  
حدیث:

- 521عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : الغصب یفسد الایمان كما یفسد الخل العسل.  
ترجمه:

- 521امام صادق علیه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خشم ایمان را تباہ می کند همچنانکه سرکه باعث تباہی و فساد عسل می گردد .  
حدیث:

- 522قال ابو عبدالله علیه السلام : الغصب مفتاح کل شر.  
ترجمه:

- 522امام صادق علیه السلام فرمود: خشم کلید هر بدی است .  
حدیث:

- 523عن میسر قال ذکر الغصب عند ابی جعفر علیه السلام قال : ان الرجل ليغضب بما يرضي ابدا حتى يدخل النار فايما رجل غصب على قوم و هو قائم فليجلس من فوره ذلك فانه يذهب عنه رجز الشيطان و ايما رجل غصب على ذی رحم فليدين منه فليمسه فان الرحم اذا مست سكت .  
ترجمه:

- 523میسر گوید: در نزد امام باقر علیه السلام سخن از خشم به میان آمد، حضرت فرمود: همانا (گاه باشد که ) مرد خشمگین می شود و هرگز خوشنود نمی شود مگر اینکه داخل دوزخ شود. پس هر مردی که بر قومی خشم گرفت اگر در حالت ایستاده است سریعاً بنشیند زیرا این نشستن ، پلیدی شیطان را از او می زداید و هر مردی که بر خویشاوند خود خشمگین شد باید به او نزدیک شود و با او تماس حاصل کند زیرا اگر با خویشاوندان تماس حاصل شود آرامش پیدا می کند .  
حدیث:

- 524 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رجل للنبي صلی اللہ علیہ وآلہ وسٹر : يا رسول اللہ علمتني فقال : اذهب فلا تغضب.

ترجمه:

- 524 امام صادق علیه السلام فرمود: مردی به پیامبر اکرم صلی اللہ علیہ وآلہ عرض کرد: ای رسول خدا! چیزی به من بیاموز، حضرت فرمود: برو و خشمگین مشو.

حديث:

- 525 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسٹر : من کف نفسه عن اعراض الناس اقال اللہ نفسه يوم القيامه و من کف غضبه عن الناس کف اللہ تبارک و تعالیٰ عنه عذاب يوم القيامه.

ترجمه:

- 525 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرموده است: کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان نگهداری کند خداوند نیز در روز قیامت از (عذاب) او خودداری می کند و کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند تبارک و تعالیٰ در روز قیامت عذابش را از وی باز می دارد.

حديث:

- 526 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی حديث قال : سمعت ابی يقول : اتی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسٹر بدوی فقال اتی اسکن البادیه فعلمنی جوامع الكلم فقال : امرک ان لاتغضب فاعاد علیه الاعرابی المساله ثلاث مرات حتى رجع الرجل الى نفسه فقال : لااسال عن شیء بعد هذا ما امرنی رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ الا بالخير قال و كان ابی يقول : ای شیء اشد من الغضب؟ ان الرجل ليغضب قيقتل النفس التي حرم اللہ و يقذف المحسنه.

ترجمه:

- 526 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: از پدرم شنیدم که فرمود: مردی بیابانی نزد رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ آمد و عرض کرد: من در بیابان زندگی می کنم به من سخنی بیاموز که الفاظ آن اندک و معانی آن بسیار باشد. حضرت فرمود: تو را امر می کنم که خشمگین نشوی . پس آن بیابان نشین سوال خود را تا سه مرتبه تکرار کرد تا اینکه آن مرد به خود بازگشت و با خود گفت : دیگر پس از این چیزی نمی پرسم زیرا رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ جز به خیر مرا دستور نداده است . امام صادق علیه السلام فرمود: پدر می فرمود: چه چیزی از غضب کردن سخت تر و بدتر است؟ زیرا شخص غصب می کند و در نتیجه نفسی را که خداوند آن را محترم دانسته می کشد و یا در حالت غصب ، به زن شوهردار نسبت ناروا می دهد .

حديث:

- 527 عن عبد الاعلى قال : قلت لابى عبدالله عليه السلام : علمنى عظه اتعظ بها فقال : ان رسول الله صلى الله عليه و آله اتاه رجل فقال : يا رسول الله صلى الله عليه و آله علمنى عظه اتعظ بها فقال : انطلق فلا تغضب ثم عاد اليه فقال انطلق فلا تغضب ثلاث مرات.

ترجمه:

- 527 عبد الاعلى گويد: به امام صادق عليه السلام عرض کردم: مرا موعظه اى بیاموز تا از آن اندرز گيرم و عبرت پذيرم . حضرت فرمود: مردى به خدمت رسول خدا صلى الله عليه و آله آمد و همين درخواست را از ايشان نمود و رسول خدا صلى الله عليه و آله فرمود: برو و خشمناك مشو. سپس آن مرد تا سه مرتبه درخواست خود را تکرار نمود و حضرت نيز در هر بار فرمود: برو و خشمگين مشو .

حديث:

- 528 عن سيف بن عميرة عمن سمع ابا عبدالله عليه السلام يقول : من كف غضبه ستر الله عورته.

ترجمه:

- 528 سيف بن عميرة از کسی که از امام صادق عليه السلام شنیده بود روایت کند که حضرت فرمود: کسی که جلو خشمش را بگیرد خداوند نقصها و کاستی های او را می پوشاند .

حديث:

- 529 عن ابى جعفر عليه السلام قال : مكتوب فى التوراه فيما ناجى الله به موسى عليه السلام يا موسى نن امسك غضبك عمن ملكتك عليه اكف عنك غضبي.

ترجمه:

- 529 امام باقر عليه السلام فرمود: در کتاب تورات در ضمن رازگويی خداوند با حضرت موسى عليه السلام آمده است : اى موسى ! جلو خشمت را درباره کسی که تو را صاحب اختيار او گردانيده ام بگير تا من نيز خشمم را از تو باز دارم .

حديث:

- 530 قال ابو عبدالله : الغضب ممحقه لقلب الحكيم و قال : من لم يملك غضبه لم يملك عقله.

ترجمه:

- 530 امام صادق عليه السلام فرمود: خشم ، قلب شخص حكيم را تباھ می کند و فرمود: کسی که مالک خشم خود نباشد مالک عقل خود نیست .

حديث:

- 531 عن ابى جعفر عليه السلام قال : ان هذا الغضب جمره من الشيطان توقى قلب ابن آدم و ان احدكم اذا غضب احرمت عيناه و انتفخت اوداجه و دخل الشيطان فيه فاذا خاف

احدکم ذلك من نفسه فلیلزم الارض فان رجز الشیطان لیذهب عنه عند ذلك.

ترجمه:

- 531 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا این خشم ، پاره آتشی از شیطان است که در قلب فرزند آدم افروخته می شود و همانا کسی از شما آنگاه که خشمگین می شود چشمانش سرخ و رگهایش برآمده می شود و شیطان در درون او وارد می گردد پس هرگاه یکی از شما درباره خود از این حالت خشم ترسان باشد به زمین بنشیند زیرا پلیدی شیطان در این هنگام از وجود او می رود .

حدیث:

- 532 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من کف غصبه عن الناس کف الله عنه عذاب يوم القيمة.

ترجمه:

- 532 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خشمش را از مردمان باز دارد خداوند نیز در روز قیامت عذابش را از او باز می دارد .

حدیث:

- 533 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : مر رسول الله صلی الله علیه و آله بقوم یتسایلون حمرا فقال : ما هذا؟ فقالوا: نختبر اشدنا و اقوانا فقال : الا اخبرکم باشدم و اقواکم ؟ قالوا: بلی یا رسول الله قال : اشدکم و اقواکم الذى اذا رضی لم یدخله رضاہ فی اثم و لا باطل و اذا سخط لم یخرجه سخطه من قول الحق و اذا ملک لم یتعاط ما ليس له بحق.

ترجمه:

- 533 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به گروهی گذر کرد که سنگی را بلند کرده و حمل می کردند، حضرت فرمود: این چیست ؟ عرض کردند: با این کار مقاوم ترین و قوی ترین را می آزماییم . حضرت فرمود: آیا شما را خبردار سازم که مقاوم ترین و قوی ترین شما کیست ؟ عرض کردند: آری ای رسول خدا. حضرت فرمود: مقاوم ترین و تواناترین شما کسی است که هرگاه خوشنود باشد خوشنودی اش او را به گناه و باطل نیفکند و هرگاه خشمگین باشد خشمش او را از گفتن حق بیرون نبرد و هرگاه استیلا و تسلط پیدا کند چیزی را که حق او نیست به ناحق نگیرد .

حدیث:

- 534 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : قال الحواريون لعیسی علیه السلام : ای الاشیاء اشد؟ قال : اشد الاشیاء غصب الله عزوجل . قالوا: بما تنتقی غصب الله ؟ قال : بان لاتغضبو. قالوا: و بده الغصب ؟ قال : الكبر و التجبر و محقره الناس.

ترجمه:

- 534 امام صادق علیه السلام فرمود: حواریون به حضرت عیسی علیه السلام عرض کردند:

سخت ترین چیز چیست ؟ حضرت فرمود: سخت ترین چیزها خشم خداوند عزو جل است . عرض کردند: به چه وسیله ای از خشم خدا در امان باشیم ؟ فرمود: به اینکه بر دیگران خشم مگیرید. عرض کردند: آغاز و نقطع شروع خشم چیست ؟ فرمود: خود بزرگ بینی و تکبر و کوچک شمردن مردمان .

حدیث:

- 535 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من کف نفسه عن اعراض الناس کف الله عنه عذاب يوم القيمة و من کف غضبه عن الناس اقاله الله نفسه يوم القيمة.

ترجمه:

- 535 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که خود را از (ریختن) آبروی مردمان باز دارد خداوند عذاب روز قیامت را از او باز خواهد داشت و کسی که خشمش را از مردم نگاه دارد خداوند در روز قیامت او را حفظ می کند .

حدیث:

- 536 عن الصادق جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام اله ذکر عنده الغصب فقال : ان الرجل ليغضب حتى ما يرضى ابدا و يدخل بذلك النار فايما رجل غصب وهو قائم فليجلس فانه سيذهب عنه رجس الشيطان و ان كان جالسا فليقم و ايما رجل غصب على ذي رحم فليقم اليه و ليدين منه و ليمسه فان الرحم اذا مسست الرحم سكتت.

ترجمه:

- 536 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که در نزد ایشان درباره غصب سخن به میان آمد و ایشان فرمود: همانا (گاه باشد که) مرد خشمگین می شود تا جایی که هرگز خشمش فرو نمی نشیند و خوشنود نمی شود و به خاطر آن به دوزخ داخل می گردد پس هر مردی که در حال ایستاده به خشم آمد باید بنشیند زیرا در این صورت به زودی پلیدی شیطان از او بیرون می رود و اگر نشسته بود بایستد و هر مردی که بر خویشاوند خود خشم گرفت باید به سوی او رود و به او نزدیک شود و با او تماس گیرد زیرا خویشاوند هنگامی که خویشاوند خود را لمس کند آرامش می یابد .

حدیث:

- 537 قال رسول الله صلی الله عليه و آله : ثلاث من کن فيه یستكمل خصال الايمان الذي اذا رضى لم يدخله رضاه فى باطل و اذا غصب لم يخرجه غضبه من الحق و اذا قدر لم يتعاط ما ليس له.

ترجمه:

- 537 رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه چیز در او باشد خصلتهای ایمان را به صورت کامل دارا گشته است : اینکه کسی در هنگام خوشنودی ، خوشنودی اش او را در باطل وارد نکند و اینکه در هنگام خشم ، خشمش او را از حق بیرون

نبرد و اینکه در هنگام قدرت و توانایی چیزی را که از آن او نیست به ناحق نگیرد .

- 54باب وجوب ذکر الله عند الغضب

- 54باب وجوب ياد كردن خداوند در هنگام خشم

حدیث:

- 538قال ابو عبدالله عليه السلام : اوحى الله عزوجل الى بعض انبيا ئه يا ابن آدم اذكرنى في غضبك اذكرك في غضبى لا امحقك فيمن امحق و ارض بي منتصرا فان انتصارى لك خير من انتصارك لنفسك.

ترجمه:

- 538امام صادق عليه السلام فرمود: خدای عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشمت یاد کن تا من نیز تو را در هنگام خشمم یاد کنم و تو را در زمرة کسانی که نابودشان می سازم نبود نگردانم و به اینکه من انتقامات را از دشمنت بستانم راضی و خوشنود باشد زیرا انتقام گیری من برای تو بهتر است از اینکه خودت دست بکار شوی و انتقام خود از وی بستانی .

حدیث:

- 539و فی حدیث آخر زاد: و اذا ظلمت بمظلمة فارض بانتصاری لك فان انتصاری لك خير من انتصارك لنفسك.

ترجمه:

- 539و در حدیث دیگری اضافه نموده است که : و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام گیری من از آن ستمکار خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو می گیرم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری .

حدیث:

- 540عن اسحاق بن عمار قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان في التوراه مكتوبا يا ابن آدم اذكرنى حين تغضب اذكرك عند غضبى فلا امحقك فيمن امحق و اذا ظلمت بمظلمته فارض بانتصاری لك فان انتصاری لك خير من انتصارك لنفسك.

ترجمه:

- 540اسحاق بن عمار گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که می فرمود: همانا در تورات نوشته شده است که : ای فرزند آدم ! مرا در هنگام خشمت به یاد آور تا تو را در هنگام خشمم به یاد آورم پس تو را در زمرة هلاک شوندگان به هلاکت نمی رسانم و هرگاه مورد ستمی قرار گرفتی به انتقام من از دشمنت خوشنود باش زیرا انتقامی که من به نفع تو از وی می کشم بهتر از انتقامی است که تو خود می گیری.

- 55باب تحريم الحسد و وجوب الجتنابه دون الغبطه

- 55باب حرام بودن حسد و وجوب دوری از حسد و عدم حرمت غبطه

حدیث:

- 541 قال ابو جعفر علیه السلام : ان الرجل لياتى باذنی بادره فيکفر و ان الحسد ليأكل الايمان كما تاكل النار الحطب.

ترجمه:

- 541 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا (گاه باشد که) (مردم کوچکترین تندی و تیزی خشم را به جای می آورد و در نتیجه کارش به کفر می انجامد و همانا حسد ایمان را می خورد همچنانکه آتش هیزم را می خورد .

حدیث:

- 542 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان الحسد ليأكل الايمان كما تاكل النار الحطب.

ترجمه:

- 542 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که حسد ایمان را می خورد چنانکه آتش هیزم را می خورد .

حدیث:

- 543 عن داود الرقی قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : اتقوا الله و لا يحسد ببعضكم بعضا.

ترجمه:

- 543 داود رقی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: از خدا بترسید و کسی از شما بر دیگری حسد نورزد.

حدیث:

- 544 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : کاد الفقر ان يكون کفرا کاد الحسد ان یغلب القدر.

ترجمه:

- 544 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: نزدیک است که فقر به کفر بیانجامد و نزدیک است که حسد بر قضا و قدر چیره شود .

حدیث:

- 545 قال ابو عبداللہ علیه السلام : آفه الدين الحسد و العجب و الفخر.

ترجمه:

- 545 امام صادق علیه السلام فرمود: آفت دینداری حسد و خودبینی و فخر فروشی است .

حدیث:

- 546 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : قال الله عزوجل لموسى بن عمران : يا ابن عمران لا تحسدن الناس على ما اتينهم من فضلی و لاتمدن عینیک الى ذلك و لاتتبغه نفسك فان الحاسد ساخط لنعمتی صاد لقسمی الذي

قسمت بین عبادی و من یک کذلک فلست منه و لیس منه.

ترجمه:

- 546 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند عزوجل به حضرت موسی بن عمران علیه السلام فرمود: این پسر عمران ! بر مردم به آنچه که من از فضل خود به آنان داده ام حسد مبر و بر داشته های آنان چشم مدوز و نفست را در پی آنها نفرست زیرا شخص حسود بر نعمت من خشمگین و ناخشنود است و از آن قسمتی که بین بندگانم روا داشته ام روی گردان است و کسی که چنین باشد نه من از آن اویم و نه او از برای من است .

حديث:

- 547 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان المؤمن يغبط و لا يحسد و المنافق يحسد و لا يغبط.

ترجمه:

- 547 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا مومن غبطة <sup>(142)</sup> می خورد ولی حسد نمی ورزد و منافق حسد می ورزد ولی غبطة نمی خورد .

حديث:

- 548 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ثلاثة لم ينج منها نبی فمن دونه التفكر فی الوسوسة فی الخلق و الطیره و الحسد الا ان المؤمن لا يستعمل حسده.

ترجمه:

- 548 امام صادق علیه السلام سه چیز است که هیچ پیامبر و پایین تر از پیامبری از آن سه چیز خلاصی ندارد: یکی اندیشیدن در تحریکات شیطانی درباره امر آفرینش و دیگری فال بد زدن و دیگری حسد، جز اینکه مومن حسدش را اعمال نمی کند .

حديث:

- 549 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی انهاك عن ثلاث خصال الحسد و الحرص و الكبر.

ترجمه:

- 549 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که : ای علی ! تو را از داشتن سه خصلت نهی می کنم : حسد و زیدن و حرص و خودبزرگ بینی .

حديث:

- 550 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : اصول الكفر ثلاثة الحرص والاستكبار والحسد.

ترجمه:

- 550 امام صادق علیه السلام فرمود: ریشه های کفر سه چیز است : حرص و بزرگ منشی

نمودن و حسد ورزیدن .

حديث:

- 551عن ابی الحسن علی به موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : دب اليکم داء الامم قلبکم البغضاء و الحسد.

ترجمه:

- 551امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: درد امت های پیشین به شما هم سرایت کرده است که آن درد دشمنی نمودن و حسد ورزیدن است .

حديث:

- 552عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : حسد الصدیق من سقم الموده.

ترجمه:

- 552امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: حسد ورزیدن دوست ، ناشی از ناسلام بودن دوستی است .

حديث:

- 553و قال علیه السلام : صحه الجسد من قله الحسد.

ترجمه:

- 553امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سلامت بدن نشانه کمی حسد است .

حديث:

- 554علی بن جعفر عن اخیه موسی به جعفر علیه السلام عن ابیه عن جده قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ذات یوم لاصحابه : الا انه قد دب اليکم داء الامم من قبلکم و هو الحسد ليس بحالق الشعر لكنه خالق الدين و ينجي فيه ان يکف الانسان يده و يخرن لسانه و لا يكون ذا غمر على اخيه المومن.

ترجمه:

- 554علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام و ایشان از پدرش و ایشان از جدش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به اصحابش فرمود: آگاه باشید که مرض امتهای گذشته به شما نیز سرایت کرده و آن مرض حسد است این مرض موی را نمی سترد (نمی تراشد) بلکه دین را می تراشد و چیزی که در حال حسد نجات بخش است این است که آدمی دستش را (از تجاوز به محسود) باز دارد و زبانش را نگاه دارد و نسبت به برادر مومن خود کینه نداشته باشد .

- 56باب جمله مما عفى عنه

- 56باب برخی از خصلتهایی که مورد عفو و بخشش قرار گرفته اند

حديث:

- 555 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسے رفع عن امتی تسعہ اشیاء الخطأ و النسیان و ما اکرھوا علیہ و ما لا یعلمنون و ما لا یطیقون و ما اضطروالیہ و الحسد و الطیرہ و التفکر فی الوسوسة فی الخلق ما لم ینطقوا بشقہ .

ترجمہ:

- 555 امام صادق علیه السلام روایت کند کہ : رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه چیز برداشتہ شده است : خطأ و فراموشی و کاری که بر انجام آن مجبور شوند و آنچہ که نمی دانند و آنچہ که از توان و طاقت آنان بیرون است و آنچہ که در حال اضطرار انجام می دهند و حسد (تا زمانی که در دل باشد و آن را اعمال نکنند) و فال بد زدن و تفکر در اندیشه های پریشان در امر آفرینش تا زمانی که بر زبان نیاورند (و در حد فکر باقی بماند ).

حدیث:

- 556 عن ایب عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسے رفع عن امتی اربع خصال خطوها و نسیانها و ما اکرھوا علیہ و ما لم یطیقون و ذلك قول اللہ عزوجل : (ربنا لا تواخذنا ان نسینا او اخطانا ربنا و لا تحمل علينا اصرار كما حملته على الذين من قبلنا ربنا و لا تحملنا ما لا طاقة لنا به ) و قوله : (الا من اکره و قلبہ مطمئن بالایمان).

ترجمہ:

- 556 امام صادق علیه السلام روایت کند کہ : رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: از امت من (عقوبت بر) چهار خصلت برداشتہ شده است : خطای آنان و فراموش نمودنشان و آنچہ که بر انجام آن مجبور می شوند و آنچہ که طاقت آن را ندارند و گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید) : ای پروردگار ما! اگر فراموش کردیم یا به خطأ رفتیم ما را مواخذه مکن . ای پروردگار ما! بار آنگونه که بر پیشینیان ما حمل نمودی بر ما حمل مکن و آنچہ را که طاقت و توان آن را نداریم بر گردد ما مگذار<sup>(143)</sup> (و گفتار خدا که می فرماید) : مگر کسی که مجبور شده است در حالی که قلبش به ایمان آرمیده است.<sup>(144)</sup>

حدیث:

- 557 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسے وضع عن امتی تسع خصال الخطأ و النسیان و ما لا یعلمنون و ما لا یطیقون و ما اضطروالیہ و ما استکرھوا علیہ و الطیرہ و الوسوسة فی التفکر فی الخلق و الحسد ما لم یظهر بلسان او يد.

ترجمہ:

- 557 امام صادق علیه السلام روایت کند کہ : رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: از امت من (عقوبت بر) نه خصلت برداشتہ شده است : خطأ و فراموشی و آنچہ که نمی دانند و آنچہ که طاقتیش را ندارند و آنچہ که در حال اضطرار انجام می دهند و آنچہ که بر انجام آن مجبور می شوند و فال بد زدن و اندیشه های پریشان در امر آفرینش و حسد تا زمانی که آثار

حسد بر زبان یا دست آشکار نگردد .

- 57باب تحریم التعصب علی غیر الحق

- 57باب حرمت تعصب ورزیدن درباره امور ناحق

: حدیث

- 558عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من تعصب او تعصب له فقد خلع ربقة الایمان من عنقه.

: ترجمه

- 558امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که از چیزی طرفداری مصرانه و نابجا کند یا اینکه از جانب دیگران به نفع او طرفداری نابجا شود (و او خوشنود باشد) محققا که ریسمان ایمان را از گردن خویش باز کرده است .

: حدیث

- 559عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من كان فی قلبه حبه من خردل من عصبيه بعثه الله يوم القيمة مع اعراب الجاهليه.

: ترجمه

- 559امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در دلش به اندازه دانه ای خردل تعصب کورکورانه و نابجا باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت بر می انگیزد .

: حدیث

- 560عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من تعصب عصبه الله بعصابه من نار.

: ترجمه

- 560امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که تعصب و طرفداری کورکورانه و نابجا بورزد خداوند او را به دستاری از آتش می پیچد .

: حدیث

- 561عن علی بن الحسین علیه السلام قال : لم يدخل الجنه حميء غير حميء حمزه بن عبدالمطلب و ذلك حين اسلم غضبا للنبي صلی الله علیه و آله فی حدیث السلمی الذي القى على النبی صلی الله علیه و آله.

: ترجمه

- 561امام سجاد علیه السلام فرمود: هیچ حمیت و خشمی داخل بهشت نمی شود بجز خشمی که حمزه بن عبدالمطلب اعمال نمود و آن زمانی بود که در جریان انداخته شدن بچه دان گوسفند بر سر مبارک پیامبر صلی الله علیه و آله از طرف مشرکین ، حضرت حمزه به خشم آمد و اسلام آورد .

: حدیث

- 562 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان الملائکه کانوا یحسیبون ان ابليس منهم و كان فى علم الله انه ليس منهم فاستخرج ما فى نفسه بالحمىه و الغضب و قال خلقتني من نار و خلقته من طين.

ترجمه:

- 562 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا فرشتگان می پنداشتند که ابليس از آنان است ولی در علم خداوند ابليس از فرشتگان نبود و او به خاطر غیرت نابجا و خشم ، آنچه را که در درون داشت بیرون ریخت و گفت : خدایا تو مرا از آتش آفریدی و آدم را از گل (بنابراین من از او برترم و در مقابل او سجده نمی کنم .)

حدیث:

- 563 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الله يعذب السته بالسته العرب بالعصبيه و الدهاقين بالکبر و الامراء بالجور و الفقهاء بالحسد و التجار بالخيانه و اهل الرسانیق بالجهل.

ترجمه:

- 563 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا خداوند شش گروه را به خاطر شیش خصلت عذاب می کند: عرب را به خاطر تعصب نابجا و روسا را به خاطر تکبر و خود بزرگ بینی و امیران را به خاطر ستمکاری و دانشمندان را به خاطر حسد و بازرگانان را به خاطر خیانت و ناراستی و روستائیان را به خاطر نادانی .

حدیث:

- 564 سئل على بن الحسين علیه السلام عن العصبيه فقال : العصبيه التي ياثم عليها صاحبها ان يرى الرجل شرار قومه خيرا من خيار قوم آخرين و ليس من العصبيه ان يحب الرجل قومه و لكن من العصبيه ان يعين الرجل قومه على الظلم.

ترجمه:

- 564 از امام سجاد علیه السلام درباره تعصب سوال شد. حضرت فرمود: آن تعصی که دارنده آن گناهکار است این است که مردی بدان قوم خود را بهتر از خوبان قوم دیگران بپنداردند اما اینکه مردی قوم خود را دوست بدارد از تعصب نیست بلکه تعصب آن است که مردی قوم خود را بر انجام ستم یاری کند .

حدیث:

- 565 عن العمی رفعه قال : من تعصب حشره الله يوم القيمه مع اعراب الجاهليه.

ترجمه:

- 565 عمی از معصوم علیه السلام روایت کند که : کسی که تعصب نابجا داشته باشد خداوند در روز قیامت او را با اعراب زمان جاهلیت محشور خواهد ساخت .

- 58 باب تحريم التكبر

- 58 باب تحريم خود بزرگ بینی

حدیث:

- 566عن حکیم قال سالت ابا عبدالله علیه السلام عن اذنی الالحاد قال : ان الكبر اذناه.

ترجمه:

- 566حکیم گوید: از امام صادق علیه السلام درباره پایین ترین درجه کفر و بی دینی پرسیدم . حضرت فرمود: همانا پایین ترین درجه کفر تکبر ورزیدن است .

حدیث:

- 567عن ابی عبدالله علیه السلام قال قال ابو جعفر علیه السلام العز رداء الله و الكبر ازاره فمن تناول شيئا منه اکبه الله فى جهنم.

ترجمه:

- 567امام صادق علیه السلام روایت کند که : امام باقر علیه السلام فرمود: ارجمندی بالاپوش خدا و بزرگ منشی زیر پوش اوست پس هر کس چیزی از آن دو را برای خود برگیرد خداوند او را به رو در آتش جهنم می افکند .

حدیث:

- 568عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الكبر رداء الله فمن نازع الله شيئا من ذلك اکبه الله فى النار.

ترجمه:

- 568امام صادق علیه السلام فرمود: بزرگ منشی بالاپوش خداست پس کسی که با خداوند در این باره به کشمکش برخیزد خداوند او را به رو در آتش خواهد افکند .

حدیث:

- 569عن ابی جعفر و ابی عبدالله علیه السلام قالا: لا يدخل الجنه من في قلبه مثقال ذرة من كبر.

ترجمه:

- 569از امام باقر و امام صادق علیه السلام روایت است که : کسی که در قلبش به اندازه ذره ای کبر و خود بزرگ بینی باشد به بهشت وارد نمی شود .

حدیث:

- 570عن ابی جعفر علیه السلام قال : الكبر رداء الله و المتكبر ينazuع الله رداءه.

ترجمه:

- 570امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگ منشی بالا پوش خداوند است و کسی که تکبر می ورزد با خداوند درباره آن به کشمکش بر می خیزد .

حدیث:

- 571عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان فى جهنم لواديا للمتكبرين يقال له سقر شكا الى الله عزوجل شده حرء و ساله عزوجل ان ياذن له ان يتتنفس فاتحرق جهنم.

ترجمه:

- 571 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که در جهنم صحرایی برای متکبران است که به آن) سقر (گفته می شود که این صحراء از شدت گرمایش به خداوند عزوجل شکایت می کند و از خداوند درخواست می کند که به او اجازه دهد که نفسی بکشد پس چون نفس می کشد جهنم شعله ور می گردد.

حدیث:

- 572 عن داود بن فرقہ عن اخیه قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ان المتكبرين يجعلون في صور الذر تتوطوهم الناس حتى يفرغ الله من الحساب.

ترجمه:

- 572 داود بن فرقہ از برادرش روایت کند که گفت : از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا افراد متکبر در روز قیامت به صورت مورچه در می آیند و مردم آنان را پایمال می کنند تا اینکه خداوند از حساب خلائق فارغ شود.

حدیث:

- 573 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ما من عبد الا و فى راسه حكمه و ملك يمسكها فاذا تكبر قال له : اتصنع وضعك الله فلا يزال اعظم الناس فى نفسه و اصغر الناس فى اعين الناس و اذا تواضع رفعها الله عزوجل ثم قال له : انتعش نعشك الله فلا يزال اصغر الناس فى نفسه و ارفع الناس فى اعين الناس.

ترجمه:

- 573 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست جز اینکه در سر او دهانه و لگامی هست که فرشته ای آن را نگاهداشته است پس هرگاه بنده ای تکبر نمایند آن فرشته به وی می گوید (نفرین کند): فرود آی که خداوند تو را فرومایه و پست کند، پس او پیوسته در نفس خودش خود را بلند مرتبه ترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان کوچکترین مردم است . و هنگامی که تواضع و فروتنی نماید خداوند عزوجل او را بلند مرتبه می گرداند سپس فرشته به او می گوید (دعا می کند): (فراز آی که خداوند تو را بلند مرتبه گرداند، پس وی پیوسته در درون خود خود را کوچکترین مردم می داند در حالی که در چشم مردمان بلند پایه ترین مردم است .

حدیث:

- 574 عن ابی عبدالله علیه السلام فى وصيته لاصحابه قال : و اياكم و العظمه و الكبر فان الكبر رداء الله عزوجل فمن نازع الله رداءه قسمه الله و اذله يوم القيمه.

ترجمه:

- 574 امام صادق علیه السلام در سفارشی به اصحابش فرمود: از بزرگی نمودن و کبر بر حذر باشید زیرا بزرگ منشی بالاپوش خداوند عزوجل است پس کسی که در بزرگ منشی با

خداوند به کشمکش برخیزد خداوند او را درهم می شکند و در روز قیامت وی را خوار می سازد .

حدیث:

- 575 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام : ان علیا علیه السلام قال : ما احد من ولد آدم الا و ناصته بید ملک فان تکبر جذبه بناصیته الی الارض ثم قال له : تواضع وضعک الله و ان تواضع جذبه بناصیته ثم قال له ارفع راسک رفعک الله و لاوضعک بتواضعک الله .

ترجمه:

- 575 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که : همانا علی علیه السلام فرمود: هیچکس از فرزندان آدم نیست جز اینکه موی پیشانی اش در دست فرشته ای است پس اگر تکبر ورزد وی را با موی پیشانی اش به زمین می کشد سپس به او می گوید: فروتن باش ، خدا فرودت آورد. و اگر فروتنی کند موی پیشانی اش را می کشد سپس به او می گوید: سرت را بلند کن ، خدا تو را بالا برد و تو را به خاطر فروتنی ات فرود نیاورد .

حدیث:

- 576 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان لا بلیس کحلا و لعوقا و سعوطا فکحله النعاس و لعوقه الكذب و سعوطه الكبر.

ترجمه:

- 576 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا شیطان سرمه ای دارد (که در چشم می ریزد) و داروی لیسیدنی دارد (که در دهان می ریزد) و دارویی دارد که در بینی می ریزد. اما سرمه او چرت زدن است و داروی لیسیدنی او دروغ است و دارویی که در بینی مردمان می ریزد کبر و بزرگی نمودن است .

حدیث:

- 577 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ثلاثة لا ينظر الله اليهم ثانی عطفه و مسبل ازاره خیلاء و المنافق سلعته بالایمان و الكبر ان الكبراء الله رب العالمين.

ترجمه:

- 577 امام صادق علیه السلام فرمود: سه گروهند که خداوند به آنها نظر (رحمت) نمی افکند: یکی آنکه متکبرانه روی خود را از دیگران بر می گرداند و دیگری آنکه از روی تکبر جامه بلند خویش بر زمین می کشد و دیگری آنکه کالای خود را با سوگند خوردن و بزرگی نمودن رواج می دهد. همانا بزرگ منشی مخصوص خداست که پروردگار جهانیان است .

حدیث:

- 578 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الكبر مطایا النار.

ترجمه:

- 578 امام باقر علیه السلام فرمود: کبر و بزرگی نمودن (به منزله) مرکبی است که سوار

خود را به سوی آتش می برد .

حدیث:

- 579 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يحشر المتكبرون يوم القيامه في خلق الذر في صور الناس يوطئون حتى يفرغ الله من حساب خلقه ثم يسلك بهم الى النار يسقون من طينه خبال من عصاره اهل النار.

ترجمه:

- 579 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: افراد متکبر در روز قیامت به صورت انسانهایی به کوچکی مورچه محشور می گردند و مردم آنان را پایمال می کنند تا وقتی که خداوند از حساب خلق فارغ گردد سپس آنان به سوی آتش روانه می شوند و از چرک تن دوزخیان که عصاره اهل دوزخ است به آنان نوشانده می شود .

حدیث:

- 580 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اكثر اهل جهنم المتكبرون.

ترجمه:

- 580 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بیشترین اهل جهنم متکبران هستند.

حدیث:

- 581 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن أبيه عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان احبابكم الى و اقربكم مني يوم القيامه مجلسا احسنكم خلقا و اشدكم تواضعنا و ان ابعدكم مني يوم القيامه الثرثارون و هم المستكبرون.

ترجمه:

- 581 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی خود روایت کند که رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا دوست داشتنی ترین شما در نزد من و نزدیکترین شما به من در روز قیامت کسی است که اخلاقیش نیکوتر و فروتنی اش بیشتر باشد و همانا دورترین شما از من در روز قیامت یاوه گویان که همان خود خواهانند می باشند .

حدیث:

- 582 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : كانت لرسول الله صلی الله علیه و آله ناقه لاتسبق فسابق اعرابیا بمناقته فسبقها فاكتتاب لذلك المسلمين فقال : رسول الله صلی الله علیه و آله : انها ترفعت و حق على الله ان لايرتفع شئ الا وضعه الله.

ترجمه:

- 582 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله ماده شتری (تندرو) داشت که شتری بر او پیشی نمی گرفت پس (روزی) در مسابقه با شتر عربی از شتر آن عرب عقب ماند، مسلمین از این واقعه افسرده خاطر شدند پس رسول خدا صلی الله علیه و

آله فرمود: همانا این شتر ماده خود را برتر شمرد <sup>(145)</sup> و بر خداند سزاوار است که هیچ چیزی خود را برتر از دیگری نشمرد جز اینکه خداوند او را فرود آورد.

- 59باب تحريم التجبر و التيه و الاختيال
- 59باب حرام بودن تكبر و لاف زدن و بزرگ منشى

حدیث:

- 583عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ثلاثة لا يكلمهم الله ولا ينظر اليهم يوم القيمة و لا يزكيهم و لهم عذاب اليم شیخ زان و ملك جبار و مقل مختار .

ترجمه:

- 583امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سه گروهند که خداوند با آنان سخن نگوید و در روز قیامت به آنان نظر نمی کند و آنان را پاک نمی گرداند و عذاب دردناکی برای آنان می باشد: یکی پیرمرد زناکار و دیگری پادشاه ستمگر و دیگری فقیر متکبر .

حدیث:

- 584قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من احد يتنه الا من ذله يجدها في نفسه.

ترجمه:

- 584امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ کسی نیست که لاف بزرگی بزند مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد .

حدیث:

- 585و في حديث آخر عن ابى عبدالله علیه السلام ما من رجل تكبر او تجبر الا لذله يجدها في نفسه.

ترجمه:

- 585و در حديث دیگری از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: هیچ مردی نیست که تکبر بورزد یا خود را بزرگ بشمرد مگر به خاطر ذلتی که در نفس خود می یابد .

حدیث:

- 586عن ابى عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : الكبر قد يكون فى شرار الناس من كل جنس و الكبر رداء الله فمن نازع الله رداء لم يزده الا سفالا ان رسول الله صلی الله علیه و آله مر فى بعض طرق المدينه و سوداء تلقط السرقين فقيل لها: تتحى عن طريق رسول الله صلی الله علیه و آله فقالت : ان الطريق لمعرض فهم بها بعض القوم ان يتناولها فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : دعوها فانها جباره.

ترجمه:

- 586راوى گويد از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کبر در وجود بدترین کسان از

هر جنسی می باشد و کبر بالاپوش خداوند است پس هر کس در آن با خداوند به ستیز پردازد جز پستی و فرومایگی چیزی بر او افزوده نمی گردد . همانا که رسول خدا صلی الله علیه و آله از یکی از کوچه های مدینه عبور می کرد و زنی سیاه سرکین حیوانات را از روی زمین جمع می کرد . به آن زن گفته شد: از جلو راه رسول خدا صلی الله علیه و آله کنار رو . زن گفت : کوچه پهن و عریض است . برخی از اطرافیان پیامبر قصد کنار زدن زن را نمودند . پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: او را واگذارید زیرا او متکبر و سرکش است .

حدیث:

- 587 عن ابی عبدالله علیه السلام فی وصیتہ لاصحابہ انه قال : و ایاکم و التجبر علی الله و اعلموا ان عبدا لم یبتل بالتجبر علی الله الا تجبر علی دین الله فاستقیموا لله و لاتریدوا علی ادبکم فتنقلبوا خاسرین اجارنا الله و ایاکم من التجبر علی الله .

ترجمہ:

- 587 امام صادق علیه السلام در توصیه به اصحابش فرمود: از تکبر و سرکشی نمودن در برابر خداوند بر حذر باشید و بدانید که هیچ بنده ای گرفتار تکبر ورزیدن بر خدا نمی شود جز اینکه بر دین خدا تکبر ورزیده است پس به خاطر خدا پایداری کنید و عقبگرد نکنید که زیانکار می گردید، خداوند ما و شما را از تکبر ورزیدن بر خدا برهاند .

حدیث:

- 588 عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : ان الله تبارك و تعالى ليبغض البيت اللحم و اللحم السمين فقال له بعض اصحابنا: يا ابن رسول الله انا لنحب اللحم و ما تخلو بيوتنا عنه فكيف ذلك فقال : ليس حيث تذهب انما البيت اللحم الذى توكل لحوم الناس فيه بالغيبة و اما اللحم السمين فهو المتجر المتکبر المختال فی مشیته.

ترجمہ:

- 588 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی خانه پر گوشت و شخص پر گوشت چاق را دشمن می دارد . راوی گوید: یکی از اصحاب ما به حضرت عرض کرد: ای پسر رسول خدا! ما هم گوشت را دوست داریم و خانه های ما از گوشت خالی نیست پس چگونه است؟ (آیا این گفته شما شامل ما هم می شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست که تو می پنداری بلکه مراد از) خانه پر گوشت ( خانه ای است که در آن گوشت مردمان با غیبت نمودن آنان خورده می شود و مراد از) پر گوشت چاق ( سرکش متکبر است که در راه رفتنش با خود پسندی راه می رود .

حدیث:

- 589 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الجبارون ابعد الناس من الله عزوجل يوم القيمة.

ترجمہ:

- 589 امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین مردم از خداوند عزوجل در روز قیامت سرکشان

متکبر هستند.

حدیث:

- 590عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان فی جهنم لجبلأ يقال له الصعداو ان فی الصعدا  
لواديا يقال له سقر و ان فی سقر لجبا يقال له هبھب کلما کشف عطاء ذلك الجب ضج اهل  
النار من حره ذلك منازل الجبارين.

ترجمه:

- 590امام باقر علیه السلام فرمود: همانا در جهنم کوهی است که به آن) صعدا (گفته می  
شود و در آن کوه دره ای است که به آن) سقر (گویند و به راستی که در آن دره چاهی است  
که آن را) هبھب (گویند که هرگاه در آن چاه برداشته شود اهل دوزخ از گرمای آن به ناله و  
فریاد آیند، آن چاه منزلگاه متکبران است .

حدیث:

- 591عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من مشی فی  
الارض اختیالا لعنته الارض و من تحتها و من فوقها.

ترجمه:

- 591امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر  
کس با تکبر بر روی زمین گام بردارد زمین و آنچه در زیر و زبر آن است او را لعنت می کنند .

حدیث:

- 592عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ويل لمن يختال  
فی الارض يعand جبار السماوات و الارض.

ترجمه:

- 592امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: وای به  
حال کسی که با حالت تکبر بر روی زمین گام بردارد چنین کسی با خدای آسمانها و زمین به  
دشمنی پرداخته است .

حدیث:

- 593عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان فی السماء  
ملکین موکلين بالعباد فمن تجبر وضعاه.

ترجمه:

- 593امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا  
در آسمان فرشته هستند که بر بندگان گمارده شده اند پس هر کسی که تکبر ورزد فرودش  
می آورند.

**حدیث:**

- 594 عن بشیر النبال قال : كنا مع ابی جعفر عليه السلام فی المسجد اذمر علينا اسود و هو ینزع فی مشیه فقال ابو جعفر عليه السلام انه الجبار قلت ، انه سائل قال : انه جبار و قال ابو عبدالله عليه السلام : كان على به الحسین عليه السلام يمشی مشیه كان على راسه الطیر لا یسبیق یمینه شماله.

**ترجمه:**

- 594 بشیر نبال گوید: همراه با امام باقر علیه السلام در مسجد بودیم که سیاهی بر ما گذر نمود در حالی که با گردن فرازی و کشیدن اندام راه می رفت امام باقر علیه السلام فرمود: او متکبر است . عرض کردم : او سائلی بیش نیست) و سائل چگونه می تواند متکبر باشد؟! حضرت فرمود: او متکبر است (زیرا اینگونه راه رفتن ، راه رفتن متکبران است ) و فرمود: امام سجاد علیه السلام چنان راه می رفت گویی که بر سر او پرنده ای نشسته است ، در راه رفتن جانب راستیش بر چپش پیشی نمی گرفت .

**حدیث:**

- 595 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان النبی صلی اللہ علیہ و آله اوصی رجلا من بین تمیم فقال له : ایاک و اسپال الزار و القمیص فان ذلك من المخیله و اللہ لا یحب المخیله.

**ترجمه:**

- 595 امام باقر علیه السلام فرمود: پیامبر اکرم صلی الله علیہ و آله مردی از بنی تمیم را توصیه می فرمود که : از فرو گذاردن شلوار و جامه) به گونه ای که متکبرانه بر زمین کشیده شود) بر حذر باش زیرا این کار ناشی از تکبر است و خداوند تکبر را دوست نمی دارد .

**حدیث:**

- 596 و قال ابو عبدالله علیه السلام : ما حاذی الكعبین من الثوب ففی النار.

**ترجمه:**

- 596 امام صادق علیه السلام فرمود: آنچه از جامه که محاذی و برابر دو غوزک پا برسد (جایگاهش ) در آتش است .

**حدیث:**

- 597 و قال علیه السلام : ثلاث اذا کن فی الرجل فلا تخرج ان تقول انها فی جهنم البذاء و الخيلاء و الفخر.

**ترجمه:**

- 597 امام صادق علیه السلام فرمود: سه خصلت هست که هرگاه آن سه در کسی باشد اگر بگویی آن خصلتها جهنمه است گناهکار نیستی : یکی بد زبانی و هرزه گویی و دیگری تکبر و دیگری فخر فروشی و به خود نازیدن.

- 60 باب حد التکبر و التجبر المحرمين

## - 60 باب حد تکبر و بزرگ منشی حرام

حدیث:

- 598 عن محمد بن مسلم عن احدهما عليه السلام قال : لا يدخل الجنة من كان في قلبه مثقال حبة من خردل من الكبر قال : فاسترجعت فقال : ما لك تسترجع ؟ فقلت : لما سمعت منك فقال : ليس حيث تذهب انما اعنى الجحود انما هو الجحود.

ترجمه:

- 598 محمد بن مسلم از امام باقر عليه السلام یا امام صادق عليه السلام روایت کند که : کسی که در قلبش به اندازه دانه ای خردل کبر و بزرگ منشی باشد به بهشت وارد نمی شود. راوی گوید: با شنیدن این سخن ، من استرجاع نمودم (یعنی) انا لله و انا اليه راجعون ( گفتم ) حضرت فرمود: چرا استرجاع می کنی ؟ عرض کردم : به خاطر سخنی که از شما شنیدم . حضرت فرمود: اینگونه که می پنداری نیست بلکه مراد من انکار و بی اعتقادی است) یعنی کبری که از روی انکار کبریایی خداوند و بی اعتقادی باشد .)

حدیث:

- 599 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال الكبر ان تغمض الناس و تسفة الحق.

ترجمه:

- 599 امام صادق عليه السلام فرمود: کبر آن است که مردمان را خوار و کوچک بشمری و حق را ناچیز بدانی .

حدیث:

- 600 قال ابو عبداللہ علیه السلام : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اعظم الكبر عقم الخلق و سفة الحق قلت و ما غمض الخلق و سفة الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهليه فمن فعل ذلك فقد نازع الله عزوجل رداءه.

ترجمه:

- 600 امام صادق عليه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا بزرگترین کبر، کوچک شمردن مردم و ناچیز دانستن حق است - راوی گوید: عرض کردم : معنای این سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله چیست ؟ امام صادق فرمود: یعنی از حق بی خبر باشد و از خانواده و خاندان خود بدگویی کند، پس کسی که چنین کند با خداوند عزوجل بر سر کبریایی اش به ستیز برخاسته است .

حدیث:

- 601 عن عبد الاعلی عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قلت له ما اکبر؟ قال عليه السلام : اعظم الكبر ان تسفة الحق و تغمض الناس قلت : و ما سفة الحق قال : يجهل الحق و يطعن على اهله.

ترجمه:

- 601 عبدالاعلی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : که کبر چیست ؟ فرمود: بزرگترین کبر آن است که حق را ناچیز و مردمان را کوچک بشمری ، عرض کردم : ناچیز شمردن حق چیست ؟ فرمود: یعنی حق را نداند و بر خاندان خود افtra بزنند .

حدیث:

- 602 عن محمد بن عمر بن یزید عن ابیه قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : انت آکل الطعام الطبی و اشم الرائحة الطیبه و اركب الدایه الفارهه و يتبعنی الغلام فتربی فی هذا شيئا من التجبر فلا افعله فاطرق ابو عبدالله علیه السلام ثم قال : انما الجاز المعلون من غمض الناس و جهل الحق قال عمر فقلت : اما الحق فلا اجهله و الغمض لا ادری ما هو قال : من حقر الناس و تجبر عليهم فذلك الجبار.

ترجمه:

- 602 محمد بن عمر بن یزید از پدرش روایت کند که : به امام صادق علیه السلام عرض کردم : همانا من غذای پاکیزه می خورم و بوی های خوش می بویم و بر چهارپایان خرامنده سوار می شوم و نوکر پشت سر من راه می افتد پس آیا شما در این امور چیزی از تکبر می بینید تا آنها را به جای نیاورم ؟ امام صادق علیه السلام قدری سکوت فرموده و سر به زیر افکند سپس فرمود: همانا آن متکبر که ملعون است کسی است که مردم را کوچک شمارد و از حق بی خبر باشد. عمر گوید: عرض کردم : اما من نسبت به حق نادان نیستم ولی کوچک شمردن مردم را نمی دانم یعنی چه ؟ حضرت فرمود: کسی که مردم را کوچک بشمرد و بر آنان تکبر ورزد (خود را از آنان بالاتر و برتر بداند) چنین کسی متکبر است .

حدیث:

- 603 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لن یدخل الجنه من فی قلبه مثقال حبه من خردل من کبر و لا یدخل النار من فی قلبه مثقال حبه من خردل من الایمان قلت : جعلت فداك ان الرجل لیلبس الثوب او یركب الدایه فيکاد یعرف منه الكبر فقال : ليس بذلك انما الكبر انکار الحق و الایمان الاقرار بالحق.

ترجمه:

- 603 امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که به اندازه دانه خردل کبر و بزرگ منشی در قلبیش باشد هرگز به بهشت وارد نمی شود و کسی که قلبیش به اندازه دانه ای از خردل ایمان باشد داخل دوزخ نمی گردد - راوی گوید: عرض کردم : فدایت شوم همانا (گاه باشد که ) مرد جامه ای (فاخر) بر تن می پوشد یا اینکه بر مرکبی (رهوار) سوار می شود پس (در این حالت ) نزدیک است که از (هیئت ) او کبر و بزرگ منشی فهمیده شود (آیا چنین کسی به بهشت وارد نمی شود؟) حضرت فرمود: اینگونه نیست بلکه کبر انکار نمودن حق و ایمان اعتراف نمودن به حق است .

حدیث:

- 604 عن احدهما يعني ابا حعفر و ابا عبدالله عليه السلام قال : لا يدخل الجنه من كان في قلبه مثقال حبة من خردل من كبر قال : قلت : انا نلبس التوب الحسن فيدخلنا العجب فقال : انما ذلك فيما بينه وبين الله عزوجل.

ترجمه:

- 604 از امام باقر عليه السلام يا امام صادق عليه السلام روایت است که فرمود: کسی که در دلش به اندازه خردلی کبر باشد به بھشت وارد نمی شود - راوی گوید: - عرض کردم: همانا جامه ای نیکو به بر می کنیم پس چهار عجب و خودبینی می شویم (آیا این حالت ، مانع بھشت رفتن ماست ؟) حضرت فرمود: (خیر) بلکه این حالت بین شخص و خدای عزوجل است (و موجب پایمال شدن حق دیگران نیست).

- 61 باب تحريم حب الدنيا المحرمه و وجوب بعضها

- 61 باب تحريم دوستى دنيا و وجوب دشمن داشتن دنيا

حدیث:

- 605 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : راس کل خطیئه حب الدنيا.

ترجمه:

- 605 امام صادق عليه السلام فرمود: سر هر گناهی دوستی دنیاست .

حدیث:

- 606 عن محمد بن مسلم قال : سئل على بن الحسين عليه السلام اى الاعمال افضل ؟ قال : ما من عمل بعد معرفة الله و معرفة رسول الله صلى الله عليه و آله افضل من بعض الدنيا فان لذلك شعبا كثيرة و للمعاصي شعبا فاول ما عصى الله به الكبر الى ان قال ثم الحرص ثم الحسد و هى معصيه ابن آدم حيث حسد اخاه فقتله فتشعب من ذلك حب النساء و حب الدنيا و حب الرئاسه و حب الراحة و حب الكلام و حب العلو و والثره فصرن سبع خصال فاجتمعن كلهن فى حب الدنيا فقال الانبياء و العلماء بعد معرفه ذلك حب الدنيا راس كل خطئه و الدنيا دنياون دنيا بلاغ و دنيا ملعونه.

ترجمه:

- 606 محمد بن مسلم گوید: از امام سجاد عليه السلام پرسیده شد که کدامیک از کارها برتر و با فضیلت تراست ؟ فرمود: پس از معرفت خدا و رسولش هیچ کاری با فضیلت ترا از دشمن داشتن دنيا نیست زیرا دنيا دارای شعبه هايى است و گناهان نيز شعبه ها و شاخه هايى دارند، پس اولين گناهی که به وسیله آن خداوند مورد نافرمانی قرار گرفت کبر و بزرگ منشی بود سپس حرص و سپس حسد، و حسد گناه فرزند آدم بود آنجا که به برادر خود حسد ورزید و او را به قتل رساند پس گناهانی که از حسد منشعب می شوند عبارتند از: دوستی زنان و دوستی دنيا و ریاست طلبی و راحت طلبی و علاقه به حرف زدن و برتری جویی و دوستی مال و ثروت پس اينها هفت خصلت اند که همگی در دوستی دنيا جمع شده اند پس پیامبران

و دانشمندان پس از شناخت آن فرموده اند که : دوستی دنیا سر هر گناهی است و دنیا دو گونه است : یکی دنیایی که در حد کفایت و بسندگی است و دیگری دنیایی که مورد لعن و دوری از رحمت خداوند است .

حدیث:

- 607 عن ابی عبداللّه علیه السلام قال : فی مناجات موسی علیه السلام یا موسی ان الدینی دار عقوبه عاقبت فيها آدم عند خطیئته وجعلتها ملعونه ملعون ما فيها الا ما کان فيها لى یا موسی ان عبادی الصالحین زهدوا فی الدینی بقدر علمهم و سائر الخلق رغبوا فيها بقدر جهلهم و ما من احد عظمها فقرت عینه بها و لم یحقرها احد الا انتفع بها .

ترجمه:

- 607 امام صادق علیه السلام فرمود: در راز گویی خداوند با حضرت موسی علیه السلام آمده است که : ای موسی ! همانا که دنیا سرای عقوبت و شکجه است ، در همین دنیا آدم را به خاطر خطایش عقوبت نمودم و دنیا را مستحق لعن گرداندم و هر چه در دنیاست معلوم است بجز آنچه که برای من است . ای موسی ! همانا بندگان شایسته من به اندازه علم و آگاهی خود به دنیا بی رغبتند و دیگران به اندازه نادانی شان به دنیا میل دارند و هیچکس نیست که دنیا را بزرگ شمرده باشد و دنیا مایه روشنی چشم او شود و هیچکس دنیا را کوچک نشمرده است جز اینکه از آن بهره مند گردیده است .

حدیث:

- 608 عن ابی عبداللّه علیه السلام قال : حب الدینی راس کل خطیئه .

ترجمه:

- 608 امام صادق علیه السلام فرمود: دوستی دنیا سر هر گناهی است .

حدیث:

- 609 قال رسول اللّه صلی اللّه علیه و آله : من احب دنیاه اضر باخرته .

ترجمه:

- 609 رسول خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود: هر کس دنیایش را دوست داشته باشد به آخرت خود زیان می رساند .

حدیث:

- 610 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه سئل عن الزهد فی الدینی فقال : (ويحك حرامها فتنکبه).)

ترجمه:

- 610 از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره زهد و بی رغبیتی به دنیا پرسیده شد و حضرت فرمود: وای بر تو از حرام دنیا، از حرام دنیا دوری کن .

- 62 باب استحباب الزهد فی الدینی و حد الزهد

## - 62 باب استحباب زاهدانه زندگی کردن در دنیا و حد زهد

حدیث:

- 611 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : منزهد فی الدنیا اثیت الله الحكمه فی قلبه و انطق بها لسانه و بصره عیوب الدنیا داءها و دوaeها و اخرجه منتها سالما الى دارالسلام . و رواه الصدوق فی ثواب الاعمال عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : من لم يستحی من طلب المعاش خفت مثونته و رخا باله و نعم عیاله و من زهد فی الدنیا... و ذکر مثله.

ترجمه:

- 611 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که نسبت به دنیا بی رغبت باشد خداوند فهم حقیقت را در قلب او پا بر جا می گرداند و زبانش را به گفتن سخنان حکیمانه گویا می کند و درد و دوای عیهای دنیا را به او می نمایاند و او را سالم و بدون نقص از دنیا به سوی بهشت که سرای سلامت است بیرون می برد.

(این حدیث را مرحوم شیخ صدوق (قدس سره) (در کتاب (ثواب الاعمال) از امام صادق علیه السلام روایت کرده است و پیش از آن چند جمله اضافه دارد که حضرت فرمود: کسی که در طلب معاش شرم نکند روزی اش سبک و خاطرش فراخ و خانواده اش در آسودگی قرار می گیرند و کسی که به دنیا بی رغبت باشد ...)

حدیث:

- 612 عن ابی حمزه قال : ما سمعت باحد من الناس كان ازهد من على بن الحسين عليه السلام الا ما بلغنى عن على بن ابی طالب علیه السلام قال : و كان على بن الحسين عليه السلام اذا تكلم فی الزهد و وعظ ابکی من بحضرته قال ابوحمزه : و قرات صحیفه فيها کلام زهد من کلام على بن الحسين علیه السلام فكتبت ما فيها ثم اتیت على بن الحسين علیه السلام فعرضت ما فيها علیه فعرفه و صحجه و كان ما فيها بسم الله الرحمن الرحيم کفانا الله و ایاکم کید الظالمین و بغي الحاسدین و بطش الجبارین ايها المؤمنون لا یفتننکم الطواغیت و اتباعهم من اهل الرغبہ فی هذه الدنیا و احذروا ما حذرکم الله منها و ازهدوا فيما زهدکم الله فيه منها و لاترکنوا الى ما فی هذه الدنیا رکون من اتخاذها دار قرار و منزل استیطان الى ان قال و ليس یعرف تصرف ایامها و تقلب حالاتها و عاقبہ ضرر فتنها الا من عصمه الله و نهج سبیل الرشد و سلک طریق القصد ثم استیغان علی ذلك بالزهد فکرر الفکر و اتعظ بالصبر و زهد فی عاجل بھجه الدنیا و تجافی عن لذتها و رغب فی دائم نعیم الآخرة و سعی لها سعیها.

(الحدیث)

ترجمه:

- 612 ابی حمزه گوید: نشنیده ام که کسی از امام سجاد علیه السلام زاهدتر باشد به جز آنچه که درباره علی بن ابی طالب علیه السلام به من رسیده است ، امام سجاد علیه السلام هرگاه درباره زهد و بی رغبته به دنیا سخن می فرمود و موعظه می کرد حاضران به

گریه می افتدند - ابی حمزة در ادامه گوید: - و من نوشته ای را که در آن سخنی از سخنان امام سجاد علیه السلام درباره زهد نوشته شده بود خواندم و آن را برای خود نوشتمن سپس به خدمت حضرت امام سجاد علیه السلام آمدم و آن را به حضرت عرضه نمودم حضرت آن را شناخت و تصدیق فرمود و در آن نوشته آمده بود) : به نام خداوند بخشندۀ و مهربان ( خداوند ما و شما را از نیرنگ ستمگران و ستم حسودان و سخت گیری زورگویان کفایت کند، ای ایمان آورندگان ! طاغوتها و پیروانشان که اهل میل به این دنیا هستند شما را به فتنه نیفکنند، از آنچه که خداوند شما را از آن حذر داده دوری کنید و نسبت به آنچه از دنیا که خداوند شما را درباره آن به زهد و بی رغبتی فرمان داده زهد را پیشه سارید به آنچه که در این دنیاست به گونه کسی که دنیا را سرای ماندن و استراحتگاه برای خود گرفته است تکیه و اعتماد مکنید - تا آنجا که فرمود - : و دست به کار شدن روزهای دنیا و دگرگونی حالات و سرانجام ضرر فتنه های دنیا را نمی شناسد مگر کسی که خداوند او را حفظ کرده و راه هدایت را پیش گرفته و روش میانه روی را پیموده است سپس در این راه از زهد کمک خواسته است پس در پی در پی اندیشه ای است و با صبر و برداشتن پذیرای موعظ گردیده است و به این دنیا زودگذر بی رغبت شده و لذتها را آن را فرو نهاده و به نعمتها همیشگی آخرت رغبت یافته و تمام سعی و کوشش خود را صرف به دست آوردن آن نعمتها نموده است.

حدیث:

- 613عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان علامه الراغب فی ثواب الآخرة زهد فی عاجل زهرة الدنيا اما ان زهد الزاهد فی هذه الدنيا لا ينقصه مما قسم الله له فيها و ان زهد و ان حرص الحريص على عاجل زهرة الحياة الدنيا لا يزيده فيها و ان حرص فالمحبون من غبن حظه من الآخرة.

ترجمه:

- 613امام صادق علیه السلام روایت کند که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا نشانه کسی که به ثواب آخرت رغبت دارد این است که درباره خوشی زودگذر این دنیا زهد و بی رغبتی پیشه می کند، آگاه باشید که زهد ورزیدن شخص زاهد در این دنیا چیزی از قسمتی که خداوند در این دنیا برای او معین ساخته کم نمی کند اگر چه او زهد ورزد و همانا حرص شخصی که بر بدست آوردن خوشی های زودگذر دنیا زندگانی دنیا حريص است چیزی به او نمی افزاید اگر چه حرص بورزد پس زیانکار کسی است که درباره بهره اخروی اش دچار زیان شده باشد .

حدیث:

- 614عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان من اعون الاخلاق على الدين الزهد في الدنيا.

ترجمه:

- 614 امام باقر علیه السلام روایت کند که : امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که یکی از یاری کننده ترین اخلاق بر دینداری ، بی رغبتی به دنیاست .

حدیث:

- 615 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال جعل الخیر كله فى بيت و جعل مفتاحه الزهد فى الدنيا ثم قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا يجد الرجل حلاوه الايمان حتى لا يبالى من اكل الدنيا ثم قال ابوعبدالله علیه السلام : حرام على قلوبكم ان تعرف حلاوه الايمان حتى تزهد في الدنيا.

ترجمه:

- 616 امام صادق علیه السلام فرمود: تمام خیر و خوبی در خانه ای قرار داده شده و کلید آن خانه ، زهد داشتن در دنیاست . - سپس فرمود: - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است که ) : کسی شیرینی ایمان را در نمی یابد مگر اینکه اعتنایی نداشته باشد که چه کسی دنیا را می خورد (سپس امام صادق علیه السلام فرمود: فهم و درک شیرینی ایمان بر دلهای شما حرام می گردد مگر اینکه دلهایتان در دنیا زهد و بی رغبتی را پیشه خود کنند .

حدیث:

- 617 ان رحلا سال علی بن الحسین علیه السلام عن الزهد فقال عشرة اشياء فاعلى درجة الزهد ادنى درجه الورع و اعلى درجه الورع ادنى درجه اليقين و اعلى درجات اليقين ادنى درجات الرضا الا و ان الزهد في آيه من كتاب الله (لکيلا تأسوا على ما فاتكم و لا تفرحوا بما آتاكتم).)

ترجمه:

- 618 مردی از امام سجاد علیه السلام درباره زهد سوال کرد، حضرت در جواب فرمود: ده چیز وجود دارد (که هر کدام مراتبی دارند) پس بالاترین زهد پایین ترین درجه ورع (پارسایی ) است و بالاترین درجه یقین است و بالاترین درجات یقین پایین ترین درجات رضا (خوشنود بودن به خواست الهی ) است ، آگاه باشید که زهد در یک آیه از کتاب خدا تفسیر و معنا شده ) است آنجا که خداوند فرمود) :تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شادمان نگردید<sup>(146)</sup> .

حدیث:

- 619 عن سفیان بن عینه قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : كل قلب فيه شك او شرك فهو ساقط و انما ارادوا بالزهد في الدنيا لتفرغ قلوبهم للآخره.

ترجمه:

- 620 سفیان بن عینه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هر دلی که در آن شکی یا شرکی باشد ناسالم و بی اعتبار است و راستی که به زهد و بی رغبتی به دنیا دستور داده اند تا دلهای مردمان برای آخرت (از هر چیزی ( فارغ شود.

**حدیث:**

- 618 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : اذا اراد اللہ بعد خیرا زهده فی الدنیا و فقهه فی الدین و بصره عیوبها و من اوتيهن فقد اوتي خیر الدنیا و الآخره و قال : لم یطلب احد الحق بباب افضل من الزهد فی الدنیا و هو ضد لما طلب اعداء الحق قلت : جعلت فداك مما ذا؟ قال : من الرغبیه فیها و قال الا من صبار کریم فانما هی ایام قلائل الا انه حرام علیکم ان تجدوا طعم الایمان حتی تزهدوا فی الدنیا قال و سمعت ابا عبداللہ علیه السلام یقول اذا تخلی المومن من الدنیا سما و وجد حلاوه حب اللہ فلم یشتغلوا بغيره قال : و سمعته یقول : ان القلب اذا صفا ضاقت به الارض حتی یسمو.

**ترجمه:**

- 618 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند خیر بنده ای را بخواهد او را به دنیا بی رغبت می گرداند و در دین دانایش می سازد و نسبت به عیوبهاش او را بینا می نماید و کسی که این سه چیز به او داده شده حقیقتا که خیر دنیا و آخرت به او بخشیده شده است و ، و فرمود: - هیچکس حق را از راهی بهتر و با فضیلت تر از زهد در دنیا طلب نکرده است و زهد ضد آن چیزی است که دشمنان حق طلب می کنند - راوی گوید: عرض کردم: فدایت شوم آن چیزی که دشمنان حق طالب آن هستند چیست ؟ فرمود: رغبت و میل به دنیا، و فرمود: بهوش باشید و بر حذر باشید از خداوند بسیار شکیبای بخشیده ، جز این نیست که دنیا روزهایی اندک است ، آگاه باشید که چشیدن طعم ایمان بر شما حرام است مگر اینکه در دنیا زاهدانه زندگی کنید - راوی گوید: - و از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه مومن از دنیا دست بکشد و چشم پوشی کند بالا می رود و شیرینی دوستی خداوند را می یابد پس به غیر خدا مشغول نمی شود - راوی گوید: - و باز از ایشان شنیدم که فرمود: همانا که قلب هرگاه با صفا گردد زمین برایش تنگ می گردد تا اینکه بلندی و ارتفاع می یابد .

**حدیث:**

- 619 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث ان علی بن الحسین علیه السلام قال : الا و کونوا من الزاهدین فی الدنیا الراغبین فی الآخره الا ان الزاهدین فی الدنیا قد اتخذوا و الارض بساط و التراب فراشا و الماء طيبا و قرضوا من الدنیا تقریضا. (الحدیث)

**ترجمه:**

- 619 امام باقر علیه السلام روایت کند که امام سجاد علیه السلام فرمود: به هوش باشید از بی رغباتی به دنیا و رغبت کنندگان در آخرت باشید، آگاه باشید که بی رغباتی به دنیا زمین را فرش خود و خاک را بستر خود و آب را مایه خود گرفته اند و خود را به نیکو بریدنی از دنیا بریده اند .

**حدیث:**

- 620 عن عمرو بن سعید بن هلال قال : قلت لابی عبداللہ علیه السلام : انى لا القاک الا فی

النین فاوصنی بشیء حتی آخذ به قال : اوصیک بتقوی اللہ و الورع و الاجتهاد و ایاک ان تطمیح  
الی من فوقك و کفی بما قال اللہ عزوجل لرسول اللہ صلی اللہ علیه و آلہ (و لا تمدن عینیک  
الی ما متعنا به ازواجا منهم زهره الحایه الدنیا) و قال (فلا تعجبک اموالہم و لا اولادہم ) فان  
خفت ذلك فاذکر عیش رسول اللہ صلی اللہ علیه و آلہ فانما کان قوتہ من الشعیر و حلواہ من  
التمر و وقوده من السعف اذا وجده و اذا اصبت بمصیبہ فی نفسک او مالک او ولدك فاذکر  
مصابک برسول اللہ صلی اللہ علیه و آلہ فان الخلائق لم يصابوا بمثله قط.

ترجمه:

- 620 عمر بن سعید بن هلال گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من چند سال  
یک بار شما را دیدار می کنم پس به من سفارشی فرماتا به آن عمل کنم . حضرت فرمود: تو  
را به رعایت تقوای الهی و پارسایی و کوشش سفارش می کنم و بر حذر باش از اینکه به  
کسی که (از نظر مال و دارایی ) از تو بالاتر است نظر کنی و گفتار خدای عزوجل به پیامبر  
(برای تو و همه ) کفایت می کند که فرمود: دو چشمیت را به سوی آنچه که به وسیله آن  
اصنافی از مردمان را کامیاب ساختیم مگشای که آن خوشی زندگی دنیاست <sup>(147)</sup> ( و فرمود:  
(پس مالها و فرزندانشان تو را به شگفت نیاورد <sup>(148)</sup> (پس اگر (از متنعم بودن کفار) بر خود  
ترسیدی زندگانی رسول خدا صلی اللہ علیه و آلہ را به یاد آور که نان او از جو و غذای شیرین  
او از خرما و اگر می یافت هیزم او شاخه بی برگ خرما بود و هرگاه به مصیبی جانی یا مالی  
یا مصیبیت فرزندانت دچار شدی مصیبیتی را که به واسطه از دست دادن رسول خدا صلی اللہ  
علیه و آلہ به آن دچار گشته ای یاد آور زیرا مردمان هرگز به مصیبیتی همانند مصیبیت فقدان  
رسول خدا صلی اللہ علیه و آلہ گرفتار نشده اند.

حدیث:

- 621 عن ابی عبد اللہ علیه السلام قال : قیل لامیرالمؤمنین علیه السلام ما الزهد فی الدنيا؟  
قال : تنکب حرامها.

ترجمه:

- 621 امام صادق علیه السلام فرمود: از امیرالمؤمنین پرسیده شد که : زهد در دنیا چیست  
؟ فرمود: اعراض و دوری کردن از حرام دنیا .

حدیث:

- 622 عن ابی الطفیل قال : سمعت امیرالمؤمنین علیه السلام یقول : الزهد فی الدنيا قصر  
الامل و شکر کل نعمه و الورع عما حرم اللہ علیک.

ترجمه:

- 622 ابی الطفیل گوید: از امیرالمؤمنین شنیدم که فرمود: زهد در دنیا عبارت است از کوتاه  
نمودن آرزو و به جا آوردن شکر هر نعمتی و باز ایستادن از هر چیزی که خداوند بر تو حرام  
ساخته است .

**حدیث:**

- 623 قال ابو عبداللہ علیه السلام لیس الزهد فی الدنیا باضاعه المال و لا بتحريم الحلال بل الزهد فی الدنیا ان لاتكون بما فی يدك او ثق منك بما فی يد الله عزوجل.

**ترجمه:**

- 623 امام صادق علیه السلام فرمود: زهد در دنیا تلف کردن مال و حرام ساختن حلال نیست بلکه زهد این است که اعتماد و اطمینان تو به آنچه که در دست توست بیشتر از اعتماد به آنچه که در دست خدای عزوجل است نباشد .

**حدیث:**

- 624 عن حفص بن غیاث قال : سمعت موسی بن جعفر علیه السلام عند قبر و هو يقول : ان شيئاً هذا آخره لحقیق ان یزهد فی اوله و ان شيئاً هذا اوله لحقیق ان یخاف من آخره.

**ترجمه:**

- 624 حفص بن غیاث گوید: از امام موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که در کنار قبری می فرمود: به راستی چیزی که (دنیایی که) آخرش این است سزاوار است که در آغازش نسبت به آن زهد پیشه شود و راستی چیزی که آغازش چنین است سزاوار است که از سرانجامش ترسیده شود .

**حدیث:**

- 625 عن فاطمه بنت الحسين عن ابیها علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله ان صلاح اول هذه الامه بالزهد و اليقين و هلاك آخرها بالشح و الامل.

**ترجمه:**

- 625 فاطمه دختر امام حسین علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت کند که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا نیکی و شایستگی اول این امت به داشتن زهد و یقین است و هلاکت و نابودی آخر این امت به بخیل بودن و داشتن آرزو (آرزوی طولانی ) است .

**حدیث:**

- 626 عن الحسن بن على العسكري علیه السلام هن آبائه علیه السلام عن الصادق علیه السلام انه سئل عن الزاهد فی الدنیا قال : الذى یترك حلالها مخافه حسابه و یترك حرامها مخافه عقابه.

**ترجمه:**

- 626 امام حسن عسکری علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که از امام صادق علیه السلام درباره زاهد در دنیا پرسیده شد که زاهد کیست ؟ فرمود: زاهد کسی است که در حلال دنیا را از ترس حساب آن و حرام دنیا را از ترس کیفر و عقاب آن ترک کند .

- 63 باب استحباب ترك ما زاد عن قدر الضرورة من الدنيا

- 63باب استحباب ترك نمودن آنچه از دنيا که بيش از اندازه ضرورت است

: حدیث

- 627عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ما لی و للدنيا  
انما مثلی کراکب رفعت له شجره فی يوم صائف فقال تحتها قم راح و تركها.

: ترجمه

- 627امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: مرا با  
دنیا چه کار است ؟ همانند مثل من همانند سوارکاری است که در یک روز گرم برای او درختی  
بر پا شده باشد و او در زیر آن درخت در وسط روز به خواب رود سپس استراحتی کند (یا بادی  
بوزد) و آن درخت را ترك کند (و برود).

: حدیث

- 628عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : فی طلب  
الدنيا اضرار بالآخره و فی طلب الآخره اضرار بالدنيا فاضروا بالدنيا فانها احق بالاضرار.

: ترجمه

- 628امام صادق علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در  
طلب کردن دنيا به آخرت زيان می رسد و در طلب کردن آخرت به دنيا زيان می رسد پس به  
دنيا زيان برسانيد که دنيا سزاوار زيان است.

: حدیث

- 629عن ابی عبدالله علیه السلام : ان فی كتاب علی علیه السلام انما مثل الدنيا کمثل  
الحیه ما الین مسها و فی جوفها السم الناقع يحدرها الرجل العاقل و یهوى اليها الصبى  
الجاهل.

: ترجمه

- 629امام صادق علیه السلام فرمود: در كتاب علی علیه السلام آمده است که : مثل دنيا  
همانند مار است که چقدر لمس و سودن آن نرم است در حالی که در درون آن زهر کشنده  
است ، مرد عاقل از چنین ماری حذر می کند و کودک نادان به سوی آن مایل می شود .

: حدیث

- 630عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیته النبي صلی الله علیه و آله لعلی  
علیه السلام قال : يا علی ان الدنيا سجن المومن وجنه الكافر يا علی اوحى الله الى الدنيا  
اخدمی من خدمتی و اتعبی من خدمک يا علی ان الدنيا لو عدلت عند الله جناح بعوضه لما  
سقی الكافر منها شربه من ماء يا علی ما احد من الاولین و الاخرين الا و هو يتمنی يوم  
القيامه انه لم يعط الدنيا الا قوتا.

: ترجمه

- 630امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی الله

علیه و آلہ به علی علیہ السلام آمده است که : ای علی ! همانا که دنیا زندان مومن و بھشت کافر است ، ای علی ! خداوند به دنیا وحی فرستاد که : خدمتگزار کسی باش که در خدمت من است و به رنج و سختی بیفکن کسی را که در خدمت توست ، ای علی ! راستی که اگر ارزش دنیا در نزد خدا با بال پشه ای برابری می کرد هرگز به کافر جرعه ای از آب آن را نمی نوشاند، ای علی ! هیچکس از خلق اولین و آخرين نیست جز اینکه در روز قیامت آرزو می کند که ای کاش از دنیا تنها به اندازه خوراکی به او داده می شد .

حدیث:

- 631 قال رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسالہ : ما قل و کفی خیر مما کثر و الھی.

ترجمہ:

- 631 رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ فرمود: آنچہ که اندک باشد و کفايت کند از آنچه که فراوان باشد و (آدمی را به خود) مشغول سازد بهتر است.

حدیث:

- 632 و باسناده عن امیرالمؤمنین علیه السلام فی وصیته لمحمد بن الحنفیه قال : و لا مال اذهب للفاقة من الرضا بالقوت و من اقتصر علی بلغه الكفاف فقد انتظم الراحة و تبوا خفض الدعه ، الحرص داع الى الت quam في الذنب.

ترجمہ:

- 632 امیرالمؤمنین علیه السلام در وصیتیش به محمد بن حنفیه فرمود: و هیچ مالی بهتر از خوشنود بودن به خوراک ، فقر را بر طرف نمی کند و کسی که به مقدار کفاف روزانه اکتفا کند راحتی و آسایشیش را سامان بخشیده است و در فراخی و آسودگی زندگانی مقیم گشته است ، حرص (آدمی را) به سوی سرنگونی در گناهان فرا می خواند.

حدیث:

- 633 عن ابی الدرداء قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ وسالہ : من اصبح معافی فی جسدہ آمنا فی سربه عنده قوت یومہ فکانما خیرت له الدنیا یا ابن جعشم یکفیک منها ما سد جوعتك و واری عورتك فان یکن بیت یکنک فذاك و ان یکن دابه تركبها فبح بخ و الا فالخبر و ماء الجره و ما بعد ذلك حساب عليك او عذاب.

ترجمہ:

- 633 ابو درداء گوید: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسالہ : کسی که صبح کند در حالی که تندرست و سالم باشد و درباره مرکب سواری اش ایمن باشد و در نزد او خوراک روزانه اش موجود باشد گوئیا خیر دنیا به او بخشیده شده است ، ای پسر جعشم ! در این دنیا آنچه که گرسنگی تو را بر طرف سازد و عورت را بپوشاند برایت کافی است پس اگر خانه ای باشد که سایبان شود نیکوست و اگر چهارپایی باشد که بر آن سوار شوی پس بسی نیکوتر و گرنہ نانی و آب سبویی (بس است ) و بیش از اینها یا موجب حساب بر توست یا باعث عذاب و

کیفر توست .

حدیث:

- 634 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : يا ابن آدم ما كسبت فوق قوتك فانت فيه خازن لغيرك.

ترجمه:

- 634 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای فرزند آدم! آنچه که بیش از خوراک روزانه ات کسب کرده ای تو در آن نگاهبانی دهنده برای دیگران گشته ای .

حدیث:

- 635 و قال عليه السلام : كل مقتصر عليه كاف.

ترجمه:

- 635 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر مقداری که بتوان بر آن اکتفا نمود کافی است.

حدیث:

- 636 و قال عليه السلام : الزهد بين كلمتين من القرآن قال الله تعالى (لكيلا تأسوا على ما فاتكم و لاتفرحوا بما آتاكم ) و من لم ياس على الماضي و لم يفرح بالاتي فقد استكمل الزهد بطرفيه.

ترجمه:

- 636 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زهد بین دو جمله از قرآن (تعریف شده) است آنچه که خداوند تعالی فرموده است) : تا بر آنچه که از دست داده اید غمگین نشوید و بر آنچه که به شما داده شده است شادمان نگردید<sup>(149)</sup> (پس کسی که بر گذشته اندوه نخورد و به آینده شادمان نباشد هر دو جانب زهد را به صورت کامل دریافته است .

حدیث:

- 637 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال ابو جعفر علیه السلام : مثل الحريص على الدنيا مثل دوده القرز كلما ازدادت على نفسها لفا كان ابعد لها من الخروج حتى تموت غما قال : و قال ابو عبدالله علیه السلام : اغنى الغنى من لم يكن للحرص اسيرا و قال : لاتشعروا قلوبكم الاشتغال بما قد فات فتشغلوا اذهانكم عن الاستعداد لما لم يأت.

ترجمه:

- 637 امام صادق علیه السلام از امام باقر علیه السلام روایت کند که فرمود: مثل شخصی که بر دنیا حربیص است همانند کرم ابریشم است که هر چه پیله را بیشتر به دور خود می پیچد خارج شدنیش از دورن آن بعیدتر می شود تا اینکه از (شدت) (اندوه می میرد - راوی گوید: - و امام صادق علیه السلام فرمود: بالاترین ثروت) حالت ) کسی است که اسیر حرص نباشد. و فرمود: مشغول گشتن به آنچه که از دست رفته است را در دلهایتان وارد نسازید (به آنچه که فوت شده نپردازید) که در نتیجه ذهنها خود را از آمادگی برای آنچه که نیامده است

از می دارید .

حدیث:

- 638 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ابعد ما يكون العبد من الله عزوجل اذا لم يهمه الا بطنه و فرجه .

ترجمه:

- 638 امام صادق علیه السلام فرمود: دورترین حالتی که بنده از خدای عزوجل دارد آن هنگامی است که چیزی جز شکم و زیر شکمش برای او اهمیت نداشته باشد .

حدیث:

- 639 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من كثراً اشتباكاً كه في الدنيا كان أشد لحسنته عند فراقها.

ترجمه:

- 639 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که زیاد با دنیا گره خورده باشد حسرت و اندوهش هنگام جدایی از آن زیادتر خواهد بود .

حدیث:

- 640 عن احمد بن ابی عبداللہ البرقی عن ابی رفعه الى ابی عبداللہ علیه السلام قال : حرم الحريص خصلتين و لزمته خصلتان حرم القناعه فافتقد الراحة و حرم الله الرضا فافتقد اليقين .

ترجمه:

- 640 احمد بن ابی عبداللہ برقی از پدرش روایت کند که امام صادق علیه السلام فرمود: شخص حريص از دو خصلت محروم است و دو خصلت ملازم با اوست از قناعت محروم است پس در نتیجه ، راحتی و آرامش را گم کرده است و از خوشنود بودن (به داده الهی ) محروم است پس در نتیجه ، یقین و باور را گم کرده است .

### باب کراهه حب المال و الشرف

- 65 باب کراهت دوستی دارایی و ارجمندی

حدیث:

- 641 عن حماد بن بشیر قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : ما ذئبان ضاريان فى غنم قد غاب عنها رعاوها احدهما فى اولها و الآخر فى آخرها باضر فيها من حب المال و الشرف فى دين المسلم .

ترجمه:

- 641 حماد بن بشیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: دو گرگ درنده در گله ای که چوبانی به همراه ندارد در حالی که یک گرگ در اول گله و دیگری در آخر گله باشد ضررشان به آن گله بیشتر نیست از ضری که دوستی با دارایی و ارجمندی به دین مسلمانان می زند .

حدیث:

- 642 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان الشیطان یدیر ابن آدم فی کل شیء فاذا اعیاه جثم له عند المال فاخذ برقبته.

ترجمه:

- 642 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا شیطان فرزند آدم را در هر چیزی کاملا زیر نظر می گیرد پس هنگامی که وی شیطان را درمانده و عاجز کرد (و شیطان نتوانست او را فریب دهد) شیطان در برابر مال و دارایی سینه اش را برای او بر زمین می نهاد و گردنش را می گیرد .

حدیث:

- 643 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الدينار و الدرهم اهلکا من کان قلبکم و هما مهلكاکم.

ترجمه:

- 643 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : همانا دینار و درهم پیشینیان شما را به هلاکت رساند و همین دو نیز هلاک کننده شماست .

- 66 باب کراهه الضجر و الكسل

- 66 باب کراحت بی قراری نمودن و سستی کردن

حدیث:

- 644 عن ابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام انه قال فی وصیته لبعض ولده : و ایاک و الكسل و الضجر فانهما یمنعانک حظک من الدنيا و الآخرة.

ترجمه:

- 644 امام موسی بن جعفر علیه السلام در وصیتش به یکی از فرزندان خود فرمود: از سستی کردن و بی قراری نمودن بر حذر باش زیرا این دو جلو بهره دنیوی و اخروی تورا می گیرند .

حدیث:

- 645 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی لاتمزح فیذهب بهاؤک و لاتکذب فیذهب نورک و ایاک و خصلتین الضجر و الكسل فانک ان ضجرت لم تصری علی حق و ان کسلت لم تود حقا یا علی من استولی علیه الضجر رحلت عنه الراحة.

ترجمه:

- 645 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کرد که وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است که فرمود: ای علی ! شوخی مکن که خوبی و نیکویی تو را می برد و دروغ مگو که نور تو را از بین می برد و از دو خصلت بر حذر باش یکی نالبدن و بی

قراری نمودن و دیگری سستی زیرا اگر بی قراری کنی بر حق نمی توانی شکیبا باشی و اگر سستی کنی حقی را نمی توانی به دست آوری ، ای علی ! کسی که بی تابی و بی قراری بر او مسلط شود راحتی و آسایش از وجود او کوچ می کند .

حدیث:

- 646 عن عمر بن علی عن ابیه علی بن ابی طالب علیه السلام ان النبی صلی اللہ علیہ و آله قال : علامه الصابر فی ثلث اولها ان لا يكسل و الثانية ان لا يضجر و الثالثة ان لا يشكو من ربه عزوجل لانه اذا كسل فقد ضيع الحقوق و اذا ضجر لم يود الشكر و اذا شكا من ربه عزوجل فقد عصاه .

ترجمه:

- 646 عمر بن علی از پدرش علی بن ابی طالب علیه السلام روایت کند که فرمود: همانا پیامبر صلی اللہ علیہ و آله فرموده است : نشانه شخص صابر و شکیبا در سه چیز است : اول اینکه سستی نمی کند و دوم اینکه بی قراری نمی کند و سوم اینکه از پروردگار عزیز بزرگوارش شکایت نمی کند زیرا اگر سستی کند قطعا حقوقی را ضایع می کند و اگر بی قراری کند شکر و سپاس (پروردگارش) را به جای نیاورده است و اگر از پروردگارش شکایت کند او را نافرمانی کرده است.

حدیث:

- 647 عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی حدیث انه قال لبعض ولده : ایاک و المزاح فانه یذهب بنور ایمانک حظک من الدنیا و الآخره .

ترجمه:

- 647 امام موسی بن جعفر علیه السلام به یکی از فرزندانش فرمود: از شوخی کردن بپرهیزد که نور ایمان تو را از بین می برد و مروت و مردانگی تو را سبک می کند و از بی قراری و سستی حذر کن که این دو بهره دنیوی و اخروی تو را مانع می شوند.

- 67 باب کراهه الطمع

- 67 باب کراحت طمع ورزیدن

حدیث:

- 648 عن ابی عبد اللہ قال : ما اقبح بالمؤمن ان تكون له رغبة تذله.

ترجمه:

- 648 امام صادق علیه السلام فرمود: برای مونم چقدر زشت است که میل و رغبتی داشته باشد که او را به ذلت و خواری بکشاند.

حدیث:

- 649 عن ابی جعفر علیه السلام قال : بئس العبد عبد يكون له طمع يقوده و بئس العبد عبد

له رغبه تذله.

ترجمه:

- 649 امام باقر عليه السلام فرمود: بد بنده ای است که بنده ای است که طمعکاری اش او را رهبری کند و بد بنده ای است آن بنده ای که دارای میل و رغبتی باشد که او را به خواری اندازد .

حديث:

- 650 قال علی بن الحسین عليه السلام رایت الخیر کله قد اجتمع فى قطع الطمع عما فى ایدى الناس.

ترجمه:

- 650 امام سجاد عليه السلام فرمود: دانسته ام که تمامی خیر و خوبی در بریدن طمع و چشم نداشتن به آنچه که در دستان مردمان است جمع شده است .

حديث:

- 651 عن سعدان عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قلت : الـذـى يثـبـت الـاـيمـان فـى الـعـبـد قال : الـوـرـع و الـذـى يخـرـجـه مـنـه الـطـمـع .

ترجمه:

- 651 سعدان گوید: به امام صادق عليه السلام عرض کردم : آن چیزی که ایمان را در درون بنده ثابت و پا بر جا می کند چیست ؟ حضرت فرمود: باز ایستادن از گناه ، و آن چیزی که ایمان را از دل او بیرون می کند طمع است .

حديث:

- 652 عن اميرالمؤمنين عليه السلام فى وصيته لمحمد بن الحنفیه قال : اذا احـبـت ان تـجـمـعـ خـيـرـ الدـنـيـا و الـاـخـرـه فـاقـطـعـ طـمـعـكـ مـمـاـ فـىـ اـيـدـىـ النـاسـ .

ترجمه:

- 652 اميرالمؤمنين عليه السلام در وصیتش به محمد بن حنفیه فرمود: اگر دوست داری که خیر دنیا و آخرت را برای خود گرد آوری پس طمع و چشم داشتن را به آنچه که در دستان مردمان است قطع کن .

حديث:

- 653 عن ابی جعفر عليه السلام قال : اتی رجل رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : علمتی یا رسول الله شيئاً فقال : عليك بالیاس مما فی ایدى الناس فانه الغنى الحاضر قال : زدنی یا رسول الله قال : ایاک و الطمع فانه الفقر الحاضر.

ترجمه:

- 653 امام باقر عليه السلام فرمود: مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! به من چیزی بیاموز. حضرت فرمود: بر تو باد که از آنچه که در

دستان مردمان است مایوس باشی که این چنین روحیه ای ثروتی حاضر و آماده است . مرد دوباره عرض کرد: ای رسول خدا! بیش از این بفرما . فرمود: از طمع بر حذر باش که طمع ، فقری حاضر و آماده است.

حدیث:

- 654 عن الصادق جعفر بن محمد عن آبائه عليه السلام قال : سئل اميرالمؤمنين عليه السلام ما ثبات الايمان ؟ قال : الورع . فقيل : ما زواله ؟ قال : الطمع.

ترجمه:

- 654 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : از اميرالمؤمنين عليه السلام پرسیده شد که : چه چیزی مایه ثبات و پایرجایی ایمان است ؟ فرمود: باز ایستادن از گناه ، پرسیده شد: چه چیز باعث زوال ایمان است ؟ فرمود: طمع .

حدیث:

- 655 عن اميرالمؤمنين عليه السلام قال : اكثر مصارع العقول تحت بروق المطامع.

ترجمه:

- 655 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: بیشترین جایی که عقلها به زمین می خورد در زیر درخشیدن طمعکاری ها است .

حدیث:

- 656 عن علی بن موسی الرضا عليه السلام عن ابیه عن آبائے علیه السلام عن علی علیه السلام قال : جاء خالد الى رسول الله صلی الله علیه و آله فقال : يا رسول الله اوصنی و اقله لعلی احفظ فقال : اوصیک بخمسة بالياس مما فی ایدی الناس فانه الغنی الحاضر و ایاك و الطمع فانه الفقر الحاضر و صل صلاه مودع و ایاك و ما تعذر منه و احب لاخیک ما تحب لفنسک.

ترجمه:

- 656 امام رضا عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدرانش روایت کند که : علی علیه السلام فرمود نن خالد به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! مرا سفارشی فرما و کوتاه باشد شاید بتوانم آن را به خاطر بسپرم . حضرت فرمود: تو را به پنج چیز سفارش می کنم : یاس و نامیدی نسبت به آنچه که در اختیار مردم است زیرا اینگونه یاس ثروتی حاضر و آماده است ، و از طمع بر حذر باش که آن فقری حاضر و آماده است ، و نماز چنان به جای آور که گوئیا در حال وداع هستی (و این آخرین نماز توست )، و از چیزی که از به جای آوردنش باید عذرخواهی کنی بر حذر باش ، و برای برادر خود چیزی را که برای خود دوست می داری دوست بدار.

- 68 باب کراهه الخرق

- 68 باب کراحت درشتی کردن (ناسازگاری )

حدیث:

- 657 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من قسم له الخرق حجت عنه الایمان.

ترجمه:

- 657 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که درشتی کردن برایش مقدر و قسمت شده است ایمان از او باز داشته شده و پوشانده شده است.

حدیث:

- 658 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لو كان الخرق خلقا يرى ما كان في شيء من خلق الله اقبح منه.

ترجمه:

- 658 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : اگر درشتی (ناسازگاری) به صورت یکی از آفریدگان دیده می شد هیچ چیز از آفریدگان خداوند رشت تراز او نبود .

- 69 باب تحريم اساءه الخلق

- 69 باب تحريم بد اخلاقی

حدیث:

- 659 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق ليفسد العمل كما يفسد الخل العسل.

ترجمه:

- 659 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که بد اخلاقی عمل را تباہ می کند همچنانکه سرکه عسل را فاسد می سازد .

حدیث:

- 660 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال النبي صلی الله علیه و آله : ابی الله لصاحب الخلق السیئ بالتویه قیل : و کیف ذاک یا رسول الله ؟ قال : اذا تاب من ذنب وقع في ذنب اعظم منه.

ترجمه:

- 660 امام صادق علیه السلام روایت کند که : پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: خداوند از توبه شخصی که دارای اخلاق بد است کراحت دارد. عرض شد که : ای رسول خدا! این چگونه است؟ فرمود: (زیرا) هنگامی که از گناهی توبه می کند در گناهی بزرگتر از گناه گذشته واقع می شود .

حدیث:

- 661 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان سوء الخلق ليفسد الایمان كما يفسد الخل العسل.

ترجمه:

- ۶۶۱ امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است.

حديث:

- ۶۶۲ عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من ساء خلقه عذب نفسه.

ترجمه:

- ۶۶۲ امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس اخلاقش بد شد خود را در عذاب قرار داده است.

حديث:

- ۶۶۳ عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : اوحى الله عزوجل الى بعض انبیائے الخلق السییی یفسد العمل كما یفسد الخل العسل.

ترجمه:

- ۶۶۳ امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند عزوجل به یکی از پیامبرانش وحی فرستاد که: اخلاق بد عمل را فاسد می کند همچنانکه سرکه باعث فاسد شدن عسل می گردد.

حديث:

- ۶۶۴ عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : یا علی لکل ذنب توبه الا سوء الخلق فان صاحبه کلما خرج من ذنب دخل فی ذنب.

ترجمه:

- ۶۶۴ امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! هر گناهی توبه ای دارد به جز بد اخلاقی زیرا کسی که دارای اخلاق بد است هر زمان که از گناهی بیرون می رود در گناهی دیگر وارد می شود .

حديث:

- ۶۶۵ عن الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : عليکم بحسن الخلق فان حسن الخلق فی الجنه لامحاله و ایاکم و سوء الخلق فان سوء الخلق فی النار لا محالة.

ترجمه:

- ۶۶۵ امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده : بر شما باد به خوش اخلاقی زیرا اخلاق نیکو حتما جایگاهش در بهشت است و از بد اخلاقی بر حذر باشید زیرا اخلاق بد حتما جایگاهش در دوزخ است .

حديث:

- 666 عن جعفر عن أبيه عليه السلام قال : قال على عليه السلام : ما من ذنب الا و له توبه و ما من تائب الا وقد تسلم له توبته ما خلا السيئي الخلق لانه لا يتوب من ذنب الا وقع في غيره اشر منه

ترجمه:

- 666 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش روایت کرد که : على عليه السلام فرمود: هیچ گناهی نیست جز اینکه توبه ای دارد و هیچ توبه کننده ای نیست جز اینکه توبه اش برای او سالم و دست نخورده می ماند مگر کسی که بد اخلاق است زیرا چنین کسی از هیچ گناهی توبه نمی کند جز اینکه در گناهی بدتر از آن وارد می شود .

- 70 باب تحريم السفه و كون الانسان ممن يتقم شره

- 70 باب تحريم نادانی کردن و اینکه آدمی از کسانی باشد که از بدی او پرهیز می شود

حديث:

- 667 عن ابی الحسن موسی علیه السلام فی رجلین يتسبان فقال : البادی منهما اظلم و وزره و وزر صاحبه علیه ما لم يتعد المظلوم.

ترجمه:

- 667 امام موسی کاظم علیه السلام درباره دو مرد به یکدیگر دشنام می دادند فرمود: آنکه آغاز نموده ستمکارتر است و گناه خود و طرف مقابلش به گردن اوست البته در صورتی که آنکه مظلوم واقع شده از حد خود تجاوز نکند .

حديث:

- 668 ابی عبدالله علیه السلام قال : لاتسفهوا فان ائمتكم ليسوا بسفهاء و قال ابو عبدالله علیه السلام : من کافا السفیه بالسفه فقد رضی بمثل ما اتى اليه حيث احتذى مثاله.

ترجمه:

- 668 امام صادق علیه السلام فرمود: خود را به نادانی و بی خردی نزنید (و بی خردی را پیشه نکنید) زیرا پیشوايان شما نادان نبوده و نیستند. و فرمود: کسی که با شخص نادان به نادانی مقابله کند تحقیقا به شبیه همان عملی که با وی صورت گرفته است خوشنود گردیده است زیرا به شخص نادان اقتدا و از وی پیروی کرده است .

حديث:

- 669 قال اميرالمؤمنين علیه السلام : لا يكون السفه و الغرہ فی قلب العالم.

ترجمه:

- 699 اميرالمؤمنين علیه السلام فرمود: نادانی و ناشی گری در دل شخص دانشمند نیست .

حديث:

- 670 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان السفه خلق لئيم يستطيل على من دونه و

یخضع لمن فوقه.

ترجمه:

- 670 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که نادانی خصلت شخص فرومایه و پست است، فرومایه بر زیر دست خود تکبر می‌ورزد و برای بالا دست خود فروتنی می‌کند.

حديث:

- 671 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی حديث ان النبی صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ قال : ان من شر عباداللہ من تکرہ مجالسته لفحشه.

ترجمه:

- 671 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود که: پیامبر صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ است: به راستی که بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر پلیدی اش همتشینی با او ناپسند شمرده می‌شود.

حديث:

- 672 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان ابغض خلق اللہ عبد اتقى الناس لسانه.

ترجمه:

- 672 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا نفرت انگیزترین مخلوق خدا بنده ای است که مردم از (شر) زبان او پرهیز می‌کنند.

حديث:

- 673 قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ : شر الناس یوم القيامه الذین یکرمون اتقاء شرهم.

ترجمه:

- 673 رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ: بدترین مردم در روز قیامت کسانی هستند که (این دنیا را) از ترس شرshan مورد اکرام و احترام واقع می‌شوند.

حديث:

- 674 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ : شر الناس عند اللہ یوم القيامه الذین یکرمون اتقاء شرهم.

ترجمه:

- 674 امام صادق علیه السلام روایت کند که: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسیدہ: بدترین مردم در نزد خداوند در روز قیامت کسانی هستند که (در دنیا) برای پرهیز از شرshan مورد احترام واقع می‌شوند.

حديث:

- 675 قال ابو عبداللہ علیه السلام : من خاف الناس لسانه فهو في النار.

ترجمه:

- 675 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مردم از زبانش بترسند جایگاهش در آتش

است .

- 71 باب تحريم الفحش و وجوب حفظ الانسان

- 71 باب تحريم بد زبانی و وجوب حفظ نمودن زبان

حدیث:

- 676 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : من علامات شرک الشیطان الی کی لا یشك فیه ان  
یکون فحاشا لایبالی ما قال و لا ماقیل فیه.

ترجمه:

- 676 امام صادق علیه السلام فرمود: از نشانه های شرکت نمودن شیطان که بی گمان این  
نشانه بیانگر شریک شدن شیطان در روحیه و اعمال شخص است این است که شخصی بد  
زبان باشد و باکی نداشته که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود .

حدیث:

- 677 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان الله یبغض الفاحش المتفحش.

ترجمه:

- 677 امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص بد زبان بیهوده گوی را دشمن  
می دارد .

حدیث:

- 678 قال ابو عبداللہ علیه السلام : ان الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق.

ترجمه:

- 678 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا دشنام دادن و هرزه گویی و زبان درازی ناشی از  
نفاق و دو رویی است .

حدیث:

- 679 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله یبغض  
الفاحش البذیء السائل الملحق.

ترجمه:

- 679 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: راستی  
که خداوند شخص دشنام دهنده و هرزه گو و در خواست کننده سمج و لجوج را دشمن می  
دارد .

حدیث:

- 680 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله لعائشه : يا  
عائیشہ ان الفحش لو کان مثالاً لکان مثالاً سوء.

ترجمه:

- 680 امام باقر علیه السلام روایت کند که : رسول خدا صلی الله علیه و آله به عائیشہ فرمود:

ای عایشه ! راستی که اگر بد زبانی در قالب و شکلی در آمده بود حتما صورتی بد و زشت داشت .

حدیث:

- 681عن احمد بن محمد عن بعض رجاله قال : قال : من فحش على أخيه المسلم نزع الله منه بركه رزقه و وكله الى نفسه و افسد عليه معيشته.

ترجمه:

- 681احمد بن محمد از برخی از کسانی که از آنان حدیث نقل می کند، روایت کند که : معصوم علیه السلام فرمود: کسی که به برادر مسلمان خود دشام دهد خداوند برکت روزی اش را از او می گیرد و او را به خود وا می گذارد و زندگی اش را برابر و تباہ می سازد .

حدیث:

- 682عن سماعه قال : دخلت على ابى عبدالله عليه السلام فقال لى مبتدئا: يا سماعه ما هذا الذى كان بينك و بين جمالك ؟ ايak ان تكون فحشا او سخا با او لعانا. فقلت : و الله لقد كان ذلك انه ظلمنى فقال : ان كان ظلمك لقد اربيت عليه ان هذا ليس من فعالى و لا امر به شيعتى استغفر ربك و لا تعد قلت استغفر الله و لا اعود.

ترجمه:

- 682سماعه گوید: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم ، حضرت بدون اینکه من چیزی گفته باشم فرمود: ای سماعه ! بین تو و شتردارت چه گذشته است ؟ بر حذر باش از اینکه دشnam دهنده یا داد و فریاد کننده یا لعن کننده باشی . عرض کردم : سوگند به خدا که او به من ظلم کرد. حضرت فرمود: اگر او به تو ستم کرد تو که بیشتر به او ستم کردنی (تو که در ستم کردن از او پیشی گرفتی ) راستی که اینگونه رفتار نه با کردار من سازگار است و نه پیروان خود را به چنین رفتاری امر می کنم ، از پروردگارت طلب مغفرت کن و دیگر تکرار نکن . من گفتم : از خداوند طلب مغفرت می کنم و دیگر چنین عملی را تکرار نمی کنم .

حدیث:

- 683عن ابى عبدالله عليه السلام فى حدیث قال : قال رسول الله صلی الله عليه و آله : ان من اشر عباد الله من تکره مجالسته لفحشه.

ترجمه:

- 683امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله عليه و آله فرموده است : راستی که از بدترین بندگان خدا کسی است که به خاطر بد زبانی اش همنشینی با او ناپسند شمرده می شود .

حدیث:

- 684عن ابى عبدالله عليه السلام قال : ان الله يحب الحيى الحليم الغنى المتعطف الا و ان الله يبغض الفاحش البذى ء السائل الملحق.

ترجمه:

- 684 امام صادق عليه السلام فرمود: راستی که خداوند شخص صاحب شرم و بردبار و ثروتمند پاکدامن را دوست دارد، آگاه باشید که خداوند شخص دشنام دهنده هرزه گو و سائلی را که سماجت می کند دشمن می دارد.

حدیث:

- 685 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی حدیث قال : ان الحیاء و العفاف و العی اعنی عن اللسان لاعی القلب من الایمان و الفحش و البذاء و السلاطه من النفاق.

ترجمه:

- 685 امام صادق عليه السلام فرمود: راستی که حیا و پاکدانمی و درمانده بودن از ایمان است البته مراد من درمانده بودن زبان است نه درمانده بودن قلب (یعنی زبان دراز نباشد)، و دشنام و هرزه گویی و زبان درازی از نفاق است.

حدیث:

- 686 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی اللہ علیه و آلہ لعلی علیه السلام قال : يا علی افضل الجهاد من اصبح لایهم بظلم احد يا علی من خاف الناس لسانه فهو من اهل النار يا علی شر الناس من اکرمه الناس اتقاء فحشه و شره يا علی شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنيا غیره.

ترجمه:

- 686 امام باقر علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بالاترین جهاد (عمل) کسی است که مردم از زبانش در بیم و هراس باشند اهل دوزخ است . ای علی ! بدترین مردم کسی است که مردم او را از ترس بذیبانی و بدکاری اش اکرام و احترام کنند، ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیاپریش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگران بفروشد .

- 72 باب تحريم البداء و عدم المبالغ بالقول

- 72 باب تحريم هرزه گویی و بدون مبالغات سخن گفتن

حدیث:

- 687 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اذا رأيتم الرجل لا يبالى ما قال ولا ما قيل له فهو شرك الشيطان.

ترجمه:

- 687 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : هرگاه دیدید که مردی باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود چنین کسی شریک شیطان است .

حدیث:

- 688 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله حرم الجنه علی کل فحاش بذی ء قلیل الحیاء لایبالی ما قال و لا ما قیل له فانک ان فتشته لم تجده الا لغیه او شکر شیطان قیل : يا رسول الله و فی الناس شرك شیطان فقال رسول الله صلی الله علیه و آله : اما تقرأ قول الله عزوجل ) : و شارکهم فی الاموال و الاولاد (الحدیث).

ترجمه:

- 688 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : راستی که خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار کم حیا که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است به راستی که اگر درباره چنین کسی جستجو و کاوش کنی او را گمراه یا شریک شیطان می یابی . عرض شد: ای رسول خدا! آیا در بین مردم شریک شیطان وجود دارد؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: آیا سخن خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید) : و با آنان در دارایی ها و فرزندانشان شراکت کن<sup>(150)</sup> )

حدیث:

- 689 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : البذاء من الجفاء و الجفاء فی النار.

ترجمه:

- 689 امام صادق علیه السلام فرمود: زشت گفتاری ناشی از ستمکاری است و ستمکاری در آتش است .

حدیث:

- 690 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی حرم الله الجنه علی کل فاحش بذی : لا بیالی ما قال و لا ما قیل يا علی طوبی لمن طال عمره و حسن عمله.

ترجمه:

- 690 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش علیه السلام روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! خداوند بهشت را بر هر دشنام دهنده زشت گفتار که باکی ندارد که چه می گوید و چه درباره اش گفته می شود حرام ساخته است ، ای علی ! خوشاب حال کسی که عمرش طولانی و کردارش نیکو باشد .

حدیث:

- 691 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : الحباء من الایمان و الایمان فی الجنه و البذاء من الجفاء و الجفاء فی النار.

ترجمه:

- 691 امام صادق علیه السلام فرمود: حیا از ایمان است و ایمان در بهشت است و زشت گفتاری از ستمکاری است و ستمکاری جایگاهش آتش است .

- 73 باب تحريم القذف حتى للمشرك مع عدم الاطلاع

- 73 باب تحريم بدون اطلاع نسبت زنا دادن حتى به مشرك  
حدیث:

- 692 عن عمرو بن نعمان الجعفی قال : كان لابی عبدالله عليه السلام صدیق لايكاد يفارقه الى ان قال - فقال يوما لغلامه : يا ابن الفاعله این کنت ؟ قال فرفع ابو عبدالله عليه السلام يده فشك بها جبهه نفسه ثم قال : سبحان الله تقدّف امه قد کنت ارى ان لك ورعا فاذا ليس لك ورع فقال : جعلت فداك ان امه سندیه مشركه فقال : اما علمت ان لكل امه نكاح؟ تنح عنی فما رایته یمشی معه حتى فرق بینهما الموت.

ترجمه:

- 692 عمر بن نعمان جعفی گوید: امام صادق علیه السلام دوستی داشت که همواره در کنار حضرت بود و از ایشان جدای نمی کرد روزی به غلام خود گفت : ای زنا زاده کجا بودی ؟ امام صادق علیه السلام دستش را بالا برد و محکم به پیشانی خود کویید سپس فرمود: سبحان الله ! آیا به مادر او نسبت زنا می دهی ؟ من معتقد بودم که تو دارای ورع و پرهیزکاری هستی ولی اکنون پرهیزکاری در تو نیست . عرض کرد: فدایت گردم ، مادر این غلام اهل سند و مشرك بوده . حضرت فرمود: آیا نمی دانی که هر امتی برای خود نکاحی دارد؟ از من دور شو. - راوی گوید: - من دیگر آن مرد را همراه حضرت ندیدم تا اینکه مرگ بین او و حضرت جدایی افکند .

حدیث:

- 693 قال و فی روایه اخیری ان لكل امه نکاحا یحتاجون به عن الزنا.

ترجمه:

- 693 راوی گوید: در روایت دیگری آمده است که : همانا برای هر امتی نکاحی هست به وسیله آن از زنا محفوظ می شوند .

حدیث:

- 694 عن ابی حمزه ، عن ابی جعفر علیه السلام قال : قلت له : ان بعض اصحابنا یفتررون و یقذفون من خالفهم فاق : الکف عنهم اجمل ثم قال : يا ابا حمزه و الله ان الناس كلهم اولاد بغايا ما خلا شيعتنا ثم قال : نحن اصحاب الخمس و قد حرمناه على جميع الناس ما خلا شيعتنا. (الحدیث)

ترجمه:

- 694 ابی حمزه گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم که : برخی از اصحاب ما افtra می زنند و به مخالفین خود نسبت زنا می دهند (آیا این کار سزاوار است ؟) حضرت فرمود: نیکوتر

این است که از دادن نسبت بد به آنان دست بکشند - سپس فرمود: - ای ابا حمزه ! به خدا سوگند که این مردم همگی (در واقع) فرزندان فحشا هستند به جز شیعیان ما - <sup>(۱۵۱)</sup> سپس فرمود: - ما اصحاب خمس هستیم و آن را بر همه مردم بجز شیعیانمان حرام کرده ایم .

حدیث:

- 695 عن ابی بکر الحضرمی ، عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : سالته عن الرجل يفترى على الرجل من جاهليه العرب فقال : يضرب حدا قلت : يضرب حدا؟ قال : نعم ان ذلك يدخل على رسول الله صلی الله علیه و آله.

ترجمه:

- 695 ابی بکر حضرمی گوید: از امام صادق علیه السلام پرسیدم : مردی بر مردی از جاهلیت عرب افترا می زند (حکممش چیست؟) حضرت فرمود: باید به آن افترا زننده حد زده شود. عرض کردم : آیا باید حد زده شود؟ فرمود: آری . به راستی که این کار او باعث عیب نمودن بر رسول خدا صلی الله علیه و آله می شود .

- 74 باب تحريم البغى

- 74 باب تحريم تعدى و تجاوز

حدیث:

- 696 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ايها الناس ان البغى يقود اصحابه الى النار و ان اول من بغى على الله عناق بنت آدم فاول قتيل قتله الله عناق و كان مجلسها جريبا في جريب و كان لها عشرون اصبعا في كل اصبع ظفران مثل المنجلين فسلط الله علیها اسدًا كالفیل و ذئبًا كالبعير و نسرا مثل البغل و قد قتل الله الجباره على افضل احوالهم و آمن ما كانوا.

ترجمه:

- 696 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : ای مردم ! راستی که ستم ، یاران خود را به سوی آتش رهنمون می کند و همانا اولین کسی که ستم و تعدی بر خدا نمود عناق دختر آدم علیه السلام بود پس اولین کسی هم که خداوند او را به قتل رساند همین عناق بود، جایگاه نشستن او به انداره جریب در یک جریب بود و دارای بیست انگشت بود و در هر انگشت دو ناخن همانند دو داس داشت پس خداوند بر او شیری همانند فیل و گرگی همانند شتر و کرکسی همانند قاطر مسلط ساخت و خداوند ستمکاران را با وجود بهترین حالاتی که داشتند و امن و امانی که در آن بودند به قتل رساند .

حدیث:

- 697 عن مسمع ابی سیار ان ابی عبداللہ علیه السلام کتب اليه فی كتاب : انظر ان لا تكلمن بكلمه بغی ابدا و ان اعجبتك نفسك و عشيرتك.

ترجمه:

- 697 مسمع ابی سیار گوید که : امام صادق علیه السلام برای وی در نامه ای چنین نوشت : توجه داشته باش که هرگز سخنی به ستم بر زبان نیاوری (دروع نگویی ) اگر چه مورد پسند خودت و خانواده ات باشد .

حدیث:

- 698 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : يقول ابليس لجنوده : القوا بينهم الحسد و البغى فانهما بعذلان عند الله الشرك.

ترجمه:

- 698 امام صادق علیه السلام فرمود: ابليس به لشکر خود می گوید: در بین فرزندان آدم حسد و ستم را بیافکنید زیرا این دو در نزد خداوند با شرك برابرند .

حدیث:

- 699 عن ابی عبداللہ علیه السلام ان اعجل الشر عقوبه البغى.

ترجمه:

- 699 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که عقوبت و کیفر ستم از عقوبت هر بدی دیگر زودتر و با شتاب تر فرا می رسد .

حدیث:

- 700 عن ابی جعفر علیه السلام قال : ان اسرع الخیر ثوابا البر و ان اسرع الشر عقوبه البغى و كفى بالمرء عيبا ان يبصر من الناس ما يعمى عنه من نفسه او يعيير الناس بما لا يستطيع تركه او يوذى جليسه بما لا يعنيه.

ترجمه:

- 700 امام باقر علیه السلام فرمود: راستی که ثواب نیکی کردن از هر خوبی دیگری زودتر فرا می رسد و کیفر ستمکاری از کیفر هر بدی دیگری زودتر دامنگیر آدمی می شود، و برای مرد همین عیب بس است که از مردم نقصی را ببیند که از دیدن آن نقص در وجود خود عاجز است یا اینکه مردم را بر چیزی سرزنش کند که خود توانایی ترک آن را ندارد یا اینکه همنشین خود را با سخنان بیهوده آزار دهد .

حدیث:

- 701 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاكم ان یبغی بعضکم علی بعض فانها لیست من خصال الصالحین فانه من بغي صیر الله بغیه علی نفسه و صارت نصرة الله لمن بغی علیه و من نصره الله غلب و اصاب الظفر من الله .

ترجمه:

- 701 امام صادق علیه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه برخی از شما بر برخی دیگر ستم روا دارد زیرا ستمکاری از خصلتهای شایستگان نیست ، همانا کسی که ستم کند خداوند ستمش را به خود او باز می گرداند و نصرت و یاری خداوند شامل

شخص ستمدیده می گردد و کسی که خداوند یاری اش کند حتماً غلبه پیدا می کند و پیروزی اش از جانب خداوند فرا می رسد .

حدیث:

- 702 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی اللہ علیہ وآلہ لعلی علیه السلام قال : يا علی اربعه اسرع شیء عقوبہ رجل احسنت الیه فکافاك بالاحسان اساءه و رجل لاتبغی علیه و هو بیغی علیک و رجل عاهدته علی امر فوفیت له و غدر بک و رجل و صل قرابته فقطعوه.

ترجمه:

- 702 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیہ وآلہ به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار کس است که کیفر کردارشان به سرعت فرا می رسد: کسی که به او نیکی کرده ای و نیکی تو را با بدی پاسخ گفته است ، و کسی که به او ستم نمی کنی و او بر تو ستم روا می دارد، و کسی که با او در کاری پیمان بسته ای و به عهد و پیمانات وفا کرده ای ولی او به تو خیانت کرده است ، و کسی که با خوبیشانش پیوند برقرار کرده است اما آنان با او رابطه شان را قطع نموده اند .

حدیث:

- 703 قال و من الفاظ رسول الله صلی الله علیہ وآلہ : لو بغي جبل علی جبل لجعله الله دکا اعجل الشر عقوبہ البغی و اسرع الخیر ثوابا البر.

ترجمه:

- 703 امام صادق علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیہ وآلہ است که فرموده است : اگر کوهی بر کوهی ستم کند خداوند آن را ویران می سازد، کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد و ثواب نیکی کردن از ثواب هر خوبی دیگری زودتر به دست می آید .

حدیث:

- 704 عن ابی حمزه الثمالمی قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام یقول : ان اسرع الشر عقوبہ البغی.

ترجمه:

- 704 ابی حمزه ثمالی گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا عقوبت ستم از عقوبت هر بدی دیگری زودتر فرا می رسد.

حدیث:

- 705 عن جعفر بن محمد عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال النبی صلی الله علیہ وآلہ لو بغي جبل علی جبل لجعل الله الباغی منهما دکا.

ترجمه:

- 705 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از پدرانش : روایت نمود که : پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: اگر گوهی بر کوهی ستم روا دارد خداوند آن کوه ستمکار را خرد و ویران می سازد .

حدیث:

- 706 عن جعفر بن محمد عن آبائه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان اعجل الشر عقوبه البغي.

ترجمه:

- 706 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به راستی که کیفر ستم از کیفر هر بدی دیگری با شتاب تر فرا می رسد.

حدیث:

- 707 و بهذا الاستناد قال : دعا رجل بعض بنی هاشم الى البراز فابى ان يبارزه فقال له على علیه السلام : ما منعك ان تبارزه ؟ فقال : كان فارس العرب و خشيت ان يغلبني فقال : انه بغي عليك و لو بارزته لقتلته و لو بغي جبل على جبل لهلك الباقي.

ترجمه:

- 707 و به سند روایت گذشته فرمود: مردی یکی از بنی هاشم را در جنگ به مبارزه طلبید مرد هاشمی از مبارزه کردن با اوی خودداری کرد، پس علی علیه السلام به مرد هاشمی فرمود: چه چیز تو را از مبارزه با او بازداشت ؟ مرد عرض کرد: او یکی از سوارکاران عرب است و ترسیدم که بر من پیروز شود. حضرت فرمود: او بر تو تعدی نموده بود و اگر با او به مبارزه می پرداختی هر آینه او را به قتل می رساندی ، و اگر کوهی بر کوهی تعدی کند، تعدی کننده به هلاکت می رسد .

### - 75 باب کراهه الافتخار

- 75 باب کراهت به خود بالیدن و مباھات کردن

حدیث:

- 708 قال علی بن الحسین علیه السلام : عجبا للمتکبر الفخور الذى كان بالامس نطفه ثم هو غدا جيفه

ترجمه:

- 708 امام سجاد علیه السلام فرمود: در شگفتمن از کسی که تکر می ورزد و به خود می نازد و مباھات می کند در حالی که این کس دیروز نطفه ای بود سپس فردا مرداری (گندیده) خواهد شد .

حدیث:

- 709 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : آفه الحسب

الافتخار و العجب.

ترجمه:

- 709 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرموده است : آفت شرافت و بزرگی ، به خود نازیدن و خود بزرگ بینی است.

حديث:

- 710 و قال رسول الله صلی الله علیه و آلہ : آفه الحسب الافتخار.

ترجمه:

- 710 رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: آفت گوهر مرد، مباھات و به خود نازیدن است .

حديث:

- 711 اتی رسول الله صلی الله علیه و آلہ رجل فقال : يا رسول الله انا فلان بن فلان حتى عد تسعة فقال رسول الله صلی الله علیه و آلہ : اما انك عاشرهم فى النار.

ترجمه:

- 711 مردی به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آلہ آمد و عرض کرد: ای رسول خدا! من فلان بن فلان ... هستم و تا هفت پشت خود را شمرد. رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: آگاه باش که تو دهمين آنها هستی که در آتش خواهی بود .

حديث:

- 712 قال ابو جعفر عليه السلام : عجبا للمختال الفخور و انما خلق من نطفه ثم يعود حيفه و هو فيما بين ذلك لا يدرى ما يصنع به.

ترجمه:

- 712 امام باقر عليه السلام فرمود: در شگفتمن از کسی که متکبر و فخرفروش است و (آیا نمی داند که ) از نطفه ای آفریده شده سپس مرداری می شود و او در بین دو حالت نمی داند که چه بر سرشن می آید .

حديث:

- 713 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام في وصييه النبى صلی الله علیه و آلہ لعلی عليه السلام قال : يا على آفه الحسب الافتخار ثم قال يا على ان الله قد اذهب بالاسلام نخوه الجاهليه و تفاخرها بآبائها الا ان الناس من آدم و آدم من تراب و اكرمههم عند الله اتقاهم.

ترجمه:

- 713 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر صلی الله علیه و آلہ به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! آفت بزرگی مرد، فخر فروشی است . ای علی ! راستی که خداوند به وسیله اسلام تکبر و جاهلیت و مباھات نمودن به پدرانشان را از بین برد، به هوش باشید که مردم از حضرت آدم اند و آدم از خاک آفریده شده و گرامی

ترین مردم در نزد خدا پرهیزکارترین آنان است .

حدیث:

- 714 عن ابی جعفر محمد بن علی الباقر علیه السلام قال : ثلاثة من عمل الجahليه الفخر بالانساب و الطعن بالاحساب و الاستسقاء بالانواء.

ترجمه:

- 714 امام باقر علیه السلام فرمود: سه چیز است که از کارهای زمان جاهلیت است : نازیدن به نسب ها (ی پدران ) و طعنه زدن به نژادها و طلب باران نمودن از ستارگان (نسبت دادن باران به ستارگان<sup>(152)</sup> )

حدیث:

- 715 عن اسماعیل بن ذبیان یرفعه الى ابی عبدالله علیه السلام قال : افتخر رجلان عند امیرالمؤمنین علیه السلام فقال : افتخران باجساد بالیه و ارواح فی النار ان یکن لك عقل فان لك خلقا و ان یکن لك تقوی فان لك کرما و الا فالحمار خیر منك و لست بخیر من احد.

ترجمه:

- 715 از امام صادق علیه السلام روایت است که فرمود: دو مرد در نزد امیرالمؤمنین علیه السلام به یکدیگر فخر فروشی می کردند، حضرت فرمود: آیا به جسدھای پوسیده و روحهایی که در آتش دوزخ اند فخر می کنید، اگر عقلی داری مروتی داری و اگر دارای تقوی هستی کرم و بزرگواری داری و گرنہ پس الاغ از تو بهتر است و تو از هیچ کس بهتر نیستی.

حدیث:

- 716 عن الحسين بن المختار رفعه الى امیرالمؤمنین علیه السلام قال : من وضع شيئا للمفاخره حشره الله يوم القیامه اسود.

ترجمه:

- 716 از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت است که فرمود: هر کس چیزی را برای میاھات و نازیدن قرار دهد خداوند او را در روز قیامت رو سیاه محشور خواهد کرد .

حدیث:

- 717 عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : ما لابن آدم و الفخر؟ اوله نطفه و آخره جیفه و لايرزق نفسه و لايدفع حتفه.

ترجمه:

- 717 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: فرزند آدم کجا و فخر کردن کجا؟ آغازش نطفه ای است و سرانجامش مرداری خواهد بود و روزی اش به دست خودش نیست و مرگش را از خود نمی تواند دفع کند .

- 76 باب تحريم قسوه القلب

- 76 باب تحريم قساوت قلب

حدیث:

- 718 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : لمtan لمه من الشیطان و لمه من الملک فلمه الملک الرقه و الفهم و لمه الشیطان السهو و القسوه.

ترجمه:

- 718 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: دو گونه نزدیک شدن هست: یکی نزدیک شدن شیطان و دیگری نزدیک شدن فرشته، اما نزدیک شدن فرشته مایه دل نازکی و درک کردن است و نزدیک شدن شیطان باعث فراموشی و سنگدلی است.

حدیث:

- 719 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : اذا خلق اللہ العبد فی اصل الخلق کافرا لم یمت حتى یحبب الیه الشر فیقرب منه فابتلاه بالکبر و الجبریه فقسا قلبه و ساء خلقه و غلظ وجهه و ظهر فحشه و قل حیاوه و کشف اللہ ستره و ركب المحارم فلم ینزع عنها (الحدیث).

ترجمه:

- 719 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که خداوند بنده ای را در اصل آفرینشش کافر بیافریند نمی میرد مگر اینکه او را دوستدار شر می گرداند و به شر نزدیک می شود پس او را به تکبر و سرکشی دچار می کند پس سنگدل می شود و اخلاقیش بد و چهره اش زنده می گردد و زشتی او آشکار می شود و حیااش کم می گردد و خداوند پرده او را می درد و او مرتكب امور ناروا می شود و از آن امور دست بر نمی دارد.

حدیث:

- 720 عن علی بن عیسی رفعه قال : فيما ناجی اللہ به موسی : يا موسی ! لاتطول فی الدنيا املک فيقسو قلبك و القاسی القلب منی بعيد.

ترجمه:

- 720 علی بن عیسی از امام معصوم علیه السلام روایت کند که : در ضمن رازگویی خداوند با موسی علیه السلام آمده است : ای موسی ! در دنیا آرزویت را طولانی و دراز مگردان که اگر چنین کنی سنگدل می شوی و سنگدل از من دور است .

حدیث:

- 721 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی اللہ علیه و آلہ لعلی علیه السلام یا علی : اربع خصال من الشقاء جمود العین و قساوه القلب و بعد الامل و حب البقاء.

ترجمه:

- 721 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت کند که : در وصیت پیامبر صلی اللہ علیه و آلہ به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! چهار خصلت ناشی از شقاوت و تیره

روزی است : خشکی چشم (یعنی که چشم نگرید) و سنگدلی و آرزوی دور و دراز و دوستی بقا و جاودانگی (در دنیا ).

حدیث:

- 722 قال امیرالمؤمنین علیه السلام ما جفت الدموع الالقوسہ القلوب و ما قست القلوب الا لکثره الذنوب.

ترجمه:

- 722 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: اشک چشمها خشک نمی شود مگر به خاطر سختی دلها و دلها سخت نمی شود مگر به خاطر زیادی گناهان .

حدیث:

- 723 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن النبی صلی اللہ علیه و آلہ قال : من الشقاء حمود العین و قسوه القلب و شده الحرص فى طلب الدنيا و الاصرار على الذنب.

ترجمه:

- 723 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : پیامبر صلی اللہ علیه و آله فرموده است : از (نشانه های) بدبختی و تیره روزی ، خشک شدن (اشک) چشم و سخت دلی و حرص زیاد در طلب دنیا و اصرار و پافشاری بر انجام گناه است.

- 77 باب تحريم الظلم

- 77 باب تحريم ظلم

حدیث:

- 724 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ما من مظلمه اشد من مظلمه لا يجد صاحبها عليها عونا الا الله.

ترجمه:

- 724 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ ظلمی بدتر و سخت تر از آن ظلمی نیست که شخص نامظلوم یار و یاوری جز خدا برای دفع آن نیاید .

حدیث:

- 725 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیه و آله : اتقوا الظلم

فانه ظلمات يوم القيمة.

ترجمه:

- 725 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: از ظلم کردن بپرهیزید زیر ظلم، تاریکی ها و ظلمت های روز قیامت را در پی دارد.

حديث:

- 726 عن ابی جعفر علیه السلام قال: ما من احد يظلم مظلمه الا اخذع الله بها في نفسه و ماله فاما الظلم الذي بينه وبين الله فاذا تاب غفرله.

ترجمه:

- 726 امام باقر علیه السلام فرمود: هیچکس نیست که ستمی به دیگران روا دارد جز اینکه خداوند او را به خاطر ستمش از نظر جانی یا مالی گرفتار می سازد و اما ستمی که بین بندۀ و خداست اگر بندۀ توبه کند خداوند بر او می بخشداید.

حديث:

- 727 عن ابی عبدالله علیه السلام قال: من ظلم مظلمه اخذ بها في نفسه او في ماله او في ولده.

ترجمه:

- 727 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که ستمی کند به سبب آن ستم، در جانش یا مالش یا فرزندانش به گرفتاری می افتد.

حديث:

- 728 عن ابی عبدالله علیه السلام فى قول الله عزوجل ان ربک لبالمرصاد قال: قنطره على الصراط لايجوزها عبد بمظلمه.

ترجمه:

- 728 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) (همانا پروردگار تو در کمینگاه است<sup>(153)</sup>) فرمود: پلی بر صراط وجود دادر که هر بندۀ ای که ستمی نموده است از آن نمی تواند گذر کند.

حديث:

- 729 عن ابی جعفر علیه السلام قال: لما حضر علی بن الحسين علیه السلام الوفاه ضمنی الى صدره ثم قال يا بنی اوصیک بما اوصانی به ابی حین حضرته الوفاه و بما ذکر ان ابا اوصاہ به قال يا بنی ایاک و ظلم من لا یجد عليك ناصرا الا الله.

ترجمه:

- 729 امام باقر علیه السلام فرمود: زمانی که وفات پدرم امام سجاد علیه السلام فرا رسید مرا به سینه خود چسباند، سپس فرمود: ای پسر دلبندم! تو را وصیت می کنم به وصیتی که پدرم ابا عبدالله الحسین علیه السلام در هنگام حضور وفاتش به من وصیت نمود و فرمود

که پدرش علی علیه السلام این وصیت را به او فرموده است : ای پسر عزیزم ! بر حذر باش از ظلم کردن به کسی که در برابر تو هیچ یار و یاوری جز خدا نمی یابد.

حدیث:

- 730 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من خاف القصاص کف عن ظلم الناس .

ترجمه:

- 730 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : کسی که از قصاص بترسد از ظلم کردن به مردم خودداری می کند .

حدیث:

- 731 عن ابو عبداللہ علیه السلام : من اصبح لاينوی ظلم احد غفرالله له ما اذنب ذلك اليوم ما لم يسفك دما او يأكل مال يتيم حراما.

ترجمه:

- 731 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که صبح کند و ظلم کردن به هیچ کس را در نیت نداشته باشد خداوند گناهان آن روز او را می بخشد مادامی که خونی نریزد یا مال یتیمی را به حرام نخورد .

حدیث:

- 732 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی حدیث قال : اما انه ما ظفر بخیر من ظفر بالظلم اما ان المظلوم يأخذ من دین الظالم اکثر مما يأخذ الظالم من مال المظلوم ثم قال : من يفعل الشر بالناس فلا ينكر الشر اذا فعل به . (الحدیث)

ترجمه:

- 732 امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: آگاه باشید: آنکس که با ستم به پیروزی ظاهری رسیده به خیر دست نیافته ، به هوش باشید که همانا آنچه که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ستمگر از دارایی ستمدیده بر می گیرد - سپس فرمود: - کسی که به مردم بدی می کند هرگاه به او بدی شد نباید آن بدی را ناپسند بشمرد. (زیرا این بدی نتیجه عمل اوست).

حدیث:

- 733 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم فی الدنيا هو الظلمات فی الآخرة.

ترجمه:

- 733 امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم در دنیا همان ظلمتها و تاریکی های آخرت است .

حدیث:

- 734 عن علی بن سالم قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : ان الله عزوجل يقول : و عزتی و جلالی لا جیب دعوه مظلوم دعائی فی مظلمه ظلمها و لاحد عنده مثل تلك المظلمه

ترجمه:

- 734 علی بن سالم گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا خدای عزوجل می فرماید: به عزت و بزرگی ام سوگند، دعای مظلومی را که مرا در ظلمی که به او شده است بخواند احابت نمی کنم اگر او شبیه آن ظلم را در حق دیگری روا داشته باشد.

حدیث:

- 735 عن زید بن علی بن الحسین عن آبائه علیه السلام قال : ياخذ المظلوم من دين الظالم أكثر مما ياخذ الظالم من دنيا المظلوم.

ترجمه:

- 735 زید بن علی بن الحسین از پدران بزرگوارش : روایت کرد که : آنچه که مظلوم از دین ظالم می گیرد بسی بیشتر است از آنچه که ظالم از دنیا مظلوم می ستاند .

حدیث:

- 736 عن جعفر بن محمد علیه السلام قال : من ارتکب احدا بظلم بعث الله من ظلمه مثله او على ولده او على عقبه من بعده.

ترجمه:

- 736 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که بر احدي ستمی کند خداوند کسی را بر می انگیزد که همانند همان ستم را بر او یا فرزندان او یا نسل بعد از او روا دارد.

حدیث:

- 737 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال امير المؤمنین علیه السلام : اعظم الخطایا اقتطاع مال امری مسلم بغیر حق.

ترجمه:

- 737 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: بزرگترین گناهان گرفتن قسمتی از مال مسلمانی به ناحق است.

حدیث:

- 738 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : ان الله عزوجل يبغض الغنى الظلوم.

ترجمه:

- 738 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل ثروتمند ستمگر را دشمن می دارد.

حدیث:

- 739 عن امیر المؤمنین علی علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : يقول الله عزوجل اشتد غضبی على من ظلم من لا يجد ناصرا غيري.

ترجمه:

- 739 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرموده است : خدای عزوجل می فرماید: خشم و غصب من بر کسی بسیار شدید است که بر بنده ای ظلم می کند که یاوری جز من برای خود نمی یابد.

حدیث:

- 740 عن ابی عبداللہ قال : قال رسول اللہ صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم : انی لعنت سبعاً لعنہم اللہ و کل نبی مجتب قیل : و من هم یا رسول اللہ ؟ قال : الزائد فی کتاب اللہ و المکذب بقدر اللہ و المخالف لسنتی و المستحل من عترتی ما حرم اللہ و المسلط بالجبروت لیعز من اذل اللہ و یذل من اعز اللہ و المستاثر علی المسلمين بفیئهم منتھلاً له و المحرم ما احل اللہ عزوجل.

ترجمہ:

- 740 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی اللہ علیہ وآلہ وسلم فرموده است : به راستی که من هفت گروه را لعنت می فرمدم که آنان را خداوند و هر پیامبری که دعاویش را مورد احبابت است لعنت نموده اند. عرض شد: آنان چه کسانی هستند ای رسول خدا؟ فرمود: آنکه بر کتاب خدا چیزی بیفزاید و آنکه قضا و قدر الهی را تکذیب کند و آنکه با سنت من مخالفت ورزد و آنکه درباره عترت من آنچه را که خداوند حرام ساخته برای خود حلال بشمرد حق عترت مرا نادیده گیرد و به آنان ستم کند) و کسی که با سرکشی قدرت یافته تا کسانی را که خداوند آنان را خوار نموده به عزت برساند و کسانی را که خداوند آنان را عزیز دانسته به ذلت بکشاند و کسی که غنائم مسلمین را برای خود برگزیند و مالک آنها شده و آنها را به خود نسبت دهد و کسی که حلال خدای عزوجل را حرام سازد.

- 78 باب وجوب رد المظالم الى اهلها و اشتراط ذلك في التوبه منها فان عجز المستغفر لله للمظلوم

- 78 باب وجوب اصلاح نمودن و بازگرداندن دادخواهی ها به سوی صاحبان آنها و اینکه در توبه ، بازگرداندن حق شرط است و در صورتی که ستم کننده از این کار عاجز بود باید برای ستمدیده طلب مغفرت کند

حدیث:

- 741 عن ابی جعفر علیه السلام قال : الظلم ثلاثة ظلم يغفره اللہ و ظلم لا يغفر اللہ و ظلم لا يدعه اللہ فاما الظلم الذي لا يغفره فالشرك و اما الظلم الذي يغفره فظلم الرجل نفسه فيما بينه وبين اللہ و اما الظلم الذي لا يدعه فالمدافع عنه بين العباد.

ترجمہ:

- 741 امام باقر علیه السلام فرمود: ظلم سه گونه است : ظلمی که خداوند آن را می بخشاید و ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد و ظلمی که خداوند آن را رها نمی کند (و پیگیری می کند) اما ظلمی که خداوند آن را نمی بخشد شرک است و اما ظلمی که آن را می بخشد ظلمی است که شخص بین خود و خداویش به خویشتن می کند و اما ظلمی که

خداوند آن را و نمی گذارد و پی گیری میکند ظلمی است که بندگان در وام دادن و وام خواستن (و معاملات) به یکدیگر روا می دارند.

حدیث:

- 742 رواه الصدق مثله و زاد و قال عليه السلام : ما يأخذ المظلوم من دين الظالم اكثر مما يأخذ الظالم من دنيا المظلوم.

ترجمه:

- 742 روایت گذشته را مرحوم شیخ صدق ره (روایت فرموده با این تفاوت که در آن جمله زیر را اضافه دارد که حضرت فرمود: آنچه را که ستمدیده از دین ستمگر می گیرد بسی بیشتر از چیزی است که ستمگر از دنیا ستمدیده می ستاند.

حدیث:

- 743 عن شیخ من النجع قال : قلت لابی جعفر عليه السلام : انى لم ازل واليا منذ زمن الحجاج الى يومى هذا فهل لى من توبه ؟ قال : فسكت ثم اعدت عليه فقال : لاحقى تودى الى كل ذى حق حقه.

ترجمه:

- 743 پیرمردی از نجع گوید: به امام باقر عليه السلام عرض کردم: من پیوسته از زمان حجاج تاکنون والی و کارگزار بوده ام آیا برای من نیز توبه ای هست؟ (آیا توبه ام پذیرفته می شود؟) حضرت سکوت نمود و من دوباره پرسشم را تکرار کردم. حضرت فرمود: خیر مگر اینکه حق هر صاحب حق را به او باز گردانی.

حدیث:

- 744 عن ابی بصیر قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : من اكل من مال أخيه ظلما و لم يرده اليه اكل جذوه من النار يوم القيمة.

ترجمه:

- 744 ابی بصیر گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: کسی که با ظلم و ستم از مال برادر خود بخورد و آن را به او بازنگرداند در روز قیامت پاره ای آتش را می خورد.

حدیث:

- 745 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله عليه و آله : من ظلم احدا و فاته فليستغفر الله له فانه كفاره له.

ترجمه:

- 745 امام صادق عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله عليه و آله فرموده است: هر کس به کسی ستمی کند و او را از دست بدهد (دیگر به او دسترسی نداشته باشد) پس باید برای آن مظلوم از خداوند طلب مغفرت و بخشایش کند و همین مطلب مغفرت کفاره ستمی که بر او نموده می گردد.

حدیث:

- 746 قال ابو جعفر علیه السلام قال : رسول الله صلی الله علیه و آله : من اقطع مال مومن غصبا بغير حقه لم يزل الله معرضا عنه ما قتلا لاعماله التي يعملها من البر والخير لا يثبتها في حسناته حتى يتوب و يرد المال الذي أخذه إلى صاحبه.

ترجمه:

- 746 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا فرموده است : کسی که با قسمتی از مال مومنی را به ناحق غصب کند و برای خود بگیرد پیوسته خداوند از او روی گردن است و اعمالی را که او انجام میدهد (حتی) اعمال نیک و خیر او را بد می داند و آنها را در حسنات و نیکی های او ثبت نمی کند تا زمانی که توبه کند و مالی را که به ناحق گرفته به صاحبش برگرداند.

- 79 باب اشتراط توبه من اضل الناس بردہ لهم الى الحق

- 79 باب مشروط بوده توبه کسی که مردمان را گمراہ نموده به اینکه آنان را به سوی حق بازگرداند

حدیث:

- 747 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : كان رجلاً في الزمان الاول طلب الدنيا من حلال فلم يقدر عليها و طلبها من حرام فلم يقدر عليها فاته الشيطان فقال له : الا ادلك على شيء تكثر به دنياك و تكثر به تبعك ؟ فقال : بلى قال : تبتدع ديناً و تدعوا الناس اليه ففعل فاستجاب له الناس و اطاعوه فاصاب من الدنيا ثم انه فكر فقال : ما صنعت ابتدع ديناً و دعوت الناس اليه ما ارى لى من توبه الا ان اتى من دعوته اليه فارده عنه فجعل ياتى اصحابه الذين اجابوه فيقول ان الذى دعوتم اليه باطل و انما ابتدعته فجعلوا يقولون كذبت هو الحق و لكنك شكت فى دينك فرجعت عنه فلما رأى ذلك عمد الى سلسلة فوتدلها و تدا ثم جعلها فى عنقه و قال : لا احلها حتى يتوب الله عزوجل على فاوخي الله عزوجل الى نبى من النبیاء قل لفلان و عزتى لو دعوتنى حتى تنقطع اوصالك ما استجبت لك حتى ترد من مات على ما دعوته اليه فيرجع عنه.

ترجمه:

- 747 امام صادق علیه السلام فرمود: در زمانهای نخستین مردی بود که دنیا را از راه حلال طلب کرد و به آن نرسید و از راه حرام آن را جست اما باز هم به آن نرسید، پس شیطان به نزد او آمد و گفت : آیا تو را به چیزی رهنمون سازم که به سبب آن هم دنیایت زیاد شود و هم پیروانست ؟ مرد گفت : آری . شیطان گفت : دین تازه ای به وجود بیاور و مردم را به سوی آن فرا خوان . آن مرد چنین کرد و مردم نیز به وی پاسخ مثبت دادند و از او فرمانبرداری نمودند و او به دنیا رسید پس از چندی به فکر فرو رفت و با خود گفت : ای چه کاری بود که دین نو به وجود آوردم و مردم را به سوی آن خواندم ؟! گمان نمی کنم توبه ام پذیرفته شود مگر اینکه

آنانی را که به این دین ساختنگی دعوت کرده ام بیاورم و از این دین برگردانم ، پس اصحاب خود را که دعوت او را اجابت نموده بودند فرا خواند و به آنان گفت : دینی که شما را به سوی آن خواندم دین باطلی بود و آن را من خود به خود به وجود آوردم . آنان گفتند: تو دروغ می گویی ، این دین حق است ولی تو در دین خود به شک افتاده ای ، و از پیش وی بیرون رفته‌اند. پس چون چنین دید به زنجیری پناه برد و بر آن میخی کوفت سپس آن را به گردان انداخت و گفت : این زنجیر را نمی گشایم مگر اینکه خدای عزوجل توبه ام را پیذیرد. خداوند عزوجل نیز به پیامبری از پیامبرانش وحی فرستاد که : به وی بگو: به عزتم سوگند اگر به قدری مرا بخوانی که مفصلهایت از هم جدا شوند دعايت را اجابت نمی کنم مگر اینکه آن کسانی را که به دعوت تو گمراه شدند و در گمراهی مردند برگردانی و از عقیده باطل خود باز گردند.

حدیث:

- 748 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله عليه و آله : ان الله غافر كل ذنب الا من احدث دينا و من اغتصب اجيرا اجره او رجل باع حرا.

ترجمه:

- 748 امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود: رسول خدا صلی الله عليه و آله فرموده است : راستی که خداوند همه گناهان را می بخشد به جز گناه کسی که دین جدیدی به وجود آورده و کسی که مزد کارگری را به زور و ستم برای خود گرفته است و کسی که آزاده ای را فروخته است (انسانی آزاد و غیر اسیر را به فروش رسانده است).

- 80 باب تحريم الرضا بالظلم و المعونه للظلم و اقامه عذر

- 80 باب تحريم راضی بودن به ظلم و یاری کردن ستمگر و عذرآوردن و توجیه کردن ظلم او

حدیث:

- 749 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : من عذر ظالما بظلمه سلط الله عليه من يظلمه فان دعاله يستجب له و لم ياجره الله على ظالمته.

ترجمه:

- 749 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که برای ظلم ظالمی بهانه آورد (او را در ظلم کردنش معذور دارد) خداوند کسی را بر او مسلط می سازد که به وی ظلم کند پس چنین کسی اگر دعا کند خداوند دعايش را بر آورده نمی سازد و بر ستمی که می بیند به او اجر و پاداشی نمی دهد.

حدیث:

- 750 عن ابی عبدالله عليه السلام فی وصیته لاصحابه قال : و ایاکم ان تعینوا علی مسلم مظلوم فیدعو عليکم فیستحاب له فیکم فان ابانا رسول الله صلی الله عليه و آله کان یقول : ان دعوه المسلم المظلوم مستجابه و لعین بعضکم بعضها فان ابانا رسول الله صلی الله عليه و آله کان یقول : ان معونه المسلم خیر و اعظم اجرا من صیام شهر و اعتکافه فی المسجد الحرام.

ترجمه:

- 750 امام صادق عليه السلام در وصیتش به اصحاب خود فرمود: بر حذر باشید از اینکه ستمکاری را بر علیه مسلمان مظلومی یاری کنید اگر چنین کنید آن مظلوم شما را نفرین می کند و دعایش درباره شما اجابت می شود، همانا پدر و ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: به راستی که دعای مسلمان مظلوم بر آورده می شود، و باید برخی از شما برخی دیگر را یاری کند زیرا پدر ما رسول خدا صلی الله علیه و آله می فرمود: یاری کردن مسلمانی ، پاداشش بهتر و بزرگتر از یک ماه روزه و اعتکاف در مسجد الحرام است .

حدیث:

- 751 عن جعفر به محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام فی وصیه النبی صلی الله علیه و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی شر الناس من باع آخرته بدنياه و شر منه من باع آخرته بدنيا غیره .

ترجمه:

- 751 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به علی علیه السلام آمده است : ای علی ! بدترین مردمان کسی است که آخرتش را به دنیايش بفروشد و بدتر از او کسی است که آخرتش را به دنیا دیگری بفروشد .

حدیث:

- 752 عن عبدالله بن سنان قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : من اعan ظالما على مظلوم لم يزل الله علیه ساخطا حتى ينزع عن معونته.

ترجمه:

- 752 عبدالله بن سنان گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: کسی که ظالمی را بر علیه مظلومی یاری کند پیوسته خداوند از او خشمگین است تا اینکه دست از یاری او بردارد .

حدیث:

- 753 عن امیر المؤمنین علیه السلام انه قال : للظالم من الرجال ثلاث علامات یظلم من فوقه بالمعصیه و من دونه بالغلبه و يظاهر القوم الظلمه.

ترجمه:

- 753 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: برای مردمان ستمگر سه نشانه وجود دارد: با نافرمانی کردن بر ماقوق خود ستم می کند و با غلبه و چیره شدن بر زیر دست خود ستم روا می دارد و ستمکاران را یاری و پشتیبانی می کند .

- 81 باب تحريم اتباع الهوى الذى يخالف الشرع

- 81 باب تحريم پیروی کردن از آن خواهش نفسانی که مخالف شرع است

حدیث:

- 754 عن ابی محمد الوابشی قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : احذروا اهواءكم كما تحذرون اعداءكم فليس بشیء اعدی للرجال من اتباع اهوائهم و حصائد السنتم.

ترجمه:

- 754 ابی محمد وابشی گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانگونه که از دشمنانتان حذر می کنید از خواهشهاي نفساني خود حذر کنید زیرا هیچ چیزی برای مردمان دشمن تر از پیروی خواهشهاي نفساني و دروشده های زیانها نیست .

حدیث:

- 755 قال امیرالمؤمنین علیه السلام : انما اخاف عليکم اثنین اتباع الهوى و طول الامل اما اتباع الهوى فانه يصد عن الحق و اما طول الامل فينسى الآخره.

ترجمه:

- 755 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: من از دو چیز بر شما ترسانم : یکی پیروی از خواهشهاي نفس و دیگری درازی آرزو، اما پیروی خواهشهاي نفس ؛ زیرا آدمی را از راه حق باز می دارد و اما درازی آرزو؛ زیرا آخرت را فراموش انسان می سازد .

حدیث:

- 756 عن عبدالرحمن بن الحجاج قال : قال لى ابوالحسن علیه السلام : اتق المرتفع السهل اذا كان منحدره و عرا قال : و كان علیه السلام يقول : لاتدع النفس و هوها فان هوها في رداها و ترك النفس و ما تهوى اذاها و كف النفس عما تهوى دواوها.

ترجمه:

- 756 عبدالرحمن بن حجاج گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: از اوج گرفتن و بالا رفتنی که آسان است بپرهیزید آنگاه که سراشیبی آن دشوار باشد - و فرمود: - نفس و خواهش نفس را به حال خود وامگذار زیرا خواسته نفس در هلاکت آن است و به حال خود گذاردن نفس یا آنچه که دوست دارد مایه آزار نفس است و باز داشتن نفس از پرداختن به آنچه که دوست می دارد دوای نفس است .

- 82 باب وجوب اعتراف المذنب لله بالذنب و استحقاق العقاب  
باب وجوب اقرار نمودن و اعتراف کردن شخص گناهکار در پیشگاه خداوند به گناهان خویش و  
به اینکه مستحق کیفر است

حدیث:

- 757 عن ابی جعفر علیه السلام قال : و الله ما ينجو من الذنب الا من اقربه و قال ابوجعفر علیه السلام : كفى بالنندم توبه.

ترجمه:

- 757 امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که رهایی و خلاصی از (عقوبت) گناه

برای کسی حاصل نمی شود مگر کسی که (در پیشگاه خداوند) به آن اقرار و اعتراف کند - و فرمود: - پشمیمانی از گناه برای توبه کفایت می کند .

حدیث:

- 758 عن ابی جعفر علیه السلام قال : لا و الله ما اراد الله من الناس الا خصلتين ان يقرروا له بالنعم فيزيدهم وبالذنب فيغفرها لهم.

ترجمه:

- 758 امام باقر علیه السلام فرمود: به خدا سوگند که خداوند از مردمان جز دو خصلت را نخواسته است : یکی اینکه به نعمتهایی که به آنان بخشیده است اعتراف کنند تا او نیز بر نعمتهایشان بیفزاید و دیگر اینکه به گناهان خویش (در پیشگاه او) اقرار و اعتراف کنند تا او نیز از گناهانشان در گذرد .

حدیث:

- 759 عن معاویه بن عمار قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : انه و الله ما خرج عبد من ذنب باصرار و ما خرج عبد من ذنب الا باقرار.

ترجمه:

- 759 معاویه بن عمار گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا سوگند به خدا که هیچ بنده ای با اصرار و پافشاری بر گناه از گناه بیرون نرفته است و هیچ بنده ای جز با اقرار و اعتراف بر گناهش از گناه خارج نگشته است .

حدیث:

- 760 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : من اذنب ذنبا فعلم ان الله مطلع عليه ان شاء عذبه و ان شاء غفرله غفرله و ان لم يستغفر.

ترجمه:

- 760 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که مرتکب گناهی شده باشد پس از آن بداند که خداوند بر گناه او واقف است اگر بخواهد می تواند او را کیفر دهد و اگر بخواهد می تواند او را ببخشاید، چنین کسی اگر چه طلب مغفرت هم نکند خداوند از گناهش در می گذرد .

حدیث:

- 761 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله يحب العبد ان يطلب اليه في الجرم العظيم و يبغض العبد ان يستخف بالجرم اليسير.

ترجمه:

- 761 امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند بنده ای را که پس از ارتکاب گناهی بزرگ دست خواهش بخشایش به سوی او دراز کند دوست می دارد و بنده ای را که انجام گناهی کوچک را سبک می شمارد دشمن می دارد .

حدیث:

- 762 عن الصادق جعفر به محمد عليه السلام عن أبيه عن آبائه عليه السلام عن رسول الله صلی الله علیه و آلہ عن جبرئیل علیه السلام قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا صغیرا کان او کبیرا و هو لا یعلم ان لی ان اعذبه او اعفو عنه لا غرفت له ذلك الذنب ابدا و من اذنب ذنبا صغیرا کان او کبیرا و هو یعلم ان لی ان اعذبه او اعفو عنه عفوت عنه.

ترجمه:

- 762 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش علیه السلام و ایشان از پدران خود: و آنان از رسول خدا صلی الله علیه و آلہ و ایشان از جبرئیل علیه السلام روایت فرمود که : خدای عزوجل فرموده است : کسی که مرتكب گناهی خواه کوچک یا بزرگ گردد در حالی که نداند که می توانم او را عذاب کنم یا ببخشایم هرگز آن گناه را بر او نمی بخشم و کسی که گناهی کوچک یا بزرگ مرتكب شود و بداند که عذاب نمودن یا چشم پوشی از او در دست من است از گناهش در می گذرم و او را می بخشم .

حدیث:

- 763 عن ابی جعفر الباقر علیه السلام انه قال : لقد غفر الله لرجل من اهل البدایه بكلمتین دعا بهما قال : اللهم ان تعذبني فاھل ذلك انا و ان تغفرلی فاھل ذلك انت فغفر الله له.

ترجمه:

- 763 امام باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند مردی صحرانشین را به خاطر دو جمله که در دعایش به خداوند عرض کرد، أمرزید آن دو جمله این بود: خداوندا اگر مرا عذاب کنی من سزاوار عذابم و اگر بر من ببخشای تو اهل بخششی ( خداوند نیز بر او بخشدید .

حدیث:

- 764 عن ابی عبدالله علیه السلام یرفعه الى النبی صلی الله علیه و آلہ قال : قال الله عزوجل : من اذنب ذنبا فعلم ان لی ان اعذبه و ان لی ان اعفو عنه عفوت عنه.

ترجمه:

- 764 امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر صلی الله علیه و آلہ فرموده است : خداوند عزوجل فرمود: کسی که مرتكب گناهی شود پس بداند که عذاب کردن و عفو کردنش تنها به دست من است ، او را مشمول عفو خود قرار می دهم .

- 83 باب وجوب الندم على الذنوب

- 83 باب وجوب پشیمانی بر گناهان

حدیث:

- 765 قال ابو عبدالله علیه السلام من سرتہ حسنته و ساءته سیئته فهو مومن.

ترجمه:

- 765 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که نیکوکاری اش او را شادمان کند و بدی اش وی را بدخال گرداند چنین کسی مومن است .

حدیث:

- 766 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان الرجل ليذنب الذنب فيدخله الله به الجنه قلت ، يدخله الله بالذنب الجنه ؟ قال : نعم ، انه يذنب فلا يزال خائفا ماقتا لنفسه فيرحمه الله فيدخله الجنه.

ترجمه:

- 766 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که (گاه باشد که (مردی مرتكب گناهی می شود پس خداوند او را به سبب گناهش وارد بهشت می کند - راوی گوید: - عرض کردم: خداوند او را به سبب گناه وارد بهشت می کند؟! فرمود: آری ، او کسی است که گناه می کند ولی پیوسته از گناهش ترسان است و از خود (به خاطر گناهکاری اش ) نفرت دارد، پس خداوند به او رحم می آورد و او را وارد بهشت می سازد .

حدیث:

- 767 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال امیرالمؤمنین علیه السلام : ان الندم على الشر يدعو الى تركه.

ترجمه:

- 767 امام صادق علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین فرموده است : همانا پشیمانی از بدی، آدمی را به سوی ترک بدی فرا می خواند .

حدیث:

- 768 عن ابیان بن تغلب قال : سمعت ابا عبداللہ علیه السلام يقول : ما من عبد اذنب ذنبا فندم عليه الاغفر لله له قبل ان يستغفر و ما من عبد انعم الله عليه نعمه فعرف انها من عند الله الا غفر الله له قبل ان يحمده.

ترجمه:

- 768 ابیان بن تغلب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتكب گناهی شود پس از آن پشیمان گردد جز اینکه خداوند او را می بخاید پیش از اینکه طلب آمرزش کند و هیچ بنده ای نیست که خداوند نعمتی به او ببخشد پس بشناسد که این نعمت از جانب خداست جز اینکه خداوند پیش از اینکه او شکر خدای را به جا آورد او را مشمول آمرزش خویش قرار می دهد .

حدیث:

- 769 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : من الفاظ رسول الله صلی الله علیه و آله : الندامة توبه.

ترجمه:

- 769 امام باقر علیه السلام فرمود: از الفاظ رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: پشیمانی توبه است .

**حدیث:**

- 770 عن ابی جعفر علیه السلام قال : کفی بالندم توبه.

**ترجمه:**

- 770 امام باقر علیه السلام فرمود: پشیمانی از گناه برای توبه کفايت می کند .

**حدیث:**

- 771 عن ابی جعفر علیه السلام قال : قال علی بن الحسین علیه السلام : اربع من کن فيه کمل ایمانه و محصلت عنه ذنبه من وفى الله بما جعل على نفسه للناس و صدق لسانه مع الناس و استحیا من کل قبیح عند الله و عند الناس و یحسن خلقه مع اهله.

**ترجمه:**

- 771 امام باقر علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام فرموده است : چهار چیز است که در هر کسی باشد ایمانش کامل و گناهانش پاک و آمرزیده می گردد: کسی که به خاطر خدا به آنچه که (به آن عهد و پیمانی که) برای مردم بر خود قرار داده است وفا کند، و زبانش با مردم راست بگوید، و از هر زشتی در نزد خدا و مردم شرم کند، و با اهل و خانواده خود خوش اخلاق باشد .

**حدیث:**

- 772 عن الحسین بن سلیمان الزاهدی قال : سمعت ابا جعفر الطائی الواقع يقول سمعت و هب بن منبه يقول : قرات فی زبور داود اسطرا منها ما حفظت و منها ما نسيت فمما حفظت قوله : يا داود اسمع منی ما اقول و الحق اقول من اتاني و هو مستحبی من المعاصی التي عصانی بها غفرتها له و انسیتها حافظیه . (الحدیث)

**ترجمه:**

- 772 حسین بن سلیمان زاهدی گوید: از ابا جعفر طایی واعظ شنیدم که می گفت : از وهب بن منبه شنیدم که می گفت : در زبور حضرت داود علیه السلام چند سطر خواندم که برخی از آنها را حفظ نموده و برخی را فراموش کرده ام ، از جمله از آنچه حفظ کرده ام گفتار خدای تعالی است که فرمود: ای داود! آنچه می گوییم از من بشنو و حق را می گوییم : هر کسی به نزد من آید در حالی که از گناهانی که به وسیله آنها نافرمانی ام نموده شرمگین باشد آن گناهان را بر او می بخشایم و آن گناهان را از خاطر دو فرشته نگهبان او فراموش می سازم .

- 84 باب وجوب ستر الذنوب و تحريم التظاهر بها

- 84 باب وجوب پنهان کردن گناهان و تحريم آشکارا گناه کردن

**حدیث:**

- 773 عن العباس مولی الرضا علیه السلام قال : سمعته يقول : المستتر بالحسنه يعدل سبعين حسن و المذيع بالسيئه مخذول و المستتر بالسيئه مغفور له.

**ترجمه:**

- 773 عباس بنده امام رضا عليه السلام گوید: از امام رضا عليه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که پوشاننده نیکی خود باشد آن نیکی با هفتاد نیکی برابر می کند و آن کس که آشکارا بدی می کند به خود واگذارده شده است و آن کس که پوشاننده بدی است مورد غفران و بخشش الهی است.

حدیث:

- 774 عن فضیل بن عثمان المزادی قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : قال رسول الله صلی الله عليه و آله : اربع من کن فيه لم يهلك على الله بعدهن الا هالك يهم العبد بالحسنه فيعملها فان هو لم ي عملها كتب الله له حسن بحسن نيته و ان هو عملها كتب الله له عشرة و يهم السيئه ان ي عملها فان لم يكتب عليه شيء و ان هو عملها اجل سبع ساعات و قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات و هو صاحب الشمال لاتعجل عسى ان يتبعها بحسنه تمحوها فان الله قال استغفر الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و الشهادة العزيز الحكيم الغفور الرحيم ذا الجلال و الاقرام و اتوب اليه لم يكتب عليه شيء و ان مضت سبع ساعات و لم يتبعها بحسنه واستغفار قال صاحب الحسنات لصاحب السيئات اكتب على الشقى المحروم.

ترجمه:

- 774 فضیل بن عثمان مرادی گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله عليه و آله فرموده است: (در مواجهه با عمل) چهار حالت وجود دارد که پس از رفتار به آن چهار حالت تنها کسی که تیره روز و شقاوتمند است به فرمان خدای تعالی به هلاکت می رسد: بنده ای قصد می کند که کار خیری انجام دهد پس آن را انجام می دهد پس اگر آن را انجام نداد خداوند به خاطر نیت نیکویش برای او یک نیکی ثبت می کند و اگر آن را انجام داد برایش ده نیکی می نویسد و بنده ای قصد می کند که بدی کند پس اگر بدی را به جا نیاورد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر آن بدی را انجام داد تا هفت ساعت مهلت داده می شود و فرشته ای که نیکی ها را می نگارد به فرشته دیگر که نگارنده بدیها و همان فرشته سمت چپ است می گوید: شتاب مکن امید است که این بنده در پی بدی اش نیکی ای انجام دهد و با نیکوکاری اش بدی را محو و نابود کند زیرا خدای عزوجل می فرماید: (همانا نیکی ها بدیها را از بین می برد<sup>(154)</sup>) (یا شاید استغفار کند زیرا اگر بگوید): استغفر الله الذي لا اله الا هو عالم الغيب و الشهادة العزيز الحكيم الغفور الرحيم ذا الجلال و الاقرام و اتوب اليه (بر علیه او چیزی نوشته نمی شود، و اگر هفت ساعت بگذرد و در پی بدی اش نه کار نیکی انجام دهد و نه استغفار کند فرشته ای که نگارنده نیکی هاست به نویسنده بدیها می گوید: بر علیه این تیره روز محروم از رحمت بنویس .

حدیث:

- 775 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : من عمل سیئه اجل فيها سبع ساعات من النهار

فان قال : استغفر الله الذي لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه ثلاط مرات لم تكتب عليه.

ترجمه:

- 775 امام صادق عليه السلام فرمود: کسی که کار بدی انجام دهد هفت ساعت از روز به او مهلت داده می شود پس اگر سه مرتبه بگوید) (استغفر الله الذي لا اله الا هو الحى القيوم و اتوب اليه (آن بدی بر او نوشته نمی شود .

حديث:

- 776 عن احمد بن محمد بن خالد عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال عليه السلام : لکل شیء دوae و دوae الذنوب الاستغفار.

ترجمه:

- 776 احمد بن محمد بن خالد از عده ای از شیعیان روایت کند و آنان این حديث را به معصوم عليه السلام رسانده اند، گفته اند: معصوم عليه السلام فرمود: برای هر چیزی (دردی) دوایی هست و دوایی گناهان استغفار نمودن است .

حديث:

- 777 عن زراره قال سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ان العبد اذا اذنب ذنبها اجل من عدوه الى الليل فان استغفر الله لم تكتب عليه.

ترجمه:

- 777 زراره گوید: از امام صادق عليه السلام شنیدم که فرمود: به راستی که هرگاه بندۀ مرتكب گناهی شود از صبحگاهان تا شامگاه به او فرصت داده می شود پس از خداوند طلب مغفرت نمود چیزی بر عليه او نوشته نمی شود .

حديث:

- 778 عن ابی عبدالله عليه السلام قال : العبد المؤمن اذا اذنب اجله الله سبع ساعات فان استغفر الله لم تكتب عليه شیء و ان مضت الساعات ولم يستغفر كتب سینه . (الحدیث)

ترجمه:

- 778 امام صادق عليه السلام فرمود: هرگاه بندۀ مومن مرتكب گناهی گردد خداوند به او هفت ساعت مهلت می دهد پس اگر از خداوند طلب بخشش نمود چیزی بر عليه او نوشته نمی شود و اگر هفت ساعت گذشت و او استغفار نکرد يك گناه بر او نوشته می شود .

حديث:

- 779 عن حفص قال : سمعت ابا عبدالله عليه السلام يقول : ما من مومن يذنب ذنبها الا اجله الله سبع ساعات من النهار فان هو تاب لم يكتب عليه شیء و ان هو لم يفعل كتب عليه سینه فاتاه عباد البصري فقال له : بلغنا انك قلت : ما من عبد يذنب ذنبها الا اجله الله سبع ساعات من النهار فقال : ليس هكذا قلت و لكنني قلت : ما من مومن و كذلك كان قوله.

ترجمه:

- 779 حفص گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هیچ مومنی نیست که مرتكب گناهی شود جز اینکه خداوند هفت ساعت از روز را به او فرصت می دهد پس اگر توبه کرد چیزی بر علیه او نوشته نمی شود و اگر توبه نکرد یک گناه برایش نوشته می شود، پس از این عباد بصری به خدمت امام صادق علیه السلام رسید و عرض کرد: به ما خبر رسیده است که شما فرموده اید: هیچ بنده ای نیست که ... حضرت فرمود: خیر من چنین نگفته ام بلکه گفته ام: هیچ مومنی نیست که .

حدیث:

- 780 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : لما نزلت هذه الآية (و الذين اذا فعلوا فاحشة او ظلموا انفسهم ذكروا الله فاستغفروا لذنبهم ) ( صعد ابليس جبلابمه يقال له ثور فصرخ باعلى صوته بعفاريته فاجتمعوا اليه فقال : نزلت هذه الآية فمن لها؟ فقام عفريت من الشياطين فقال : انا لها بکذا و کذا فقال : لست لها ثم قام آخر فقال مثل ذلك فقال : لست لها فقال الواسوس الخناس : انا لها قال : بماذا؟ قال : اعدهم و امنيهم حتى ي الواقعوا الخطىده فادا واقعوا الخطىئه انسييهم الاستغفار فقال : انت لها فو كله بها الى يوم القيامه .

ترجمه:

- 780 امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که این آیه نازل شد که می فرماید: آن کسانی که هرگاه کار زشتی انجام می دهند یا هرگاه به خود ستمی می کنند خدای را به یاد می آورند و از او طلب بخشش گناهانشان را می نمایند<sup>(155)</sup> (ابليس به بالاي کوه ثور واقع در مکه رفت و با بلندترین صدایش شیطانها یاش را فریاد زد پس همگی گرد آمدند، پس گفت: چه کسی برای این آیه چاره ای می اندیشد؟ پس هر یک از شیاطین برخاسته و سخنی گفتند و ابليس راه حل آنها را پذیرفت تا اینکه وسوسه گر خناس برخاسته و گفت: من چاره ساز این آیه ام. گفت: به وسیله چه چیزی؟ گفت: به مردمان وعده می دهم و در دل آنان آرزو می افکنم (آرزومندان می کنم) تا در گناه بیافتدند پس هنگامی که در گناه افتادند استغفار را از یادشان می برم پس ابليس را او را پسندید و تا روز قیامت کار این آیه را به او سپرد .

حدیث:

- 781 عن ابی جعفر محمد بن عبی الباقر علیه السلام قال : سئل رسول الله صلی الله علیه و آله عن خیار العباد فقال : الذين اذا احسنوا استبشروا و اذا اساءوا استغفروا و اذا اعطوا شکروا و اذا ابتلوا صبروا و اذا غضبوا غفروا.

ترجمه:

- 781 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: از رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره بهترین بندگان پرسیده شد، حضرت فرمود: بهترین بندگان کسانی هستند که هنگامی که نیکی می کنند شادمان می شوند و هنگامی که بدی می کنند استغفار می کنند و هنگامی که به آنان عطا می شود شکر آن را به جای می آورند و هنگامی که گرفتار می شوند صبر پیشه می

کنند و هنگامی که خشمگین می شوند می بخایند .

حدیث:

- 782 عن ابی عبد‌الله علیه السلام قال : ما من مومن يقترف فی يوم و لیله اربعین کبیره فيقول و هو نادم : (استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم بديع السماوات و الارض ذا الجلال و الاكرام و اساله ان يتوب على ) الا غفرها الله له . ثم قال : و لاخير فيمن يقارب كل يوم و لیله اربعین کبیره.

ترجمه:

- 782 امام صادق علیه السلام : هیچ مومنی نیست که شبانه روز مرتكب چهل گناه کبیره شود و پس از آن با حالت پشیمانی بگوید) : استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم بديع السماوات و الارض ذا الجلال و الاكرام و اساله ان يتوب على ( جز اینکه خداوند بر او می بخاید - سپس فرمود: - در کسی که هر شبانه روزی مرتكب چهل گناه کبیره شود خیری نیست .

حدیث:

- 783 قال ابو عبد‌الله علیه السلام : اذا اراد الله عزوجل بعد خيرا فاذنب ذنبا اتبعه بنقمه و يذكره الاستغفار و اذا اراد الله عزوجل بعد شرا فاذنب ذنبا اتبعه بنعمته فينسبيه الاستغفار و يتمادي به و هو قول الله عزوجل) سنت درجهم من حيث لا يعلمون ( بالنعم عند المعاشر.

ترجمه:

- 783 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خداوند عزوجل خیره بنده گنه کاری را بخواهد پس از گناهانش از او انتقام می کشد بد بخواهد پس از گناهش به او نعمتی می بخشد و استغفار را فراموش وی سازد و این حالت را طولانی می کند و معنای گفتار خدای عزوجل همین است که می فرماید) : اندک اندک آنان را از جایی که نمی دانند به شقاوت می رسانیم <sup>(156)</sup> ( یعنی به وسیله نعمتهايی که در هنگام گناهانشان به آنان می دهیم.

حدیث:

- 784 عن جعفر علیه السلام عن ابیه عن آبائیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آلہ لکل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه:

- 784 امام صادق علیه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرماید که : رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرموده است : هر دردی دوایی دارد و دوای گناهان استغفار کردن است .

حدیث:

- 785 عن عبد‌الله بن محمد الجعفی عن ابی جعفر علیه السلام قال سمعته يقول : كان رسول الله صلی الله علیه و آلہ و الاستغفار لكم حصین حصین من العذاب فمضی اکبر

الحنين و بقى الاستغفار فاكتروا منه فانه ممحاه للذنوب قال الله عزوجل : (و ما كان الله ليعذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون.)

ترجمه:

- 785 عبد الله بن محمد جعفی گوید: از امام باقر عليه السلام شنیدم که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله و استغفار برای شما به منزله دو قلعه و حصار محکم در برابر عذاب الهی بودند، بزرگترین این دو حصار (رسول خدا صلی الله علیه و آله) درگذشت و استغفار باقی مانده است پس زیاد استغفار کنید زیرا استغفار پاک کننده گناهان است ، خدای عزوجل فرموده است) : ای پیامبر تا زمانی که تو در میان آنان هستی خداوند ایشان را عذاب نخواهد کرد و تا زمانی که آنان از خداوند طلب مغفرت می کنند خداوند عذاب کننده آنان نخواهد بود (

(157)

حديث:

- 786 عن اسماعيل بن سهل قال : كتب الى ابى جعفر الثانى عليه السلام علمتني شيئاً اذا انا قلتة كنت معكم فى الدنيا و الآخره فقال : فكتب بخطه اعرفه : اكثراً من تلاوه انا انزلناه و رطب شفتنيك بالاستغفار.

ترجمه:

- 786 اسماعيل بن سهل گوید: به خدمت امام جواد عليه السلام نوشتم که : به من چيزی بیاموز که هرگاه آن را بگویم در دنیا و آخرت با شما باشم . حضرت با خط شریف خود که آن را می شناختم نوشت : سوره مبارکه) انا انزلناه ( را زیاد تلاوت کن و دولب خود را با گفتن استغفار تر کن (نیروی تازه بخش . )

حديث:

- 787 عن جعفر بن محمد عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله عليه و آله : طوبى لمن وجد فى صحيقه عمله يوم القيمه تحت كل ذنب استغفر الله.

ترجمه:

- 787 امام صادق عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : خوشا به حال کسی که در روز قیامت در نامه عملش زیر هر گناهی استغفر الله ( بباید . )

حديث:

- 788 عن الشعبي قال : سمعت على بن ابى طالب عليه السلام يقول : العجب ممن يقنط و معه الممحاه قيل و ما الممحاه ؟ قال الاستغفار.

ترجمه:

- 788 شعبي گوید از امام على عليه السلام شنیدم که فرمود : شگفت آور است کسی که در حالی که) پاک کننده ( همراه او هست باز هم نامید می شود. پرسیده شد: پاک کننده

چیست ؟ فرمود: استغفار .

حدیث:

- 789 عن جعفر بن محمد عن ابیه عن جده قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : صاحب الیمین امیر علی صاحب الشمال فاذا عمل العبد سیئه قال صاحب الیمین لصاحب المشمال : لاتعجل و انظره سبع ساعات فان مضت سبع ساعات ولم يستغفر قال : اكتب فما اقل حیاء هذا العبد.

ترجمه:

- 789 امام صادق علیه السلام از پدر و جد بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : فرشته سمت راست بر فرشته سمت چپ امیر است پس هرگاه بنده ای گناهی کند فرشته سمت راست به سمت چپی گوید: شتاب مکن و او را هفت ساعت مهلت ده . پس اگر هفت ساعت بگذرد و او استغفار نکند به فرشته سمت چپ گوید: بنویس ، چقدر بنده کم حیایی است !

حدیث:

- 790 عن علی بن موسی الرضا علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن امیرالمؤمنین علیه السلام انه قال : تعطروا بالاستغفار لافتضحنکم روایح الذنوب.

ترجمه:

- 790 امام رضا علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است : به وسیله استغفار خود را خوش بو کنید، مبادا بوی بد گناهان شما را رسوا کند .

حدیث:

- 791 عن ابی عبدالله علیه ابیه علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اربع من کن فيه کان فی نور الله الاعظم من کان عصمه امره شهاده ان لا اله الا الله و انی رسول الله صلی الله علیه و آله و من اذا اصابته مصیبه قال : انا لله و انا اليه راجعون و من اذا اصاب خیرا قال : الحمد لله رب العالمین و من اذا اصاب خطیئه قال : استغفر الله و اتوب اليه.

ترجمه:

- 791 امام صادق علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : چهار چیز هست که هر کس آنها را دارا باشد او در نور پر عظمت الهی قرار دارد: کسی که حافظ و نگهدار کار او شهادت به وحدانیت خداوند و رسالت من باشد، و کسی که هرگاه مصیبی به او برسد بگوید) (انا لله و انا اليه راجعون ( و کسی که هرگاه خیری به او برسد بگوید) (الحمد لله رب العالمین (، و کسی که هرگاه مرتکب خطا و گناهی شود بگوید) (استغفر الله و اتوب اليه (.

- 86 باب وجوب التوبه من جميع الذنوب و العزم على ترك العود ابدا

- 86 باب وحوب توبه نمودن از همه گناهان و تصمیم بر اینکه هرگز به گناه باز نگردد

حدیث:

- 792 عن معاویه بن وهب قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : اذا تاب العبد توبه نصوحا احبه الله فستر عليه فى الدنيا و الآخرة قلت و كيف يستر عليه ؟ قال : ينسى ملكيه ما كتبنا عليه من الذنوب و يوحى الى جوارحه اكتتمى عليه ذنبه و يوحى الى بقاع الارض اكتتمى ما كان يعمل عليك من الذنوب فيلقى الله حين يلقاه و ليس شئ يشهد عليه بشئ من الذنوب .

ترجمه:

- 792 معاویه بن وهب گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: هرگاه بنده توبه ای خالص و پاک کند خداوند او را دوست می دارد و در دنیا و آخرت (گناهان وی را) بر او می پوشاند، - راوی گوید: - عرض کردم : چگونه بر او می پوشاند؟ فرمود: گناهانی را که دو فرشته بر علیه او نوشته اند فراموششان می سازد و به اعضای بدنش وحی می فرستد که گناهان او را پوشیده کنید و به مکانهایی از زمین که در آنجا مرتكب گناه شده است وحی می کند که گناهانی را که بر روی تو انجام داده است پنهان دارید، پس او زمانی که خدای را ملاقات می کند شاهدی بر علیه او نیست که بر گناهانش گواهی دهد .

حدیث:

- 793 عن محمد بن مسلم عن احدهما علیه السلام فی قول الله عزوجل (فمن جاءه موعظه من ربه فانتهی فله ما سلف ) قال : الموعظه التوبه.

ترجمه:

- 793 محمد بن مسلم از امام صادق یا امام باقر علیه السلام روایت نمود که حضرت درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : پس کسی که او را موعظه ای از جانب پروردگارش آمد و او باز ایستاد پس آنچه که گذشته است برای اوست ، به نفع اوست<sup>(158)</sup> ( فرمود: مراد از موعظه ، توبه است .

حدیث:

- 794 عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : (يا ایها الذين آمنوا توبوا الى الله توبه نصوحا) قال : هو الذنب الذي لا يعود فيه ابدا قلت : و اینالم يعد فقال : يا ابا محمد ان الله يحب من عباده المفتتن التواب.

ترجمه:

- 794 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : مراد در آیه چیست که می فرماید) : ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص<sup>(159)</sup> ( فرمود: مراد آن گناهی است که شخص هرگز به آن بازگشت نمی کند و تا ابد مرتكب آن

نمی شود، عرض کردم : کدامیک از ماست که به انجام گناه باز نگردد؟ فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگانش آن بنده ای را که آزموده شده و بسیار توبه کننده است را دوست دارد.

حدیث:

- 795 عن ابی الصباح الکنانی قال : سالت ابا عبداللہ علیه السلام عن قول الله عزوجل : (یا ایها الذين آمنوا توبوا الى الله توبه نصوها) قال : يتوب العبد من الذنب ثم لا يعود فيه . قال محمد بن الفضیل : سالت عنها ابا الحسن علیه السلام فقال : يتوب من الذنب ثم لا يعود فيه و احب العباد الى الله المفتتون التوابون.

ترجمه:

- 795 ابی الصباح کنانی گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خداوند پرسیدم که می فرماید) : ای کسانی که ایمان آورده اید به سوی خداوند توبه کنید توبه ای پاک و خالص<sup>(160)</sup> ( فرمود: توبه خالص این است که بنده از گناه خویش توبه کند سپس دیگر آن گناه را مرتكب نشود. محمد بن فضیل گوید: از امام رضا علیه السلام همین پرسش را نمودم حضرت فرمود: بنده از گناه توبه کند سپس دیگر به آن گناه باز نگردد و دوست داشتنی ترین بندگان در نزد خداوند بندگانی هستند که بسیار آزموده شده و توبه کننده اند .

حدیث:

- 796 عن ابن ابی عمیر عن بعض اصحابنا رفعه قال : ان الله اعطى التائبين ثلاث خصال لو اعطى خصله منها جمیع اهل السماوات والارض لنجوا بها قوله عزوجل : (ان الله يحب التوابین و يحب المتطهرين ) فمن احبه الله لم يعذبه و قوله (فاغفر للذین تابوا و اتبعوا سبیلک و قهم عذاب الجحیم ) و ذکر الایات و قوله) الا من تاب و آمن و عمل عملا صالحًا فاولئک يبدل الله سیئاتهم حسنات ) الایه.

ترجمه:

- 796 ابن ابی عمیر از یکی از اصحاب ما روایت کند که امام معصوم علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند به توبه کنندگان سه خصلت عطا کرده است که اگر یکی از آنها را به همه اهل آسمانها و زمین عطا کند به وسیله آن نجات می یابند: یکی گفتار خدای عزوجل : (همانا خداوند توبه کنندگان و پاکیزگان را دوست می دارد<sup>(161)</sup> (پس کسی که خداوند دوستیش می دارد به عذاب الهی گرفتار نمی شود. و دیگری گفتار خداوند) : پس ببخشا بر کسانی که توبه می کردند و راه تو را پیروی نمودند و آنان را از عذاب دوزخ نگاه دار<sup>(162)</sup> (و آیات بعد از این آیه ، و دیگری گفتار خداوند) : مگر آن کسی که توبه کرد و ایمان آورد و کردار شایسته نمود پس آنان کسانی هستند که خداوند بدیهایشان را به نیکی بدل می کند<sup>(163)</sup> ().

حدیث:

- 797 عن ابی عبیده قال : سمعت ابا جعفر علیه السلام يقول : ان الله تبارک و تعالى اشد

فرحا بتوبه عبده من رجل اضل راحلته و زاده فى ليله ظلماً فوجده ها فالله اشد فرحا بتوبه  
عبده من ذلك الرجل براحلته حين وجدها.

ترجمه:

- 797 عن ابی عبیده گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا شادمانی خداوند  
تبارک و تعالی به سبب توبه بنده اش بسیار بیشتر از شادمانی کسی است که مرکب و  
توشه خود را در شبی تاریک گم کرده و سپس آن را یافته است پس خداوند به خاطر توبه بنده  
اش شادمانی اش از شادمانی چنین کسی در هنگام یافتن مرکب خود بیشتر است .

حدیث:

- 798 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل يفرح بتوبه عبده المؤمن اذا تاب كما  
يفرح احدكم بضالته اذا وجدها.

ترجمه:

- 799 امام صادق علیه السلام فرمود: راستی که خداوند عزوجل به خاطر توبه بنده مومنش  
شادمان می شود همانند شادمانی یکی از شما زماین که گمشده خود را می یابد .

حدیث:

- 799 عن جابر عن ابی جعفر علیه السلام قال : سمعته يقول : التائب من الذنب كمن لا ذنب  
له و المقيم على الذنب و هو مستغفر منه كالمستهزى.

ترجمه:

- 799 جابر گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: آن کس که از گناه توبه کند مانند  
کسی است که گناهی ندارد و آن کس که استغفار می کند ولی بر گناه خویش را پا  
برجاست مانند کسی که مسخره کننده است (خویش را به مسخره و ریشخند گرفته است  
).

حدیث:

- 800 عن ابی بصیر عن ابی عبدالله علیه السلام قال : سمعته يقول : او حى الله الى داود  
النبي علیه السلام يا داود! ان عبدي المؤمن اذا اذنب ذنبها ثم رجع و تاب من ذلك الذنب و  
استحیا منی عند ذکره غفرت له و انسیته الحفظه و ابدلته الحسنة و لا ابالی و انا ارحم  
الراحمین.

ترجمه:

- 800 ابی بصیر گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: خداوند به داود پیامبر  
علیه السلام وحی فرستاد که : ای داود! همانا بنده مومن من هرگاه مرتكب گناهی شود  
سپس باز گردد و از آن گناه توبه کند و هر وقت به یاد آن گناه می افتد از من شرم کند، او را  
می بخشایم و فرشتگان نگاهبان او را به فراموشی می اندازم و آن گناهیش را به حسنہ و  
نیکی بدل می کند و (از این کار) باکی ندارم و من مهریان ترین مهریاننم .

حدیث:

- 801قال امیرالمؤمنین علیه السلام : من تاب تاب اللہ علیہ و امرت جوارحہ ان تستر علیہ و بقاع الارض ان تکتم علیہ و نسیت الحفظہ ما کانت کتبت علیہ.

ترجمہ:

- 801امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی کہ توبہ کند خداوند توبہ اش را می پذیرد و به اعضا بدنیش دستور داده می شود کہ بر گناہ او پرده ای بکشید و به جای جای زمین فرمان داده می شود کہ بر گناہ او سرپوش بگذارید و فرشتگان نگاهبان او آنچہ را کہ بر علیہ او نوشتہ اند فراموش می کنند .

حدیث:

- 802عن جعفر بن محمد علیه السلام عن ابیه عن آبائے علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ : ان اللہ فضولا من رزقه ینحله من شاء من خلقه و اللہ باسط یدہ عند کل فجر لمذنب للیل هل یتوب فیغفرله ؟ و یبسط یدہ عند مغیب الشمس لمذنب النهار هل یتوب فیغفرله ؟

ترجمہ:

- 802امام صادق علیه السلام از پدران خویش روایت فرمود که : رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ فرموده است : به راستی کہ برای خداوند از روزی اش (که به مردمان می بخشد) زیادتی و فروتنی وجود دارد که آن زیادتی را به هر کس از مخلوقش که بخواهد عطا می کند و خداوند هر سپیده دم دست خود را برای کسی که در شبانگاه مرتکب گناهی شده می گشاید (که ببیند) آیا توبه کرده است تا او را ببخشاید؟ و هنگام غروب آفتاب نیز برای کسی که در روز گناهی انجام داده است دست خود را می گشاید (که ببیند) آیا توبه نموده است تا او را ببخشاید؟

حدیث:

- 803عن ابی عبداللہ علیه السلام فی قول اللہ عزوجل : (ثم تاب عليهم ) قال : هی الاقاله.

ترجمہ:

- 803امام صادق علیه السلام دربارہ گفتار خداوند که می فرماید) (سپس توبه آنان را پذیرفت <sup>(164)</sup> ( فرمود: این توبه (از جانب خداوند به معنای) پذیرفت توبه است .

حدیث:

- 804عن الرضا علیه السلام عن آبائے علیه السلام قال : قال رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ : مثل المؤمن عند اللہ تعالیٰ کمثل ملک مقرب و ان المؤمن عند اللہ لاعظم من ذلك و ليس شیء احب الى اللہ تعالیٰ من مومن تائب و مومنه تائیه.

ترجمہ:

- 804امام رضا علیه السلام از پدر بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی اللہ علیہ و

آله فرموده است : مثل مومن در نزد خداوند تعالی همانند فرشته مقرب است و مومن در پیشگاه خداوند از فرشته مقرب نیز بزرگتر و برتر است و هیچ چیز در نزد خداوند تعالی از مرد و زن با ایمانی که توبه کننده باشد محبوبتر نیست .

حدیث:

- 805 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : التائب من الذنب كمن لاذنب له .

ترجمه:

- 805 امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : آن کس که از گناه توبه کند همانند کسی است که گناهی نکرده است .

حدیث:

- 806 قال ابو عبدالله عليه السلام : لاخير في الذنب الا لرجلين رجل يزداد في كل يوم احسانا و رجل يتدارك ذنبه بالتوبه و انى له بالتوبه ؟ و الله لو سجد حتى ينقطع عنقه ما قبل الله منه الا بولايتنا اهل البيت .

ترجمه:

- 806 امام صادق عليه السلام فرمود: هیچ خیری در دنیا نیست مگر برای دو مرد: یکی مردی که هر روز بر نیکوکاری اش بیفزاید و دیگری مردی که گناه خویش را با توبه نمودن جبران کند، و او کجا و توبه کجا؟ به خدا سوگند اگر به قدری سجده کند که گردنش قطع شود خداوند از او نمی پذیرد مگر به سبب ولایت ما اهل بیت .

حدیث:

- 807 عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام قال : قال رسول الله صلى الله عليه و آله : اعترفوا بنعم الله ربكم و توبوا الى الله من جميع ذنوبكم فان الله يحب الشاكرين من عباده .

ترجمه:

- 807 امام رضا عليه السلام از پدرانش عليه السلام روایت فرمود که : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : به نعمتهای خداوند که پروردگار شماست اعتراف و اقرار کنید و از همه گناهاتتان به درگاه خداوند توبه آورید زیرا خداوند بندگان شکر گزار خود را دوست می دارد .

- 87 باب وجوب اخلاص التوبه و شروطها

- 87 باب وجوب خالص بودن توبه و شرایط آن

حدیث:

- 808 عن محمد بن احمد بن هلال قال : سالت ابا الحسن الاخیر عليه السلام عن التوبه النصوح ما هي ؟ فكتب عليه السلام : ان يكون الباطن كالظاهر و افضل من ذلك.

ترجمه:

- 808 عن محمد بن احمد بن هلال گوید: از امام هادی علیه السلام پرسیدم که : توبه نصوح (خالص) چیست ؟ حضرت در پاسخ من نوشت : اینکه باطن و دورن) در مقام توبه ) همانند ظاهر باشد و بلکه باطن از ظاهر برتر باشد .

حدیث:

- 809 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : التوبه النصوح ان يكون باطن الرجل كظاهره و افضل .  
ترجمه:

- 809 امام صادق علیه السلام فرمود: توبه پاک و خالص آن است که باطن مرد (در مقام توبه ) همانند ظاهرش و برتر از ظاهرش باشد.

حدیث:

- 810 قال الصدق : و قد روى ان التوبه النصوح هو ان يتوب الرجل من ذنب و ينوي ان لا يعود اليه ابدا.

ترجمه:

- 810 شیخ صدوق ره ( گوید: روایت شده است که : توبه خالص آن است که مرد از گناهی توبه کند و قصد کند که دیگر هرگز به سوی آن گناه باز نگردد .

حدیث:

- 811 عن امیرالمؤمنین علیه السلام : ان قائلا قال بحضرته : استغفارالله فقال : ثكلتك امك اتدرى ما الاستغفار؟ الاستغفار درجه العليين و هو اسم واقع على سته معان اولها الندم على ما مضى و الثاني العزم على ترك العود اليه ابدا و الثالث ان تودى الى المخلوقين حقوقهم حتى تلقى الله عزوجل املس ليس عليك تبعه و الرابع ان تعمد الى كل فريضه عليك ضيعها فتودى حقها و الخامس ان تعمد الى اللحم الذي نبت على السحت فتدبيه بالاحزان حتى يلصق الجلد بالعظم و ينشأ بينهما لحم جديد و السادس ان تذيق الجسم الم الطاعه كما اذقته حلاوه المعصيه فعند ذلك تقول : استغفر الله.

ترجمه:

- 811 از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت شده است که کسی در حضور ایشان گفت : استغفر الله . حضرت فرمود: مادرت به عزایت بنشیند آیا می دانی استغفار چیست ؟ استغفار مرتبه برتران است و آن اسمی است که بر شیش معنا ثابت گردیده است:  
اول : پشیمانی بر آنچه که گذشته است

دوم : عزم و قصد جزئی نمودن بر اینکه هرگز به سوی گناه باز نگردد  
سوم : اینکه حقوق مردم را (که در اثر گناه تو ضایع گردیده است ) به آنان باز گردانی تا اینکه خداوند عزوجل را (با رویی ) تابناک دیدار کنی و بر گردن تو گناهی نیاشد.  
چهارم : اینکه به سوی هر امر واجبی که بر گردن تو بوده و آن را ضایع ساخته ای مصمم شوی و حق آن را به جا آوری

پنجم : اینکه تصمیم حدی بگیری که آن گوشتی را که بر اساس حرام بر بدن تو روییده است با حزن و اندوه بگدازی تا آنجا که پوست به استخوان بچسبد و بین آن دو، گوشتی جدید بروید.

ششم : اینکه بر بدن خود سختی طاعت و بندگی را بچشانی همانگونه که شیرینی معصیت را به او چشانده بودی ، پس در این هنگام است که می توانی بگویی : استغفر الله (مرتبه برتر استغفار پس از طی این مراحل است . )

حدیث:

- 812 عن کمیل بن زیاد انه قال لاميرالمؤمنين عليه السلام : العبد يصيّب الذنب فيستغفر الله فقال : يا ابن زیاد التوبه قلت : ليس قال : لا قلت : كيف ؟ قال : ان العبد اذا اصاب ذنبها قال : استغفر الله بالتحريك قلت : و ما التحریک ؟ قال : الشفتان و اللسان يريد ان تبیع ذلك بالحقيقة قلت : و ما الحقيقة ؟ قال : تصدق القلب و اضمار ان لا يعود الى الذنب الذي استغفر منه قلت ، فاذا فعلت ذلك فانا من المستغفرين ؟ قال : لا لانك لم تبلغ الى الاصل بعد قلت : فاصل الاستغفار ما هو ؟ قال : الرجوع الى التوبه عن الذنب الذي استغفرت منه و هي اول درجه العابدين و ترك الذنب و الاستغفار اسم واقع لسته معان ثم ذكر الحديث نحوه.

ترجمه:

- 812 کمیل بن زیاد گوید به امیرالمؤمنین علیه السلام عرض کردم : بنده مرتكب گناه می شود پس استغفار نموده و از خداوند طلب بخشایش می کند. حضرت فرمود: ای ابن زیاد! آیا مراد تو، توبه است ؟ عرض کردم : آیا همین استغفار توبه نیست ؟ حضرت فرمود: خیر، عرض کردم : چگونه ؟ فرمود: همانا بنده هرگاه مرتكب گناهی بشود با تحريك بگوید: استغفر الله. عرض کردم ، تحريك چیست ؟ فرمود: یعنی دو لب و زبان حقیقتا اراده پیروی از استغفار را داشته باشند. عرض کردم : حقیقتا یعنی چه ؟ فرمود: یعنی قلب استغفار را تصدق کند و در نهان خود بازنگشتن به آن گناهی را که از آن استغفار نموده است را داشته باشد. عرض کردم : آیا اگر من چنین که فرمودید کنم از مستغفرين خواهم بود؟ فرمود: خیر، زیرا هنوز به اصل و ریشه استغفار نرسیده ای . عرض کردم : اصل استغفار چیست ؟ فرمود: یکی مراجعة کردن به سوی توبه نمودن از گناهی که از آن استغفار نموده ای و این اولین درجه و رتبه عبادت کنندگان ( است ، و دیگری ترك نمودن گناه ، و استغفار اسمی است که برای شش معنا ثابت گردیده است سپس حضرت حدیث گذشته را فرمود .

- 88 باب استحباب صوم الاربعاء والخميس والجمعه للتوبه و استحباب الغسل و الصلاه لها  
- 88 باب استحباب روزه گرفتن روز چهارشنبه و پنج شنبه و جمعه و همچنین استحباب غسل و نماز برای توبه

حدیث:

- 813 عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قول الله عزوجل) : توبوا الى الله توبه نصوحه) قال :

هو صوم يوم الاربعاء والخميس والجمعة.

ترجمه:

- 813 امام صادق عليه السلام درباره گفتار خداوند عزوجل می فرماید) : به سوی خداوند توبه آورید) باز گردید) توبه ای (بازگشتنی ) خالص <sup>(165)</sup>

حديث:

- 814 عن اميرالمؤمنين عليه السلام انه قال : ما اهمنى ذنب امهلت بعده حتى اصلى ركعتين.

ترجمه:

- 814 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: گناهی که پس از آن ، مهلت به جا آوردن دو رکعت نماز به من داده شود مرا اندوهگین و بی آرام نمی سازد.

حديث:

- 815 و قال عليه السلام : ما من عبد اذنب ذنبها فقام فتطهر و صلی ركعتين و استغفر الله الا غفر له و كان حقا على الله ان يقبله لانه سبحانه قال) : و من يعمل سوءا او يظلم نفسه ثم يستغفر الله يجد الله غفورا رحيمـا).

ترجمه:

- 815 اميرالمؤمنين عليه السلام فرمود: هیچ بنده ای نیست که مرتكب گناهی شود پس برخیزد و طهارت گیرد و دو رکعت نماز به جای آورد و از خداوند طلب مغفرت کند جز اینکه مغفرت الهی شامل حالت می شود و بر خداوند سزاوار است که استغفار او را بپذیرد زیرا خدای سبحان فرموده است) : و هر کس کار بدی به جای آورد یا به خویشتن ستم کند سپس از خداوند طلب مغفرت کند خداوند را آمرزنده و مهربان می یابد<sup>(166)</sup>)

- 816باب جواز تجديد التوبه و صحتها مع الاتيان بشرائطها و ان تكرر نقضها

- 816باب جواز دوباره توبه کردن و صحت این توبه در صورتی که شرایط آن را به جای آورد اگر چه شکستن آن توبه تكرار گردد

حديث:

- 816 عن ابی جعفر عليه السلام قال : يا محمد بن مسلم ذنوب المؤمن اذا تاب منها مغفورة له فليعمل المؤمن لما يستانف بعد التوبه و المغفره اما و الله انها ليست الا لاهل الايمان قلت : فان عاد بعد التوبه والاستغفار من الذنوب و عاد في التوبه قال يا محمد بن مسلم اترى العبد المؤمن يندم على ذنبه و يستغفر منه و يتوب ثم لا يقبل الله توبته ؟ قلت : فانه فعل ذلك مراراً يذنب ثم يتوب و يستغفر فقال : كلما عاد المؤمن بالاستغفار والتوبه عاد الله عليه بالمغفره و ان الله غفور رحيم يقبل التوبه و يعفو عن السيئات فاياك ان تقنط المؤمنين من رحمه الله.

ترجمه:

- 816 امام باقر عليه السلام به محمد بن مسلم فرمود: ای محمد بن مسلم ! گناهان مومن

هرگاه از آنها توبه کند آمرزیده می شود، پس مومن باید برای آنچه که بعد از توبه و مغفرت آغاز می کند عمل کند. همان ، به خدا سوگند که توبه جز برای اهل ایمان نیست . محمد بن مسلم گوید: عرض کردم : پس اگر بعد از توبه و استغفار از گناهان ، دوباره به گناه باز گردد و دوباره توبه کند چگونه است ؟ فرمود: ای محمد بن مسلم ! آیا تو می پنداری بندۀ مومنی که بر گناهش پشمیمان می گردد و از آن استغفار و توبه می کند خداوند توبه اش را نمی پذیرد؟ عرض کردم : آخر او این کار را بارها انجام داده است گناه می کند سپس توبه و استغفار می کند. حضرت فرمود: تا زمانی که مومن با استغفار و توبه به سوی خداوند باز می گردد خداوند نیز با مغفرتش به سوی او می آید و راستی که خداوند آمرزنده مهربان است ، توبه را می پذیرد و از گناهان در می گذرد پس بر حذر باش از اینکه مومنین را از رحمت خداوند مایوس کنی .

حدیث:

- 817 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان الله يحب العبد المفتون التواب و من لا يكون ذلك منه كان افضل.

ترجمه:

- 817 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که خداوند بندۀ ای که بوسیله گناه آزموده و آزمایش شده سپس توبه نموده است را دوست می دارد و بندۀ ای که اصلاً به گرد گناه نگشته از بندۀ ای که گناه کرده و توبه نموده برتر است .

حدیث:

- 818 قال ابو عبدالله علیه السلام : ما من مومن الا وله ذنب یهجره زمانا ثم یلم به و ذلك قول الله عزوجل (الا للهم ) و سالته عن قول الله عزوجل : (الذين یجتنبون کبائر الاثم و الفواحش الا للهم ) قال : الفواحش الزنا و السرقة و اللهم الرجل یلم بالذنب فیستغفر الله منه.

ترجمه:

- 818 امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ مومنی نیست جز اینکه برای وی گناهی است که مدتی از آن گناه بریده و از آن دوری نموده سپس آن را دوباره انجام می دهد و این همان است که در گفتار خدای عزوجل از آن به) لمم) ( گناه کوچک نسبت به گناه بزرگ ) تعبیر شده است . روای گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه شریفه پرسیدم که می فرماید): آنان که از گناهان بزرگ و زشتی ها دوری می کنند مگر از لم گناهان کوچکی که پیش می آید<sup>(167)</sup> (حضرت فرمود: مراد از فواحش و زشتی ها، زنا نمودن و دزدی است و لم آن است که کسی مرتکب گناهی (که در مسیر او قرار گرفته) شود پس از آن از خداوند طلب بخشایش کند .

حدیث:

- 819 عن ابی بصیر، عن ابی عبدالله علیه السلام : فی قوله تعالى (توبوا الى الله توبه

نصوحا) قال : هو الذنب الذى لا يعود فيه ابدا قلت : و اينا لم يتلب و يعد؟ فقال : يا ابا محمد ان الله يحب من عباده المفتون التواب.

ترجمه:

- 819 ابو بصير گويد: امام صادق عليه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید) : به سوی خداوند توبه کنید توبه ای خالصانه<sup>(168)</sup> ( فرمود: توبه نصوح و خالصانه آن است که شخص هرگز دوباره به گناهی که مرتكب شده است باز نگردد. عرض کردم : کدامیک از ما توبه نمی کند و (به گناه) باز نمی گردد؟ حضرت فرمود: ای ابا محمد! راستی که خداوند از بندگانش آن کسی که به گناه دچار شده و توبه نموده است را دوست می دارد .

حدیث:

- 820 الحسن بن محمد дیلمی فی (الارشاد) قال كان رسول الله صلى الله عليه و آله يستغفر الله في كل يوم سبعين مره يقول استغفر الله ربى و اتوب اليه و كذلك اهل بيته عليه السلام و صالح اصحابه يقول الله تعالى (و استغفوا ربكم ثم توبوا اليه ) قال : و قال رجل : يا رسول الله انى اذنب فما اقول اذا تبت ؟ قال : استغفر الله فقال : انى اتوب ثم اعود فقال : كلما اذنبت استغفر الله فقال : اذن تکثر ذنوبی فقال : عفو الله اکثر فلا تزال تتوب حتى يكون الشيطان هو المدحور.

ترجمه:

- 820 حسن بن محمد دیلمی در کتاب (گوید: رسول خدا - در هر روز هفتاد مرتبه به درگاه خداوند استغفار می نمود و می گفت) : استغفر الله ربى و اتوب اليه ( همچنین اهل بیت او علیه السلام و اصحاب شایسته اش چنین سیره ای داشتند، خداوند تعالی می فرماید) : از پروردگارتان طلب مغفرت کنید سپس به سوی او توبه آورید -<sup>(169)</sup> (راوی گوید: - مردی به رسول خدا صلی الله علیه و آله عرض کرد: ای رسول خدا! من مرتكب گناه می شوم هنگامی که توبه می کنم چه بگویم؟ حضرت فرمود: به درگاه خداوند استغفار کن . عرض کرد: توبه می کنم و سپس دوباره به گناه باز می گردم) در این حال چه بگویم؟) فرمود: هر زمان مرتكب گناه شدی از خداوند طلب مغفرت و بخشايش کن . عرض کرد: بنابراین گناهان من زیاد می شود. حضرت فرمود: عفو و بخشايش خداوند زیادتر و بیشتر است پس پیوسته توبه می کنی تا اینکه شیطان تار و مار و رانده می گردد .

- 890 باب استحباب تذکر الذنب و الاستغفار منه کلمما ذكره

- 890 باب استحباب يادآوری گناه و استغفار نمودن از آن هر گاه آن را به ياد آورد

حدیث:

- 821 عن ابی عبدالله فی حدیث قال : ان المؤمن ليذکر ذنبه بعد عشرين سنہ حتی يستغفر ربہ فيغفر له و ان الكافر لينساه من ساعته.

ترجمه:

- 821 امام صادق علیه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که شخص مومن گناه خود را پس از بیست سال به یاد می آورد تا به درگاه پروردگارش استغفار کند پس پروردگار او را مشمول غفران خود قرار می دهد ولی شخص کافر گناهش در همان دم که مرتکب آن می شود فراموشی می گردد.

حدیث:

- 822 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : ان المومن لیذنب الذنب فيذکر بعد عشرين سنہ فیستغفر منه فیغفرله و انما یذكره لیغفر له و ان الکافر لیذنب الذنب فینساه من ساعته.

ترجمه:

- 822 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی که مومن گناهی می کند پس بعد از بیست سال آن را به یاد می آورد و از آن استغفار می کند و مورد آمرزش و بخشایش قرار می گیرد و این یاد آوری اش برای این است که مشمول غفران واقع شود و کافر در همان ساعتی که گناه می کند آن را به فراموشی می سپارد.

حدیث:

- 823 قال ابو عبداللہ علیه السلام : ان الله اذا اراد بعد خيرا فاذنب ذنبا اتبעה بنقمه و یذكره الاستغفار، (الحدیث).

ترجمه:

- 823 امام صادق علیه السلام فرمود: به راستی هرگاه که خداوند خیر بنده ای را اراده کند و آن بنده مرتکب گناهی گردد پیرو آن گناه خداوند او را عقوبتی می کند و انتقامی از او می کشد و استغفار را به یاد او می آورد.

حدیث:

- 824 قال ابوعبداللہ علیه السلام عن الاستدرج فقال : هو العبد يذنب الذنب فيملئ له و يجدد له عندها النعم فيلهيه عن الاستغفار فهو مستدرج من حيث لا يعلم.

ترجمه:

- 824 از امام صادق علیه السلام درباره استدرج<sup>(170)</sup> (پرسیده شد (که چیست؟) حضرت فرمود: استدرج آن است که بنده گناهی کند پس به او مهلت داده شود و همزمان با ارتکاب گناه به او نعمت های جدیدی عطا شود و از استغفار باز ماند و سرگرم شود چنین کسی از جایی که نمی داند اندک به شقاوت نزدیک گشته است.

- 91 باب استحباب انتهاز فرص الخير و المبادره به عند الامكان

- 91 باب استحباب غنیمت شمردن فرصتهای خیر و اینکه در صورت امکان از فرصتهای خیر استفاده شود

حدیث:

- 825 عن جعفر بن محمد علیه السلام عن آبائه علیه السلام فی وصیه النبی صلی اللہ علیه

و آله لعلی علیه السلام قال : يا علی بادر باربع قبل اربع : شبابک قبل هر مک و صحتک قبل سقمهک و غناک قبل فقرک و حیاتک قبل موتك.

ترجمه:

- 825 امام صادق علیه السلام از پدرانش : روایت فرمود که : در وصیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - به علی علیه السلام - آمده است : ای علی ! پیش از چهار چیز به چهار چیز مبادرت کن : جوانیت را پیش از پیر شدن دریاب و سلامت را پیش از بیماریت غنیمت شمر و از ثروتمندیت قبل از اینکه فقیر شوی استفاده خیر کن و پیش از مردنت زندگی اتن را غنیمت دان .

حیث:

- 826 عن موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام عن آبائه علیه السلام عن علی علیه السلام فی قول الله عزوجل و لاتنس نصیبک من الدنیا قال : لاتنس صحتک و قوتک و فراغک و شبابک و نشاطک ان تطلب بها الآخره .

ترجمه:

- 826 موسی بن اسماعیل بن موسی بن جعفر علیه السلام از پدران بزرگوارش : روایت فرمود که : علی علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید ) و نصیب و بهره ات را از دنیا فراموش مکن ( <sup>(171)</sup> فرمود: فراموش مکن که از سلامتی و توانایی و بیکاری و جوانی و نشاطی که داری برای طلب آخرت بهره ببری .

حیث:

- 827 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : قرنت الهیبه لاخیه و الحیاء بالحرمان و الفرصة تمر مرت السحاب فانتهزوا فرص الخیر .

ترجمه:

- 827 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ترس با نامرادی و به مقصد نرسیدن مقرون است و حیا با محرومیت همراه است و فرصت مانند ابر گذرنده می گذرد پس فرصت‌های نیکو را غنیمت شمرید .

حیث:

- 828 و قال علیه السلام : اضعه الفرصة غصه .

ترجمه:

- 828 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر باد دادن و تلف کردن فرصت (موجب) غصه و اندوه است .

حیث:

- 829 و قال علیه السلام : من الخرق المعاجله قبل الامکان و الاناه بعد الفرصة .

ترجمه:

- 829 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: شتاب کردن (در کاری) (پیش از (به دست آوردن) توانایی، و بردباری (سستی کردن) بعد از (به دست آوردن) فرصت (این هر دو) از نادانی است.

- 92 باب استحباب تکرار التوبه و الاستغفار کل یوم و لیله من غیر ذنب و وجوبه مع الذنب

- 92 باب استحباب تکرار توبه و استغفار در هر روز و شب بدون اینکه گناهی صورت گرفته باشد و وجوب توبه و استغفار در صورتی که گناهی انجام شده باشد

حدیث:

- 830 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : کان رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ : یتوب الی اللہ عزوجل فی کل یوم سبعین مرہ قلت : اکان یقول : استغفر اللہ و اتوب الیه ؟ قال لا و لکن کان یقول : اتوب الی اللہ قلت : ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ کان یتوب و لا یعود و نحن نتوب و نعود. فقال : اللہ المستعان.

ترجمه:

- 830 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا - چنین بود که در هر روز به درگاه خدای عزوجل هفتاد مرتبه توبه می نمود - راوی گوید: عرض کردم : آیا رسول خدا می گفت : (استغفر اللہ و اتوب الیه) ؟ فرمود: خیر، بلکه می گفت) : اتوب الی اللہ (عرض کردم : همانا رسول خدا صلی اللہ علیہ و آلہ توبه می نمود و بازگشت نمی کرد (همواره در حال تکامل و تعالی بود) ولی ما توبه می کنیم و (دوباره به حالت گذشته) باز می گردیم . حضرت فرمود: خداوند یاری کننده است (و در این راه باید از او یاری جست).

حدیث:

- 831 و عن عده من اصحابنا رفعوه قالوا: قال : لكل داء دواء و دواء الذنوب الاستغفار.

ترجمه:

- 831 عده ای از اصحاب ما این سخن را به معصوم علیه السلام نسبت داده اند که فرمود: برای هر دردی دوایی است و دوای گناهان استغفار کردن است.

حدیث:

- 832 قال ابو عبداللہ علیه السلام : من قال : استغفر اللہ مائیه مرہ فی یوم غفر اللہ له سبعمائیه ذنب و لا خیر فی عبد یذنب فی یوم سبعمائیه ذنب.

ترجمه:

- 832 امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس که در هر روز صد مرتبه) استغفر اللہ ( بگوید خداوند هفتصد گناه او را می آمرزد و بنده ای که در روز مرتكب هفتصد گناه شود خیری در او نیست.

حدیث:

- 833 عن ابی عبداللہ علیه السلام فی حدیث قال : ان رسول اللہ صلی اللہ علیہ و آلہ کان

یتوب الى الله كل يوم سبعين مره من غير ذنب.

ترجمه:

- 833 امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: به راستی که رسول خدا صلی الله علیه و آله در هر روز بدون اینکه گناهی داشته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می آورد .

حديث:

- 834 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : ان رسول الله صلی الله علیه و آله کان یتوب الى الله و یستغفره فی کل يوم و لیله مائه مره من غیر ذنب ان الله یحص اولیاء بالمصابیب لیوجرهم علیها من غیر ذنب.

ترجمه:

- 834 امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: همانا روش رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین بود که هر شبانيه روز بدون اینکه گناهی داشته باشد به سوی خداوند توبه و استغفار می کرد؛ به راستی که خداوند مصابیب و سختی ها را به اولیاء و دوستان خویش اختصاص دهد بدون اینکه گناهی نموده باشند تا به آنها به خاطر شکیبایی نمودشان بر دشواری ها پاداش دهد .

حديث:

- 835 عن ابی عبدالله علیه السلام فی حدیث قال : رسول الله صلی الله علیه و آله کان یتوب الى الله فی کل يوم سبعین مره من غیر ذنب.

ترجمه:

- 835 امام صادق عليه السلام در حدیثی فرمود: همانا رسول خدا صلی الله علیه و آله را سیره چنین بود که هر روز بدون اینکه گناهی از آن حضرت صورت گرفته باشد هفتاد مرتبه به درگاه الهی توبه می نمود .

حديث:

- 836 قال ابو جعفر علیه السلام : انه كان يقال : من احب عباد الله الى الله المحسن التواب.

ترجمه:

- 836 امام باقر علیه السلام فرمود: یکی از محبوبترین بندگان خدا در نزد خداوند کسی است که نیکوکار و بسیار توبه کننده باشد.

حديث:

- 837 و عن ابراهیم بن ابی البلاط قال : قال لی ابوالحسن علیه السلام : انى استغفر الله فی کل يوم خمسه الاف مره ثم قال لی : خمسه الاف كثير.

ترجمه:

- 837 ابراهیم بن ابی البلاط گوید: امام رضا علیه السلام به من فرمود: همانا من در هر روز پنج هزار مرتبه از خداوند طلب مغفرت می کنم - سپس به من فرمودند: پنج هزار زیاد است

- 93 باب صحة التوبه فى آخر العمر و لو عند بلوغ النفس الخلقوم قبل المعاينه و كذا الاسلام
- 93 باب صحيح بودن توبه در پایان عمر اگر چه هنگامی باشد که جان به گلو رسیده باشد  
پیش از اینکه مرگ را به چشم ببیند و همچنین است اسلام آوردن
- حدیث:

- 838 عن ابی عبداللہ علیه السلام او عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث : ان الله عزوجل  
قال لادم علیه السلام : جعلت لك ان من عمل من ذريتك سینه ثم استغفر غفرت له قال : يا  
رب زدنی قال : جعلت لهم التوبه او بسطت لهم التوبه حتى تبلغ النفس هذه قال : يا رب  
حسبي.

ترجمه:

- 838 از امام صادق علیه السلام یا از امام باقر علیه السلام در حدیثی آمده است : همانا  
خداؤند عزوچل به حضرت آدم علیه السلام فرمود: این مزیت را برای تو قرار دادم که هر کس از  
فرزندانت مرتكب گناهی شود سپس استغفار کند او را می بخسایم . حضرت آدم علیه  
السلام عرض کرد: ای پروردگار من مرا بیش از این ده . خداوند فرمود: برای فرزندانت توبه را  
قرار دادم یا برای آنان باب توبه را گشودم و گستراندم تا آن هنگام که جان به گلوبیشان رسد.  
حضرت عرض کرد: ای پروردگار من مرا بس است .

حدیث:

- 839 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اذا بلغت النفس هذه و اهوى بيده الى حلقة لم يكن  
للعالم توبه و كانت للجاهل توبه.

ترجمه:

- 839 امام باقر علیه السلام فرمود: آنگاه که جان به اینجا برسد - و دست مبارکش را به  
سوی حلق خود کشید - توبه شخص عالم پذیرفته نیست ولی توبه جاہل پذیرفته می شود.

حدیث:

- 840 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من تاب قبل  
موته بسنہ قبل الله توبته ثم قال : ان السنہ لکثیر من تاب قبل موته بشهر قبل الله توبته ثم  
قال : ان الشہر لکثیر ثم قال : من تاب قبل موته بجمعہ قبل الله توبته ثم قال : و ان الجمعة  
لکثیر من تاب قبل موته بیوم قبل الله توبته ثم قال : ان یوما لکثیر من تاب قبل ان یعاین قبل الله  
توبته.

ترجمه:

- 840 امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که یک  
سال به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک سال زیاد  
است؛ هر کس یک ماه به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس

فرمود: یک ماه زیاد است؛ کسی که یک جمعه به مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می‌پذیرد، سپس فرمود: یک جمعه زیاد است؛ کسی که یک روز پیش از مردنیش توبه کند خداوند توبه اش را می‌پذیرد، سپس فرمود: به راستی که یک روز هم زیاد است؛ کسی که پیش از آنکه مرگ را به چشم خود ببیند توبه کند خداوند توبه اش را می‌پذیرد.

حدیث:

- 841 عن معاویه بن وهب فی حدیث ان رجلا شیخا کان من المخالفین عرض عليه ابن اخيه الولایه عند موته فاقربها و شهق و مات قال : فدخلنا على ابى عبداللہ عليه السلام فعرض على بن السرى هذا الكلام على ابى عبداللہ عليه السلام فقال : هو رجل من اهل الجنہ قال له على بن السرى : انه لم يعرف شيئا من هذا غير ساعته تلك قال : فتریدون منه ماذا؟ قد والله دخل الجنہ.

ترجمه:

- 841 معاویه بن وهب در حدیثی روایت کند که : بر پیرمردی از مخالفین در هنگام مرگش توسط پسر برادرش ولایت ائمه عليه السلام عرض شد و آن پیرمرد به ولایت معصومین عليه السلام اقرار نموده و نعره ای بر کشید و جان داد - راوی گوید: - پس از آن ما بر امام صادق عليه السلام وارد شدیم و علی بن سری این قضیه را به حضرت عرضه داشت . حضرت فرمود: آن پیرمرد مردی از اهل بھشت است . علی بن سری عرض کرد: او که چیزی از ولایت شما را جز همان ساعت مردنیش در نیافته بود (چگونه او از اهل بھشت است؟) حضرت فرمود: شما از او چه می خواهید؟ به خدا سوگند که او وارد بھشت شد .

حدیث:

- 842 عن ابی عبداللہ عليه السلام قال : لما اعطی اللہ ابليس ما اعطاه من القوه قال آدم : يا رب سلطنت ابليس على ولدى و اجريته منهم مجری الدم في العروق و اعطيته ما اعطيته فما لى و لولدى ؟ قال : لك و لولدك السئيه بواحده و الحسنه بعشر امثالها قال : يا رب زدني قال : التوبه مبسوطه الى ان تبلغ النفس الحلقوم قال : يا رب زدني قال : اغفر و لا بالى قال : حسبي.

ترجمه:

- 842 امام صادق عليه السلام فرمود: زمانی که خداوند به ابليس آن قدرت را (قدرت اغواگری و فریب مردم را) بخشید حضرت آدم عليه السلام عرض کرد: ای پروردگار من! ابليس را بر فرزندان من مسلط نمودی و همانند خون که در رگها جریان دارد او را با آنان همراه ساختی و به او آن نیروی آنچنانی را بخشیدی پس برای من و فرزندانم چه گزارده ای؟ خداوند فرمود: برای تو و فرزندانت مقرر ساخته ام که یک گناهانتان یک عقوبت داشته باشد ولی یک نیکی شما ده برابر پاداش داده شود. عرض کرد: ای پروردگار من! مرا بیش از این ده . فرمود: (باب توبه را برای شما تا زمانی که جان به گلویتان برسد گسترانده و گشوده ام . عرض کرد: ای

پروردگار! مرا بیش از این ده . فرمود: می بخشم و مرا باکی نیست . عرض کرد: مرا بس است .

حدیث:

- 843 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : من تاب قبل موتہ بسنہ تاب الله علیه ثم قال : و ان شهرا لکثیر من تاب قبل موتہ ساعه تاب الله علیه ثم قال : و ان ساعه لکثیر من تاب و قد بلغت نفسہ هاهنا و اشار بیده الى حلقة تاب الله علیه.

ترجمه:

- 843 امام محمد باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است : کسی که یک سال پیش از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: همانا یک سال زیاد است؛ کسی که یک ماه به مرگش مانده توبه کند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک ماه هم زیاد است؛ کسی که یک روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک روز هم زیاد است؛ کسی که ساعتی پیش از مرگش توبه کند توبه اش پذیرفته می گردد، سپس فرمود: یک ساعت هم زیاد است؛ کسی که توبه کند در حالی که جانش به اینجا رسیده باشد و با دست مبارکش به گلویش اشاره فرمود: خداوند توبه اش را می پذیرد .

حدیث:

- 844 و سئل الصادق علیه السلام عن قول الله عزوجل (و ليست التوبه للذين يعلمون السیئات حتى اذا حضر احدهم الموت قال انى تبت الان ) قال علیه السلام : ذاك اذا عاين امر الآخره.

ترجمه:

- 844 از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل که می فرماید) (برای آن کسانی که گناهان را مرتکب می شوند تا آنجا که هنگامی که مرگ یکی از آنان فرا می رسد می گوید: اکنون توبه نمودم ، توبه ای در کار نیست - توبه آنان پذیرفته نیست<sup>(172)</sup> (.- پرسیده شد. حضرت فرمود: این پذیرفته نشدن توبه مربوط به آن هنگامی است که شخص امر آخرت را به چشم خود می بیند .

حدیث:

- 845 عن ابی جعفر علیه السلام فی حدیث ان رسول الله صلی الله علیه و آله دعا رجلا من اليهود و هو فی السیاق الی الاقرار بالشهادتين فاقربهما و مات فامر الصحابه ان یغسلوه و یکفنه ثم صلی علیه و قال : الحمد لله الذي انجى بی الوبیم نسمه من النار.

ترجمه:

- 845 امام باقر علیه السلام در حدیثی فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله مردی از یهود

را که در حال جان کند و احتضار بود به سوی اقرار به شهادتین (وحدانیت خدا و رسالت پیامبر) فرا خواند او نیز اقرار نمود و از دنیا رفت پس رسول خدا صلی الله علیه و آلہ صحابه اش را دستور داد او را غسل داده و کفن کنند سپس خود بر او نماز خوانده و فرمود: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که امروز به وسیله من موجودی را از آتش دوزخ رهایی بخشد .

حدیث:

- 846 عن ابراهیم بن محمد الهمدانی قال قلت لابی الحسن علی بن موسی الرضا علیه السلام : لای عله اغرق الله عزوجل فرعون و قد آمن به و اقر بتوحیده ؟ قال : لانه آمن عند رویه الباس و الایمان عند رویه الباس غیر مقبول و ذلك حکم الله تعالی ذکرہ فی السلف و الخلف قال الله تعالی : (فلما راوا باسنا قالوا آمنا بالله وحده و كفرنا بما كنا به مشرکین فلم يك ينفعهم ايمانهم لما راوا باسنا) و قال عزوجل : (يوم ياتی بعض آیات ربک لا ینفع نفسا ایمانها لم تک آمنت من قبل او کسبت فی ایمانها خیرا) (الحدیث)

ترجمه:

- 846 ابراهیم بن محمد همدانی گوید: به امام علی بن موسی الرضا علیه السلام عرض کردم : به چه علتی خداوند عزوجل فرعون را در دریا غرق کرد در حالی که او به خداوند ایمان آورد و به یگانگی او اقرار نمود؟ حضرت فرمود: زیرا او در هنگام دیدن عذاب الهی ایمان آورد و ایمان آوردن در وقت دیدن عذاب ، پذیرفته نمی شود و این حکم خداوندی است که ذکر او در میان گذشتگان و آیندگان بلند مرتبه است . خدای تعالی می فرماید) : پس آنگاه که عذاب ما را دیدند گفتند: ما به خداوند یگانه ایمان آوردیم و به آنچه پیش از این شرک می ورزیدیم کافر گشتم ، پس ایمان آنان به حالشان سودمند نبود چرا که آنان عذاب ما را به چشم دیدند (173) و خدای عزوجل می فرماید) : روزی که بعضی از نشانه های پروردگارت می آید در آن روز ایمان کسی که پیش از آن ایمان نداشته یا در ایمان خود خیری را کسب نکرده ، به او سودی نمی بخشد (174) .

حدیث:

- 847 عن محمد بن ابی عمیر قال : قلت لابی الحسن موسی بن جعفر علیه السلام : اخبرنی عن قول الله عزوجل لموسی علیه السلام (اذهبا الى فرعون انه طغى ) فقال عليه السلام اما قوله (فقولا له قولا لينا) الى ان قال : و قد علم الله ان فرعون لا يتذكر و لا يخشى الا عند رویه الباس الا تسمع الله يقول : (حتى اذا ادركه الغرق قال آمنت انه لا اله الا الذي آمنت به بنوا اسرائیل و انا من المسلمين ) فلم یقبل الله ایمانه و قال : (آلان و قد عصیت قبل و کنت من المفسدين).

ترجمه:

- 847 محمد بن ابی عمیر گوید: به امام موسی بن جعفر علیه السلام عرض کردم : مرا

درباره گفتار خدای عزوجل آگاه ساز که خطاب به موسی علیه السلام می فرماید) : ای موسی و ای هارون ! بربود به سوی فرعون که او طغیان و سرکشی نموده است<sup>(175)</sup> ( چرا با اینکه خداوند در آیه بعد توصیه می فرماید که با فرعون به نرمی سخن گویید اما سرانجام وی را در دریا غرق می سازد؟) حضرت پس از بیان و تفسیر آیه بعد فرمود : زیرا خداوند دانست که فرعون پند نمی پذیرد و خدا ترس نمی گردد مگر زمانی که عذاب الهی را به چشم خود ببیند آیا نشنیده ای که خداوند فرموده است ) : تا هنگامی که غرقه شدن او را فرا گرفت گفت : ایمان آوردم که هیچ معبدی جز آنکه بنی اسرائیل به او ایمان آورده اند نیست و من تسلیم اویم<sup>(176)</sup> ( پس خداوند ایمانش را نپذیرفت و فرمود ) : آیا اکنون ایمان می آوری در حالی که پیش از این عصیانگر و از فساد کنندگان بودی<sup>(177)</sup> (

**حدیث :**

- 848 عن رسول الله صلی الله عليه و آله فی حدیث قال : انی نازلت رب فی امتنی فقال لی ان باب التوبه مفتوح حتی ینفح فی الصور ثم اقبل علينا رسول الله صلی الله عليه و آله فقال : انه من تاب قبل موته بسنی تاب الله عليه ثم قال : و ان السنہ لکثیر من تاب قبل موته بشهر تاب الله عليه ثم قال : و شهر کثیر من تاب قبل موته بجمعه تاب الله عليه ثم قال : و جمعه کثیر من تاب قبل ان یموت بيوم تاب الله عليه ثم قال : و یوم کثیر من تاب قبل ان یموت بساعه تاب الله عليه ثم قال : و ساعه کثیره من تاب وقد بلغت نفسه هذه و اوما بیده الى حلقة تاب الله عليه .

**ترجمه :**

- 848 رسول خدا صلی الله عليه و آله فرمود: من درباره امت خود با پروردگارم رویا رو شدم ، پروردگار به من فرمود: همانا باب توبه تا زمانی که در صور دمیده شود باز گذاشته می شود - سپس بعد از سخن رسول خدا صلی الله عليه و آله بر ما رو آورد و فرمود: به راستی که کسی که یک سال پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک سال زیاد است ، کسی که یک ماه قبل از مردنش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود، یک ماه هم زیاد است ، هر کسی که یک جمعه از مرگش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: جمعه هم زیاد است ، کسی که سک روز پیش از مرگش توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: یک روز هم زیاد است ، کسی که ساعتی به مردنش مانده توبه کند خداوند توبه اش را می پذیرد، سپس فرمود: ساعت هم زیاد است ، کسی که توبه کند در حالی جان به گلویش رسیده باشد خداوند توبه اش را قبول می کند .

- 94 باب استحباب الاستغفار فی السحر

- 94 باب استحباب استغفار نمودن در وقت سحر

**حدیث :**

- 849 عن موسى بن جعفر عليه السلام عن أبيه عليه السلام عن على عليه السلام قال :  
ان الله عزوجل اذا اراد ان يصيب اهل الارض بعذاب قال : لو لا الذين يتحابون بجلالى و يعمرون  
مساجدى و يستغفرون بالاسحاق لانزلت عذابى.

ترجمه:

- 849 امام موسى بن جعفر عليه السلام از پدران بزرگوارش و ایشان از علی عليه السلام  
روایت فرمود که : به راستی که هرگاه خداوند عزوجل اراده می کند که به اهل زمین عذابی  
برساند می گوید: اگر آن کسانی که به خاطر جلالت و بزرگی من یکدیگر را دوست دارند و  
مسجد مرا آباد می کنند و در سحرگاهان به استغفار می پردازند نبودند عذاب خود را بر  
زمینیان فرو فرستادیم .

حدیث:

- 850 عن جعفر بن محمد عليه السلام قال : قال ابی علیه السلام قال امیرالمؤمنین علیه  
السلام قال رسول الله صلی الله علیه و آله : ان الله جل جلاله اذا رأى اهل قریه قد اسرفوا  
فی المعاصی و فيها ثلاثة نفر من المؤمنین ناداهم جل جلاله يا اهل معصیتی لو لا من فيکم  
من المؤمنین المتحابین بجلالی العامرين بصلاتهم ارضی و مساجدی و المستغفرين بالاسحاق  
خوفا منی لانزلت بكم عذابی ثم لا ابالی.

ترجمه:

- 850 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از علی عليه السلام روایت فرمود که  
رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند جل جلاله هرگاه ببیند که اهل قریه ای  
در انجام گناهان زیاده روی می کنند در حالی که در آن قریه سه نفر از مومنین وجود دارند به  
آن اهل زمین قریه خطاب می کند که : ای اهل نافرمانی من ! اگر در بین شما مومنین نبودند  
همان مومنینی که به خاطر جلال و بزرگی من یکدیگر را دوست دارند و به وسیله نمازشان  
زمین من و مساجد مرا آباد می کنند و از خوف من سحرگاهان به استغفار می پردازند، عذاب  
خود را بر شما نازل می ساختم سپس باکی ندارم (که چه می شود ).

حدیث:

- 851 و عن عبدالله بن جعفر عن أبيه مثله و زاد قال : و قال رسول الله صلی الله علیه و آله :  
من ساءته سیئته و سرتہ حسنة فھو مومن.

ترجمه:

- 851 روایتی دگیر شبیه به روایت گذشته از عبدالله بن جعفر روایت شده است با این اضافه  
که فرموده است : رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که رشتکاری اش او را بد  
حال کند و نیکو کاری اش او را شادمان سازد چنین کسی مومن است .

- 852 باب انه يجب على الانسان ان يتلافى في يومه ما فرط في امسكه ولا يوخر ذلك الى غده

- 853 باب اينكه بر انسان واجب است که در روز گذشته درباره آن کوتاهی

کرده است تلافی کند و این کار را به فردا موكول نکند

حدیث:

- 852 عن علی بن الحسین علیه السلام قال : كان امير المؤمنین علیه السلام يقول : انما الذهـر ثلاـته ايـام انت فيـما بـینـهـن مـضـی اـمـس بـما فيـه فلا يـرـجـع اـبـدا فـان كـنـت عملـت فيـه خـيـرا لم تـحـزـن لـذـهـابـه و فـرـحـت بـما استـقـبـلـتـه مـنـه و ان كـنـت فـرـطـت فيـه فـحـسـرـتـك شـدـیدـه لـذـهـابـه و تـفـرـيـطـك فيـه و اـنـت من غـدـ فـى غـرـه لاـتـدـرـى لـعـلـكـ لـاتـبـلـغـه و ان بلـغـتـه لـعـلـ حـظـكـ فيـه التـفـرـيـطـ مثلـ حـظـكـ فـى المـسـ الـى ان قال : و انـما هو يـوـمـكـ الـذـى اـصـبـحـتـ فـيـه و قد يـنـبغـى لـكـ ان عـقـلـتـ و فـكـرـتـ فيـما فـرـطـتـ فـى الـامـسـ المـاضـى مـاـ فـاتـكـ فـيـهـ منـ حـسـنـاتـ انـ لـاتـكـونـ اـكتـسـبـتـهاـ وـ منـ سـئـيـاتـ انـ لـاتـكـونـ اـقـصـرـتـ عـنـهاـ الـىـ انـ قال : فـاعـلـ عـمـلـ رـجـلـ لـيـسـ يـاـمـلـ مـنـ الـاـيـامـ الاـ يـوـمـهـ الـذـى اـصـبـحـتـ فـيـهـ وـ لـيـلـتـهـ فـاعـلـ اوـ دـعـ وـ اللـهـ الـمـعـينـ عـلـىـ ذـلـكـ.

ترجمه:

- 852 امام علی بن حسین زین العابدین علیه السلام فرمود: امير المؤمنین علی علیه السلام می فرمود: همانا روزگار سه روز است که تو (ای انسان خواه ناخواه) در میان این سه روز خواهی بود، دیروز با هر آنچه در آن بود گذشت پس هرگز باز نمی گردد، پس اگر تو کار خیری در آن انجام داده ای از رفتتنش اندوهگین نیستی و از روی آوردن آن روز بر خودت شادمانی ، و اگر در آن روز (در انجاک وظایف خود) کوتاهی کرده ای به خاطر رفتن آن روز کوتاهی خودت حسرت زیادی خواهی داشت ، و تو از فردای خودت در امیدی بیهوده به سر می بری ، نمی دانی شاید به فردا نرسی و اگر هم بررسی شاید همانند دیروزت بهره ای در آن جز تفریط و کوتاهی کردن (در انجام وظایف) (نداشته باشی - تا آنجا که فرمود: همانا امروزت را دریاب همین روزی که در آن صبح کرده ای و حقیقتا بر تو سزاوار است که اندیشه کنی و در کوتاهی های دیروز گذشته ات تفکر کنی که چه نیکی هایی از دست تو رفت و آنها را برای خود کسب نکردی و از چه بدیهایی باز نایستادی - تا آنجا که فرمود: - پس عمل کن یا (از بدیها) باز ایست و خداوند در این راه یاور توست .

حدیث:

- 853 عن ابی عبد الله علیه السلام قال : ان النهار اذا جاء قال : يا ابن آدم اعمل فی يومك هذا خيرا اشهد لك به عند ربک يوم القيمة فانی لم آتیک فيما مضی و لا آتیک فيما بقی فاذا جاء اللیل قال مثل ذلك.

ترجمه:

- 853 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که روز فرا می رسد) خطاب به انسان ) می گوید: ای فرزند آدم ! تو در این روزت کار خیر کن تا من در روز قیامت نزد پروردگارت به نفع تو گواهی دهم زیرا من در گذشته بر تو نیامده ام و در باقی مانده عمرت نیز دیگر نخواهم آمد. و هنگامی که شب فرا می رسد شب نیز همین سخنان را می گوید .

حدیث:

- 854 عن حفص بن غیاث قال : سمعت ابا عبدالله علیه السلام يقول : ان قدرت ان لا تعرف فافعل و ما عليك ان تكون مذموما عند الناس اذا كنت محمودا عند الله ثم قال : قال ابی على بن ابی طالب .

ترجمه:

- 854 حفص بن غیاث گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمود: اگر بتوانی (به گونه ای رفتار کنی) که شناخته نشوی این کار را انجام ده و اگر در نزد خداوند نیکنام باشی بر تو عیوبی نیست که در نزد مردم از تو به خوبی یاد نشود - سپس فرمود: پدرم علی بن ابی طالب علیه السلام فرمود: خیری در زندگانی نیست مگر برای دو نفر: یکی کسی که در هر روز خیری را (بر خیرهای خود) بیفزاید و دیگری کسی که به وسیله توبه مرگ خود را اصلاح کند .

حدیث:

- 855 عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : المغبون من غبن عمره ساعه بعد ساعه .

ترجمه:

- 855 امام صادق علیه السلام فرمود: فریب خورده (حقیقی) کسی است که درباره ساعت به ساعت عمرش فریب خورده باشد .

حدیث:

- 856 عن ابی عبدالله علیه السلام انه قال : من استوى يوما فهو مغبون و من كان آخر يوميه خيرهما فهو مغبوط و من كان آخر يوميه شرهما فهو ملعون و من لم ير الزياده في نفسه فهو الى النقصان و من كان الى النقصان فالموت خير له من الحياة.

ترجمه:

- 856 امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که دو روزش با هم مساوی باشد (و در روز دوم پیشرفتی معنوی ننموده باشد) چنین کسی فریب خورده است و کسی که پایان دو روزش (برای او) بهترین ساعات و حالات آن دو روز باشد سعادتمند است و کسی که پایان دو روزش بدترین حالات آن دو روز باشد ملعون است (و از رحمت الهی دور است) و کسی که در نفس خود (نسبت به گذشته) زیادتی مشاهده نکند چنین کسی به سوی کمبود و نقصان پیش می رود و کسی که همواره در حال نقصان است مرگ برایش از زندگانی بهتر است .

- 96 باب وجوب محاسبه النفس كل يوم و ملاحظتها و حمد الله على الحسنات و تدارك السیئات

- 96 باب وجوب محاسبه و ملاحظه نفس در هر روز و حمد نمودن خداوند بر نیکی ها و جیران نمودن بدیها

حدیث:

- 857 عن ابی الحسن الماضی علیه السلام قال : لیس منا من لم یحاسب نفسه فی کل یوم فان عمل حسنا استزاد الله و ان عمل سینا استغفر الله منه و تاب اليه.

ترجمه:

- 857 امام موسی کاظم علیه السلام فرمود: کسی که در هر روز از نفس خود حساب نکشد از ما نیست (کسی که محاسبه نفس می کند) اگر عمل نیکی به جای آورده است از خداوند طلب زیادتی آن را کند و اگر کردار بدی از او سرزده است از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آورد .

حدیث:

- 858 قال ابوعبدالله علیه السلام : اذا اراد احدكم ان لايسال الله شيئا الا اعطاه فليياس من الناس كلهم و لا يكون له رجاء الا من عند الله جل ذكره فاذا علم الله جل و عز ذلك من قلبه لم يسأل الله شيئا الا اعطاه فحاسبو انفسكم قبل ان تحاسبو عليها فان للقيامه خمسين موقفا كل موقف مقداره الف سنة - ثم تلا قوله تعالى - (فی یوم کان مقداره الف سنة مما تعدون).

ترجمه:

- 858 امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه کسی از شما اراده کرد که از خداوند چیزی را درخواست نکند مگر اینکه خداوند آن چیز را به او عطا کند پس باید از تمامی مردم نومید گردد و امید او جز به خداوند جل ذکره نباشد پس هرگاه خداوند بزرگ و عزمند دانست که او از ته قلبش چنین اراده ای را نموده هیچ چیزی را آن بنده از خدا نمی خواهد مگر اینکه خداوند به وی عطا می کند پس شما بیش از اینکه مورد حسابرسی واقع شوید از نفشهایتان حساب بکشید زیرا قیامت پنجاه توقفگاه دارد که مقدار هر کی از آنها هزار سال است - سپس حضرت این آیه را تلاوت فرمود) - (در روزی که مقدار آن برابر با هزار سال از سالهایی است که شما در این دنیا می شمارید<sup>(178)</sup>)

حدیث:

- 859 عن ابی حمزه الثمالمی قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : ابن آدم انک لاتزال بخیر ما کان لك واعظ من نفسك و ما كانت المحاسبه من همك و ما كان الخوف لك شعارا و الحزن لك دثارا ابن آدم انک میت و مبعوث و موقوف بین یدی الله فاعد جوابا.

ترجمه:

- 859 ابوحمزه ثمالی گوید: امام سجاد علیه السلام می فرمود: ای فرزند آدم ! راستی که تو بیوسته در خیر و خوبی خواهی بود تا زمانی که:

- 1 واعظ و پند دهنده ای از درون خود داشته باشی
- 2 سعی و کوشش در محاسبه نفس خود کنی
- 3 خوف و ترسی از خداوند را زیر پوش خود قرار دهی
- 4 حزن و اندوه را روپوش خود کنی.

ای فرزند آدم ! تو خواهی مرد و برانگیخته خواهی شد و در پیشگاه خداوند خواهی ایستاد پس جوابی را (برای خداوند) آماه ساز .

حدیث:

- 860عن ابی ذر فی حدیث قال : قلت : يا رسول الله فما كانت صحف ابراهیم ؟ قال : كانت امثالا كلها. ايها الملك المبتلى المغدور انى لم ابعثك لتجمع الدنيا بعضها على بعض ولكن بعثتك لترد عنى دعوه المظلوم فانى لاردها و ان كانت من كافر. و على العاقل ما لم يكن مغلوبا ان تكون له ساعات ساعه يناجي فيها ربه و ساعه يحاسب فيها نفسه و ساعه يتذكر فيها صنع الله اليه و ساعه يخلو فيها بحظ نفسه من الخلال فان هذه الساعه عون لتلك الساعات و استجمام للقلوب و تفريغ لها. (الحادیث)

ترجمه:

- 860ابودر روایت کند که : به رسول خدا صلی الله علیه و آلہ عرض کردم : ای رسول خدا! صحف ابراهیم چه بود؟ فرمود: همه آن مثلهایی بود (از جمله : ای پادشاهی که گرفتار گشته و فریب خورده ای من تو را برای اینکه دنیا را بخش بخش گرد آوری کنی برنيانگیختم بلکه تو را بر انگیختم تا دعای ستمدیده را از من بازگردانی (ستمدیده ای نباشد تا از درگاه من فریاد رسی خواهد) زیرا من دعای ستمدیده را اگر چه کافر باشد باز نمی گردانم (دعایش را احابت می کنم). (مثلی دیگر اینکه : بر شخص خردمندی که مغلوب و مقهور نگشته است (و سرگرم دنیاطلبی نشده ) سزاوار است که ساعات خود را تقسیم کند: ساعتی را به مناجات با پروردگارش بگذراند و در ساعتی از نفس خود حساب کشد و در ساعتی به نیکویی هایی که خداوند با او نموده است اندیشه کند و ساعتی را به بهره بردن نفسیش از حلال خلوت کند زیرا این ساعت یاری گر بقیه ساعات است و دلها را نیرویی تازه می بخشد و حدیث در کار را در پی دارد (دلها را فارغ و آسوده می سازد .)

حدیث:

- 861قال رسول الله صلی الله علیه و آلہ : لذکر الله بالغدو والاصال خیر من حطم السیوف فی سبیل الله عزوجل یعنی من ذکر الله بالغدو و تذكرما کان منه فی لیله من سوء عمله و استغفر الله و تاب اليه انتشر و قد حطت سیناته و غفرت ذنبه و من ذکر الله بالاصال و هی العشييات و راجع نفسه فيما کان منه یومه ذلك من سرفه على نفسه و اصاعته لامر ربه فذکر الله و استغفر الله تعالى و اتاب راح الى اهله و قد غفرت له ذنبه.

ترجمه:

- 861رسول خدا صلی الله علیه و آلہ فرمود: همانا یاد کردن خداوند در صحگاهان و شامگاهان از شکستن شمشیرها در راه خدای عزوجل بهتر است یعنی کسی که خداوند را در هنگام بامداد یاد کند و کردار بد شبانگاهانش را به یاد آورد و از خداوند طلب مغفرت کند و به سوی او توبه آرد آن روز در حالتی بر روز زمین سیر می کند که بدی هایش پاک شده و

گناهانش بخشیده گردیده است و کسی که شبانگاه خدای را یاد کند و درباره غفلتی که از نفس خویش در طول روز داشته و ضایع نمودن فرمان پروردگارش به نفس خود مراجعه کند پس خدای را به یاد آورد و از او طلب مغفرت کند و به سوی خدا باز گردد آن شب در حالتی به سوی خانواده اش می‌رود که گناهانش بخشیده شده است.

حدیث:

- 862 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : من حاسب نفسه ربح و من غفل عنها خسر و من خاف امن و من اعتبر ابصر و من ابصر فهم و من فهم علم.

ترجمه:

- 862 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: کسی که از نفس خود مواظبت کند و از او حساب کشد سود می‌برد و کسی که از او غافل شود زیان می‌بیند و کسی که (از نفس خود) بیمناك باشد در سلامت و امان قرار می‌گیرد و کسی که عبرت گیرد بینا شود و کسی که بینا باشد هوشیار و زیرک است و کسی که زیرکی دارد آگاهی می‌یابد.

حدیث:

- 863 عن ابی ذر فی وصیہ النبی صلی اللہ علیہ و آله و سلم قال : يا ابا ذر حاسب نفسك قبل ان تحاسب فانه اهون لحسابك غدا و زن نفسك قبل ان توزن و تجهز للعرض الاکبر يوم تعرض لاتخفي على الله خافيي - الى ان قال : - يا ابا ذر لا يكون الرجل من المتقين حتى يحاسب نفسه اشد من محاسبة الشريك شريكه فيعلم من اين مطعمه و من اين مشربه و من اين ملبيسه امن حلال او من حرام ؟ يا ابا ذر من لم يبال من اين اكتسب المال لم يبال الله من اين ادخله النار.

ترجمه:

- 863 پیامبر صلی اللہ علیہ و آله و سلم در وصیتش به ابوذر فرمود: ای ابوذر! از نفس خود حساب بکش پیش از اینکه از تو حساب کشیده شود زیرا حساب رسی امروزت بسی آسانتر از حسابی است که فردا از تو کشند و به نفس خود رسیدگی کن پیش از آنکه در ترازوی سنجش نهاده شوی و برای آن روز بزرگی که کردارها نمایان می‌شود خود را مهیا و آماه ساز همان روزی که اعمال هویدا می‌شود و هیچ چیز بر خداوند پوشیده نیست ، ای ابوذر! کسی از گروه پرهیزکاران شمرده نمی‌شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد حسابرسی و دققی شدید، شدیدتر از حسابی که شریکی از شریک خود می‌کشد، پس باید بداند که خوردنی و نوشیدنی و پوشاندن از کجاست؟ آیا از حلال است یا از حرام؟ ای ابوذر! کسی که باکی ندارد که از کجا و چه راهی مال به دست می‌آورد خداوند نیز درباره او باکی ندارد که وی را از چه راهی وارد آتش سازد.

حدیث:

- 864 الحسن بن علی العسكري علیه السلام فی تفسیره عن آبائہ علیه السلام عن علی

عليه السلام عن النبي صلی الله علیه و آله قال : اکیس الکیسین من حاسب نفسه و عمل لما بعد الموت فقال رجل : يا امیرالمؤمنین کيف يحاسب نفسه ؟ قال : اذا اصبح ثم امسى رجع الى نفسه و قال : يا نفسی ان هذا يوم مضى عليك لا يعود اليك ابدا و الله يسالك عنه بما افنيته فما الذي عملت فيه اذكرت الله ام حمدته اقضیت حوائج مومن فيه انفست عنه کربه احفظتیه بظهر الغیب فی اهله و ولده احفظتیه بعد الموت فی مخلفیه اکففت عن غیبه اخ مومن اعنت مسلما ما الذي صنعت فيه ؟ فيذكر ما كان منه فان ذكر انه جرى منه خیر حمد الله و کبره على توفیقه و ان ذکر معصیه او تقصیرها استغفر الله و عزم على ترك معاودته .

ترجمه:

- 864 امام حسن عسکری عليه السلام در تفسیر خود از پدران بزرگوارش عليه السلام و آنان از علی علیه السلام و ایشان از پیامبر صلی الله علیه و آله روایت فرمود که : زیرک ترین زیرکان کسی است که نفس خود را به پای حساب کشد و برای بعد از مرگ خویش کار کند، مردی عرض کرد: ای امیرالمؤمنین ! چگونه از نفس خود حساب کشد؟ فرمود: هرگاه صبح می کند سپس وارد شب می شود به نفس خود مراجعه کند و بگوید: ای نفس من ! این روزی بود که بر تو گذشت و دیگر هرگز باز نمی گردد و خداوند از تو درباره این روز می پرسد که چگونه آن را گذراند و چه کاری در آن انجام دادی ؟ آیا خداوند را یاد کردی یا ستایش نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی ؟ آیا در این روز نیازهای مومنی را برآورده ساختی ؟ آیا از مومنی اندوهش را برطرف نمودی ؟ آیا در نبود مومنی در میان خانواده و فرزندانش او را محافظت کردی ؟ آیا بعد از مرگ مومنی در میان بازماندگانش (حق) او را محفوظ داشتی ؟ آیا از غیبت نمودن برادر دینی ات دست برداشتی که مسلمانی را یاری کرده باشی ؟ در این روز چه کردی ؟ پس هر آنچه از خود می داند به یاد آورد پس اگر به یاد آورد که خیری از او صادر شده خداوند را سپاس گوید و او را بر توفیقی که به وی بخشیده تعظیم کند و اگر به یاد آورد که گناهی یا کوتاهی کردندی از او سرزده از خداوند طلب مغفرت کند و تصمیم بگیرد که دیگر به آن گناه باز نگردد .

حدیث:

- 865 علی بن موسی بن طاوس فی کتاب محاسبہ النفس قال : روينا فی الحديث النبوی المشهور: حاسبو انفسکم قبل ان تحاسبوا و زنوها قبل ان توزنوا و تجهزوا للعرض الاکبر.

ترجمه:

- 865 علی به موسی بن طاوس در کتاب (محاسبہ النفس) گوید: در حدیث نبوی مشهور برای ما نقل شده است که فرمود: از نفسها یاتان حساب بکشید پیش از آنکه شما را به پای حساب بکشند و آنها را با دقت بسنجید پیش از اینکه با دقت بازرسی شوید و برای روز بزرگ قیامت خود را مهیا سازید .

حدیث:

- 866 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : لا يكون العبد مومنا حتى يحاسب نفسه اشد من محاسبة الشريك شريكه و السيد عبده . (الحديث)

ترجمه:

- 866 رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بندۀ ای مومن) حقيقی ) شمرده نمی شود مگر اینکه از نفس خود حساب کشد آن هم حساب کشیدنی که به مراتب سخت تر و دقیقتر از حسابی باشد که شريك از شريك خود و آقا از بندۀ خود می کشد .

حديث:

- 867 عن جعفر بن محمد الصادق عليه السلام عن أبيه عن آبائه عليه السلام قال : ما من يوم يأتي على ابن آدم الا قال له ذلك اليوم : يا ابن آدم انا يوم جديد و انا عليك شهيد فافعل في خيرا و اعمل في خيرا اشهد لك يوم القيامه فانك لن ترانى بعدها ابدا.

ترجمه:

- 867 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش و ایشان از پدران گرامی اش : روایت فرمود: هیچ روزی بر فرزند آدم نمی آید جز اینکه خطاب به آدمی می گوید: ای فرزند آدم ! من روز جدیدی هستم و من بر تو گواه و شاهدم پس در من کردار نیکو انجام ده تا من در روز قیامت به نفع تو گواهی دهم زیرا تو پس از این هرگز مرا نخواهی دید .

حديث:

- 868 عن الصادق عن أبيه عليه السلام قال : الليل اذا اقبل نادى مناد بصوت يسمعه الخلائق الا التقلين يا ابن آدم انى خلق جديداً انى على ما فى شهيد فخذ منى فاني لو طلعت الشمس لم ارجع الى الدنيا و لم تزدد فى من حسنه و لم تستعتب فى من سيئه و كذلك يقول النهار اذا ادبر الليل.

ترجمه:

- 868 امام صادق عليه السلام از پدر بزرگوارش عليه السلام روایت فرمود ن هرگاه شب روی می آورد ندا دهنده ای با صدایی که همه مخلوقات به جز جن و انس آن را می شنوند ندا در می دهد که : ای فرزند آدم ! من مخلوق جدیدی هستم ، به راستی که من بر آنچه در من انجام می شود گواهم پس (فرصتهايم را) از من بستان زیرا اگر خورشید طلوع کند دیگر من به سوی دنیا باز نمی گردم و تو نمی دانی در من بر نیکی ات نیکی ای بیافزایی و نمی توانی از بدی ای باز گردی (پس مرا غنیمت شمار) و همچنین هرگاه شب پشت می کند و روز می آید روز نیز این سخنان را می گوید .

حديث:

- 869 عن علي بن الحسين عليه السلام قال : ان الملك الحافظ على العبد يكتب في صحيفة اعماله فاملوا في اولها خيرا و في آخرها خيرا يغفر لكم ما بين ذلك.

ترجمه:

- 869 امام سجاد علیه السلام فرمود: به راستی که فرشته ای که نگاهبان بنده است در نامه اعمال او (کارهایش را) می نویسد پس شما در اول و آخر آن نامه ، نیکی را بر او دیکته کنید (که بنویسد) تا آنچه که در بین اول و آخر است بر شما بخشیده شود .

- 97 باب وجوب زیاده التحفظ عند زیاده العمر خصوصاً ابنا، الأربعين فصاعداً

- 97 باب وجوب هوشیاری و پرهیز بسیار هنگام زیاد شدن سن خصوصاً کسانی که به چهل سال یا بیشتر رسیده اند

حدیث:

- 870 قال ابو عبدالله علیه السلام : ان العبد لفی فسحه من امره ما بینه و بین اربعين سنه فإذا بلغ اربعين سنه او حی اللہ عزوجل الی ملکیه قد عمرت عبدی هذا عمراً فغلظاً و شدداً و تحفظاً و اكتباً عليه قليل عمله و كثیره و صغیره و کبیره .

ترجمه:

- 870 امام صادق علیه السلام فرمود: به بنده (از آغاز تکلیف ) تا چهل سالگی در فراخی و وسعت است (و جبران لغزشها و خطاهایش آسانتر است ) پس زمانی که به چهل سالگی رسید خداوند عزوجل به دو فرشته نگاهبان او وحی می فرستد که به این بنده ام چنین عمری دادم پس از این بر او سخت بگیرید و با دقت او را زیر نظر داشته باشید و عمل کم و زیاد و کوچک و بزرگ وی را بنویسد .

حدیث:

- 871 عن ابی جعفر علیه السلام قال : اذا اتت على الرجل اربعون سنه قيل له خذ حذرك فانك غير معذور و ليس ابن الأربعين احق بالحذر من ابن العشرين فان الذى يطلبها واحد و ليس براقد فاعمل لما امامك من الهول و دع عنك فضول القول .

ترجمه:

- 871 امام باقر علیه السلام فرمود: هرگاه مرد به چهل سالگی برسد به او گفته می شود که احتیاط پیشه کن که دیگر عذری نخواهد داشت و شخص چهل ساله از شخص بیست ساله به احتیاط کردن سزاوارتر نیتیں زیرا آن خدایی که از هر دو طالب عمل است یکی است و خواب نیست پس برای آن هراسی که در قیامت در پیش روی توست کار کن و سخن زیادی را واگذار .

حدیث:

- 872 قال ابو عبدالله علیه السلام : خذ لنفسك خذ منها في الصحة قبل السقم و في القوه قبل الضعف و في الحياة قبل الممات.

ترجمه:

- 872 امام صادق علیه السلام فرمود: برای نفس خودت (توشه ) (برگیر، در زمان سلامتی پیش از بیماری و در زمان توانایی پیش از ناتوانی و در زندگانی پیش از مردن.

حدیث:

- 873 عن امیرالمؤمنین علیه السلام قال : العمر الذى اعذر الله فيه الى ابن آدم ستون سنة.  
ترجمه:

- 873 امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: آن مدت عمری که خداوند برای فرزندان آدم جای عذر و بهانه را باقی گذارده است شصت سال است.

حدیث:

- 874 محمد بن علی بن الحسین قال : سئل الصادق عن قول الله عزوجل : (اولم نعمركم ما يتذكر فيه من تذكر) فقال : توبیخ لابن ثمانیه عشر سنه.

ترجمه:

- 874 محمد بن علی بن حسین گوید: از امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید): آیا به شما آن مقدار عمر ندادیم که در آن پند می گیرد کسی که پندپذیر است ؟ <sup>(179)</sup> (حضرت فرمود: این آیه در بردارنده سرزنش و توبیخ کسی است که به هجده سالگی رسیده است .

حدیث:

- 875 عن الصادق جعفر بن محمد علیه السلام قال : ثلاث من لم تكن فيه فلا يرجى خيره ابدا من لم يخش الله في الغيب ولم يرع في الشبيب ولم يستح من العيب.

ترجمه:

- 875 امام صادق علیه السلام فرمود: سه چیز هست که هر کس این سه در او نباشد درباره او هرگز امید خیر و خوبی برده نمی شود: کسی که در نهان از خدا نترسد و در پیری ورع و پارسایی نداشته باشد و از عیب و نقص شرمگین نباشد.

حدیث:

- 876 قال ابو عبدالله علیه السلام : اذا بلغ العبد ثلاثاً و ثلاثين سنّة فقد بلغ اشده و اذا بلغ اربعين سنّة فقد بلغ منتهاه فإذا طعن في واحد و اربعين فهو في النقصان و ينبغي لصاحب الخمسين ان يكون كمن كان في النزع.

ترجمه:

- 876 امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامی که بنده به سی و پنج سالگی رسید به دوران قوت و توانایی خود رسیده است و آنگاه که به چهل سالگی برسد) گوئیا) به انتهای عمر خود رسیده است پس هنگامی که وارد چهل و یک سالگی شود چنین کسی در (سراشیبی) نقصان است و کسی که عمرش به پنجاه رسیده سزاوار است همانند کسی باشد که در حال نزع و جان کندن است .

- 98 باب وجوب عمل الحسنة بعد السينه

- 98 باب وجوب انجام کار نیک پس از ارتکاب گناه

حدیث:

- 877 قال ابو عبدالله علیه السلام فی حدیث : من احبابی می‌دانم که عند الله فلینظر ما الله عنده و من خلا بعمل فلینظر فیه فان كان حسنا جميلا فلييمض عليه و ان كان سیئا فبیحا فلیجتنبه فان الله اولی بالوفاء و الزیاده و من عمل سیئه فی السر فلیعمل حسنه فی السر و من عمل سیئه فی العلانيه فلیعمل حسنه فی العلانيه.

ترجمه:

- 877 امام صادق علیه السلام در ضمن حدیثی فرمود: هر کس دوست دارد که بداند چه (منزلی) در نزد خدا دارد پس باید بنگرد که خداوند چه منزلتی در نزد او دارد و کسی که با عمل خود خلوت کرد (در پنهانی عملی انجام داد) پس در آن نظر کند اگر آن عمل نیکو و زیبا بود به آن ادامه دهد و اگر بد و زشت بود از آن اجتناب و دوری کند زیرا خداوند از هر کس دیگری سزاوارنر است به اینکه (به وعده ای که درباره نیکوکاران داده) وفا کند و به آنان زیادتی بخشد، و کسی که در پنهانی عمل بدی انجام دهد باید عمل نیکی نیز در پنهانی انجام دهد و کسی که عمل زشتی آشکارا به جای آورد باید کار نیکی نیز آشکارا انجام دهد.

حدیث:

- 878 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : کان علی بن الحسین علیه السلام یقول : و یل لمن غلبت آحاده اعشاره فقلت له و کیف هذ؟ قال : اما سمعت الله عزوجل یقول (من جاء بالحسنه فله عشر امثالها و من جاء بالسیئه فلا یجری الا مثلها) فالحسنه الواحدة اذا عملها کتبت له عشر و السیئه الواحدة اذا عملها کتبت له واحدة فنعمود بالله ممن یرتکب فی يوم واحد عشر سیئات و لا یكون له حسنه واحدة فتغلب حسناته سیئاته.

ترجمه:

- 878 امام صادق علیه السلام فرمود: امام سجاد علیه السلام می فرمود: وای بر کسی که یکی یکی های او بر ده تایی های او غالب شود - راوی گوید - عرض کردم : این چگونه باشد؟ فرمود: آیا نشنیده ای که خداوند عزوجل می فرماید) : کسی که کار نیکی انجام دهد پاداش او ده برابر آن است و کسی که مرتكب کار بدی شود تنها به همان اندازه جزایش را خواهد دید<sup>(180)</sup> (پس هرگاه یک نیکی انجام دهد برای او ده نیکی نوشته می شود و هرگاه یک بدی به جای آورد برایش یک بدی ثبت می شود پس به خدا پناه می برمی از کسی که در یک روز مرتكب ده گناه می شود ولی یک کار نیک انجام نمی دهد تا در نتیجه بدیهاش بر نیکی هایش غالب می شود.

حدیث:

- 879 عن ابی عبدالله علیه السلام قال : ان الله عزوجل اوحى الى عيسى علیه السلام ما اكرمت خلیقه بمثل دینی و لانعمت عليها بمثل رحمتی اغسل بالماء منك ما ظهر و داو بالحسنات ما بطن فانك الى راجع شمر فکل ما هو آت قریب و اسمعنى منك صوتا حزينا.

ترجمه:

- 879 امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل به عیسیٰ علیه السلام وحی فرستاد که: هیچ مردمی را به چیزی همانند دین خود گرامی نداشته ام و بر هیچ مردمی به چیزی همانند رحمت خود نعمت نبخشیده ام، به وسیله آب ظاهر خود را بشوی) و پاکیزه کن ) و به کمک نیکوکاری ها (بیماری های ) درون خود از درمان کن زیرا تو با شتاب به سوی من باز می گردی ، پس آینده نزدیک است ، و از خودت صدایی غمناک به من بشنوان (راز و نیازی با صوتی حزين با من داشته باش تا از تو چنین صدایی بشنوام.)

حدیث:

- 880 عن محمد بن مسلم عن ابی جعفر الباقر علیه السلام قال سمعته یقول : ما احسن الحسنات بعد السیئات و ما اقبح السیئات بعد الحسنات.

ترجمه:

- 880 محمد بن مسلم گوید: از امام باقر علیه السلام شنیدم که فرمود: چه نیکوست نیکی ها بعد از بدیها و چه زشت است بدیها پس از نیکی ها.

حدیث:

- 881 عن ابی ذر قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : اتق الله حينما كنت و خالق الناس بخلق حسن و اذا عملت سیئه فاعمل حسنة تمحوها.

ترجمه :

- 881 ابوذر گوید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در هر جا و هر حالی از خدا بترس و با مردمان با اخلاق نیکو معاشرت کن و هرگاه مرتکب گناهی شدی پس از آن کار نیکی انجام ده تا آن گناه را از بین ببرد.

- 99 باب صحیه التوبه من المرتد

- 99 باب صحیح بودن توبه شخص مرتد

حدیث:

- 882 عن ابی جعفر علیه السلام قال : من كان مومنا فعمل خيرا في إيمانه ثم اصابتة فتنه فكفر ثم تاب بعد كفره كتب له و حسب له كل شيء كان عمله في إيمانه ولا يبطله الكفر اذا تاب بعد كفره.

ترجمه:

- 882 امام باقر علیه السلام فرمود: کسی که با ایمان باشد و در زمان ایمانش کار خیری انجام دهد سپس فتنه ای به او برسد و کافر شود پس از آن از کفر خویش توبه کند و مومن گردد آن عمل خیر و هر کاری که در وقت ایمانش انجام داده برای او نوشته شده و حساب می گردد و هرگاه پس از کفر توبه کند کفر او کار خیر او را) که در زمان مومن بودنش به جای آورده ) باطل نمی کند.

- 100 باب وجوب الاستغال بصالح الاعمال عن الاهل و المال

- 100 باب وجوب مشغول بودن به کارهای شایسته به جای اینکه همواره به زن و فرزند و مال

بپردازد

حدیث:

- 883 قال امیر المؤمنین علیه السلام : ان ابن آدم اذا كان فى آخر يوم من ايام الدنيا و اول يوم من ايام الآخرة مثل له ماله و ولده و عمله فيلتفت الى ماله فيقول : و الله اين كنت عليك حريضا شحيحا فما لى عندك ؟ فيقول : خذ مني كفنك قال : فيلتفت الى ولده فيقول : و الله انى كنت لكم محبا و انى كنت عليكم محاما فما ذا عندكم ؟ فيقولون : نوديك الى حفترتك نواريك فيها قال : فيلتفت الى عمله فيقول : و الله انى كنت فيك ل Zaheda و ان كنت لثقيلا فيقول : انا قريرك فى قبرك و يوم نشرك حتى اعرض انا و انت على ربك.

ترجمه:

- 883 امیر المؤمنین علیه السلام فرمود: به راستی که فرزند آدم آنگاه که در آخرين روز از روزهای دنیا و اولین روز از روزهای آخرت قرار می گیرد مال و فرزندان و عملش در مقابل او به نمایش گذاشته می شود پس به سوی مال و دارایی خود رو می کند و می گوید: سوگند به خدا که من بر تو حريص و بخييل بودم پس چه چيزی برای من در نزد توست ؟ مال خطاب به او می گوید: از من تنها کفن خود را برگیر، پس به فرزندان خود رو می کند و می گوید: به خدا سوگند که دوستدار شما بودم و همواره حمایت و پشتیبانی شما را می نمودم پس حال چه چيزی در نزد شما برای من هست ؟ فرزندان گویند: (پس از مرگت) تو را به (کنار) قبرت می رسانیم و در آن پوشیده و پنهانت می سازیم ، پس رو به سوی عملش می کند و می گوید: به خدا سوگند که من به تو اعتنایی نداشتم اگر چه تو سنگین (و ارزشمند) بودی ، عمل خطاب به او گوید: من در قبرت با تو همدم خواهم بود و تا روز برانگیخته شدن با تو همراهم تا اينکه من و تو بر پروردگارت عرض شويم.

حدیث:

- 884 عن الصادق علیه السلام عن آبائه علیه السلام قال : قال علی علیه السلام : ان للمرء المسلم ثلاثة اخلاق فخليل يقول له : انا معك حيا و ميتا و هو عمله و خليل يقول له : انا معك حتى تموت و هو ماله فإذا مات صار للوارث و خليل يقول له : انا معك الى باب قبرك ثم اخلياك و هو ولده.

ترجمه:

- 884 امام صادق علیه السلام از پدرانش که درود و سلام بر آنان باد روایت فرمود که : علی علیه السلام فرمود: همانا شخص مسلمان سه دوست دارد یکی دوستی که به وی می گوید: من در زندگی و مرگ با تو هستم ، و آن دوست عمل اوست . و دیگری دوستی که به

وی می گوید: من تا زمان مرگ با تو هستم ، و آن مال و دارایی اوست که زمانی که مرد به وارث منتقل می شود. و سوم دوستی که به وی می گوید: من تا در قبرت با تو هستم سپس تو را تنها می گذارم ، و او فرزند وی است.

- 101 باب وجوب الحذر من عرض العمل على الله و رسوله و الائمه عليه السلام
- 101 باب وجوب پرهیز نمودن و ترسیدن از عرضه شدن عمل بر خدا و رسول و ائمه عليه السلام

حدیث:

- 885 عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : تعرض الاعمال على رسول الله صلی اللہ علیہ وآلہ اعمال العباد کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروها و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری اللہ عملکم و رسوله و المؤمنون ) و سكت.

ترجمه:

- 885 امام صادق علیه السلام فرمود: اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه نابکاران در هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله علیہ و آلہ عرضه می شود پس ، از اعمال خود بیمناک باشید و گفتار خدای عزوجل که می فرماید) : و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش عمل شما را می بینند (همین است ، و حضرت با خواندن این آیه تا اینجا سکوت فرمود.

حدیث:

- 886 عن الوشاء قال سمعت الرضا علیه السلام يقول : ان الاعمال تعرض على رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ ابرارها و فجارها.

ترجمه:

- 886 وشاء گوید: از امام رضا علیه السلام شنیدم که فرمود: همانا اعمال بر رسول خدا صل الله علیہ و آلہ عرضه می شود چه اعمال نیکوکاران و چه اعمال نابکاران.

حدیث:

- 887 عن یعقوب بن شعیب قال : سالت ابا عبداللہ علیه السلام عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری اللہ عملکم و رسوله و المؤمنون ) قال : هم الائمه علیه السلام.

ترجمه:

- 887 یعقوب بن شعیب گوید: از امام صادق علیه السلام درباره این آیه که می فرماید) : عمل کنید به زودی خداوند و رسولش و مؤمنان عمل شما را خواهند دید (پرسیدم که مراد از مؤمنان کیانند؟ فرمود: آنان ائمه علیه السلام هستند.

حدیث:

- 888 عن سماعه عن ابی عبداللہ علیه السلام قال : سمعته يقول : ما لكم تسوءون رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ ؟ فقال له رجل : كيف نسوءه ؟ فقال : اما تعلمون ان اعمالکم تعرض عليه فاذا رأى فيها معصية ساءه ذلك فلا تسوءوا رسول الله صلی اللہ علیہ و آلہ و سره.

ترجمه:

- 888 سماعه گوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: شما را چه شده است که رسول خدا صل الله علیه و آله را اندوهگین می سازید؟ مردی به حضرت عرض کرد: چگونه رسول الله را اندوهگین می کنیم؟ حضرت فرمود: آیا نمی دانید که اعمال شما بر او عرضه می شود؟ پس هرگاه در اعمال شما گناهی مشاهده کند اندوهگینیش می سازد، پس رسول خداصل الله علیه و آله را غمگین نسازید و او را (با اعمال خوب خود) خوشحال بگردانید.

حدیث:

- 889 عن عبدالله بن ابی الزیات و کان مکینا عند الرضا علیه السلام قال : قلت للرضا علیه السلام : ادع الله لى و لا هل بيته فقال : او لست افعل ؟ ان اعمالكم لتعرض على فى كل يوم و ليله قال : فاستعظمت ذلك فقال له : اما تقرأ كتاب الله عزوجل (و قل اعملوا فسيري الله عملکم و رسوله و المومنون ) قال هو والله علی بن ابی طالب علیه السلام.

ترجمه:

- 889 عبدالله بن ابی روغن فروش که در نزد امام رضا علیه السلام صاحب مقام و منزلتی بود گوید: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: خدای را برای من و خانواده ام بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: آیا چنین کاری نمی کنم؟! همانا اعمال شما در هر روز و شب بر من عرضه می شود. عبدالله گوید: این سخن امام را بزرگ شمردم (و در نزد من امری عظیم جلوه کرد) پس حضرت فرمود: آیا کتاب خدای عزوجل را نخوانده ای که می فرماید؟ و بگو عمل کنید که زود باشد که خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را ببینند<sup>(183)</sup> (به خدا سوگند که مراد از مومنان در این آیه علی بن ابی طالب علیه السلام و (ائمه طاهرين) هستند).

حدیث:

- 890 عن ابی جعفر علیه السلام انه ذکر هذه الاية فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون قال : هو والله علی بن ابی طالب علیه السلام.

ترجمه:

- 890 امام باقر علیه السلام این آیه را ذکر نمود و فرمود: سوگند به خدا که مراد از (مومنان) علی بن ابی طالب علیه السلام (و امامان پس از ایشان) است.

حدیث:

- 891 محمد بن علی بن الحسین علیه السلام قال : قال رسول الله صلی الله علیه و آله : حیاتی خیر لكم و مماتی خیر لكم الى ان قال و اما مفارقتی ایاکم فان اعمالکم تعرض على كل يوم فما کان من حسن استزدت الله لكم و ما کان من قبیح استغفرت الله لكم . (الحدیث)

ترجمه:

- 891 امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صل الله علیه و آله فرموده است : زندگانی و

مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است - تا آنجا که فرمود: - اما اینکه جدایی من از شما برایتان مایه خیر است زیرا اعمال شما هر روز بر من عرضه می شود پس آن اعمالتان که نیکوست از خداوند برای شما طلب زیادتی آنها را می نمایم و برای آن اعمالی از شما که زشت است از خداوند طلب آمرزش می کنم.

حدیث:

- 892 روی ان اعمال العباد تعرض علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی الائمه علیه السلام کل یوم ابرارها و فجارها فاحذروا و ذلك قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنوں).

ترجمه:

- 892 روایت شده است که : اعمال بندگان در هر روز بر رسول خدا صل الله علیه و آله و ائمه علیه السلام عرضه می شود اعمال نیکو کاران و نابکاران ، پس بترسید و این روایت معنای گفتار خدای عزوجل است که می فرماید) : و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را خواهند دید<sup>(184)</sup>.

حدیث:

- 893 عن ابی بصیر قال قلت لابی عبد الله علیه السلام : ان ابا الخطاب کان یقول : ان رسول الله صلی الله علیه و آله تعرض علیه اعمال امته کل خمیس فقال ابو عبد الله علیه السلام : ليس هكذا و لكن رسول الله صلی الله علیه و آله تعرض علیه اعمال امته کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا و هو قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنوں ) و سكت قال ابوبصیر: انما عنی الائمه علیه السلام.

ترجمه:

- 893 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : همانا ابا الخطاب می گوید که : بر رسول خدا صل الله علیه و آله اعمال امتش در هر روز پنج شنبه عرضه می شود، امام صادق علیه السلام فرمود: چنین نیست بلکه اعمال امت پیامبر اکرم صل الله علیه و آله چه نیکوکاران و چه بدکاران در هر صبحگاه بر ایشان عرضه می گردد و معنای گفتار خدای عزوجل نیز همین است که می فرماید) : و بگو عمل کنید که زود باشد عمل شما را خدا و رسول او و مومنان ببینند<sup>(185)</sup> (و حضرت صادق علیه السلام سکوت فرمود. ابوبصیر گوید: همانا از مومنوں ( ائمه علیه السلام را قصد کرده است .

حدیث:

- 894 قال رسول الله صلی الله علیه و آله : حیاتی خیر لكم و مماتی خیر لكم اما حیاتی فتحدثونی و احدثکم و اما موتی فتعرض علی اعمالکم عشیه الاثنين و الخمیس فما کان من عمل صالح حمدت الله علیه و ما کان من عمل سیئ استغفرت الله لكم.

ترجمه:

- 894 رسول خدا صل الله عليه و آله فرمود: زندگی و مرگ من هر دو برای شما مایه خیر است ، اما خیر زندگی ام برای شما این است که با من سخن می گویید و من نیز با شما سخن می گویم (و دینتان را از من می آموزید) و اما خیری که در مرگ من برای شماست این است که اعمال شما غروب دوشنبه و پنج شنبه بر من عرضه می شود پس بر عمل شایسته شما خدای را سپاس می گوییم و از عمل ناشایست شما برایتان از خداوند طلب مغفرت می نمایم.

حدیث:

- 895 و قال رسول الله صلی الله عليه و آله : من ضمن لی ما بین لحییه و ما بین رجلیه ضمنت له الجنة.

ترجمه:

- 895 رسول خدا صل الله عليه و آله فرمود: هر کس برای من ضمانت ما بین دو فک خود (یعنی دهان ) خود و ما بین دو پای خود (یعنی فرج خود) را کند من نیز ضامن بهشت او خواهم بود .

حدیث:

- 896 و عن الرضا عليه السلام عن آبائه عليه السلام عن علی بن الحسین عليه السلام قال : ان اعمال هذه الامه ما من صباح الا و تعرض على الله تعالى.

ترجمه:

- 896 امام رضا عليه السلام از پدران بزرگوارش روایت فرمود که : امام سجاد عليه السلام فرمود: به راستی که هیچ صحبتی نیست جز اینکه اعمال این امت بر خداوند تعالی عرضه می شود.

حدیث:

- 897 عن ابی جعفر عليه السلام قال : قال رسول الله صلی الله عليه و آله و هو فی نفر من الصحابه : ان مقامی بین اظهارکم خیر لكم و ان مفارقتكی ایاکم خیر لكم الى ان قال : اما مقامی بین اظهارکم خیر لكم فان الله يقول (و ما كان الله ليغذبهم و انت فيهم و ما كان الله معذبهم و هم يستغفرون ) يعني يغذبهم بالسيف و اما مفارقتكی ایاکم خیر لكم فان اعمالکم تعرض على كل اثنين و خمیس فما كان من حسن حمدت الله عليه و ما كان من سیئ استغفرت لكم.

ترجمه:

- 897 امام باقر عليه السلام فرمود: رسول خدا صل الله عليه و آله در حالی که در میان چند تن از اصحابش بود فرمود: به راستی که اقامت من در بین شما برایتان مایه خیر است و جدا شدن من نیز از شما خیر شما را در بر دارد. اما) اینکه گفتم ) اقامتم در بین شما مایه خیر شماست ، زیرا خداوند می فرماید) ( خداوند آنان را تا زمانی که تو در بین آنان هستی عذاب

نمی کند و خداوند تا زمانی که آنان استغفار می کنند آنان را به عذاب نمی رساند (186) (یعنی آنها را با شمشیر (جنگ و خونریزی) عذاب می کند (نه اینکه مانند اقوام گذشته بر آنان عذاب بفرستد) و اما (اینکه گفتم) جدایی من از شما موجب خیر برای شماست ، زیرا عملهای شما هر دو شنبه و پنج شنبه بر من عرضه می شود پس هر عملی از عملهای شما نیکو باشد خدای را بر آن سپاس می گوییم و هر عملی بد باشد برای شما درباره آن از خداوند طلب مغفرت می کنم .

حدیث:

- 898 عن ابن اذینه قال : كنت عند ابی عبداللہ علیه السلام فقلت له : قول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون ) قال : ایانا عنی .

ترجمه:

- 898 ابن اذینه گوید: در نزد امام صادق علیه السلام بودم که به ایشان عرض کردم : (مراد از مومنون در) گفتار خدای عزوجل (چیست ؟) که می فرماید) : و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند (187) (حضرت فرمود: مراد از مومنون ماییم و خداوند ما را قصد کرده است .

حدیث:

- 899 عن داود بن کثیر الرقی قال : كنت جالسا عند ابی عبداللہ علیه السلام اذ قال مبتدئا من قبل نفسه : يا داود لقد عرضت على اعمالکم يوم الخميس فرأيت فيما عرض على من عملک صلتک لابن عمک فلان فسرنى ذلك انى علمت ان صلتک له اسرع لفقاء عمره و قطع اجله قال داود: و كان لى ابن عم معاندا ناصبيا خبيثا بلغنى عنه و عن عياله سوء حال فصككت له نفقه قبل خروجى الى مكه فلما صرت فى المدينة اخربنى ابو عبداللہ علیه السلام بذلك.

ترجمه:

- 899 داود بن کثیر رقی گوید: در نزد امام صادق علیه السلام نشسته بودم که ناگهان ایشان بدون مقدمه و از جانب خود آغاز سخن نمود و فرمود: ای داود! در روز پنج شنبه عملهای شما بر من عرضه می شود و من در بین اعمال تو که بر من عرضه شد دیدم که صله و رابطه با پسر عمومیت را به جا آورده و این کار تو مرا خوشحال کرد و من دانستم که این عمل تو عمر او را زودتر و سریعتر فانی می سازد و مرگش را فرا می رساند.

داود گوید: من پسر عمومی داشتم که با اهل بیت علیه السلام دشمنی داشت و فرد خبیثی بود و به من خبر رسیده بود که او و خانواده اش در وضعیت بدی به سر می برند و من پیش از بیرون آمدن به سوی مکه هزینه ای برای زندگی آنان قرار دادم و زمانی که به مدینه بازگشتم امام صادق علیه السلام را از عمل خودم خبردار ساخت.

حدیث:

- 900 علی بن موسی بن طاووس فی رساله محاسبه النفس قال : رایت و رویت فی عده

روايات متفقان ان يوم الاثنين و يوم الخميس تعرض فيهما الاعمال على الله و على رسوله و على ائمه عليه السلام.

ترجمه:

- 900ابن طاوس در رساله) محاسبه النفس (گويد: در عده اي از روایات موافق با هم دیده ام و برایم روایت شده است که در روز دوشنبه و پنج شنبه اعمال مردمان بر خداوند و رسولش و ائمه عليه السلام عرضه می شود .

حديث:

- 901عن احمد بن عمر عن ابی الحسن عليه السلام قال : سئل عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون ) قال : ان اعمال العباد تعرض على رسول الله صلی الله علیه و آله کل صباح ابرارها و فجارها فاحذروا.

ترجمه:

- 901احمد بن عمر روایت کدن که از حضرت رضا عليه السلام درباره گفتار خدای عزوجل پرسیده شد که می فرماید) :عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند (188) (حضرت فرمود: به راستی که اعمال بندگان چه نیکوکاران و چه بدکاران هر صبحگاه بر رسول خدا صل الله علیه و آله عرضه می شود پس بترسید و بر حذر باشید.

حديث:

- 902عن ابی جعفر عليه السلام قال : ان اعمال العباد تعرض على نبیکم کل عشیه خمیس فلیستحی احدکم ان یعرض على نبیه العمل القبیح.

ترجمه:

- 902امام باقر عليه السلام فرمود: به راستی که اعمال بندگان هر شامگاه پنج شنبه بر پیامبر شما عرضع می شود پس هر کس از شما از اینکه بر پیامبریش عمل زشتی از او عرضه شود باید شرم داشته باشد.

حديث:

- 903عن حفص بن البختري و غير واحد قال : تعرض الاعمال يوم الخميس على رسول الله صلی الله علیه و آله و على ائمه عليه السلام.

ترجمه:

- 903از حفص بن بختري و عده اي ديگر از راویان روایت است که : اعمال در روز پنج شنبه بر رسول خدا صل الله علیه و آله و ائمه عليه السلام عرضه می شود.

حديث:

- 904عن بريد العجلی قال : كنت عند ابی عبدالله عليه السلام فسألته عن قول الله عزوجل (اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المؤمنون ) قال : ايانا عنی.

ترجمه:

- 904 بried عجلی گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که از ایشان درباره گفتار خدای عزوجل پرسیدم که می فرماید) : عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را می بینند (۱۸۹) (حضرت فرمود: خداوند در این آیه ای مومنون ( ما را اراده کرده است.

حدیث:

- 905 عن ابی عبدالله علیه السلام قال فی قوله تعالی اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون قال : هم الائمه علیه السلام.

ترجمه:

- 905 امام صادق علیه السلام درباره گفتار خدای تعالی که می فرماید) : عمل کنید که زود باشد خداوند و رسول او و مومنین عمل شما را ببینند (۱۹۰) (فرمود: مراد ای مومنون ( ائمه علیه السلام می باشند.

حدیث:

- 906 عن بried العجلی قال : قلت لابی جعفر علیه السلام) اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون ) فقال : ما من مومن یموت و لا کافر فیوضع فی قبره حتی یعرض عمله علی رسول الله صلی الله علیه و آله و علی علی و هلم جرا الی آخر من فرض الله طاغته علی العباد.

ترجمه:

- 906 بried عجلی گوید: برای امام باقر علیه السلام این آیه را خواندم که) : عمل کنید که به زودی خداوند و رسولش و مومنین عمل شما را می بینند (۱۹۱) (حضرت فرمود: هیچ مومن و کافری نیست که بمیرد و در قبرش نهاده شود مگر اینکه عملش بر رسول خدا صل الله علیه و آله و بر علی علیه السلام و همینطور تا آخر بر همه آنانی که خداوند طاعت آنان را بر بندگان واجب ساخته است عرضه می شود.

حدیث:

- 907 عن ابی بصیر قال : قلت لابی عبدالله علیه السلام : يقول الله عزوجل (و قل اعملوا فسیری الله عملکم و رسوله و المومنون ) ما المومنون ؟ قال : من عسى ان یکون الا صاحبک ؟

ترجمه:

- 907 ابی بصیر گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم : در گفتار خداوند عزوجل که می فرماید) : و بگو عمل کنید که به زودی خداوند و رسول او و مومنان عمل شما را می بینند (۱۹۲) (مراد از مومنان چه کسانی است ؟ حضرت فرمود: چه کسی جز همین همدم تو امید آن می رود که مقصود ای مومنون ( باشد؟ (یعنی مراد از مومنون ما اهل بیت پیامبر هستیم).

حدیث:

- 908 عن عبدالله بن ابیان قال : قلت للرضا عليه السلام : ادع الله لى و لموالیک فقال : و الله انی لا عرض اعمالهم على الله فى كل خمیس.

ترجمه:

- 908 عبدالله بن ابیان گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کرد: خداوند را برای من و دوستدارانت بخوان (و ما را دعا کن) حضرت فرمود: به خا سوگند که من اعمال شما را در هر پنج شنبه به پیشگاه خداوند عرضه می کنم.

حدیث:

- 909 عن عبدالله بن ابیان قال : قلت للرضا عليه السلام ان قوما من موالیک سالونی ان تدعوا الله لهم فقال و الله انی لا عرض اعمالهم على الله فى كل يوم.  
(ثم كتاب الجهاد بقلم مولفه محمد الحر)

ترجمه:

- 909 عبدالله بن ابیان گوید: به امام رضا عليه السلام عرض کرد: همانا گروهی از دوستداران شما از من درخواست نموده اند که (به شما عرض کنم) (برای آنان در درگاه خداوند دعا کنی، حضرت فرمود: به خدا سوگند که من در هر روز اعمال آنها را بر خداوند عرضه می کنم.